

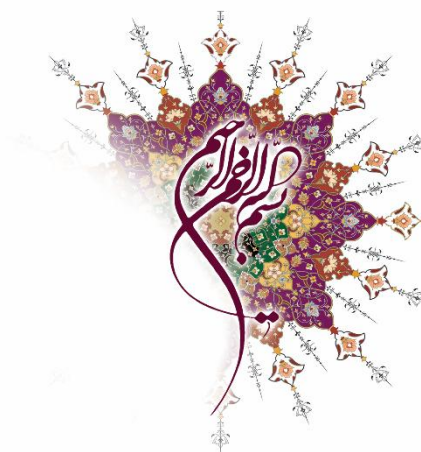
# حسابداری و سفافیت مالی

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۱-۲۴۵۳

دوره ۳ / شماره دوم / تابستان ۱۴۰۴ / پیاپی ۸

- نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی  
علی سردار انطیقه چی، علیرضا مهرآذین، امیر شمس، و زهرا نوری توپکانلو  
۱-۲۳
- نقش شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در رشد سودآوری پایدار  
یونس امجدیان و سید عباس برهانی  
۲۴-۴۸
- ارائه الگوی علمی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی: رویکرد تحلیل مضمون و دیمتل  
مونا طلایی، عباسعلی پورآقاچان و سیدرسول معصومی  
۴۹-۷۶
- بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی کشور عراق با توجه به نقش میانجی فرسایش توان ذهنی  
سوزان میری محلول، رحمان ساعدی، عادل صبحی عبدالقادر و میثم عرب زاده  
۷۷-۹۵
- بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران عامل و وقوع سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با در نظر گرفتن تأثیر قدرت مدیریتی و عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت  
آناهیتا زندگی  
۹۶-۱۲۵
- شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی  
رضا شمگانی و بهاره بنی طالبی دهکردی  
۱۲۶-۱۵۵





فصلنامه حسابداری و مالیات مالی

دوره ۳ شماره دوم تابستان ۱۴۰۶، پیاپی ۸

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر

مدیر مسئول: دکتر مهدی ساریخانی

سرمدیر: دکتر رضوان حجازی

مدیر داخلی: دکتر روح اله نوذری

کارشناس نشریه: فاطمه کریمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر سید حسین ابطحی	استاد مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر زهره حاجیها	استاد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
دکتر مهدی خیراندیش	استاد مدیریت دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری
دکتر رینی رینی	دانشیار حسابداری، دانشگاه دولتی اسلامی سیریف هدایت الله جاکارتا، اندونزی
دکتر غلامرضا زندی	دانشیار حسابداری دانشگاه کوالالامپور مالزی
دکتر محمدحسین ستایش	استاد حسابداری دانشگاه شیراز
دکتر علی سعیدی	دانشیار حسابداری دانشگاه مینسوتا آمریکا
دکتر داریوش فروغی	استاد حسابداری دانشگاه اصفهان
دکتر نظام الدین فقیه	استاد مدیریت دانشگاه شیراز
دکتر هاشم ولی پور	دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد
دکتر سید عباس هاشمی	دانشیار حسابداری دانشگاه اصفهان
دکتر سعید همایون	دانشیار حسابداری دانشگاه گاول (یول) سوئد

آدرس نشریه: فارس، صفاشهر، بولوار وحدت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر. کد پستی: ۷۳۹۶۱۶۶۵۶۱

تلفن: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۶ دورنگار: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۹ درگاه الکترونیکی نشریه: <https://sanad.iau.ir/Journal/aft>

این نشریه بر اساس مصوبه چهل و نهمین جلسه کمیسیون تعیین اعتبار نشریات حوزه علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ مجوز انتشار دارد.

داوران این شماره:

- دکتر شکوفه اعتبار
- دکتر بهاره بنی طالبی دهکردی
- دکتر روح اله بهارلو
- دکتر عسگر پاک مرام
- دکتر اکرم تفتیان
- دکتر محمد ابراهیم راعی عزآبادی
- دکتر محسن دستگیر
- دکتر مهدی ساریخانی
- دکتر نسیم شاه مرادی
- دکتر مسعود فولادی
- دکتر ملک تاج ملکی اسکوئی

## راهنمای تدوین مقاله

مقاله نتیجه‌ی تلاش و پژوهش‌های علمی نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله قبلاً در هیچ یک از مجلات و همایش‌ها چاپ و ارائه نشده باشد و هم‌زمان برای سایر مجلات و همایش‌ها نیز ارسال نشده باشد.

در تدوین مقاله، رعایت نکات زیر برای نویسنده (نویسندگان) گرامی الزامی است (برای دریافت الگوی نشریه [اینجا](#) کلیک کنید):

۱. عنوان: عنوان مقاله باید مختصر و متناسب با محتوای مقاله تنظیم گردد.
  ۲. اسامی نویسندگان: در خصوص درج اسامی نویسندگان در فایل مقاله به نکات زیر توجه نمایید:
    - ضروری است در ثبت نام اولیه، اطلاعات دقیق نویسنده (نویسندگان) ذکر شود. پس از ارسال مقاله، هر گونه تغییر در نام، پست الکترونیکی، ترتیب و تعداد نویسندگان امکان‌پذیر نمی‌باشد.
  ۳. در هنگام ارسال فایل مقاله، نام، وابستگی سازمانی و ایمیل نویسندگان (نویسنده مسئول باید ایمیل دانشگاهی داشته باشد) را در قالب فایلی با عنوان "مشخصات نویسندگان" ارسال نمایید.
  ۴. چکیده فارسی: حداقل ۲۰۰ کلمه و حداکثر ۲۵۰ کلمه شامل هدف، روش‌شناسی، یافته‌ها و دانش افزایی.
  ۵. چکیده انگلیسی: حداقل ۳۰۰ کلمه و حداکثر ۳۵۰ کلمه با رعایت مطابقت متن فارسی و انگلیسی.
  ۶. کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه که با کاما (،) از هم جدا شده و در یک خط و به ترتیب حروف الفبا باشند.
  ۷. طبقه‌بندی موضوعی: برای تهیه طبقه‌بندی موضوعی کافی است کلمات کلیدی مهم را به انگلیسی و به صورت تخصصی در [اینجا](#) جستجو کنید تا معادل و اختصار آن را پیدا کنید.
  ۸. متن مقاله: در تنظیم متن مقاله، مطالب بر اساس تیتروهای زیر تنظیم می‌گردد:
    - مقدمه: ارائه زمینه و دیدگاه درباره موضوع، اهمیت و بیان هدف و مساله پژوهش.
    - مبانی نظری و پیشینه پژوهش: تعاریف مفهومی، نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط به گونه‌ای که پشتیبانی‌کننده فرضیه‌ها و مدل مفهومی باشد.
    - فرضیه‌های پژوهش: این بخش شامل فرضیه‌سازی بر اساس مبانی نظری و خلاصه پژوهش‌ها می‌باشد.
    - روش‌شناسی پژوهش: طرح پژوهش، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، جامعه، نمونه، مدل و متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آنها به‌طور مفصل ارائه شود.
    - یافته‌های پژوهش: گزارش اطلاعات جمعیت‌شناسی، نتایج تحلیل‌های آماری مدل و فرضیه‌های پژوهش.
    - بحث و نتیجه‌گیری: ارائه یافته‌های پژوهش و مقابله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، پیشنهادها کاربردی و پژوهش‌های آتی و محدودیت‌های پژوهش آورده شود.
  ۹. فهرست منابع: منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده شده است، مطابق ضوابط APA به شرح زیر تنظیم شوند:
    - روش منبع‌نویسی بر حسب الفبایی و مطابق با الگوی APA باشد.
    - منابعی که به زبان فارسی منتشر شده است، در قسمت انگلیسی نیز ترجمه و از عبارت [In Persian] در انتهای منبع استفاده شود.
    - ضروری است شناسه منحصر به فرد مقالات (DOI یا DOR) در انتهای مقالات درج گردد.
- ارسال فایل‌های تکمیلی از جمله پرسشنامه، داده‌ها و خروجی آماری ضروری است.

فهرست مطالب

۱-۲۳		<input type="checkbox"/> نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی علی سردار انطیقه چی، علیرضا مهرآذین، امیر شمس و زهرا نوری توپکانلو
۲۴-۴۸		<input type="checkbox"/> نقش شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در رشد سودآوری پایدار یونس امجدیان و سید عباس برهانی
۴۹-۷۶		<input type="checkbox"/> ارائه الگوی علی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی: رویکرد تحلیل مضمون و دیمتل مونا طلایی، عباسعلی پورآقاجان و سیدرسول معصومی
۷۷-۹۵		<input type="checkbox"/> بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات حسابرسی کشور عراق با توجه به نقش میانجی فرسایش توان ذهنی سوزان میری مجلول، رحمان ساعدی، عادل صبحی عبدالقادر و میثم عرب زاده
۹۶-۱۲۵		<input type="checkbox"/> بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران عامل و وقوع سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با در نظر گرفتن تأثیر قدرت مدیریتی و عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت آناهیتا زندی
۱۲۶-۱۵۵		<input type="checkbox"/> شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی رضا شمگانی و بهاره بنی طالبی دهکردی

## The moderating role of company life cycle on the relationship between readability of audit reports and readability of financial statements

Ali Sardar Antiquechi<sup>1</sup>, Alireza Mehrazeen<sup>2,✉</sup>, Amir Shams<sup>2</sup>, Zahra Noori Tupkanloo<sup>3</sup>

1. PhD student of Accounting, Department of Accounting, Ne.C., Islamic Azad University, Neyshabour, Iran.

2. Department of Accounting, Islamic Azad University, Ne.C., Neyshabour, Iran.

3. Department of Economics, Ne.C., Islamic Azad University, Neyshabour, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p><b>Received:</b> 26 January 2025 <b>Revised:</b> 30 May 2025 <b>Accepted:</b> 7 June 2025</p> <p><b>Keywords:</b> Audit report readability, company life cycle, financial statement readability</p> <p><b>JEL Classification:</b> M41</p>	<p><b>Purpose:</b> The disclosure of complex information in financial statements reduces readability, thereby hindering investors' ability to process the information. This study investigates the moderating role of company life cycle on the relationship between audit report readability and financial statement readability.</p> <p><b>Methodology:</b> To test the research hypotheses, financial statements were extracted from the Tehran Stock Exchange website, related databases, Rahavard Novin software, and Stock Exchange Comprehensive Data. Data for companies were collected from 2015 to 2022. EViews software was used to analyze the relationship between the variables.</p> <p><b>Findings:</b> The findings indicate a positive and significant relationship between auditor report readability and financial statement readability. Conversely, the company life cycle exhibits a negative and significant association with financial statement readability. Importantly, the negative interaction effect between company life cycle (specifically, the growth stage) and auditor report readability suggests that the positive influence of clear auditor reports on financial statement clarity is diminished in companies experiencing growth.</p> <p><b>Originality:</b> Since the comparability of financial statements improves with the improvement of the life cycle in the maturity stage, it is expected that the readability of financial reporting will also enhance accordingly.</p>

**Cite this paper:** Sardar Antiquechi, A., Mehrazeen, A., Shams, A., & Noori Tupkanloo, Z. (2025). The moderating role of company life cycle on the relationship between readability of audit reports and readability of financial statements. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(2), 1–23. <https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1197681> [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: mehrazeen@gmail.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## Introduction

This study aims to investigate the moderating role of the company life cycle on the relationship between audit report readability and financial statement readability and examines how and to what extent different stages of the life cycle affect this relationship. The goal is to provide insights into how to improve the quality of companies' financial information at different stages of the life cycle and .increase the transparency of their reporting As information usage has expanded, concerns have arisen about efficient disclosure, textual coherence, and the effectiveness of reports for different audiences (Lehavy *et al.*, 2011; Hesarzadeh & Rajabalizadeh, 2019). In developed countries such as the United States, regulatory bodies (Securities and Exchange Commission) have developed guidelines to facilitate the understanding of financial reports by investors (Firtel, 1999). The United States Securities and Exchange Commission takes complex corporate reports seriously and in 1967 formed a group to improve the readability of disclosures. The Witt Report (1969) recommended that companies avoid publishing long and complex reports (Ajina *et al.*, 2016). The Chairman of the Securities and Exchange Commission, Christopher Cox, also emphasized the use of clarity criteria for simple communication. Rezvani & Parandak (2019) believe that the Iranian Securities and Exchange Commission should also develop a guideline like the US Securities and Exchange Commission's "Plain English" guideline to increase the readability of financial statements for investors and listed companies and reduce audit costs. Given the importance of financial statement readability in economic decision-making, it is essential to identify the factors affecting it. This study examines the moderating role of the company life cycle on the relationship between audit report readability and financial statement readability.

## Methodology

This research is a post-event study, classified as positive accounting research, conducted using real data extracted from the financial statements of companies listed on the Tehran Stock Exchange. Methodologically, this study is descriptive and correlational, as it aims to examine the relationship between independent and dependent variables.

To collect the required information, the library method and document review were first used. In this regard, theoretical foundations and research literature were collected by studying specialized books and journals. Then, the necessary data were extracted to test the hypotheses.

After collecting, the data were transferred to Excel software and after performing the necessary calculations, they were prepared for final analysis. Finally, the EViews econometric software was used to analyze the data.

## Results

The results showed that the readability of the auditor's report has a positive and significant effect on the readability of financial statements, and the company's life cycle has a negative and significant effect on the readability of financial statements. However, these two coefficients are not very interpretable due to the existence of interaction effects. By examining the interaction effects of the company's life cycle and the readability of the audit report, it is observed that this coefficient is -0.009. Also, the t-statistic indicates the significance of the interaction effect coefficient at the 95% probability level. Given that the interaction effect coefficient is negative and the auditor's report's readability coefficient is positive, it can be said that the company's life cycle (growth cycle) weakens the positive effects of the auditor's report's readability on the readability of financial statements.

## Conclusions

The study shows that there is a positive and significant relationship between the readability of the auditor's report and the readability of financial statements. This indicates that the effectiveness of the audit report is closely related to how its content is understood. When audit reports are clear and concise, it enhances communication between auditors and users of financial information. This effective communication is crucial to ensuring that stakeholders can accurately interpret the financial health of a company based on the reports provided. In addition, auditors tend to emphasize the importance of improving the readability of financial statements, especially when faced with increasing complexity and ambiguity in the text. In situations where financial statements are complex or difficult to navigate, auditors advocate for better disclosure practices to enhance clarity. This insistence on improving readability is not only in the auditors' own interests, but also ensures that users can understand the essential information needed to make informed decisions. Ultimately, increasing the readability of audit reports and financial statements fosters a more transparent and effective financial communication process. The results of testing this hypothesis are consistent with the results of the research of [Lo et al. \(2018\)](#), [Boubaker et al. \(2019\)](#), and [Salehi et al. \(2022\)](#).

The results of the second and third hypotheses of the research show that there is a negative and significant relationship between the company life cycle and the readability of financial statements, and the company life cycle moderates the relationship between the readability of the auditor's report and the readability of financial statements. This finding, which is contrary to our initial expectations, emphasizes a complex interaction between the life cycle stage and the readability of financial reporting. Each stage of a company's life cycle is influenced by distinct factors, including strategic

initiatives, available resources, and the competitive environment. These elements contribute to different organizational structures and systems and create specific representational issues that ultimately shape the financial reporting process ([Habib & Hassan, 2017](#)). This dynamic environment complicates the comparison of companies at different stages of the life cycle, as each stage brings its own unique context and challenges. In the maturity stage, companies tend to establish strong organizational structures, strengthen their internal controls, and employ skilled personnel ([Coulton & Ruddock, 2011](#); [Hanks, 1990](#); [Krishnan et al., 2021](#)). These developments facilitate the preparation of more comparable financial statements, as mature firms typically experience stable cash flows and consistent profitability ([Dickinson, 2011](#); [Habib & Hassan, 2019](#)). Such stability allows managers to estimate future revenues and expenses more accurately, thus increasing comparability within the industry. However, it is important to note that the presence of skilled employees in mature firms can also lead to more effective opportunistic earnings management practices. This capability may improve the readability of financial statements at this stage, but over time, as employees become more skilled, the incidence of opportunistic behavior may decrease. Consequently, while mature firms may have the means to produce clearer reports, the nuances of earnings management can still complicate their overall readability. The result obtained from testing this hypothesis is indirectly inconsistent with the results of research by [Biswas et al. \(2022\)](#).

### Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

### Data Availability Statement



The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

### ***Acknowledgements***

The authors would like to thank all reviewers in the present study.

### ***Ethical Considerations***

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

### ***Funding***

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

### ***Conflict of Interest***

The authors declare no conflict of interest.



## نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی

علی سردار<sup>۱</sup>، علیرضا مهرآذین<sup>۲</sup>، امیر شمس<sup>۳</sup>، زهرا نوری توپکانلو<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۲. گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۳. گروه اقتصاد، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>هدف:</b> افشای اطلاعاتی که از نظر محتوا پیچیده است، خوانایی گزارش‌های مالی را کاهش می‌دهد که این امر سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاران در پردازش اطلاعات مالی با مشکل مواجه شوند. از این رو، هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی است.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از طریق مراجعه به صورت‌های مالی، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه‌های مرتبط و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بانک جامع اطلاعات بورس استخراج شد. بازه زمانی شرکت‌ها از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ در نظر گرفته شد. به منظور بررسی رابطه‌ی بین متغیرها از نرم افزار ایویوز استفاده شده است.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خوانایی گزارش حسابرسی تأثیر مثبت و معنادار بر خوانایی صورت‌های مالی دارد و چرخه عمر شرکت تأثیر منفی و معنادار بر خوانایی صورت‌های مالی دارد. هم‌چنین، با توجه به اینکه ضریب اثرات تعاملی منفی و ضریب خوانایی گزارش حسابرسی مثبت است، می‌توان گفت که چرخه عمر شرکت (چرخه رشد) موجب تضعیف اثرات مثبت خوانایی گزارش حسابرسی بر خوانایی صورت‌های مالی می‌شود.</p> <p><b>دانش‌افزایی:</b> با توجه به اینکه با بهبود چرخه عمر در مرحله بلوغ قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بهبود پیدا می‌کند، از این رو انتظار می‌رود خوانایی گزارشگری مالی نیز بهبود پیدا کند.</p>	<p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۳/۱۱/۰۷</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۰۳/۰۹</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۰۳/۱۷</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> چرخه عمر شرکت، خوانایی گزارش حسابرسی، خوانایی صورت‌های مالی</p> <p><b>طبقه‌بندی موضوعی:</b> M41</p>
<p>استناد: سردار، علی، مهرآذین، علیرضا، شمس، امیر، و نوری توپکانلو، زهرا (۱۴۰۴). نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۳(۲)، ۲۳-۱. <a href="https://doi.org/10.71965/aft.2025.1197681">https://doi.org/10.71965/aft.2025.1197681</a></p>	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: mehrazeeen@gmail.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## مقدمه

در دنیای امروز، اطلاعات مالی شفاف و قابل فهم برای تصمیم‌گیرندگان سرمایه‌گذاری و اعتباردهندگان از اهمیت بالایی برخوردار است. خوانایی گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی، به‌عنوان شاخص‌هایی از کیفیت و قابلیت فهم این اطلاعات، نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و اعتباردهی ایفا می‌کنند (تان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۵). با این حال، چرخه عمر شرکت، به‌عنوان یک متغیر تعدیلی مهم، می‌تواند بر این رابطه تأثیرگذار باشد. شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر خود، با چالش‌ها و فرصت‌های متفاوتی مواجه می‌شوند که ممکن است بر شیوه ارائه اطلاعات مالی (روی‌ز والرو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۵) و در نتیجه، خوانایی گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی، تأثیرگذار باشد. افزایش استفاده از اطلاعات، منجر به نگرانی‌هایی در مورد افشای کارآمد و همچنین اثربخشی انسجام متنی و انسجام گزارش‌های ارائه شده برای طیف وسیعی از کاربران شده است (له‌وی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ حصارزاده و رجبعلی زاده، ۲۰۱۹). به گونه‌ای که در کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، مقامات (کمیسیون بورس و اوراق بهادار) دستورالعمل‌ها و کتاب‌هایی را منتشر کرده‌اند تا گزارش‌های مالی را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قابل درک‌تر کنند (فیرتل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا درباره گزارش‌های پیچیده شرکتی، بسیار سخت‌گیرانه برخورد می‌کند. این کمیسیون در سال ۱۹۶۷ یک گروه مطالعاتی برای ارائه رهنمودهایی به منظور بهبود خوانایی و قابلیت فهم رویه‌های افشای شرکت‌ها تشکیل داد. نتایج این گزارش‌ها که در سال ۱۹۶۹ با عنوان گزارش ویت منتشر شد، توصیه می‌کرد از آنجا که همه سرمایه‌گذاران قادر به فهم سریع گزارش‌های پیچیده شرکت‌ها نیستند، لذا شرکت‌ها باید از انتشار گزارش‌های پیچیده طولانی و یا زاید خودداری نمایند (آجینا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده در مورد گزارش‌های بیش از حد پیچیده شرکت بسیار صریح بوده است. کریستوفر کاکس، رئیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار، استفاده از معیارهای مستقیم و وضوح روایت را برای تقویت ارتباطات ساده انگلیسی پیشنهاد کرد. رضوانی و پرندک (۱۳۹۸) نیز بیان کردند که ضرورت وضع دستورالعملی مشابه دستورالعمل «کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا» توسط سازمان بورس و اوراق بهادار ایران برای کمک به افزایش خوانایی صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران، ذینفعان و به خصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس برای کاهش هزینه‌های حسابرسی ضروری است. بنابراین، با توجه به این مطالب، شناسایی عوامل اثرگذار بر خوانایی صورت‌های مالی به علت تأثیر به سزای خوانایی بر تصمیم‌گیری اقتصادی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، در این پژوهش نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی بررسی می‌شود. فکفک<sup>۶</sup> (۲۰۱۶) نشان داد که گزارش‌های حسابرسی برای اکثر استفاده‌کنندگان قابل درک نیست. خوانایی گزارش حسابرسی به میزان قابل توجهی به خوانایی صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت کمک می‌کند. مدیران از افشای اختیاری به عنوان ابزاری برای کاهش اثرات منفی نمایندگی و به عنوان مکانیزمی برای سیگنال دادن به بازار سرمایه برای بهبود تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند است (محمدزاده مقدم و

1. Tan

2. Ruiz-Valero

3. Lehavy

4. Firtel

5. Ajina

6. Fakhfakh

همکاران، ۲۰۲۵). بنابراین، شفافیت و توانایی درک بخش قابل توجهی از اطلاعات برای درک و تفسیر اطلاعات ارائه شده در متن صورت‌های مالی حیاتی است (لو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). در نتیجه، مسئله اول این پژوهش این است که آیا خوانایی گزارش حسابرسی تأثیر مثبتی بر خوانایی گزارشگری مالی دارد؟ علاوه بر این، شرکت‌های مرحله بلوغ ساختارهای سازمانی، کنترل‌های داخلی بهتر و کارکنان ماهر ایجاد می‌کنند (کولتون و رادوک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ هنکس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰)، که همگی تهیه صورت‌های مالی قابل مقایسه را تسهیل می‌کنند. علاوه بر این، جریان‌های نقدی ثابت و سودآوری شرکت‌های بالغ (دیکینسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱؛ حبیب و حسن، ۲۰۱۹) به مدیران کمک می‌کند تا درآمدها و هزینه‌های آتی را با دقت بیشتری برآورد کنند، بنابراین، قابلیت مقایسه بین همتایان صنعت را افزایش می‌دهند. از این رو، با توجه به اینکه با بهبود چرخه عمر در مرحله بلوغ، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بهبود پیدا می‌کند، انتظار می‌رود خوانایی گزارشگری مالی نیز بهبود پیدا کند. این پژوهش با هدف بررسی نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی، به بررسی چگونگی و میزان تأثیر مراحل مختلف چرخه عمر بر این رابطه می‌پردازد. هدف نهایی، ارائه بینش‌هایی در مورد چگونگی بهبود کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها در مراحل گوناگون چرخه عمر و افزایش شفافیت گزارش‌دهی آن‌ها است. در این پژوهش ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه شده و براساس آن، فرضیه‌های تحقیق بیان می‌شود. در ادامه روش‌شناسی پژوهش شامل جامعه و نمونه آماری ارائه می‌شود. سپس، نحوه اندازه‌گیری متغیرها و طرح آزمون فرضیه‌ها بیان می‌شود. در بخش پایانی نیز پس از بیان یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

### مبانی نظری و بیان فرضیه‌ها

خوانایی گزارش حسابرسی با خوانایی صورت‌های رابطه دارد. چرخه عمر شرکت نیز به عنوان متغیر تعدیلی، می‌تواند بر این رابطه تأثیر بگذارد. در مراحل مختلف چرخه عمر، مانند رشد، بلوغ یا انحطاط، نیازها و اولویت‌های ذینفعان و همچنین الزامات گزارشگری مالی و حسابرسی، متفاوت است که این امر می‌تواند بر خوانایی گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی تأثیر بگذارد. به طور مثال، در مراحل اولیه چرخه عمر، تمرکز بیشتر روی جذب سرمایه و رشد است که ممکن است منجر به گزارشگری پیچیده تر و در نتیجه خوانایی پایین تر شود. در ادامه این مفاهیم تشریح می‌شوند.

#### خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی گزارشگری مالی

خوانایی به معنای شانس موفقیت خواننده در خواندن و درک یک متن است. هدف اصلی مطالعه خوانایی، برآورد سختی خواندن و درک یک متن برای یک جامعه خاص از جمله کودکان، دانش آموزان، زبان آموزان خارجی، افراد دارای ناتوانی ذهنی و غیره است، این امر با ارزیابی ویژگی‌های زبانی یک متن قابل دستیابی است (فرانسوا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). خوانایی متون باید از خوانایی خواننده پیروی کند که متن برای او نوشته شده است. در مطالعات حسابرسی، خوانایی معمولاً میزان پیچیدگی در سبک نوشتاری است که بر درک خواننده از متن تأثیر می‌گذارد (آسای<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۷).

<sup>1</sup>. Lo

<sup>2</sup>. Coulton & Ruddock

<sup>3</sup>. Hanks

<sup>4</sup>. Dickinson

<sup>5</sup>. François

<sup>6</sup>. Asay

پاوند<sup>۱</sup> (۱۹۸۱) یکی از اولین مطالعات را در مورد خوانایی گزارش حسابرسی انجام می‌دهد، جایی که گزارش‌های حسابرسی را ابزاری برای انتقال مفاهیم از حساب‌برسان به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌داند. کارایی گزارش حسابرسی تابعی از خوانایی و سهولت درک مطالب است. ارتباط مناسب بین حساب‌برسان و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی زمانی اتفاق می‌افتد که پیام‌ها همانطور که حساب‌برسان انتظار دارند به گیرندگان تحویل داده شود. با این حال، زمانی که حساب‌برسان با پیچیدگی و ابهام فزاینده‌ای در متن صورت‌های مالی مواجه می‌شوند، گزارش حسابرسی را با تأخیر منتشر می‌کنند تا ریسک حسابرسی را کاهش دهند (آبرتانلی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). ناخوانا بودن گزارش حسابرسی می‌تواند به درک کاربران آسیب برساند و کیفیت تصمیم‌گیری آنها را با مشکل مواجه کند. محتوای گزارش حسابرسی به دلیل پیامدهایی که برای کاربران دارد، حیاتی است و استفاده از کلمات قابل فهم و عدم استفاده از عبارات پیچیده و دشوار بسیار موثر است (محمدزاده مقدم و همکاران، ۲۰۲۵). فخفخ (۲۰۱۶) به انتقاداتی در مورد قابل فهم بودن گزارش‌های حسابرسی اشاره می‌کند و مشکلات زبانی گزارش‌های حسابرسی را در صورت‌های مالی ترکیبی ارائه شده بر اساس استانداردهای حسابرسی بین‌المللی شماره ۷۰۰ تحلیل می‌کند. وی دریافت که الزامات استاندارد در تضاد با اصول زبانی است. حساب‌برسان باید سعی کنند خوانایی گزارش‌های خود را بهینه کرده و استانداردهای مذکور را تا حد ممکن حفظ کنند. به عبارتی، خوانایی گزارش حسابرسی به میزان قابل توجهی به خوانایی صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت کمک می‌کند. مدیران از افشای اختیاری به عنوان ابزاری برای کاهش اثرات منفی نمایندگی و به عنوان مکانیزمی برای سیگنال دادن به بازار سرمایه برای بهبود تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. بنابراین، شفافیت و توانایی درک بخش قابل توجهی از اطلاعات برای درک و تفسیر اطلاعات ارائه شده در متن صورت‌های مالی حیاتی است (لو و همکاران، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، پیچیدگی صورت‌های مالی پیشنهادی توسط مدیریت می‌تواند به میزان ناخوانا/خواندنی گزارش‌های حسابرسی کمک کند. افشای اطلاعاتی که از نظر محتوا پیچیده است، خوانایی گزارش‌های مالی را کاهش می‌دهد و انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاران در پردازش اطلاعات مالی با مشکل مواجه شوند و سودمندی آنها را کاهش دهند (بابکر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

از لحاظ نظری، گزارش‌های سالانه یک پل ارتباطی ضروری بین مدیریت و سهامداران خارج از شرکت است. سرمایه‌گذاران خارج از شرکت و سهامداران کوچک می‌توانند از طریق گزارش‌های سالانه در مورد وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان نقدی اطلاعات جمع‌آوری کنند و به دنبال آن، چشم‌انداز رشد و صلاحیت شرکت را ارزیابی کنند (لو و همکاران، ۲۰۱۸). همه سرمایه‌گذاران قادر به درک سریع گزارش‌های پیچیده نیستند. بنابراین، شرکت‌ها باید از انتشار گزارش‌های پیچیده، طولانی یا غیر ضروری خودداری کنند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶). تا زمانی که اطلاعات درک نشود، دیگر امکان استفاده از آن وجود نخواهد داشت. بنابراین یکی از عوامل حیاتی برای به دست آوردن اطلاعات قابل فهم، خواندن و پردازش صحیح مطالب در حین مطالعه است. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از حساب‌برسان مستقلاً که مسئول اعتبار دهی صورت‌های مالی هستند، انتظار دارند که قابلیت اتکای صورت‌های مالی را ارزیابی کرده و گزارش حسابرسی را به روشی قابل فهم و خوانا ارائه کنند (لو و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو،

<sup>1</sup>. Pound

<sup>2</sup>. Abernathy

<sup>3</sup>. Boubaker

می‌توان نتیجه گرفت که خوانایی صورت‌های مالی بر خوانایی گزارش حسابرسی تأثیر می‌گذارد. خوانایی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد و خوانایی کم می‌تواند مانع درک سرمایه‌گذاران از گزارش‌های مالی شود. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به‌ویژه سرمایه‌گذاران، اطلاعات پیشنهادی شرکت‌ها را ارزیابی می‌کنند تا نیازهای اطلاعاتی را برآورده کنند و به‌طور مناسب تصمیم بگیرند. اگر اطلاعات به تصمیم‌گیری کمک کند، ممکن است قابل درک باشد (محمدزاده مقدم و همکاران، ۲۰۲۵). به‌طور خلاصه، ارزش اطلاعات موجود در یک متن تنها زمانی قابل درک است که خوانایی متن بالا باشد. صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌تواند اطمینان حاصل کند که سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قابل اعتماد هستند. از این رو، حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند ارزش اقتصادی افزوده‌ای را برای یک شرکت به همراه داشته باشد. مطالعات انجام شده در مورد خوانایی صورت‌های مالی و خوانایی گزارش حسابرسی به شرح زیر است: اسمیت و تافلر<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که خوانایی گزارش حسابرسی، علاوه بر متغیرهای خارجی از جمله استانداردها، تحت تأثیر تخصص و اندازه مؤسسه حسابرسی است. صالحی و همکاران (۲۰۲۲) بین ویژگی‌های حسابرس (مدت تصدی، پاداش و تخصص) و خوانایی گزارش حسابرسی رابطه منفی و معناداری یافت. همچنین متغیرهای خودشیفتگی، اعتماد به نفس و تغییر حسابرس اجباری با خوانایی گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند. لو و همکاران (۲۰۱۸) همچنین مشاهده کردند که شرکت‌هایی با خوانایی بهتر در گزارش‌های سالانه هزینه‌های نمایندگی کمتری را تجربه می‌کنند و رابطه منفی بین خوانایی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌هایی با کیفیت حسابرسی بالا پیدا می‌کنند. آبرتانی و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند که کیفیت خوانایی صورت‌های مالی ارتباط مستقیمی با زمان انجام حسابرسی، هزینه‌های آن و احتمال بروز مشکلات آینده دارد. شرکت‌هایی که یادداشت‌های توضیحی کمتری و با خوانایی ضعیف دارند، با تأخیر بیشتر در گزارش حسابرسی، هزینه‌های حسابرسی بالاتر و احتمال بیشتری برای دریافت اظهار نظر اصلاح‌شده در مورد تداوم فعالیت مواجه هستند. علاوه بر این، خوانایی ضعیف یادداشت‌های توضیحی با افزایش احتمال بروز تحریف‌های مالی و دعاوی حقوقی مرتبط با حسابداری در آینده مرتبط است. از این رو، می‌توان استنباط کرد که خوانایی گزارش حسابرس و خوانایی صورت‌های مالی با یکدیگر در ارتباط هستند. به عبارتی، خوانایی خوب و قابل فهم صورت‌های مالی، به حسابرس کمک می‌کند تا اطلاعات را سریع‌تر و دقیق‌تر تجزیه و تحلیل کند. این امر منجر به گزارش حسابرسی کوتاه‌تر، واضح‌تر و با هزینه کمتر می‌شود. برعکس، صورت‌های مالی پیچیده و با خوانایی ضعیف، به حسابرس زمان و منابع بیشتری برای بررسی و تأیید اطلاعات نیاز دارد که باعث افزایش زمان حسابرسی و هزینه‌های آن می‌شود و همچنین احتمال بروز خطا و عدم شفافیت را افزایش می‌دهد. در نتیجه، خوانایی خوب صورت‌های مالی، مستقیماً با خوانایی و کیفیت گزارش حسابرس در ارتباط است (آبرتانی و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، انتظار می‌رود که رابطه دو طرفه‌ای بین خوانایی گزارش حسابرس و خوانایی صورت‌های مالی وجود داشته باشد. به گونه‌ای که هر چه میزان خوانایی گزارش حسابرس بالاتر باشد، خوانایی صورت‌های مالی نیز باید بیشتر باشد. از این رو، فرضیه اول به صورت زیر تبیین می‌شود:

فرضیه اول: بین خوانایی گزارش حسابرس و خوانایی صورت‌های مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

<sup>۱</sup>. Smith & Taffler

### چرخه عمر شرکت و خوانایی صورت‌های مالی

بر اساس تئوری چرخه عمر شرکت، شرکت‌ها از طریق مراحل چرخه عمر متمایز تکامل می‌یابند. درآمدزایی، سودآوری و جریان‌های نقدی در مراحل معرفی و رشد نامشخص هستند. این شرکت‌ها با «مسئولیت نو بودن» مواجه می‌شوند و مستعد خروج از بازار هستند (حبیب و حسن، ۲۰۱۷). شرکت‌های در حال رشد بر روی اصلاح و بهبود محصول به دلیل رقابت شدید تمرکز می‌کنند. شرکت‌هایی که در مرحله افول هستند بیشتر بر بقا تمرکز می‌کنند. در نتیجه، حبیب و حسن (۲۰۱۷) استدلال می‌کنند که شرکت‌ها در مراحل بلوغ، رشد و افول "عملکرد مالی شکننده" را نشان می‌دهند، که ممکن است ارزش سهام سهامداران را به خطر بیندازد. در مقابل، شرکت‌ها در مرحله بلوغ درآمدها و جریان‌های نقدی پایدارتری دارند و بنابراین، عدم اطمینان کلی نسبتاً کمتر است. علاوه بر این، شرکت‌های بالغ دارای پایگاه مشتری بزرگتر و مزایای تنوع هستند که منجر به کاهش ریسک جریان نقدی می‌شود (دیکینسون، ۲۰۱۱). تئوری چرخه عمر همچنین پیشنهاد می‌کند که پاداش کسب سهم بازار برای ایجاد مزیت‌های تقاضا در طول مراحل چرخه عمر شرکت کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، پاداش‌ها در مراحل اولیه چرخه عمر شرکت بیشتر است. بنابراین، به حداکثر رساندن رشد درآمد در مراحل اولیه چرخه عمر شرکت برای ایجاد تقاضای دائمی یا منافع هزینه نسبت به رقبا ضروری است (ورنرفلت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵). در نتیجه، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر نیازمند مهارت‌های مدیریتی، اولویت‌ها، ساختارها و استراتژی‌های متفاوتی هستند (کوپن و کامرون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳). بر این اساس، شرکت‌ها الگوهای جریان نقدی عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تامین مالی متفاوتی را در مراحل مختلف چرخه عمر نشان می‌دهند (دیکینسون، ۲۰۱۱). در این راستا، شواهد تجربی قبلی نشان داده است که چرخه عمر بر نتایج سطح شرکت تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، مراحل مختلف چرخه عمر بر پاسخ بازار سهام به اطلاعات حسابداری (آنتونی و رامش<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). سرمایه‌گذاری، تامین مالی و سیاست‌های نقدی (فاف<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۶)؛ تمایلات ریسک‌پذیری (حبیب و حسن، ۲۰۱۷)؛ اجتناب از مالیات (حبیب و حسن، ۲۰۱۷) و افشای عملکرد مسئولیت اجتماعی (حبیب و حسن، ۲۰۱۷) تأثیر می‌گذارد. لیکن، فقدان شواهد تجربی در مورد اینکه چگونه مراحل مختلف چرخه عمر بر رفتار گزارش‌دهی شرکت تأثیر می‌گذارد، تنها با چند استثنا پژوهشی وجود دارد. هانسن<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که محافظه‌کاری گزارش‌دهی بدون قید و شرط در مراحل چرخه زندگی کاهش می‌یابد. باکریج<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که هر یک از شاخص‌های چرخه زندگی، تعیین‌کننده ویژگی‌های متنی مختلف، مانند پیچیدگی، لحن، و احساس هستند. کریشنان<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۲۱) شیوه‌های گزارشگری مالی با کیفیت پایین‌تر را در مراحل معرفی، رشد و افول در مقایسه با مرحله بلوغ چرخه عمر شرکت مشاهده کردند.

افزون بر مطالب فوق، تئوری چرخه عمر شرکت پیشنهاد می‌کند که شرکت‌ها از طریق یک سری الگوهای قابل پیش‌بینی توسعه پیدا می‌کنند و منابع، قابلیت‌ها، استراتژی‌ها و ساختارهای آنان به طور قابل توجهی با مراحل توسعه

1. Wernerfelt

2. Quinn & Cameron

3. Anthony & Ramesh

4. Faff

5. Hansen

6. Bakarich

7. Krishnan

متفاوت هستند (میلر و فریسن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴؛ کوین و کامرون، ۱۹۸۳). عوامل منحصر به فرد هر مرحله از چرخه عمر انگیزه‌های مختلفی را برای مدیران ارائه می‌دهد تا صورت‌های مالی قابل مقایسه را ارائه کنند. به طور مشابه، سرمایه‌گذاران در هر مرحله از چرخه عمر انتظارات متفاوتی دارند و تقاضاهای آنها برای صورت‌های مالی قابل مقایسه بر این اساس متفاوت است (مارشال<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). در مقابل، شرکت‌هایی که در مراحل معرفی و رشد چرخه زندگی خود هستند، احتمالاً قابلیت مقایسه کمتری را نشان می‌دهند. اول، شرکت‌های مرحله مقدماتی از کمبود دانش در مورد درآمدها و هزینه‌های بالقوه رنج می‌برند. آنها هنوز در حال توسعه شیوه‌های سازمان، فرآیندها، سیستم‌ها، ساختارها، ظرفیت‌ها و مهارت‌های کارکنان هستند (فریمن<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۳)، مواهب اولیه شرکت در مرحله معرفی، مانند منابع پولی و توانایی‌های تکنولوژیکی یا مدیریتی، به عنوان موانعی برای اجرای سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی خوب عمل می‌کنند (کریشنان و همکاران، ۲۰۲۱). دوم، شرکت‌های در حال رشد دارای ساختار سازمانی پیچیده‌ای هستند که هدفشان نوآوری، رشد و تنوع است (دیکینسون، ۲۰۱۱) و در نتیجه، در ایجاد و حفظ سیستم‌های اطلاعات حسابداری سالم مشکل دارند (دویل<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). در نتیجه، شرکت‌هایی در مرحله معرفی و رشد نسبت به هم‌تایان شرکت بالغ خود، صورت‌های مالی کمتر قابل مقایسه‌ای دارند. شرکت‌های در مرحله افول با حاشیه سود بسیار کم یا منفی، سطوح پایین کارایی و بهره‌برداری کم از ظرفیت مشخص می‌شوند (دیکینسون، ۲۰۱۱). در نتیجه، شرکت‌های مرحله افول بیشتر احتمال دارد که صورت‌های مالی کمتر قابل مقایسه‌ای تولید کنند.

در مراحل مختلف چرخه عمر، نیازها و انتظارات ذینفعان (مانند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان) از صورت‌های مالی متفاوت است و این تفاوت در نیازها، بر خوانایی صورت‌های مالی تأثیر می‌گذارد (دکوستا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۵). با توجه به مطالب بالا، شرکت‌های در حال رشد، ممکن است تمرکز بیشتری بر نشان دادن پتانسیل رشد و نوآوری داشته باشند. این می‌تواند به معنای ارائه اطلاعاتی با جزئیات کمتر و تمرکز بر جنبه‌های کیفی باشد. در این مرحله، خوانایی صورت‌های مالی به دلیل پیچیدگی کمتر و تمرکز بر نمایش پتانسیل، ممکن است بالاتر باشد. اما در عین حال، مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های در این مرحله با هم و با شرکت‌های دیگر در مرحله بلوغ، دشوارتر می‌شود. از طرفی، در مراحل میانی (بلوغ) شرکت‌ها معمولاً ساختار و فرایندهای خود را تثبیت کرده‌اند. لذا انتظار می‌رود صورت‌های مالی دقیق‌تر، شفاف‌تر و قابل مقایسه‌تر باشند (بیسواس<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). خوانایی صورت‌های مالی در این مرحله به دلیل استقرار استانداردها و رویه‌ها، بالا است. اما، ساختارهای پیچیده و فعالیت‌های متنوع، می‌توانند پیچیدگی صورت‌های مالی را افزایش دهند. در واقع، چرخه عمر شرکت بر نوع اطلاعاتی که مدیران برای ارائه صورت‌های مالی در نظر می‌گیرند و همچنین نوع انتظاری که سرمایه‌گذاران از صورت‌های مالی دارند، تأثیر می‌گذارد (رویز والرو و همکاران، ۲۰۲۵). این تفاوت‌ها، میزان خوانایی و قابل فهم بودن صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، شرکت‌های نوپا ممکن است بر روی نمایش نوآوری و پتانسیل خود تمرکز کنند که ممکن است منجر به گزارش‌های کمتر قابل مقایسه با شرکت‌های دیگر شود. در مقابل، شرکت‌های تثبیت شده در مرحله بلوغ،

1. Miller & Friesen

2. Marshall

3. Freeman

4. Doyle

5. da Costa

6. Biswas



برای نمایش عملکرد پایدار و قابل پیش‌بینی خود، به ارائه صورت‌های مالی با خوانایی بالا و قابل مقایسه نیاز دارند. از این رو، با توجه به اینکه با بهبود چرخه عمر در مرحله بلوغ، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بهبود پیدا می‌کند، انتظار می‌رود خوانایی گزارشگری مالی نیز بهبود پیدا کند. از این رو، فرضیه دوم و سوم به صورت زیر تبیین می‌شود: فرضیه دوم: بین چرخه عمر شرکت و خوانایی صورت‌های مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. فرضیه سوم: چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسان و خوانایی صورت‌های مالی اثر تعدیل مثبت دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش از نوع پس‌رویدادی است که در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ روش، از نوع تحقیق توصیفی است. از میان انواع تحقیق‌های توصیفی، از نوع تحقیق همبستگی است زیرا رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته بررسی می‌شود. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که بر این اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی انگلیسی و فارسی گردآوری گردید. سپس داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های منتخب، لوح‌های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه‌های مرتبط و نیز از نرم‌افزار تدبیر پرداز و ره‌آورد نوین استخراج شد. داده‌ها پس از گردآوری و انتقال به صفحه گسترده Excel و اعمال محاسبات لازم، برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده گردیدند. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم‌افزار اقتصادسنجی EViews استفاده شده است. نمونه این پژوهش به شرح جدول ۱ انتخاب شده است.

جدول ۱. مراحل انتخاب شرکت‌های عضو نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک

تعداد شرکت	محدودیت
۳۹۴	جامعه آماری
(۶۱)	شرکت‌هایی که در تمام سال‌های پژوهش جز شرکت‌های بورسی بودند.
(۴۲)	طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده و سال مالی آن منتهی به پایان اسفند باشد.
(۹۷)	جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشد.
(۳۵)	در هر صنعت برای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی حداقل ۵ شرکت وجود داشته باشد.
(۲۹)	اطلاعات آن در دسترس باشد.
۱۳۰	نمونه نهایی

متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش، شامل متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیلی و کنترلی به شرح زیر اندازه‌گیری

شده‌اند:

خوانایی صورت‌های مالی و خوانایی گزارش حسابرسی: جهت اندازه‌گیری خوانایی گزارش‌های مالی و خوانایی گزارش حسابرسی از شاخص فوگ استفاده می‌شود (رضائی پسته نوئی و صفری گرابلی، ۱۳۹۷). این شاخص نخستین بار توسط لی وارد مبانی نظری حسابداری شد «شاخص فوگ» تابعی از دو متغیر است: میانگین تعداد کلمات در هر جمله و درصد کلمات پیچیده (درصد کلماتی که در یک متن دارای سه سیلاب یا بیشتر هستند). مجموع این مقادیر با ضرب در عدد  $0/4$  متناسب می‌شوند. بنابراین «شاخص فوگ» به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$FOG=0.4(\text{Word per sentence}+\text{percent of complex words})$$

تعداد کلمات هر جمله (با تقسیم کل تعداد کلمات بر تعداد جملات در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی محاسبه می‌شود).

کلمات پیچیده دارای سه هجایی یا بیشتر هستند. جملات طولانی و نسبت زیاد کلمات پیچیده موجب افزایش این شاخص و در نتیجه کاهش خوانایی می‌شود.

۱- انتخاب یک نمونه یک صد کلمه‌ای از ابتدا، یک نمونه یک صد کلمه‌ای از وسط و یک نمونه یک صد کلمه‌ای از اواخر گزارش به صورت تصادفی.

۲- شمارش تعداد جملات هر یک از نمونه‌ها

۳- مشخص کردن متوسط طول جملات از طریق تقسیم تعداد کلمات به تعداد جملات کامل هر نمونه یک صد کلمه‌ای

۴- شمارش تعداد کلمات سه هجایی و بیش از سه هجایی موجود (کلمات پیچیده) در هر کدام از متون یک صد کلمه‌ای.

۵- جمع کردن تعداد کلمات پیچیده با تعداد متوسط کلمات در جملات.

۶- ضرب کردن حاصل جمع تعداد کلمات دشوار و متوسط کلمات در جملات با عدد ثابت  $0/4$ .

۷- انجام محاسبات بندهای ۴، ۵ و ۶ برای هر دو نمونه یک صد کلمه‌ای دیگر.

۸- محاسبه میانگین نتایج هر سه نمونه از طریق جمع کردن و تقسیم به تعداد.

رابطه بین شاخص فوگ و سطح خوانایی بدین شرح است که:  $FOG \geq 18$  یعنی متن قابل خواندن بوده و بسیار پیچیده است؛ ۱۴-۱۸ (متن سخت)؛ ۱۲-۱۴ (متن مناسب)؛ ۱۰-۱۲ (متن قابل قبول) و ۸-۱۰ (متن آسان) است.

چرخه عمر شرکت: متغیر تعدیلی این پژوهش چرخه عمر شرکت (FLC-DUM) است که از شاخص مدل علامت جریانهای نقدی دیکینسون برای محاسبه این متغیر استفاده شد. الگوی دیکینسون (۲۰۱۱) منطبق بر الگوی جریانهای وجه نقد فعالیت‌های عملیاتی (CFO)، سرمایه‌گذاری (CFI) و تأمین مالی (CFF) است.

اگر  $CFO < 0$ ،  $CFI < 0$  و  $CFF > 0$  شرکت در مرحله ظهور؛

و اگر  $CFO > 0$ ،  $CFI < 0$  و  $CFF > 0$  شرکت در مرحله رشد؛

و اگر  $CFO > 0$ ،  $CFI < 0$  و  $CFF < 0$  شرکت در مرحله بلوغ؛

و اگر  $CFO < 0$ ،  $CFI > 0$  و  $CFF \leq 0$  یا  $CFF \geq 0$  شرکت در مرحله نزول؛

و باقی مانده سال شرکت‌ها در مرحله رکود دسته‌بندی می‌شوند.

شرکت‌ها در مرحله ظهور در بورس اوراق بهادار پذیرش نمی‌شوند و در نتیجه داده‌های آن‌ها در دسترس نیست. به همین جهت مراحل ظهور و رشد به صورت یکجا و تحت عنوان مرحله رشد بررسی می‌شود؛ از سوی دیگر مرحله رکود نیز دارای جریان نقدی مشخص و روشنی نیست به همین خاطر شرکت‌های مرحله رکود با شرکت‌های مرحله افول تحت عنوان مرحله افول در نظر گرفته و بررسی می‌شوند (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ جبّاری و نقدی، ۱۳۹۵؛ حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۵). اگر شرکت در مرحله رشد باشد عدد ۱ و سایر مراحل صفر در نظر گرفته می‌شود، و اگر در مرحله بلوغ باشد عدد ۱ و سایر مراحل صفر در نظر گرفته می‌شود، و اگر در مرحله نزول باشد عدد ۱ و سایر مراحل صفر در نظر گرفته می‌شود.

### متغیرهای کنترلی

LEV: اهرم مالی معادل نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

LOSS: زیان ده بودن شرکت، اگر یک شرکت زیان داشت عدد ۱ در غیر این صورت صفر.

ROA: بازده دارایی‌ها معادل نسبت سود خالص به کل دارایی‌های شرکت.

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

Mchange: تغییر مدیر، اگر مدیر تغییر کرده باشد عدد ۱ و اگر نه صفر.

Size: لگاریتم طبیعی فروش خالص شرکت (ریاحی نژاد و توانگر، ۱۴۰۰).

### یافته‌های پژوهش

به منظور درک بهتر ویژگی‌های جامعه آماری مورد بررسی و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، پیش از انجام تحلیل‌های آماری، به توصیف متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. بنابراین، قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، خلاصه‌ای از متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. این جدول شامل شاخص‌هایی است که به توصیف متغیرهای پژوهش کمک می‌کند. شایان ذکر است، متغیرهای پژوهش قبل از ارائه آمار توصیفی، در سطح خطای ۵ درصد نرمال‌سازی شده‌اند.

بر اساس آنچه که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد میانگین خوانایی صورت‌های مالی ۱۶/۴۵۸ است. این عدد بیانگر آن است که اکثر مشاهدات حول این نقطه متمرکز هستند. میانه این متغیر نیز ۱۴/۳۰۷ بوده و بیانگر آن است که نیمی از شرکت‌ها شاخص خوانایی گزارش بیشتر از این میزان و نیمی دیگر خوانایی کمتر از این میزان دارند. افزایش این شاخص بیانگر کاهش خوانایی گزارش حسابرس است. لذا بیشترین خوانایی گزارش حسابرس ۴/۳۸۸ و کمترین میزان ۴۱/۱۴۳ است. انحراف معیار نیز پراکندگی مشاهدات نسبت به میانگین را نشان می‌دهد و برابر با ۱۰/۰۵۹ است. این پراکندگی با توجه به مقادیر حداقل و حداکثر نسبتاً کوچک است. برای خوانایی گزارش حسابرسی نیز میانگین ۱۷/۰۰۹ است. اگر شاخص خوانایی بیشتر از ۱۸ باشد یعنی متن قابل خواندن نبوده و بسیار پیچیده است. این نتایج با مطالعات بنایی قدیم و واعظ (۱۴۰۰) مطابقت دارد که میانگین خوانایی صورت‌های مالی را بر اساس شاخص فوگ ۱۷/۱۵۷ به دست آوردند. با بررسی متغیرهای گسسته که در واقع متغیرهای با ارزش صفر یا یک هستند، می‌توان

مشاهده کرد که ۴۴/۴۲۳ درصد از شرکت های نمونه در مرحله رشد قرار دارند.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش (تعداد مشاهدات: ۱۰۴۰)

متغیرهای پیوسته						
متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
خوانایی صورت‌های مالی	READ	۱۶/۴۵۸	۱۴/۳۰۷	۴۱/۱۴۳	۴/۳۸۸	۱۰/۰۵۹
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۸۶۰	۱۴/۷۴۰	۱۷/۸۵۰	۱۲/۲۶۵	۱/۴۵۶
خوانایی گزارش حسابرسی	DISAUDIT	۱۷/۰۰۹	۱۵/۵۳۳	۷۱/۶۰۰	۵/۷۸۹	۱۶/۸۶۱
اهرم مالی	LEV	۰/۵۳۳	۰/۵۳۶	۰/۸۶۹	۰/۱۷۵	۰/۲۰۰
بازده دارایی	ROA	۰/۱۴۹	۰/۱۲۰	۰/۴۳۹	-۰/۰۴۶	۰/۱۳۷
ارزش بازاری به دفتری	MTB	۵/۰۵۴	۳/۵۱۵	۱۸/۳۳۷	۰/۹۲۹	۴/۵۶۸
متغیرهای گسسته						
متغیر	نماد	تعداد یک	تعداد صفر	درصد یک	درصد صفر	
چرخه عمر شرکت	FLCDUM	۴۶۲	۵۷۸	۴۴/۴۲۳	۵۵/۵۷۷	
زیان	LOSS	۸۷	۹۵۳	۸/۳۶۵	۹۱/۶۳۵	
تغییر مدیر	MCHANGE	۳۴۶	۶۹۴	۳۳/۲۶۹	۶۶/۷۳۱	

### آزمون اف لیمر و هاسمن

در ابتدا به منظور بررسی انتخاب داده‌های تابلویی در برابر داده‌های تلفیقی از آزمون اف لیمر استفاده می‌شود. نتیجه آزمون مذکور در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر

مدل	آماره آزمون F	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون	نتیجه
مدل پژوهش	۴/۳۸۵	(۱۲۹/۹۰۰)	۰/۰۰۰	روش داده‌های ترکیبی

به لحاظ آنکه احتمال آماره آزمون F لیمر، در مدل پژوهش کمتر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد پس مدل داده‌های تابلویی تأیید می‌شود. با توجه به نتایج حاصله و با توجه به تأیید داده‌های ترکیبی، در مدل پژوهش، نیاز به انجام آزمون هاسمن جهت تعیین اثرات تصادفی و اثرات ثابت ضرورت پیدا می‌کند. نتایج این آزمون در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره آزمون F	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون	نتیجه
مدل پژوهش	۵۰/۷۱۹	۱۰	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

با توجه به نتایج آزمون هاسمن در جدول ۴، مشاهده می‌شود که احتمال آماره F برای مدل پژوهش کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. لذا استفاده از داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مدل مورد نظر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### بررسی مفروضات مدل رگرسیون خطی

نتایج حاصل از بررسی مفروضات رگرسیون در جدول ۵ حاکی از موارد زیر است:

در این پژوهش، فرض برابری واریانس خطاها با استفاده از آزمون بروش-پاگان-گودفری مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل از این آزمون، که در جدول ۵ ارائه شده است، نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر همسان بودن واریانس خطاها رد می‌شود. این نتیجه حاکی از وجود مشکل ناهمسانی واریانس در مدل است. به منظور رفع این مشکل، از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده خواهد شد. برای بررسی استقلال خطاها، از آزمون بروش-گادفری بهره گرفته شده است. نتایج این آزمون، که در جدول ۵ آمده است، نشان می‌دهد که مقدار احتمال (p-value) آماره آزمون در مدل تحقیق برابر با صفر بوده و از سطح خطای ۵ درصد کمتر است. بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی رد شده و مشکل خودهمبستگی در مدل تأیید می‌شود. برای رفع این مشکل، از روش رگرسیون با خطای استاندارد مقاوم استفاده خواهد شد.

جدول ۵. بررسی مفروضات مدل رگرسیون خطی

نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا			
نتیجه	احتمال آماره F	مقدار آماره F	مدل
وجود مشکل ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۲۱/۲۰۹	مدل پژوهش
نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا			
نتیجه	احتمال آماره F	مقدار آماره F	مدل
وجود خودهمبستگی	۰/۰۰۰	۳۵/۹۰۸	مدل پژوهش

چندهم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترل، منجر به افزایش خطای استاندارد ضرایب برآورد شده و کاهش تعداد متغیرهای معنی‌دار در مدل می‌شود. بررسی جدول ۶ نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین متغیرها وجود ندارد، لذا احتمال چندهم خطی در این مدل کم است.

جدول ۶. نتایج حاصل از آزمون هم خطی از طریق آزمون VIF

مدل فرضیه اول	نماد	متغیرها
۱/۰۳۳	SIZE	اندازه شرکت
۱/۲۵۲	FLCDUM	چرخه عمر شرکت
۱/۰۳۷	DISAUDIT	خوانایی گزارش حسابرسی
۱/۸۳۹	LEV	اهرم مالی
۱/۲۶۰	LOSS	زیان
۲/۰۷۴	ROA	بازده دارایی
۱/۲۱۲	MTB	ارزش بازاری به دفتری
۱/۰۴۵	MCHANGE	تغییر مدیر

## آزمون مدل پژوهش

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که خوانایی گزارش حسابرسی تأثیر مثبت و معنادار بر خوانایی صورت‌های مالی دارد و چرخه عمر شرکت تأثیر منفی و معنادار بر خوانایی صورت‌های مالی دارد. با این حال این دو ضریب به دلیل وجود اثرات تعاملی چندان تفسیر پذیر نیست. با بررسی اثرات تعاملی چرخه عمر شرکت و خوانایی گزارش حسابرسی مشاهده می‌شود که این ضریب  $-۰/۰۰۹$  است. همچنین آماره  $t$  بیانگر معناداری ضریب اثرات تعاملی در سطح احتمال ۹۵ درصد است. با توجه به اینکه ضریب اثرات تعاملی منفی و ضریب خوانایی گزارش حسابرسی مثبت است می‌توان گفت که چرخه عمر شرکت (چرخه رشد) موجب تضعیف اثرات مثبت خوانایی گزارش حسابرسی بر خوانایی صورت‌های مالی می‌شود.

جدول ۷. مدل رگرسیونی آزمون نقش تعدیلگر چرخه عمر شرکت

$$Read_{it} = \beta_0 + \beta_1 OEM_{it} + \beta_2 EEM_{it} + \beta_3 IA_{it} + \beta_4 FLCDum_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 DisAudit_{it} + \beta_7 Lev_{it} + \beta_8 Loss_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} MTB_{it} + \beta_{11} MChange_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضرایب رگرسیونی	انحراف استاندارد	آماره $t$	احتمال آماره $t$
خوانایی گزارش حسابرسی	DISAUDIT	۰/۳۰۳	۰/۰۲۶	۱۱/۶۷۹	۰/۰۰۰
چرخه عمر شرکت	FLCDUM	-۰/۷۹۷	۰/۲۳۹	-۳/۳۲۹	۰/۰۰۱
چرخه عمر شرکت * خوانایی گزارش حسابرسی	FLCDUM* DISAUDIT	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	-۲/۰۴۸	۰/۰۴۱
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۲۱۲	۰/۰۹۴	-۲/۲۶۹	۰/۰۲۴
اهرم مالی	LEV	۱/۴۹۳	۰/۶۲۹	۲/۳۷۳	۰/۰۱۸
زیان	LOSS	-۰/۰۹۴	۰/۲۲۲	-۰/۴۲۲	۰/۶۷۳
بازده دارایی	ROA	-۰/۴۹۸	۱/۰۱۳	-۰/۴۹۲	۰/۶۲۳
ارزش بازاری به دفتری	MTB	-۰/۰۱۷	۰/۰۲۰	-۰/۸۵۰	۰/۳۹۶
تغییر مدیر	MCHANGE	-۰/۰۸۷	۰/۲۶۲	-۰/۳۲۲	۰/۷۴۰
ضریب ثابت	C	-۸/۴۶۴	۱/۱۹۷	-۷/۰۷۲	۰/۰۰۰
آماره F		۹۴/۶۵۲			
احتمال آماره F		۰/۰۰۰			
ضریب تعیین		۰/۷۳۵			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۲۶			
تعداد مشاهدات		۱۰۴۰			

## بحث و نتیجه‌گیری

خوانایی گزارشگری مالی به‌عنوان یکی از معیارهای مهمی که کیفیت گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد، شایان توجه بسیاری از پژوهشگران است. خوانایی یک ویژگی اطلاعاتی است که به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شود. هنگام

مطالعه هر متن برای خواننده حسی درباره میزان پیچیدگی یا سادگی متن ایجاد می‌شود که در فهم مطالب تأثیر به‌سزایی دارد. این در واقع همان سطح خوانایی متن است. شواهد تجربی موجود نشان می‌دهد هرچه پیچیدگی متن کمتر باشد؛ میزان درک آن بالاتر می‌رود. در ادبیات حسابداری و مالی نیز، شناخت عواملی که درک صورت‌های مالی را از نظر استفاده‌کنندگان، دشوار یا آسان می‌کند و خوانایی گزارشگری مالی، از مسائل مهمی است که همواره درخور توجه پژوهشگران بوده است. از این رو، در این پژوهش نقش تعدیلی چرخه عمر شرکت بر رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی بررسی شده که نتایج آن در ادامه تشریح می‌شود.

نتیجه فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد این نشان می‌دهد که اثربخشی گزارش حسابرسی ارتباط تنگاتنگی با چگونگی درک محتوای آن دارد. هنگامی که گزارش‌های حسابرسی واضح و مختصر باشد، ارتباط بین حسابرسان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد. این ارتباط مؤثر برای اطمینان از اینکه ذینفعان می‌توانند سلامت مالی یک شرکت را بر اساس گزارش‌های ارائه شده به طور دقیق تفسیر کنند، بسیار مهم است. علاوه بر این، حسابرسان تمایل دارند بر اهمیت بهبود خوانایی صورت‌های مالی، به ویژه زمانی که با افزایش پیچیدگی و ابهام در متن مواجه می‌شوند، تأکید کنند. در شرایطی که صورت‌های مالی پیچیده است یا هدایت آن دشوار است، حسابرسان از شیوه‌های افشای بهتر برای افزایش وضوح حمایت می‌کنند. این اصرار بر بهبود خوانایی نه تنها به نفع خود حسابرسان است، بلکه تضمین می‌کند که کاربران می‌توانند اطلاعات ضروری لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه را درک کنند. در نهایت، افزایش خوانایی گزارش‌های حسابرسی و صورت‌های مالی، فرآیند ارتباطات مالی شفاف‌تر و مؤثرتر را تقویت می‌کند. نتیجه به دست آمده از آزمون این فرضیه، با نتایج پژوهش‌های لو و همکاران (۲۰۱۸)، بابکر و همکاران (۲۰۱۹) و صالحی و همکاران (۲۰۲۲) به صورت سازگار است.

نتیجه فرضیه دوم و سوم پژوهش نشان می‌دهد که بین چرخه عمر شرکت و خوانایی صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و چرخه عمر شرکت رابطه بین خوانایی گزارش حسابرسی و خوانایی صورت‌های مالی را تعدیل می‌کند. این یافته، که در تضاد با انتظارات اولیه ما قرار دارد، بر یک تعامل پیچیده بین مرحله چرخه عمر و خوانایی گزارشگری مالی تأکید می‌کند. هر مرحله از چرخه عمر یک شرکت تحت تأثیر عوامل متمایز از جمله ابتکارات استراتژیک، منابع موجود و محیط رقابتی است. این عناصر به ساختارها و سیستم‌های سازمانی مختلف کمک می‌کنند و موضوعات نمایندگی خاصی را ایجاد می‌کنند که در نهایت فرآیند گزارشگری مالی را شکل می‌دهند (حبیب و حسن، ۲۰۱۷). این محیط پویا مقایسه شرکت‌ها را در مراحل مختلف چرخه عمر پیچیده می‌کند، زیرا هر مرحله زمینه و چالش‌های منحصر به فرد خود را به همراه دارد. در مرحله بلوغ، شرکت‌ها تمایل دارند ساختارهای سازمانی قوی ایجاد کنند، کنترل‌های داخلی خود را تقویت کنند و پرسنل ماهر را به کار گیرند (کولتون و رادوک، ۲۰۱۱؛ هنکس، ۱۹۹۰؛ کریشان و همکاران، ۲۰۲۱). این پیشرفت‌ها تهیه صورت‌های مالی قابل مقایسه‌تر را تسهیل می‌کنند، زیرا شرکت‌های بالغ معمولاً جریان‌های نقدی پایدار و سودآوری ثابت را تجربه می‌کنند (دیکینسون، ۲۰۱۱؛ حبیب و حسن، ۲۰۱۹). چنین ثباتی به مدیران اجازه می‌دهد تا درآمدها و هزینه‌های آتی را با دقت بیشتری تخمین بزنند، بنابراین قابلیت مقایسه در صنعت را افزایش می‌دهند. با این حال، ذکر این نکته ضروری است که حضور کارکنان ماهر

در شرکت‌های بالغ نیز می‌تواند منجر به شیوه‌های مدیریت سود فرصت‌طلبانه‌تر مؤثری شود. این قابلیت ممکن است خوانایی صورت‌های مالی را در این مرحله بهبود بخشد، اما با گذشت زمان، با مهارت بیشتر کارکنان، ممکن است بروز رفتار فرصت‌طلبانه کاهش یابد. در نتیجه، در حالی که شرکت‌های مرحله بلوغ ممکن است ابزاری برای تولید گزارش‌های واضح‌تر داشته باشند، تفاوت‌های ظریف مدیریت سود همچنان می‌تواند خوانایی کلی آن‌ها را پیچیده کند. نتیجه به دست آمده از آزمون این فرضیه، با نتایج پژوهش‌های بیسواس و همکاران (۲۰۲۲) به صورت غیرمستقیم ناسازگار است. بنابراین، با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادی کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- آموزش و ارتقای مهارت‌های گزارشگری مالی: آموزش مداوم مدیران مالی و گزارشگران برای درک بهتر استانداردهای گزارشگری و روش‌های ارائه اطلاعات شفاف و قابل فهم ضروری است.
- طراحی و ارائه صورت‌های مالی با ساختار منطقی و یکپارچه: صورت‌های مالی باید به گونه‌ای طراحی شوند که اطلاعات به طور منطقی و نظام‌مند ارائه شوند و ارتباط بین بخش‌های مختلف صورت‌ها آشکار باشد. استفاده از نمودارها و جداول خلاصه‌کننده نیز می‌تواند مفید باشد.
- ارائه اطلاعات تکمیلی و توضیحات مناسب: ارائه اطلاعات تکمیلی و توضیحاتی روشن و جامع در مورد هر بخش از صورت‌های مالی، به درک بهتر اطلاعات کمک می‌کند.
- استفاده از زبان ساده و قابل فهم: استفاده از اصطلاحات تخصصی و پیچیده باید به حداقل برسد و زبان ساده و قابل فهم برای همه ذینفعان مورد استفاده قرار گیرد.
- بهبود کیفیت اطلاعات: اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی باید با دقت و صحت بالا تهیه شوند تا قابل اعتماد و قابل فهم باشند.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهادی را به شرح زیر می‌توان ارائه نمود:

۱. وجود صنایع گوناگون با ویژگی‌های منحصر به فرد خود باعث می‌شود که خوانایی صورت‌های مالی در هر کدام از صنایع مربوطه متفاوت باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی موضوع این پژوهش در سطح صنایع به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه دوره زمانی تحقیق افزایش یابد و تحقیق در بازه طولانی‌تری انجام شود.

۲. بررسی رابطه رفتار هزینه نامتقارن با خوانایی صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

۳. بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکتی با خوانایی صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

همچنین پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر است:

- ۱- تعمیم روند گذشته به آینده در صورتی معقول است که همان شرایط گذشته برقرار باشد. مثلاً شرایط سیاسی و اقتصادی و قانونی موجود برای شرکت‌ها همانند گذشته باشند.
- ۲- برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های مورد بررسی، فعال نبوده و معامله بر روی سهام آنها راکد بوده است؛ به این دلیل از اطلاعات این شرکت‌ها در تحقیق حاضر استفاده نشده است.
- ۳- یکی دیگر از مهمترین محدودیت‌های این تحقیق تاریخی بودن اقلام مندرج در صورت‌های مالی و عدم تعدیل



آثار تورم بر داده‌های تحقیق است از این رو احتمال اثرگذاری تورم بر روابط بین متغیرها نمی‌تواند دور از انتظار باشد. وجود تورم سبب می‌شود تا اطلاعات صورت‌های مالی نتوانند وضعیت مالی و نتایج عملکرد شرکت‌ها را به نحو درستی نشان دهند. بنابراین، با در نظر گرفتن اثر تورم، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

### فهرست منابع

- بنابی قدیم، رحیم، و واعظ، سید علی (۱۴۰۰). بررسی رابطه شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری در مراحل چرخه عمر شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۱)، ۱-۳۰. doi: 10.22059/acctgrev.2021.316824.1008493
- جباری، حسین، و نقدی، نریمان. (۱۳۹۵). رابطه بین ساختار سرمایه و چرخه عمر شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۳۰(۸)، ۱۳۹-۱۶۲. doi: 10.22051/jfm.2018.13671.1263
- حیدرپور، فرزانه، رجب‌دری، حسین، و خلیفه شریفی، علی (۱۳۹۵). ارتباط بین چرخه عمر شرکت و خطر سقوط قیمت سهام. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۶(۴)، ۱-۲۲. doi: 10.22051/ijar.2016.2588
- رضائی پسته نوئی، یاسر، و صفری گرایلی، مهدی (۱۳۹۷). خوانایی گزارشگری مالی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه. *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۰(۴)، ۴۳-۵۸. doi: 10.22108/far.2019.113858.1337
- رضوانی، فریبا، و برندک، سجاد (۱۳۹۸). خوانایی گزارشگری مالی و هزینه‌های حسابرسی. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۲(۱۸)، ۱۱۲-۱۲۶. [https://www.jamv.ir/article\\_103820.html](https://www.jamv.ir/article_103820.html)
- ریاحی نژاد، محدثه، و توانگر، افسانه (۱۴۰۰). تأثیر فرهنگ سازمانی بر رابطه مدیریت سود و خوانایی گزارش‌های مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۵۲(۱۳)، ۸۷-۱۱۴. doi: 10.30495/faar.2021.687681
- مهربان پور، محمدرضا، آذرخوش، حمید، حسن زاده کوچو، محمود، و عربی، مهران (۱۳۹۹). تأثیر چرخه عمر واحد تجاری بر مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۳۰(۸)، ۱۳۱-۱۰۷. dor: 20.1001.1.23830379.1399.12.46.5.7
- Abernathy, J. L., Guo, F., Kubick, T. R., & Masli, A. (2019). Financial statement footnote readability and corporate audit outcomes. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 38(2), 1-26. doi: 10.2308/ajpt-52243
- Ajina, A., Laouiti, M., & Msolli, B. (2016). Guiding through the fog: does annual report readability reveal earnings management?. *Research in international Business and Finance*, 38, 509-516. doi: 10.1016/j.ribaf.2016.07.021
- Anthony, J. H., & Ramesh, K. (1992). Association between accounting performance measures and stock prices: A test of the life cycle hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 15(2-3), 203-227. doi: 10.1016/0165-4101(92)90018-W
- Asay, H. S., Elliott, W. B., & Rennekamp, K. (2017). Disclosure readability and the sensitivity of investors' valuation judgments to outside information. *The Accounting Review*, 92(4), 1-25. doi: 10.2308/accr-51570

- Bakarich, K. M., Hossain, M., & Weintrop, J. (2019). Different time, different tone: Company life cycle. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 15(1), 69-86. doi: [10.1016/j.jcae.2018.12.002](https://doi.org/10.1016/j.jcae.2018.12.002)
- Biswas, P. K., Habib, A., & Ranasinghe, D. (2022). Firm life cycle and financial statement comparability. *Advances in accounting*, 58, 100608. doi: [10.1016/j.adiac.2022.100608](https://doi.org/10.1016/j.adiac.2022.100608)
- Bonabi Ghadim, R., & Vaez, S. A. (2021). Investigating the relationship between social responsibility index and financial statement comparability in the company life cycle stages. *Accounting and Auditing Review*, 28(1), 1-30. doi: [10.22059/acctgrev.2021.316824.1008493](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2021.316824.1008493) [In Persian]
- Boubaker, S., Gounopoulos, D., & Rjiba, H. (2019). Annual report readability and stock liquidity. *Financial Markets, Institutions & Instruments*, 28(2), 159-186. doi: [10.1111/fmii.12110](https://doi.org/10.1111/fmii.12110)
- Coulton, J. J., & Ruddock, C. (2011). Corporate payout policy in Australia and a test of the life-cycle theory. *Accounting & Finance*, 51(2), 381-407. doi: [10.1111/j.1467-629X.2010.00356.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-629X.2010.00356.x)
- da Costa, V. B. F., Bitencourt, L., Dias, B. H., Soares, T., de Andrade, J. V. B., & Bonatto, B. D. (2025). Life cycle assessment comparison of electric and internal combustion vehicles: A review on the main challenges and opportunities. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 208, 114988. doi: [10.1016/j.rser.2024.114988](https://doi.org/10.1016/j.rser.2024.114988)
- Dickinson, V. (2011). Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. *The accounting review*, 86(6), 1969-1994. doi: [10.2308/accr-10130](https://doi.org/10.2308/accr-10130)
- Doyle Jr, J. J. (2007). Child protection and child outcomes: Measuring the effects of foster care. *American Economic Review*, 97(5), 1583-1610. doi: [10.1257/aer.97.5.1583](https://doi.org/10.1257/aer.97.5.1583)
- Faff, R. W., Gray, S., & Tan, K. J. K. (2016). A contemporary view of corporate finance theory, empirical evidence and practice. *Australian Journal of Management*, 41(4), 662-686. doi: [10.1177/031289621663203](https://doi.org/10.1177/031289621663203)
- Fakhfakh, M. (2016). Linguistic performance and legibility of auditors' reports with modified opinions: An advanced investigation based on the ISAs on audit reports. *Asian Review of Accounting*, 24(1), 105-130. doi: [10.1108/ARA-02-2014-0021](https://doi.org/10.1108/ARA-02-2014-0021)
- Firtel, K. B. (1998). Plain English: A reappraisal of the intended audience of disclosure under the Securities Act of 1933. *Southern California Law Review*, 72, 851. [https://kipdf.com/plain-english-a-reappraisal-of-the-intended-audience-of-disclosure-under-the-sec\\_5ac2a7d11723dd4dc97899dd.html](https://kipdf.com/plain-english-a-reappraisal-of-the-intended-audience-of-disclosure-under-the-sec_5ac2a7d11723dd4dc97899dd.html)
- François, T. (2015). When readability meets computational linguistics: a new paradigm in readability. *Revue française de linguistique appliquée*, 20(2), 79-97. [https://shs.cairn.info/article/E\\_RFLA\\_202\\_0079](https://shs.cairn.info/article/E_RFLA_202_0079)
- Freeman, J., Carroll, G. R., & Hannan, M. T. (1983). The liability of newness: Age dependence in organizational death rates. *American Sociological Review*, 692-710. doi: [10.2307/2094928](https://doi.org/10.2307/2094928)
- Habib, A., & Hasan, M. M. (2017). Firm life cycle, corporate risk-taking and investor sentiment. *Accounting and Finance*, 57(2), 465-497. doi: [10.1111/acfi.12141](https://doi.org/10.1111/acfi.12141)
- Habib, A., & Hasan, M. M. (2019). Corporate life cycle research in accounting, finance and corporate governance: A survey, and directions for future research. *International Review of Financial Analysis*, 61, 188-201. doi: [10.1016/j.irfa.2018.12.004](https://doi.org/10.1016/j.irfa.2018.12.004)
- Hanks, S. H. (1990). The organization life cycle: Integrating content and process. *Journal of Small Business Strategy*, 1(1), 1-12. <https://jsbs.scholasticahq.com/article/26827.pdf>
- Hansen, J. C., Hong, K. P., & Park, S. H. (2018). Accounting conservatism: A life cycle perspective. *Advances in Accounting*, 40, 76-88. doi: [10.1016/j.adiac.2017.10.001](https://doi.org/10.1016/j.adiac.2017.10.001)
- Heidar Poor, F., Rajab Dorri, H., & Khalife Sharifi, A. (2016). The relationship between company's life cycle and the stock price crash risk. *Journal of Accounting and Social Interests*, 6(4), 1-22. doi: [10.22051/ijar.2016.2588](https://doi.org/10.22051/ijar.2016.2588) [In Persian]

- Hesarzadeh, R., & Rajabalizadeh, J. (2019). The impact of corporate reporting readability on informational efficiency. *Asian Review of Accounting*, 27(4), 489-507. doi: [10.1108/ARA-11-2018-0203](https://doi.org/10.1108/ARA-11-2018-0203)
- Jabbari, H., & Naqdi, N. (2016). The relationship between capital structure and the company's life cycle. *Financial Accounting and Auditing Research*, 30(8), 139-162. doi: [10.22051/jfm.2018.13671.1263](https://doi.org/10.22051/jfm.2018.13671.1263) [In Persian]
- Krishnan, G. V., Myllymäki, E. R., & Nagar, N. (2021). Does financial reporting quality vary across firm life cycle?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 48(5-6), 954-987. doi: [10.1111/jbfa.12508](https://doi.org/10.1111/jbfa.12508)
- Lehavy, R., Li, F., & Merkley, K. (2011). The effect of annual report readability on analyst following and the properties of their earnings forecasts. *The Accounting Review*, 86(3), 1087-1115. doi: [10.2308/accr.00000043](https://doi.org/10.2308/accr.00000043)
- Lo, K., Ramos, F., & Rogo, R. (2017). Earnings management and annual report readability. *Journal of Accounting and Economics*, 63(1), 1-25. doi: [10.1016/j.jacceco.2016.09.002](https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2016.09.002)
- Marshall, G. L., Bayaz-Ozturk, G., Kahana, E., Gallo, W. T., & Seghal, A. (2022). Dynamics of financial hardship in the United States: Health and Retirement Study 2006-2016. *Journal of Gerontological Social Work*, 65(3), 241-251. doi: [10.1080/01634372.2021.1953662](https://doi.org/10.1080/01634372.2021.1953662)
- Mehrabanpour, M., Azar Khosh, H., Hassanzadeh Kocho, M., & Arabi, M. (2019). The effect of business unit life cycle on profit management through real activities. *Financial Accounting and Auditing Research*, 30(8), 107-131. doi: [20.1001.1.23830379.1399.12.46.5.7](https://doi.org/20.1001.1.23830379.1399.12.46.5.7) [In Persian]
- Miller, D., & Friesen, P. H. (1983). Successful and unsuccessful phases of the corporate life cycle. *Organization studies*, 4(4), 339-356. doi: [10.1177/01708406830040040](https://doi.org/10.1177/01708406830040040)
- Mohammadzadeh Moghadam, H., Salehi, M., & Hajiha, Z. (2025). The effect of financial statement readability on audit report readability. *International Journal of Finance & Managerial Accounting*, 10(39), 215-232. doi: [20.1001.1.23830379.1399.12.46.5.7](https://doi.org/20.1001.1.23830379.1399.12.46.5.7) [In Persian]
- Pound, G. D. (1981). A note on audit report readability. *Accounting & Finance*, 21(1), 45-55. doi: [10.1111/j.1467-629X.1981.tb00028.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-629X.1981.tb00028.x)
- Quinn, R. E., & Cameron, K. (1983). Organizational life cycles and shifting criteria of effectiveness: Some preliminary evidence. *Management science*, 29(1), 33-51. doi: [10.1287/mnsc.29.1.33](https://doi.org/10.1287/mnsc.29.1.33)
- Rezaei Pitehnoei, Y., & Safari Graili, M. (2018). Readability of financial reporting and the probability of fraudulent financial reporting. *Journal of Financial Accounting Research*, 10(4), 43-58. doi: [10.22108/far.2019.113858.1337](https://doi.org/10.22108/far.2019.113858.1337) [In Persian]
- Rezvani, F., & Barandak, S. (2020). Financial report readability and audit fees. *Journal of Accounting and Management Vision*, 2(18), 112-126. [https://www.jamv.ir/article\\_103820.html](https://www.jamv.ir/article_103820.html)
- Riahi Nejad, M., & Tavangar, A. (2021). The effect of organizational culture on the relationship between earnings management and readability of financial reports. *Financial Accounting and Auditing Research*, 52(13), 87-114. doi: [10.30495/faar.2021.687681](https://doi.org/10.30495/faar.2021.687681) [In Persian]
- Ruiz-Valero, L., Arceo, A., Kesik, T., Touchie, M., & O'Brien, W. (2025). Life cycle assessment of housing and neighbourhoods: A systematic review. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 210, 115249. doi: [10.1016/j.rser.2024.115249](https://doi.org/10.1016/j.rser.2024.115249)
- Salehi, M., Zimon, G., & Seifzadeh, M. (2022). The effect of management characteristics on audit report readability. *Economies*, 10(1), 12. doi: [10.3390/economies10010012](https://doi.org/10.3390/economies10010012)
- Smith, M., & Taffler, R. (1992). Readability and understandability: Different measures of the textual complexity of accounting narrative. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 5(4), 84-98. doi: [10.1108/09513579210019549](https://doi.org/10.1108/09513579210019549)

Tan, H. T., Wang, E. Y., & Zhou, B. (2015). How does readability influence investors' judgments? Consistency of benchmark performance matters. *The Accounting Review*, 90(1), 371-393. doi: [10.2308/accr-50857](https://doi.org/10.2308/accr-50857)

Wernerfelt, B. (1985). The dynamics of prices and market shares over the product life cycle. *Management Science*, 31(8), 928-939. doi: [10.1287/mnsc.31.8.928](https://doi.org/10.1287/mnsc.31.8.928)

## The role of environmental, social, and governance indicators in sustainable profitability growth

Yones Amjadian<sup>1</sup>, Seyed Abbas Borhani<sup>1,✉</sup>

1. Department of Accounting, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p><b>Received:</b> 17 April 2025 <b>Revised:</b> 20 July 2025 <b>Accepted:</b> 22 July 2025</p> <p><b>Keywords:</b> Corporate governance, environmental, social, and governance indicators, sustainable profitability, sustainable profit growth</p> <p><b>JEL Classification:</b> Q01, G34</p>	<p><b>Purpose:</b> This study aims to investigate the role of Environmental, Social, and Governance (ESG) indicators in driving sustainable profitability growth in companies.</p> <p><b>Methodology:</b> The research utilizes financial data from 129 firms listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2016 to 2023. Data analysis was conducted using EViews and Excel software, examining ESG indicators as independent variables in relation to the sustainable profitability growth of firms.</p> <p><b>Findings:</b> Results reveal that ESG indicators have a positive and statistically significant impact on the sustainable profitability growth of companies. Specifically, robust corporate governance, through enhanced information transparency and reduced information asymmetry, plays a critical role in boosting sustainable profitability. Additionally, attention to environmental issues and social responsibilities contributes to strengthening shareholder trust.</p> <p><b>Originality:</b> The findings suggest that integrating ESG considerations into organizational strategies not only facilitates financial performance enhancement but also promotes long-term value creation and sustainability. This insight is valuable for managers and policymakers aiming to foster sustainable business practices.</p>
<p><b>Cite this paper:</b> Amjadian, Y., &amp; Borhani, S. A. (2025). The role of environmental, social, and governance indicators in sustainable profitability growth. <i>Journal of Accounting &amp; Financial Transparency</i>, 3(2), 24–48. <a href="https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1204269">https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1204269</a> [In Persian]</p>	

✉ Corresponding Author.

Email Address: sa.sborhani1352@iau.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## Introduction

In today's dynamic global landscape, firms are no longer evaluated solely based on financial metrics such as earnings, asset turnover, or return on equity. Instead, growing global awareness of environmental degradation, social inequality, and corporate misgovernance has redirected the focus toward more comprehensive frameworks for performance assessment. Among such frameworks, Environmental, Social, and Governance (ESG) indicators have emerged as essential tools for analyzing corporate sustainability. These indicators reflect the extent to which a firm assumes responsibility toward the environment, society, and ethical governance beyond mere financial gains. ESG-oriented organizations tend to experience greater stakeholder trust, reputational enhancement, and competitive advantage in both domestic and international markets. In the Iranian context, characterized by economic sanctions, policy volatility, environmental challenges, and institutional inefficiencies, adopting sustainable business practices becomes even more critical. The current study contributes to the expanding literature by analyzing how ESG factors influence sustainable profitability growth (SPG) in companies listed on the Tehran Stock Exchange (TSE).

Despite an increasing number of studies in this area, prior research often considers ESG dimensions in isolation or lacks integration with financial sustainability outcomes. This study addresses this gap by offering a holistic examination of ESG's impact on SPG while considering firm-level characteristics such as size, leverage, efficiency, and dividend policy. Grounded in legitimacy theory, stakeholder theory, stewardship theory, and agency theory, the research proposes that ESG practices improve long-term profitability by reducing information asymmetry, managing risk, and enhancing transparency.

The primary hypothesis posits a significant and positive relationship between ESG indicators and sustainable profitability growth. This hypothesis is empirically tested using a multivariate panel data regression model tailored to the structure and behavior of listed Iranian firms over an eight-year horizon.

## Methodology

This applied quantitative study adopts a retrospective ex-post facto design. The statistical population consists of all companies listed on the Tehran Stock Exchange between 2016 and 2023. A systematic elimination approach was employed to select eligible firms. Criteria included availability of complete financial statements, continuous listing throughout the study period, and exclusion of financial, investment, and holding firms. Based on these filters, a final sample of 129 firms was selected, yielding 1,024 firm-year observations.

Financial data were gathered through reputable Iranian financial databases (Codal, Tadbirpardaz, and Rahavard Novin). The data were processed using Microsoft Excel and analyzed using EViews software. The primary regression model is based on the framework proposed by [Sanoran \(2023\)](#), which evaluates the influence of ESG performance (independent variable) on sustainable profitability growth (dependent variable), while controlling for firm size (log of sales), financial leverage (debt-to-asset ratio), operational efficiency (cash flow-to-assets), and dividend payout ratio.

## Results

The results indicate a robust and statistically significant relationship between ESG performance and sustainable profitability growth. The model's F-statistic (27.827,  $p < 0.001$ ) confirms overall significance. The adjusted R-squared value of 0.513 implies that over 51% of the

variation in sustainable profitability growth is explained by the model's variables.

Specifically, the ESG coefficient ( $\beta = 0.013$ ,  $t = 2.74$ ,  $p = 0.006$ ) confirms a significant positive impact on SPG. This suggests that companies with higher ESG compliance are more likely to achieve stable, long-term profitability. Among control variables, operational efficiency ( $\beta = 0.149$ ,  $t = 5.52$ ) and dividend payout ratio ( $\beta = 0.007$ ,  $t = 6.21$ ) also demonstrated significant positive associations with SPG, highlighting the importance of productive resource utilization and strategic earnings distribution.

In contrast, financial leverage ( $\beta = -0.121$ ,  $t = -7.14$ ,  $p < 0.001$ ) showed a negative and significant relationship with SPG, suggesting that firms with higher debt levels may face challenges in sustaining profit growth. Firm size, while positively correlated ( $\beta = 0.003$ ), was not statistically significant at the 5% level ( $p = 0.082$ ). Descriptive statistics further reinforce these findings, indicating substantial variation across the sample in profitability, leverage, and ESG scores.

Correlation analysis revealed no problematic multicollinearity between independent variables. The Durbin-Watson test ( $DW = 1.92$ ) indicated no autocorrelation. The Hausman test supported the fixed-effects model, confirming that firm-specific characteristics are relevant to explaining variations in SPG. These empirical findings validate the theoretical argument that ESG adoption is not merely a reputational initiative but a strategic necessity that contributes to financial resilience, risk mitigation, and sustainable value creation in the long run.

## Conclusions

This study confirms that Environmental, Social, and Governance (ESG) indicators significantly enhance sustainable profitability growth among firms listed on the Tehran Stock Exchange. The findings underscore the strategic importance of ESG

integration in achieving long-term performance goals, particularly in emerging economies where institutional challenges persist.

The results align with previous studies, including Esmailikia & Naseri (2025), Baharloo (2024), and Agnese et al. (2025), which demonstrate the critical role of ESG in fostering competitive advantage, reducing financial risk, and facilitating access to financing. The negative effect of financial leverage on SPG corroborates findings by Norani & Adeli (2022), reinforcing the argument for capital structure optimization as a prerequisite for financial sustainability.

From a policy perspective, regulatory bodies should enforce comprehensive ESG disclosure frameworks to ensure consistency, comparability, and transparency. On the managerial front, senior executives should embed ESG principles into strategic planning and performance evaluation systems. Firms should invest in technologies and training programs to support ESG data collection and reporting, and leverage ESG ratings in communication with investors.

The study is limited to publicly listed firms in Iran and relies on available ESG disclosures, which may lack uniformity. Future research could expand the scope by incorporating cross-industry or cross-country analyses, examining mediating variables such as audit quality, board diversity, or market competitiveness. Overall, the research offers empirical and theoretical contributions by demonstrating that ESG is not merely a social or environmental imperative but a financial enabler that aligns ethical conduct with economic performance.

## Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization, data analysis, writing, and editing of this article.

### ***Data Availability Statement***

The data supporting this study's findings are available from the corresponding author upon reasonable request.

### ***Acknowledgements***

The authors wish to thank the financial analysts and research assistants who supported the data collection and review processes.

### ***Ethical Considerations***

The authors affirm that no data fabrication, falsification, plagiarism, or research misconduct occurred during the preparation of this manuscript.

### ***Funding***

This research did not receive any specific funding from public, commercial, or non-profit sectors.

### ***Conflict of Interest***

The authors declare that they have no conflict of interest regarding the content or publication of this article.





## نقش شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در رشد سودآوری پایدار

یونس امجدیان<sup>۱</sup>، سید عباس برهانی<sup>۱</sup>

۱. گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>هدف:</b> این پژوهش با هدف بررسی نقش شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها انجام شده است.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> این مطالعه از داده‌های مالی ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ بهره برده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای ایویوز و اکسل مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری به‌عنوان متغیر مستقل در رابطه با رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها بررسی شده‌اند.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> نتایج نشان داد که شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها دارند. به‌طور خاص، حاکمیت شرکتی قوی با شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تأثیر مهمی بر رشد سودآوری پایدار داشته است. همچنین، توجه به مسائل زیست‌محیطی و مسئولیت‌های اجتماعی به تقویت اعتماد سهامداران شرکت کمک کرده است.</p> <p><b>دانش‌افزایی:</b> یافته‌های این پژوهش به مدیران و سیاست‌گذاران پیشنهاد می‌دهد که ادغام ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در استراتژی‌های سازمانی می‌تواند نه تنها به ارتقای سودآوری مالی کمک کند، بلکه ارزش‌آفرینی بلندمدت و پایداری را نیز تقویت کند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> حاکمیت شرکتی، رشد پایدار سود، سودآوری پایدار، شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری</p> <p>طبقه‌بندی موضوعی: Q01, G34</p>

استناد: امجدیان، یونس، و برهانی، سید عباس (۱۴۰۴). نقش شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در رشد سودآوری پایدار. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۳(۲)، ۴۸-۲۴.  
<https://doi.org/10.71965/aft.2025.1204269>

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: sa.sborhani1352@iaiu.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، نگرانی‌های جهانی درباره تغییرات اقلیمی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و ضعف در ساختارهای حاکمیتی شرکت‌ها موجب شده است تا نهادهای قانون‌گذار، سرمایه‌گذاران و جامعه مدنی، ارزیابی عملکرد شرکت‌ها را تنها به شاخص‌های مالی محدود نکنند. در چنین بستری، شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری به عنوان یکی از محورهای کلیدی در تحلیل پایداری شرکتی مطرح شده‌اند و جایگاه فزاینده‌ای در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و راهبردی یافته‌اند. این شاخص‌ها ابزاری برای سنجش میزان مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در قبال ذی‌نفعان داخلی و خارجی هستند و توجه به آن‌ها می‌تواند به کاهش ریسک‌های غیرمالی، بهبود تصویر برند، افزایش اعتماد عمومی و در نهایت رشد سودآوری پایدار منجر شود. در واقع، شرکت‌هایی که عملکرد مناسبی در حوزه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری دارند، از مزیت رقابتی بیشتری در بازارهای سرمایه و جذب سرمایه‌گذاران برخوردارند (نمازی و همکاران، ۱۴۰۲؛ [عسگری آلوج، ۱۴۰۲](#)). با وجود گسترش مطالعات در حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری، رابطه میان این شاخص‌ها و سودآوری پایدار همچنان پیچیده و چندلایه باقی مانده است. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها به‌ویژه در شرایط بحرانی، می‌تواند نقش محافظتی ایفا کرده و ثبات مالی بنگاه را حفظ کند (فائق عباس سیفاوی و همکاران، ۱۴۰۳؛ [داروغه حضرتی و رحیمی، ۱۴۰۳](#)). از سوی دیگر، اثربخشی واقعی زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری وابسته به عواملی همچون کیفیت راهبری شرکتی، سبک مدیریت، ساختار مالکیت، نظارت نهادی و ویژگی‌های اقتضایی شرکت است. از این رو، تحلیل این ارتباط نیازمند طراحی مدل‌های تلفیقی و سیستماتیکی است که بتواند اثرات متقابل این متغیرها را هم‌زمان بررسی کند و درک عمیق‌تری از پویایی میان زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و سودآوری پایدار فراهم سازد (اسماعیلی‌کیا و همکاران، ۱۴۰۳؛ [پارسا فرد و همکاران، ۱۴۰۲](#)).

علاوه بر چالش‌های جهانی، فضای اقتصادی ایران با عواملی چون تحریم‌های خارجی، نوسانات سیاست‌گذاری، بحران‌های زیست‌محیطی و ضعف زیرساخت‌های نهادی مواجه است که اهمیت مطالعات بومی شده در حوزه پایداری را دوچندان می‌کند. پژوهش [ولی‌زاده لاریجانی و مفاخری باشماق \(۱۴۰۴\)](#) نشان می‌دهد که گزارشگری مسئولیت اجتماعی می‌تواند علاوه بر تسهیل در تأمین مالی، مزیت رقابتی پایداری برای شرکت‌ها ایجاد کند. همچنین، [بهارلو \(۱۴۰۳\)](#) تأکید دارد که کیفیت افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری با نظارت حرفه‌ای نهادهایی مانند حساب‌برسان رابطه‌ای تعاملی دارد که نقش کلیدی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش پایداری سود دارد. افزون بر این، افشای اطلاعات پایداری به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور مانند ایران، نه تنها ابزار شفافیت مالی محسوب می‌شود بلکه ابزاری استراتژیک برای کاهش ریسک‌های عملیاتی، بهبود عملکرد بازار و ارتقاء اعتبار شرکت‌ها نیز هست ([هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸](#)؛ [زمان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲](#)). این افشا در پاسخ به فشارهای روزافزون نهادهای ناظر و رتبه‌بندی و تحت تأثیر رویدادهایی چون نشت نفت، آلودگی منابع آب و انتشار گازهای گلخانه‌ای، در سطح جهانی افزایش یافته است ([یانگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰](#)؛ [گوپالان<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۱](#)). بر این اساس، پایداری شرکتی به عنوان چارچوبی

<sup>1</sup>. Zaman

<sup>2</sup>. Yang

<sup>3</sup>. Gopalan

جامع که سه بُعد زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد، شرکت‌ها را ملزم به ایجاد تعادل میان اهداف مالی و الزامات اجتماعی و محیطی می‌سازد (آرتیچ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). در همین راستا، رشد سودآوری پایدار که هدف نهایی بسیاری از راهبردهای مدیریت نوین است، در گروی عملکرد متعادل شرکت‌ها در این سه حوزه قرار دارد. شرکت‌هایی که با بهره‌گیری از نوآوری‌های سبز، تکنولوژی‌های سازگار با محیط‌زیست و استراتژی‌های مسئولیت‌پذیر عمل می‌کنند، نه تنها هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده‌اند بلکه در بازار رقابتی نیز عملکرد با ثبات‌تری داشته‌اند (بودانوالا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ ویلاگرا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). پذیرش استانداردهای بین‌المللی پایداری نیز در این راستا، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای جایگاه بازار و جذب سرمایه ایفا کرده است (اولیگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ تیان<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). در فضای اقتصاد ایران که با نوسانات اقتصادی، آسیب‌های زیست‌محیطی، فشارهای اجتماعی و ضعف شفافیت نهادی روبه‌روست، پرداختن به سازوکارهای پایداری، به‌ویژه از منظر ترکیبی زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری، اهمیتی مضاعف دارد. با وجود افزایش توجه نظری به مسئولیت‌پذیری شرکتی، بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی، به‌صورت تک‌بعدی به یکی از مؤلفه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به تحلیل هم‌زمان و نظام‌مند سه بُعد اصلی پایداری و اثر آن‌ها بر سودآوری پایدار در بستر تجربی پرداخته است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ نظری و کاربردی، در تلاش است تا با بهره‌گیری از رویکرد چندمتغیره و تلفیق تئوری‌های مشروعیت، ذی‌نفعان، مباشرت و نمایندگی، به بررسی تأثیر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر رشد سودآوری پایدار شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد. مقاله حاضر در ادامه، ابتدا به مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین می‌پردازد؛ سپس روش‌شناسی تحقیق تشریح می‌شود؛ در ادامه یافته‌های تجربی ارائه شده و در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران و مدیران شرکت‌ها مطرح می‌گردد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در فضای پرشتاب و رقابتی بازارهای امروز، سودآوری تنها در صورتی دارای ارزش راهبردی است که از ویژگی‌هایی همچون تداوم، قابلیت پیش‌بینی و کیفیت بالا برخوردار باشد. مفهوم «سودآوری پایدار» به توانایی شرکت در ایجاد جریان‌های سودی مستمر، تکرار شونده و عاری از نوسانات غیرمستمر اشاره دارد که از فعالیت‌های اصلی شرکت نشأت می‌گیرند و برای سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان نشانه‌ای از ثبات و کارآمدی مالی بلندمدت محسوب می‌شوند. این نوع سود که متکی بر عملکرد عملیاتی است، بازتاب تصمیمات آگاهانه مدیران در حوزه‌های تولید، بازاریابی، منابع انسانی و سرمایه‌گذاری است. از این منظر، تحلیل سودآوری پایدار نه فقط جنبه مالی، بلکه تحلیلی چندوجهی از نحوه مدیریت ارزش در شرکت را دربرمی‌گیرد (بزرگ‌اصل و صالح‌زاده، ۱۳۹۴؛ خوشکار و همکاران، ۱۳۹۹). در ادبیات مالی نوین، یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر سودآوری پایدار، شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری هستند. شاخص زیست‌محیطی نشان‌دهنده میزان مسئولیت‌پذیری شرکت در قبال منابع طبیعی، کنترل آلاینده‌ها، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و استفاده از تکنولوژی‌های سبز است. شاخص اجتماعی شامل نحوه تعامل شرکت با

<sup>۱</sup>. Artiach

<sup>۲</sup>. Bodhanwala

<sup>۳</sup>. Villagra

<sup>۴</sup>. Uhlig

<sup>۵</sup>. Tian

جامعه، کارکنان، مصرف‌کنندگان و زنجیره تأمین و اقدامات بشردوستانه آن در چارچوب مسئولیت اجتماعی است. شاخص راهبری شرکتی نیز به ساختار هیئت‌مدیره، شفافیت، استقلال حسابرسی، مکانیزم‌های کنترلی و پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان مرتبط می‌شود (اولیگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ تیان و همکاران، ۲۰۱۹؛ نمازی و همکاران، ۱۴۰۲). ترکیب این سه بُعد، چارچوبی جامع برای ارزیابی عملکرد غیربازاری شرکت‌ها و توان آن‌ها در مدیریت پایدار منابع فراهم می‌سازد. ارتباط میان زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و سودآوری پایدار در نظریه‌های بنیادین متعددی تبیین شده است. بر اساس تئوری مشروعیت، شرکت‌ها برای حفظ بقا و مقبولیت خود، باید با ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات جامعه همسو شوند. این همسویی از طریق اقدامات زیست‌محیطی و اجتماعی و افشای اطلاعات مرتبط محقق می‌شود که به افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت سازمانی می‌انجامد (علیخانی و مران‌جوری، ۱۳۹۳). تئوری ذی‌نفعان نیز بر لزوم توجه شرکت‌ها به تمامی گروه‌های ذی‌نفع، اعم از کارکنان، مشتریان، جامعه محلی و نهادهای ناظر تأکید دارد و مسئولیت اجتماعی را عامل کلیدی در موفقیت بلندمدت شرکت‌ها معرفی می‌کند (اسکایر و گلجا، ۲۰۱۴). در همین راستا، تئوری مباشرت به مدیران به‌عنوان نمایندگان بانگیزه و قابل اعتماد ذی‌نفعان نگاه می‌کند که در راستای منافع جمعی و پایداری عملکرد شرکت عمل می‌کنند. نظریه نمایندگی نیز بر تضاد منافع میان مالکان و مدیران تمرکز دارد و تأکید می‌کند که حاکمیت شرکتی و ساختارهای کنترلی ابزارهایی برای کاهش این تضاد و افزایش کارایی هستند (ویسر و کرین، ۲۰۱۰). در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی رابطه بین زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و سودآوری پایدار را مورد بررسی قرار داده‌اند. در مطالعات بین‌المللی، شواهدی دال بر اثر مثبت زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر کاهش هزینه سرمایه، افزایش ارزش بازار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ثبات قیمت سهام گزارش شده است (بودانولا، ۲۰۱۸؛ لی و لی، ۳، ۲۰۱۹؛ چو و همکاران، ۲۰۱۹). یافته‌های داخلی نیز مؤید همین نتیجه‌اند. برای مثال، نظارت نهادی و کیفیت راهبری به‌عنوان بسترهایی برای اثربخشی سیاست‌های زیست‌محیطی و اجتماعی شناسایی شده‌اند (پارسا فرد و همکاران، ۱۴۰۲؛ نمازی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین افشای شفاف و هدفمند عملکرد اجتماعی، نه تنها دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی را تسهیل می‌کند، بلکه موجب ارتقاء تصویر برند و افزایش ارزش بازار نیز می‌شود (ولی‌زاده لاریجانی و مفاخری باشماق، ۱۴۰۳). ابعاد عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری، به‌ویژه در شرایط بحرانی و نامطمئن، نقشی حیاتی در کاهش ریسک‌های بیرونی و درونی ایفا می‌کنند. پژوهش‌های جدید در فضای ایران نشان داده‌اند که عملکرد اجتماعی قوی می‌تواند در برابر شوک‌های سیاسی همچون خروج از برجام یا بحران‌های بهداشتی مانند کووید-۱۹ نقش محافظتی ایفا کند (فائق عباس سیفاوی و همکاران، ۱۴۰۳؛ داروغه حضرتی و رحیمی، ۱۴۰۳). همچنین، کیفیت حسابرسی به‌عنوان مکانیزم حاکمیتی مؤثر، موجب تقویت اثرگذاری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکرد مالی می‌شود (بهارلو، ۱۴۰۳). این شواهد، نقش میانجی یا تعدیل‌گر متغیرهای کنترلی و نهادی را در تبیین رابطه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و سودآوری پایدار برجسته می‌سازد. اسماعیلی کیا و ناصری (۱۴۰۴) در پژوهشی به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت و راهبردهای رقابتی با نقش تعدیل‌کنندگی عملکرد راهبری و عملکرد شرکت پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های شرکت‌های بورسی و روش

1. Škare & Golja  
 2. Visser & Crane  
 3. Lee & Lee  
 4. Cho

رگرسیون چندمتغیره، تأثیر مسئولیت اجتماعی و عملکرد راهبری بر راهبردهای رقابتی را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان داد که مسئولیت اجتماعی نقش مهمی در بهبود مزیت رقابتی دارد و عملکرد راهبری شرکت این رابطه را تعدیل می‌کند. **ولی زاده لاریجانی و مفاخری باشماق (۱۴۰۳)** در پژوهشی به بررسی تأثیر گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر تأمین مالی پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران و مدل‌یابی معادلات ساختاری، نقش گزارشگری مسئولیت اجتماعی در تسهیل تأمین مالی را تحلیل کردند. یافته‌ها حاکی از اثر مثبت گزارشگری مسئولیت اجتماعی بر دسترسی به تسهیلات مالی بود. **داروغه حضرتی و رحیمی (۱۴۰۳)** در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران در دوره کووید ۱۹ پرداختند. آن‌ها با روش تحلیل رگرسیون و بررسی داده‌های مالی این شرکت‌ها دریافتند که مسئولیت اجتماعی می‌تواند در شرایط بحران به حفظ و افزایش بازده سهام کمک کند. **بهارلو (۱۴۰۳)** در پژوهشی به بررسی تأثیر عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حساسی پرداخت. وی با استفاده از داده‌های مالی و کیفیت حساسی شرکت‌های بورسی و روش رگرسیون چندمتغیره، دریافت که کیفیت حساسی نقش مهمی در تقویت تأثیر عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکرد مالی دارد و اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد. **پارسا فرد و همکاران (۱۴۰۲)** در پژوهشی به بررسی رابطه بین نظارت نهادی و انواع ارتباطات سیاسی با پایداری سود پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران و به کارگیری روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره، تأثیر نظارت نهادی و ارتباطات سیاسی را بر پایداری سود مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که نظارت نهادی رابطه مثبت و معناداری با پایداری سود دارد و انواع ارتباطات سیاسی این رابطه را تعدیل می‌کند. آزمون‌های حساسیت به اعتبار یافته‌ها کمک نمود. **نمازی و همکاران (۱۴۰۲)** در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت ابعاد زیست‌محیطی بر عملکرد واحدهای تجاری با نقش میانجی راهبری شرکتی پرداختند. آن‌ها با بهره‌گیری از داده‌های مالی و زیست‌محیطی شرکت‌های بورسی و استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری، روابط بین کیفیت ابعاد زیست‌محیطی، راهبری شرکتی و عملکرد مالی را تحلیل کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد کیفیت ابعاد زیست‌محیطی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم از طریق راهبری شرکتی بر عملکرد مالی دارد. آزمون‌های اعتبارسنجی مدل، استحکام نتایج را تایید کردند. **عسگری آلوچ (۱۴۰۲)** در پژوهشی به بررسی تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران با نقش تعدیلی راهبرد تجاری پرداخت. وی با بهره‌گیری از داده‌های مالی و اجتماعی شرکت‌ها و روش رگرسیون، تأثیر عملکرد اجتماعی را بر بازده سهام تحلیل کرد و نقش تعدیلی راهبرد تجاری را نیز در این رابطه سنجید. نتایج نشان داد عملکرد اجتماعی به طور معناداری بر بازده سهام اثر مثبت دارد و راهبرد تجاری این اثر را تقویت می‌کند. **نورانی و عادل (۱۴۰۱)** به بررسی تأثیر کیفیت حساسی بر عملکرد شرکت‌ها با تأکید بر نرخ رشد سود پایدار و نقش رقابت در بازار محصول پرداختند. نتایج نشان داد که کیفیت حساسی و رقابت در بازار رابطه مثبت و معناداری با سودآوری پایدار دارند و رقابت به عنوان عاملی تقویتی، این ارتباط را تقویت می‌کند. دارابی و همکاران (۱۴۰۱) بر تأثیر دست‌کاری جریان نقد عملیاتی بر پایداری سود تمرکز کردند. یافته‌ها نشان داد که این دست‌کاری، تأثیر منفی و معناداری بر پایداری سود دارد که اهمیت مدیریت شفاف جریان‌های مالی در بهبود پایداری سود را برجسته می‌کند. **تحریری و افسای (۱۴۰۰)** رابطه میان افشاهای

زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و تلاش حسابرس را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سطح پایین افشای شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری موجب افزایش تلاش حساب‌برسان شده و کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد. این یافته‌ها به اهمیت افشای شفاف و جامع اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در تقویت عملکرد شرکتی اشاره دارد. **منیشداوی و موسوی (۱۴۰۰)** به نقش واسطه‌ای مدیریت منابع انسانی سبز در ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد پایدار پرداختند. این پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی، نه تنها تأثیر مثبتی بر پیامدهای محیطی دارد، بلکه نقش واسطه‌ای مدیریت منابع انسانی سبز در بهبود عملکرد پایدار شرکت‌ها برجسته است. **اخترشناس و همکاران (۱۳۹۹)** با ارائه مدلی جامع برای عوامل مؤثر بر پایداری شرکتی، به بررسی تأثیر عواملی همچون ویژگی‌های مدیریتی، ساختارهای سازمانی، عوامل کلان و بازار پرداختند. این مدل نشان داد که عواملی نظیر فرهنگ جامعه، سیاست‌های کلان و رقابت در بازار محصول تأثیر قابل توجهی بر پایداری شرکت‌ها دارند. **ایمانی و همکاران (۱۳۹۶)** نیز تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی بر پایداری سود و سودآوری را بررسی کردند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که افشای مسئولیت اجتماعی به‌عنوان ابزاری ارتباطی میان شرکت و ذینفعان، نقش مهمی در ایجاد سودآوری پایدار ایفا می‌کند. **آنیزه<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۵)** در پژوهشی به بررسی نقش واقعی شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در عملکرد مالی شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها با تحلیل داده‌های ۲۷۹ شرکت اروپایی در بازه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ و بهره‌گیری از مدل‌های رگرسیونی پانل، رابطه میان ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری با رشد سودآوری پایدار را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد که شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری به‌ویژه در صنایع محیط‌زیست‌محور و کشورهایی با ساختار نهادی قوی، اثری مثبت و معنادار بر سودآوری دارند. همچنین، بعد راهبری شرکتی بیشترین تأثیر را در مقایسه با سایر ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکرد مالی شرکت‌ها داشت. **اثری<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۴)** در پژوهشی با استفاده از داده‌های صنعت مالی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و به‌کارگیری مدل رگرسیون غیرخطی، به بررسی تأثیر درجه دوم شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در سطح حاکمیت ملی بر سودآوری شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که این رابطه به صورت U معکوس است؛ به‌گونه‌ای که افزایش بیش‌ازحد شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری ملی، پس از یک نقطه، موجب کاهش سودآوری شرکت‌ها می‌شود. **برونلا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۴)** در مطالعه‌ای با عنوان «نقش افشای شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در سودآوری کسب‌وکار و هزینه بدهی» به بررسی شرکت‌های کوچک صنعت کشاورزی-غذایی در جنوب ایتالیا پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره و تحلیل داده‌های مالی شرکت‌ها، دریافتند که افشای اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری تأثیر مثبتی بر سودآوری و کاهش هزینه تأمین مالی دارد. یافته‌ها نشان داد که حتی در شرکت‌های کوچک و غیرسهامی نیز شفافیت در گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری می‌تواند منجر به اعتماد بیشتر ذی‌نفعان و دسترسی آسان‌تر به منابع مالی ارزان‌تر شود. **آسیارینی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۲)** نقش مسئولیت اجتماعی شرکتی را در سودآوری پایدار شرکت‌ها مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها دریافتند که اقدامات مرتبط با مسئولیت اجتماعی، تأثیر مثبت بر رشد سودآوری

1. Agnese

2. Athari

3. Brunella

4. Acciarini

پایدار دارند و این تأثیر به‌ویژه در بلندمدت معنادار است. گارسیا سانچز<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) بر نقش توانایی مدیرعامل در افشاهای پایداری شرکتی و تأثیر این افشا بر عملکرد شرکت تمرکز کردند. یافته‌ها نشان داد که مدیران عامل توانمندتر به افشای اطلاعات پایداری مفید و قابل‌مقایسه‌گرایش دارند که این امر به بهبود عملکرد پایداری شرکتی و تعامل مؤثر با ذینفعان کمک می‌کند. لی<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) تأثیر مدیریت سود بر پایداری سود را بررسی کرد و نشان داد که مدیریت سود مبتنی بر جریان‌های نقدی تأثیر منفی بر پایداری سود دارد. این یافته اهمیت نظارت دقیق بر روش‌های مدیریت سود در شرکت‌ها را برجسته می‌کند.

با وجود مطالعات گسترده در زمینه شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و تأثیر آن‌ها بر سودآوری پایدار، برخی خلأها همچنان مشهود است. بیشتر پژوهش‌ها به‌صورت محدود و منفرد به ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری پرداخته‌اند و رویکردی جامع و یکپارچه برای بررسی تأثیر توأمان این شاخص‌ها بر رشد سودآوری پایدار وجود ندارد. علاوه بر این، تعداد اندکی از مطالعات نقش واسطه‌ای و تعاملی متغیرهایی مانند رقابت در بازار، مدیریت منابع انسانی سبز یا شفافیت گزارشگری را در این زمینه مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، بخش زیادی از پژوهش‌ها بر داده‌های مالی شرکت‌ها در کشورهای خاص تمرکز دارند و نیاز به تعمیم‌پذیری یافته‌ها در سطوح بین‌المللی احساس می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی جامع و سیستماتیک شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و تأثیر آن‌ها بر رشد سودآوری پایدار، به این خلأها پاسخ داده و با ارائه بینش‌های نوین، به مدیران و سیاست‌گذاران در طراحی استراتژی‌های پایدار و بهینه کمک می‌کند. این پژوهش نه تنها جنبه‌های نظری را تقویت می‌کند، بلکه ابزار عملی برای بهبود عملکرد پایدار شرکت‌ها فراهم می‌سازد.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش: شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها دارند.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کاربردی و کمی باهدف ارزیابی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ انجام شده است. بر اساس روش گردآوری داده‌ها، این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی پس‌رویدادی و از نظر بعد زمانی گذشته‌نگر محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه مذکور است. روش انتخاب نمونه، حذف سیستماتیک است و شرکت‌ها برای انتخاب در نمونه آماری باید شرایط زیر را داشته باشند:

- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گر مالی و هلدینگ نباشند.
- قبل از سال ۱۳۹۵ در بورس پذیرفته‌شده باشند و تا پایان سال ۱۴۰۲ از بورس خارج نشده باشند.
- صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی آن‌ها به‌طور کامل در دسترس باشد.

<sup>۱</sup>. García-Sánchez

<sup>۲</sup>. Li

بر اساس محدودیت‌های فوق، ۱۲۹ شرکت به مدت ۸ سال (۱۰۲۴ سال-شرکت) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از نرم‌افزارهای تدبیر پرداز و رهاورد نوین و سایت‌های اینترنتی مدیریت پژوهش، سازمان بورس اوراق بهادار و سیستم جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) جمع‌آوری شد. برای انجام محاسبات و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای ایویوز و اکسل استفاده شد؛ داده‌ها در اکسل طبقه‌بندی و مدل‌ها با ایویوز تخمین زده شدند.

#### مدل‌ها و متغیرهای پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها

بر اساس پژوهش سانوران (۲۰۲۳)، مدل ۱ برای ارزیابی تأثیر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر رشد سودآوری پایدار به‌طور کامل گسترش داده شده است.

$$SGR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ESG_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 DTA_{it} + \beta_4 EFF_{it} + \beta_5 DPR_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۱}$$

که در روابط فوق، SGR نشان‌دهنده رشد سودآوری پایدار شرکت و ESG بیانگر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت است. ضریب  $\beta$  که مورد توجه پژوهش قرار دارد، در صورتی که مقدار آن مثبت و معنادار باشد، فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت (SIZE)، اهرم مالی (DTA)، نسبت کارایی (EFF) و سود تقسیمی (DPR) هستند و  $\varepsilon$  بیانگر باقیمانده مدل می‌باشد.

#### متغیر وابسته: رشد سودآوری پایدار (SGR)

مفهوم رشد پایدار نخستین بار توسط هیگینز<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) معرفی شد. او نرخ رشد سودآوری پایدار را به‌عنوان حداکثر نرخ تعریف کرد که شرکت می‌تواند فروش خود را بدون کاهش منابع مالی ادامه دهد. هیگینز همچنین فرمولی شناخته‌شده برای محاسبه رشد سودآوری پایدار ارائه داد که به‌مرور زمان به‌طور گسترده برای تحلیل و تمایز شرکت‌ها و صنایع مختلف استفاده شده است. در ادامه و با استناد به مطالعات هیگینز (۱۹۷۷) و اوپران-استن<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، مدل مورداستفاده در این پژوهش مطابق با مدل ۲ است.

$$SGR_{it} = ROE_{it} \times RR_{it} \quad \text{مدل ۲}$$

در این مدل، ROE نشان‌دهنده بازده حقوق صاحبان سهام است که از تقسیم درآمد خالص بر حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید. RR نیز نسبت حفظ سود را نشان می‌دهد که به صورت نسبت سود انباشته به دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

#### متغیر مستقل: شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG)

داده‌های ریفرنیتی اکنون رتبه‌بندی‌هایی را در مورد شیوه‌های عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و بحث‌های مهم محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برای بیش از ۹۰۰۰ شرکت جهانی در ۷۶ کشور ارائه می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد از ارزش بازار جهانی را پوشش می‌دهد. برای هر شرکت، بیش از ۵۰۰ معیار محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مختلف جمع‌آوری و محاسبه می‌شود تا این سه امتیاز محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ساخته شود. ستون زیست‌محیطی در درجه

<sup>۱</sup>. Higgins

<sup>۲</sup>. Oprean-Stan



اول بر استفاده از منابع، نوآوری محصول و انتشار کربن تمرکز دارد. در حالی که رکن اجتماعی موضوعات مربوط به حقوق بشر، محیط نیروی کار، مسئولیت محصول و مشارکت جامعه را در برمی گیرد. در نهایت، ستون حاکمیت مسائل مربوط به حقوق سهامداران، ساختار هیئت مدیره و استراتژی مسئولیت اجتماعی شرکت را اندازه گیری می کند. هر ستون بین ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد، با نرخ بالاتر نشان دهنده عملکرد عالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است. امتیاز نهایی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی از این داده ها میانگین وزنی این سه ستون برای هر شرکت برای هر سال است (هی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). در این پژوهش برای محاسبه میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی از الگوی داده های ریفرنیتی اکنون به شرح جدول ۱ که از گزارش های مالی شرکت ها استخراج شده است، استفاده می شود.

جدول ۱. شاخص ها و مؤلفه های ابعاد عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

بعد	شاخص ها	مؤلفه ها
زیست محیطی	سیستم مدیریت	افشای دریافت گواهی نامه های تطابق سیستم مدیریت محیطی
	زیست محیطی	افشای دریافت جایزه مربوط به رعایت مسائل زیست محیطی
	انرژی و بهره وری آب	انرژی و آب مصرفی به تفکیک منبع و میزان آن
		میزان انرژی و آب صرفه جویی شده به دلیل بهبود فرایندهای شرکت
		فعالیت های شرکت جهت کاهش مصرف آب و انرژی
		میزان آب و انرژی تجدید پذیر قابل مصرف
	مسائل محصولات و خدمات و زنجیره تأمین	افشای فعالیت های شرکت برای رعایت مسائل زیست محیطی از بعد مشتریان و مصرف کنندگان و زنجیره تأمین و اشخاص ثالث از جمله برگزاری یا شرکت در همایش های زیست محیطی <sup>۱</sup> مانور زیست محیطی و...
	مسائل محصولات و خدمات و زنجیره تأمین	اقدامات جهت کاهش تأثیر فعالیت ها بر اقلیم
	مسائل محصولات و خدمات و زنجیره تأمین	افشای خطرات بالقوه فعالیت های شرکت برای سلامتی انسان و محیط زیست
	آموزش محیطی	افشای آموزشی به کارکنان برای تولید با توجه به ملاحظات زیست محیطی و کاهش اثرات زیان بار آن (برحسب ساعت یا هزینه)
آموزش محیطی		افشای آموزشی به مشتریان برای مصرف با توجه به ملاحظات زیست محیطی و کاهش اثرات زیان بار آن (برحسب ساعت یا هزینه)
		افشای گزارشگری محیطی در بخش جداگانه
		افشای سیاست های آتی محیطی شرکت
آموزش محیطی		افشای استراتژی ها برای مدیریت تأثیرات بر تنوع زیستی و منابع طبیعی
		افشای اقدامات در جهت کاهش آثار مخرب <sup>۱</sup> پیشگیری یا رفع آسیب ها از طریق احیای زمین و خاک و جنگل و توسعه فضای سبز
		افشای کل ضایعات و طبقه بندی به عنوان خطرناک و غیر خطرناک و نحوه دفع مناسب

<sup>۱</sup>. He

جدول ۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های ابعاد عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	بعد
افشای میزان آلودگی و افشای اقدامات انجام‌شده برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای سمی...	آلاینده‌گی؛ آلودگی و ضایعات	
افشای استراتژی‌های مبتنی بر بازار سرمایه و مبتنی بر جوامع مدیریت ریسک اجتماعی مثلاً معاینات ادواری واکسیناسیون بیمه عمر حوادث بیکاری و... .	سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی	
افشای کل ساعات آموزشی و تشریح فعالیت‌ها یا هزینه آموزش کل نیروی کار	یادگیری و آموزش اجتماعی	
افشای گزارش عملکرد اجتماعی در بخش جداگانه ارائه سیاست‌های آتی اجتماعی	شفافیت سازی اجتماعی	
افشای قوانین؛ آیین‌نامه‌ها و اصول داوطلبانه سلامت تولید تعداد ساعات کاری از دست‌رفته به علت حوادث یا تعداد کل حوادث اقدامات جهت کاهش عوامل زیان‌آور محیط کار	سلامت تولید	
افشای حفظ حریم خصوصی مشتریان گارانتی و خدمات پس از فروش تعداد شکایات دریافتی از مشتریان یا میزان پرداخت خسارت افشای رویه‌های مربوط به انتخاب تأمین‌کننده ارائه مشخصات؛ کیفیت؛ دوام و ایمنی محصولات	مسائل اجتماعی و مشتریان و زنجیره تأمین	اجتماعی
افشای توانمندی‌های تجاری با شرکت رقیب افشای اطلاعاتی در خصوص توسعه محصولات شرکت یا پروژه‌های تحقیقاتی برای بهبود تولید یا افشای منابع	حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی	
افشای مبالغ حقوق و دستمزد و سایر مزایا میزان استخدام و خروج نیروی کار یا نمودار ترکیب نیروی کار افشای شکایات نیروی کار و پرداخت جرائم به آن‌ها تدابیر کاری انعطاف‌پذیر و فعالیت‌های رفاهی برای کارکنان و خانواده‌هایشان	حقوق نیروی کار	
افشای استانداردهای ایمنی و سلامت کار کل صدمات و مرگ‌ومیر کارمند و پیمانکار؛ نوع و میزان بهره‌وری نیروی کار	سلامت و امنیت بهره‌وری	
نیروی کار کودک و حمایت از کودک کار و خیابانی رعایت اصول داوطلبانه حقوق بشر	رعایت اصول حقوق بشر	
افشای کمک‌های مالی برای حمایت از فعالیت‌های اجتماعی؛ جذب کارآموز و ارتباط با دانشگاه‌ها	توسعه اجتماعی و بشردوستانه	
کمک‌های مالی به قربانیان بلایای طبیعی و کشورهای خارجی تشکیل اتحادیه‌های کارگری و تعاونی سیستم انتقادات و پیشنهادها	ادراک اجتماعی و ذینفعان	
سنجش میزان رضایت مشتریان و کارکنان افشای سیاست‌ها و رویه‌های جذب و استخدام و پاداش		

جدول ۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های ابعاد عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	بعد
افشای تفکیک کارمندان هر طبقه بر اساس سن و جنس و عضویت در گروه‌های اقلیت	عدم تبعیض و شمول اجتماعی	
افشای میزان پاداش کارکنان؛ نحوه جبران عملکرد کارکنان	مدیریت ریسک	
افشای اقدامات شرکت برای مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌ها از جمله تنوع‌بخشی سرمایه‌گذاری	اقدامات نظارتی و مدیریت ریسک	
افشای گزارش کنترل داخلی		
افشای گزارش حسابرسی		
افشای چارچوب یکپارچه مدیریت ریسک واحد اقتصادی (ERM)		
افشای راهبری شرکتی در بخش جداگانه	شفاف‌سازی راهبردی	
افشای سیاست‌های راهبری آتی		
افشای معاملات با اشخاص وابسته		
افشای میزان حضور در بازار و فرهنگ‌سازمانی و...		
افشای دوگانگی		
تجربه صنعتی و مالی		
تعداد جلسات هیئت‌مدیره		
میزان حضور اعضای هیئت‌مدیره در جلسات	ترکیب هیئت‌مدیره	حاکمیتی
وجود زنان در هیئت‌مدیره		
تعداد سال‌های حضور هیئت‌مدیره		
موظف بودن یا نبودن		
تعداد جلسات مدیران غیرموظف		
افشای تعداد کمیته‌ها	کمیته‌ها	
تعداد جلسات کمیته‌ها		
افشای کمیته ریسک		
کمیته حسابرسی		
کمیته انتصابات و جبران عملکرد		
کمیته ESG, CSR, CG		
افشای مدیران مستقل هر کمیته		
نحوه انتخاب حسابرس و جایگزین و حق‌الزحمه		
افشای میزان حقوق و پاداش مدیران	جبران عملکرد	
افشای طرح جبران خدمات و سایر مزایای مدیران		
فاکتورهای کیفی و کمی ارزیابی عملکرد مدیران		
افشای اطلاعات از قوانین مرتبط تجاری حقوقی	انطباق با قوانین	
دعای حقوقی یا انتظار دادخواهی قضایی شرکت		
افشای کدها و نظام‌نامه‌ها و منشورهای اخلاقی	اخلاق و فساد اصول	
افشای اقدامات شرکت برای جلوگیری و مبارزه با فساد	رفتاری	
آموزشی اخلاق حرفه‌ای		

جدول ۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های ابعاد عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

بعد	شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
رعایت سهامداران	حقوق افشای پیشنهاد تقسیم سود متعلق به سهامداران	افشای اساسنامه
		افشای اطلاعات تماس و آدرس الکترونیکی مسئول پاسخگویی سهام
		افشای دستورالعمل مالکیت سهام شرکت توسط مدیران

منبع: فخاری و همکاران (۱۳۹۶)

### متغیرهای کنترلی

بر اساس مطالعه سانوران (۲۰۲۳) متغیرهای کنترلی زیر در مدل استفاده شده‌اند:

SIZE لگاریتم طبیعی فروش در پایان سال مالی که نشان‌دهنده مقیاس عملیاتی شرکت است.

DTA نسبت بدهی به دارایی که از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود و میزان ریسک مالی شرکت را نشان می‌دهد.

EFF نسبت کارایی که از تقسیم جریان‌های نقدی عملیاتی بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید و بازده عملیاتی را ارزیابی می‌کند.

DPR نسبت پرداخت سود تقسیمی که به صورت نسبت سود سهام تقسیمی به تعداد سهام عادی محاسبه می‌شود و سیاست تقسیم سود شرکت را بازتاب می‌دهد.

علاوه بر این متغیرها، برای کاهش اثرات سالانه و جلوگیری از انحراف نتایج، اثرات ثابت سال نیز در مدل کنترل می‌شوند.

### یافته‌های پژوهش

قبل از تخمین الگوها بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی حائز اهمیت اساسی است. در داده‌های ترکیبی زمانی که حجم نمونه آماری بیشتر از ۳۰ مشاهده باشد، توزیع جملات اخلاص به توزیع نرمال نزدیک می‌شود در این حالت با توجه به قضیه حد مرکزی، حتی اگر جملات اخلاص دارای توزیع نرمال نباشند ضرایب، واریانس حداقل بوده و کارا هستند. همین دو ویژگی برای تصمیم‌گیری در خصوص فرضیه‌هایی که با استفاده از ضرایب مدل آزمون می‌شوند، کافی است. لذا با توجه به اینکه تعداد مشاهدات ۱۰۲۴ سال - شرکت و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار می‌باشد فرض می‌شود جملات اختلال از توزیع مناسب برخوردارند در ادامه ابتدا فرض همسان بودن واریانس‌ها مورد بررسی قرار گرفت که در این پژوهش از آزمون نسبت درست‌نمایی استفاده شده است برای بررسی خودهمبستگی از آزمون دوربین واتسون بهره گرفته شده است نتیجه آزمون نشان‌دهنده عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌های الگو است. همچنین به منظور بررسی هم خطی بین متغیرها از معیار عامل تورم واریانس و جهت پایایی متغیرهای پژوهش نیز از آزمون لوین لین و چو استفاده شده است که نتایج به ترتیب نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی بین متغیرها و پایا بودن متغیرهای پژوهش است. از طرف دیگر به منظور انتخاب روش برآورد الگو به صورت ترکیبی یا تلفیقی از آزمون F لیمر و در صورت تائید روش داده‌های تابلویی به منظور انتخاب رویکرد اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است.

## آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

برای درک بهتر ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، ابتدا به توصیف متغیرهای پژوهش پیش از تجزیه و تحلیل آماری پرداخته می‌شود. به همین منظور، در جدول ۲ شاخص‌هایی برای توصیف متغیرهای پژوهش ارائه شده است. همچنین، لازم به ذکر است که متغیرهای پژوهش پیش از ارائه آمار توصیفی، در سطح خطای ۵ درصد نرمال سازی شده‌اند. بر اساس جدول ۲، میانگین نرخ رشد سود پایدار برابر با ۰/۰۶۵ است که نشان دهنده افزایش میانگین سود پایدار شرکت‌ها به میزان ۶/۵ درصد می‌باشد. میانه این متغیر ۰/۰۹ بوده و بیان می‌کند که نرخ رشد سود پایدار نیمی از شرکت‌ها کمتر از ۰/۰۹ و نیمی دیگر بیشتر از این میزان است. کمینه نرخ رشد سود پایدار برابر با ۰/۰۳۱- و بیشینه آن برابر با ۰/۵۱۴ است. همچنین، انحراف معیار برابر با ۰/۰۸۷ نشان می‌دهد که پراکندگی نرخ رشد سود پایدار نسبت به میانگین قابل توجه است. میانگین پایداری شرکت برابر با ۰/۵۸۱ است که نشان می‌دهد حدود ۵۸/۱ درصد از شرکت‌ها به سطح قابل توجهی از پایداری رسیده‌اند. این متغیر به صورت دوجهی محاسبه شده و مقادیر آن بین ۰ و ۱ قرار دارد. اندازه شرکت که از طریق لگاریتم ارزش حقوق صاحبان سهام محاسبه شده است، دارای میانگین ۱۵/۱۷ و میانه ۱۶/۱۱ می‌باشد. کمترین اندازه شرکت برابر با ۹/۷۲۶ و بیشترین مقدار برابر با ۲۱/۹۴۷ است. انحراف معیار این متغیر ۱/۹۰۸ است که بیانگر تفاوت نسبی میان شرکت‌ها در اندازه می‌باشد. اهرم مالی با میانگین ۰/۵۳۳ و میانه ۰/۶۸ مشخص شده است. این متغیر که به صورت نسبت محاسبه شده است، دارای حداقل مقدار ۰/۰۳۱ و حداکثر مقدار ۱/۵۰۵ می‌باشد. همچنین انحراف معیار برابر با ۰/۲۱۵ است. نسبت کارایی با میانگین ۰/۱۲۹ نشان می‌دهد که عملکرد شرکت‌ها نسبت به منابع خود در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. میانه این نسبت برابر با ۰/۲۱ است، در حالی که کمترین مقدار آن ۱-/۳۱۲- و بیشترین مقدار ۰/۶۸۷ است. انحراف معیار این متغیر ۰/۱۴۷ است. در نهایت، سود تقسیمی که به صورت لگاریتم محاسبه شده است، دارای میانگین ۴/۶۶ و میانه ۶/۴۷ می‌باشد. کمینه این متغیر ۰ و بیشینه آن ۱۰/۴۲۷ است. انحراف معیار برابر با ۲/۴۸۴ نشان دهنده پراکندگی زیاد در سود تقسیمی شرکت‌ها است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	نحوه محاسبه
رشد سودآوری پایدار	۰/۰۹۱	۰/۰۶۵	۰/۰۸۷	-۰/۰۳۱	۰/۵۱۴	فرمول
شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری	۱/۰۰۰	۰/۵۸۱	۰/۴۹۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	دوجهی
اندازه شرکت	۱۶/۱۱	۱۵/۱۷	۱/۹۰۸	۹/۷۲۶	۲۱/۹۴۷	لگاریتم
اهرم مالی	۰/۶۸۱	۰/۵۳۳	۰/۲۱۵	۰/۰۳۱	۱/۵۰۵	نسبت
نسبت کارایی	۰/۲۱۹	۰/۱۲۹	۰/۱۴۷	-۱/۳۱۲	۰/۶۸۷	نسبت
سود تقسیمی	۶/۴۷۱	۴/۶۶۶	۲/۴۸۴	۰/۰۰۰	۱۰/۴۲۷	لگاریتم

برای ارزیابی روابط میان متغیرهای این پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شده است. این ضریب مقداری بین -۱ و +۱ به خود می‌گیرد؛ به گونه‌ای که نزدیکی به +۱ نشان دهنده رابطه قوی و مستقیم بین متغیرها و نزدیکی به -۱ بیانگر رابطه قوی اما معکوس میان آن‌ها است. جدول ۳ شامل ضرایب همبستگی میان متغیرها است.

نتایج نشان می‌دهند که بین این متغیرها وابستگی شدیدی مشاهده نمی‌شود. از این رو، می‌توان متغیرهای پژوهش را با اطمینان در مدل‌های آماری قرار داده و تحلیل‌های رگرسیون را انجام داد.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	رشد سودآوری پایدار	شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری	اندازه شرکت	اهرم مالی	نسبت کارایی	سود تقسیمی
رشد سودآوری پایدار	۱					
شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری	۰/۲۷۸	۱				
اندازه شرکت	۰/۲۴۳	۰/۲۷۳	۱			
اهرم مالی	-۰/۰۱۸	-۰/۰۷۷	-۰/۴۹۱	۱		
نسبت کارایی	۰/۲۴۳	۰/۱۸۲	۰/۰۸۹	۰/۴۶۵	۱	
سود تقسیمی	۰/۵	-۰/۳۰۳	۰/۲۳۴	۰/۲۰۳	۰/۴۹۱	۱

جهت تشخیص نوع مدل رگرسیونی آزمون‌های چاو و هاسمن اجرا شد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مدل رگرسیون داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت مناسب است.

جدول ۴. تشخیص نوع مدل رگرسیون

آماره آزمون چاو	۱/۷۰۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون چاو	ترکیبی یا پنل
آزمون هاسمن	۴۱/۱۷۳
سطح معنی‌داری	۰/۰۱۱
نتیجه آزمون هاسمن	اثرات ثابت
نوع رگرسیون	رگرسیون ترکیبی با اثرات ثابت

برای بررسی خودهمبستگی در باقیمانده‌های مدل رگرسیونی از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود. در این پژوهش، نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد مقدار آماره این آزمون برابر ۱/۹۲ بود که نزدیک به ۲ است و نشان می‌دهد خودهمبستگی معنی‌داری وجود ندارد؛ بنابراین، مفروضات مدل رعایت شده و نتایج رگرسیون قابل اعتماد است.

جدول ۵. نتایج آزمون دوربین واتسون

شاخص آزمون	مقدار به دست آمده	تفسیر
آماره دوربین واتسون	۱/۹۲۰	نزدیک به ۲، عدم وجود خودهمبستگی
نتیجه آزمون	عدم وجود خودهمبستگی	مدل فاقد مشکل خودهمبستگی است
اعتبار مدل	تائید شده	مفروضات رگرسیون رعایت شده‌اند

مطابق با جدول ۶، آماره F مدل پژوهش برابر با  $27/827$  است و سطح احتمال آن صفر می‌باشد که نشان دهنده معناداری کلی مدل است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر آن است که  $51/3$  درصد از تغییرات متغیر وابسته متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود. این مقدار نشان‌دهنده توانایی مدل در توضیح نوسانات متغیر وابسته است. بررسی معناداری متغیرها نشان می‌دهد که ضریب متغیر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری «برابر با  $0/013$  بوده و با آماره t برابر با  $2/74$  و سطح معناداری  $0/006$  دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد سودآوری پایدار است. همچنین، ضریب متغیر شرکت اندازه برابر با  $0/003$  است که با آماره t برابر با  $1/74$  و سطح معناداری  $0/082$ ، معناداری کمتری دارد. متغیر اهرم مالی دارای ضریب  $-0/121$  بوده و آماره t برابر با  $-7/14$  و سطح معناداری صفر نشان می‌دهد که این متغیر اثر منفی و قابل توجهی بر رشد سودآوری پایدار دارد. متغیر نسبت کارایی با ضریب  $0/149$  و آماره t برابر با  $5/52$  و سطح معناداری صفر اثر مثبت قابل توجهی بر رشد سودآوری پایدار دارد. متغیر سود تقسیمی نیز با ضریب  $0/007$  و آماره t برابر با  $6/21$  و سطح معناداری صفر، اثر مثبت و معنادار خود را تأیید می‌کند. در مقابل، متغیر عرض از مبدأ با ضریب  $0/031$  و آماره t برابر با  $1/06$  و سطح معناداری  $0/29$  معناداری خود را نشان نمی‌دهد. این نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای اصلی پژوهش دارای اثرات مثبت و منفی معناداری بر رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها بوده و مدل کلی پژوهش معنادار و قابل اتکا است. این یافته‌ها نقش مهم متغیرهای کلیدی را در رشد سودآوری پایدار تأیید می‌کنند.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری	0/013	0/005	2/74	0/006
اندازه شرکت	0/003	0/002	1/74	0/082
اهرم مالی	-0/121	0/017	-7/14	0/000
نسبت کارایی	0/149	0/027	5/52	0/000
سود تقسیمی	0/007	0/001	6/21	0/000
عرض از مبدأ	0/031	0/029	1/06	0/29
ضریب تعیین			0/513	
مقدار آماره فیشر			27/827	
سطح احتمال آماره فیشر			0/000	
تعداد مشاهدات			1024	
میانگین VIF			2/27	
اثرات سال و صنعت			لحاظ شده است	
اثرات استحکام (Robust)			اجرا شده است	

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها انجام شده است. شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری به عنوان ابزاری استراتژیک برای ایجاد توازن میان

تعهدات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی در شرکت‌ها به کار گرفته شده و محور اصلی در تحلیل‌های این تحقیق محسوب می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲، به بررسی چگونگی تأثیرگذاری این شاخص‌ها بر سودآوری پایدار پرداخته است. پژوهش تلاش کرده است تا تأثیر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری را در زمینه‌های مدیریتی، تصمیم‌گیری و ارتباط با ذینفعان روشن نماید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها دارند. به‌طور خاص، شاخص پایداری شرکت و کارایی نسبت‌ها اثرات مثبت و قابل توجهی بر رشد سودآوری پایدار نشان دادند، در حالی که اهرم مالی تأثیری منفی و معنادار بر این رشد داشت. این یافته‌ها تأیید می‌کند که شرکت‌هایی که اصول زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری را در فرآیندهای خود به کار می‌گیرند، می‌توانند مزیت رقابتی پایدار ایجاد کرده و در مسیر حفظ پایداری مالی و محیطی قرار گیرند. شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری به‌طور مستقل و جمعی نقش مهمی در ارتقای عملکرد شرکت‌ها در حوزه‌های کلیدی ایفا می‌کنند. شرکت‌هایی که تعهد بیشتری به اصول زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری دارند، با ایجاد تعاملات مؤثرتر با ذینفعان و جامعه، تصویر برند خود را بهبود بخشیده و اعتماد بازار را افزایش داده‌اند. در این میان، کاهش اهرم مالی نیز به عنوان عاملی کلیدی در تثبیت سودآوری پایدار اهمیت یافته است؛ بنابراین، این پژوهش تأکید می‌کند که اتخاذ رویکردهای پایدار نه تنها مزایای کوتاه‌مدت مالی دارد، بلکه پایه‌گذار رشد بلندمدت و مستمر سودآوری شرکت‌ها نیز می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد سودآوری پایدار شرکت‌ها دارند که این یافته با نتایج پژوهش‌های اسماعیلی کیا و ناصری (۱۴۰۴) و ولی زاده لاریجانی و مفاخری باشماق (۱۴۰۳) هماهنگ است. این مطالعات تأکید کرده‌اند که مسئولیت اجتماعی و گزارشگری شفاف زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری موجب ارتقای مزیت رقابتی و تسهیل تأمین مالی شرکت‌ها می‌شود. همچنین، تعامل مؤثر شرکت‌ها با ذینفعان و جامعه، باعث بهبود تصویر برند و افزایش اعتماد بازار می‌شود که در پژوهش حاضر نیز به‌وضوح مشاهده شد. علاوه بر این، نقش مهم راهبری شرکتی در تقویت تأثیر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکرد مالی، با یافته‌های بهارلو (۱۴۰۳) و نمازی و همکاران (۱۴۰۲) همسو است. از سوی دیگر، اثر منفی و معنادار اهرم مالی بر رشد سودآوری پایدار، با نتایج پژوهش‌های نورانی و عادل (۱۴۰۱) و دارابی و همکاران (۱۴۰۱) هم‌راستا است و اهمیت مدیریت بهینه ساختار مالی برای حفظ پایداری سود را نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی مانند آنیزه و همکاران (۲۰۲۵) و برونلا و همکاران (۲۰۲۴) نیز تأکید دارند که افشای شفاف شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری و رعایت اصول حاکمیتی، علاوه بر کاهش هزینه تأمین مالی، نقش مهمی در بهبود سودآوری بلندمدت شرکت‌ها ایفا می‌کنند؛ بنابراین، نتایج این پژوهش بر ضرورت ترکیب رویکردهای پایدار با مدیریت مالی هوشمندانه برای دستیابی به رشد پایدار و مستمر سودآوری تأکید دارد و چارچوبی عملی و علمی برای ارتقای عملکرد شرکت‌ها ارائه می‌دهد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیران ارشد و هیئت‌مدیره شرکت‌ها اصول زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری را به صورت راهبردی در سیاست‌ها و برنامه‌های سازمانی نهادینه کنند و مدیرعامل به همراه تیم اجرایی با



استفاده از فناوری‌های نوین، افشای شفاف و جامع عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری را فراهم آورند تا اعتماد سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان جلب شود. همچنین، استانداردها و بورس و نهادهای ناظر باید چارچوب‌های الزام‌آور و دقیق برای گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری تدوین کنند تا شفافیت و کیفیت اطلاعات ارتقا یابد. از سوی دیگر، بخش مالی و مدیریت ریسک شرکت‌ها با کاهش اهرم مالی و بهینه‌سازی ساختار سرمایه باید زمینه را برای سودآوری پایدار فراهم آورند. درنهایت، همکاری همه‌جانبه میان سطوح مختلف مدیریتی و ذی‌نفعان داخلی و خارجی در اجرای تحلیل‌های استراتژیک و نوآوری‌های فرآیندی ضروری است تا ارزش‌آفرینی بلندمدت تضمین شود.

این پژوهش به داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محدود شده است که ممکن است قابلیت تعمیم نتایج به سایر بخش‌ها و صنایع محدود شود. همچنین، عدم افشای کامل شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در برخی شرکت‌ها و محدوده زمانی مورد بررسی (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲) از دیگر محدودیت‌های این تحقیق است. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی با گسترش دامنه جغرافیایی و زمانی، تحلیل جامع‌تری ارائه دهند.

## فهرست منابع

اخترشناس، داریوش، خدای پور، احمد، و پورحیدری، امید (۱۳۹۹). تدوین مدل عوامل مؤثر بر پایداری شرکتی در ایران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۵)، ۱۷۵-۲۰۱. doi: 10.22054/qjma.2019.47002.2061

اسماعیلی کیا، غریبه، و ناصری، مهدیس (۱۴۰۴). مسئولیت اجتماعی شرکت و راهبردهای رقابتی: نقش تعدیل‌کنندگی عملکرد راهبری و عملکرد شرکت. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۵(۱)، ۱۴۵-۱۸۴. doi: 10.22051/jera.2025.48850.3319

ایمانی، پدram، حاجی‌ها، زهره، و امیرحسینی، زهرا (۱۳۹۶). آزمون تأثیر پایداری سود و سودآوری بر سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، ۱۰(۳۳)، ۷۳-۸۸. <https://sanad.iau.ir/Journal/jma/Article/816622/FullText>

بزرگ‌اصل، موسی، و صالح‌زاده، بیستون (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۴(۵۸)، ۱۵۳-۱۷۰. doi: 20.1001.1.20088914.1396.8.2.7.2

بهارلو، روح‌الله (۱۴۰۳). بررسی تأثیر عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابداری. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۴(۲)، ۶۵-۸۶. doi: 10.71965/aft.2025.1191949

پارسا فرد، بهرنگ، استا، سهراب، و شیخی، هادی (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین نظارت نهادی و انواع ارتباطات سیاسی با پایداری سود. *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۵(۴)، ۱۰۹-۱۳۰. doi: 10.22108/far.2024.140493.2033

تحریری، آرش، و افسای، اکرم (۱۴۰۰). تأثیر افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر تلاش حسابرسان و کیفیت حسابداری. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۳)، ۶۹-۸۸. doi: 10.22103/jak.2021.16637.3349

خوشکار، فرزین، دودران، امین، پناهی، و احدیان، سعید رضا (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین محتوای اطلاعاتی سود و پایداری سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۱)، ۶۹-۸۲. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/571>

دارابی، رویا، شفیعی، مهرداد، و یزدانی، محمد (۱۴۰۱). بررسی تاثیر دستکاری جریان نقد عملیاتی بر پایداری رشد مبتنی بر سود در بازارهای مالی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۷۶)، ۱۵۷-۱۶۸. [https://www.jamv.ir/article\\_169441.html](https://www.jamv.ir/article_169441.html)

داروغه حضرتی، فاطمه، و رحیمی، زهرا (۱۴۰۳). تاثیر مسئولیت اجتماعی بر بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره کووید ۱۹. حسابداری و شفافیت مالی، ۳(۲)، ۱۱۶-۱۳۳. <https://doi.org/10.71965/aft.2024.1126964>

رحیمیان، نظام‌الدین؛ توکل نیا، اسماعیل، و اسدی، زینب (۱۳۹۱). مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت. فصلنامه حسابداری رسمی، ۹(۱۷). <https://www.magiran.com/p1002266>

عسگری آلودج، حسین (۱۴۰۲). تاثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد بازار شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با نقش تعدیلی راهبرد تجاری. حسابداری و شفافیت مالی، ۱(۱)، ۹۹-۱۲۱. <https://doi.org/10.71965/AFT.2023.783593>

علی خانی، راضیه، و مران جوری، مهدی (۱۳۹۳). کاربرد تئوریهای افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۳(۹)، ۳۶-۵۳. doi: 10.22034/iaas.2014.103576

فائق عباس سیفاوی، یسر، چالاک، پری، و پیری، پرویز (۱۴۰۳). اثر بیمه‌ای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد شرکت در مقابل خروج از برجام: رویکرد تفاوت - در- تفاوت. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۶(۲)، ۱-۲۴. doi: 10.22108/far.2025.142312.2064

فخاری، حسین، ملکیان، اسفندیار، و جفایی رهنی، منیر (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله مراتبی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۸۷. <http://dx.doi.org/10.29252/aapc.2.4.153>

منیشداوی، الهه، و موسوی، سیدنجم‌الدین (۱۴۰۰). بررسی ارتباط میان مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد پایدار، با نقش واسطه‌ای مدیریت منابع انسانی سبز. اولین کنفرانس بین‌المللی جهش علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ساری. <https://civilica.com/doc/1463708>

نمازی، نویدرضا، اسماعیل پور، حسن، و کاظمی هفدانی، بشیر (۱۴۰۲). تاثیر کیفیت ابعاد زیست‌محیطی بر عملکرد واحدهای تجاری با توجه به نقش میانجی راهبری شرکتی. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۵(۴)، ۸۵-۱۰۸. doi: 10.22108/far.2024.137584.1968

نورانی، حسین، و عادل، رویا (۱۴۰۱). تأثیر کیفیت حسابرسی بر عملکرد شرکت بر مبنای نرخ رشد پایدار با تأکید بر نقش رقابت در بازار محصول. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۶۸)، ۳۲-۴۶.  
[https://www.jamv.ir/article\\_160328.html](https://www.jamv.ir/article_160328.html)

هاشمی، سید عباس، قاسمی، محمدرضا، و رفیعی شهرکی، احمدرضا (۱۳۹۸). تأثیر عملکرد پایداری شرکت بر مازاد بازده سهام و سودآوری. حسابداری و منافع اجتماعی، ۹(۲)، ۱۱۹-۱۳۸. doi: 10.22051/ijar.2018.22009.1430

ولی زاده لاریجانی، اعظم، و مفاخری باشماق، سارینا (۱۴۰۳). گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تأمین مالی (تسهیلات بانکی و اوراق بدهی). مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۱۲(۳)، ۱۰۳-۱۱۸. doi: 10.22108/amf.2024.139579.1833

Acciarini, C., Borelli, F., Capo, F., Cappa, F., & Sarrocco, C. (2022). Can digitalization favour the emergence of innovative and sustainable business models? A qualitative exploration in the automotive sector. *Journal of Strategy and Management*, 15(3), 335-352. doi: 10.1108/JSMA-02-2021-0033

Agnese, P., Carè, R., Cerciello, M., & Taddeo, S. (2025). Reconsidering the impact of environmental, social and governance practices on firm profitability. *Management Decision*, 63(1), 25-48. doi: 10.1108/MD-10-2023-1943

Akhtarshenas, D., Khodamipour, A. and pourheidari, O. (2020). Developing of effective factors model on corporate sustainability in Iran. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 17(65), 175-201. doi: 10.22054/qjma.2019.47002.2061 [In Persian]

Alikhani, R. and Maran Jori, M. (2014). Application of social and environmental information disclosure Theories. *Accounting and Auditing Studies*, 3(9), 36-53. doi: 10.22034/iaas.2014.103576 [In Persian]

Artiach, T., Lee, D., Nelson, D., & Walker, J. (2010). The determinants of corporate sustainability performance. *Accounting & Finance*, 50(1), 31-51. doi: 10.1111/j.1467-629X.2009.00315.x

Asgari Aloj, H. (2023). The effect of corporate social performance on market performance of firms listed on Tehran Stock Exchange with the moderating role of business strategy. *Accounting and Financial Transparency*, 1(1), 99-121. doi: 10.71965/AFT.2023.783593 [In Persian]

Athari, S. A., Saliba, C., Abboud, E., & El-Bayaa, N. (2024). Examining the quadratic impact of sovereign environmental, social, and governance practices on firms' profitability: new insights from the financial industry in gulf cooperation council countries. *Sustainability*, 16(7), 2783. doi: 10.3390/su16072783

Baharloo, R. (2024). Examining the impact of environmental, social, and governance factors on firm financial performance with the moderating role of audit quality. *Accounting and Financial Transparency*, 4(2), 65-86. doi: 10.71965/aft.2025.1191949 [In Persian]

Bodhanwala, S., & Bodhanwala, R. (2018). Does corporate sustainability impact firm profitability? Evidence from India. *Management decision*, 56(8), 1734-1747. doi: 10.1108/MD-04-2017-0381

Bozorg Asl, M., & Salehzadeh, B. (2015). The relationship between managerial ability and earnings sustainability with emphasis on accrual and cash flow components in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Audit Knowledge*, 14(58), 153-170. doi: 20.1001.1.20088914.1396.8.2.7.2 [In Persian]

Brunella, A., Federico, D., Roberto, F., Pietro, P., & Madau, F. A. (2024). Role of environmental, social and governance disclosure in business profitability and cost of debt: An analysis of small Southern Italian agri-food businesses. *Agribusiness*, 41(3)-856-895. doi: 10.1002/agr.21933

Cho, S. J., Chung, C. Y., & Young, J. (2019). Study on the relationship between CSR and financial performance. *Sustainability*, 11(2), 343. doi: 10.3390/su11020343

- Darabi, R., Shafiee, M. & Yazdani, M. (2023). Investigating the impact of operating cash flow manipulation on the sustainability of profit-based growth in financial markets. *Journal of Accounting and Management Vision*, 5(76), 157-168. [https://www.jamv.ir/article\\_169441.html](https://www.jamv.ir/article_169441.html) [In Persian]
- Darughe Hazrati, F., & Rahimi, Z. (2024). The impact of social responsibility on stock returns of companies listed on Tehran Stock Exchange during the COVID-19 pandemic. *Accounting and Financial Transparency*, 3(2), 116–133. doi: [10.71965/aft.2024.1126964](https://doi.org/10.71965/aft.2024.1126964) [In Persian]
- Esmailikia, G. and Naseri, M. (2025). Corporate social responsibility and competitive strategies: the moderating role of governance performance and firm's performance. *Empirical Research in Accounting*, 15(1), 145-184. doi: [10.22051/jera.2025.48850.3319](https://doi.org/10.22051/jera.2025.48850.3319) [In Persian]
- Faiq Abbas Sifawy, Y., Chalaki, P., & Piri, P. (2024). The insurance-like effect of CSR on corporate performance against JCPOA. a difference-in-difference approach. *Financial Accounting Research*, 16(2), 1-24. doi: [10.22108/far.2025.142312.2064](https://doi.org/10.22108/far.2025.142312.2064) [In Persian]
- Fakhari, H., Malekian, E., & Jafaei Rahni, M. (2018). Explaining and ranking of the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by analytic hierarchy process in the companies listed in stock exchange. *Journal of Value and Behavioral Accounting*, 2(4), 153–187. doi: [10.29252/aapc.2.4.153](https://doi.org/10.29252/aapc.2.4.153) [In Persian]
- García-Sánchez, I. M. (2020). The moderating role of board monitoring power in the relationship between environmental conditions and corporate social responsibility. *Business Ethics: A European Review*, 29(1), 114-129. doi: [10.1111/beer.12242](https://doi.org/10.1111/beer.12242)
- Gopalan, R., Gormley, T. A., & Kalda, A. (2021). It's not so bad: Director bankruptcy experience and corporate risk-taking. *Journal of Financial Economics*, 142(1), 261-292. doi: [10.1016/j.jfineco.2021.04.037](https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2021.04.037)
- Hashemi, S. A., Ghasemi, M., & Rafiee Shahraki, A. (2019). Effect of corporate sustainability on excess stock returns and profitability. *Journal of Accounting and Social Interests*, 9(2), 119-138. doi: [10.22051/ijar.2018.22009.1430](https://doi.org/10.22051/ijar.2018.22009.1430) [In Persian]
- He, F., Ding, C., Yue, W., & Liu, G. (2023). ESG performance and corporate risk-taking: Evidence from China. *International Review of Financial Analysis*, 87, 102550. doi: [10.1016/j.irfa.2023.102550](https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.102550)
- Higgins, R. C. (1977). How much growth can a firm afford?. *Financial Management*, 13(6), 7-16. doi: [10.2307/3665251](https://doi.org/10.2307/3665251)
- Imani, P., Hajiha, Z., & Amirhosseini, Z. (2017). The examination of effect of earnings persistence and profitability on disclosure level of corporate social responsibility listed in stock exchange in Tehran. *Management Accounting*, 33(10), 73–88. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jma/Article/816622/FullText> [In Persian]
- Khoshkar, F., Panahi Doudran, A., & Ahadian, S. (2020). Investigating the relationship between earnings information content and earnings sustainability in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 4(15), 69–82. Retrieved from <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/571> [In Persian]
- Lee, K., & Lee, H. (2019). How does CSR activity affect sustainable growth and value of corporations? Evidence from Korea. *Sustainability*, 11(2), 508. doi: [10.3390/su11020508](https://doi.org/10.3390/su11020508)
- Li, V. (2019). The effect of real earnings management on the persistence and informativeness of earnings. *The British Accounting Review*, 51(4), 402-423. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2019.02.005>
- Manishdavi, E., & Mousavi, S. N. (2021). Examining the relationship between corporate social responsibility and sustainable performance with the mediating role of green human resource management. In *Proceedings of the First International Conference on Advances in Management, Economics, and Accounting*, Sari. Retrieved from <https://civilica.com/doc/1463708> [In Persian]
- Namazi, N. R., Esmaeilpour, H., & Kazemi Hafdani, B. (2024). The effect of the quality of environmental dimensions on the performance of business units according to the mediating role of

- corporate governance. *Financial Accounting Research*, 15(4), 85-108. doi: [10.22108/far.2024.137584.1968](https://doi.org/10.22108/far.2024.137584.1968) [In Persian]
- Norani, H., & Adeli, R. (2022). The effect of audit quality on company performance based on sustainable growth rate with emphasis on the role of competition in the product market. *Journal of Accounting and Management Vision*, 5(68), 32-46. [https://www.jamv.ir/article\\_160328.html](https://www.jamv.ir/article_160328.html) [In Persian]
- Oprean-Stan, C., Oncioiu, I., Iuga, I. C., & Stan, S. (2020). Impact of sustainability reporting and inadequate management of ESG factors on corporate performance and sustainable growth. *Sustainability*, 12(20), 8536. doi: [10.3390/su12208536](https://doi.org/10.3390/su12208536)
- Parsafard, B., Osta, S., & Sheikhi, H. (2024). Investigating the relationship between earnings persistence, institutional investors monitoring, and types of political connections. *Financial Accounting Research*, 15(4), 109-130. doi: [10.22108/far.2024.140493.2033](https://doi.org/10.22108/far.2024.140493.2033) [In Persian]
- Rahimian, N., Tavakolnia, E., & Asadi, Z. (2012). Corporate social responsibility and sustainability. *Official Accountant Quarterly*, 9(17). Retrieved from <https://www.magiran.com/p1002266> [In Persian]
- Sanoran, K. L. (2023). Corporate sustainability and sustainable growth: The role of industry sensitivity. *Finance Research Letters*, 53, 103596. doi: [10.1016/j.frl.2022.103596](https://doi.org/10.1016/j.frl.2022.103596)
- Škare, M., & Golja, T. (2014). The impact of government CSR supporting policies on economic growth. *Journal of Policy Modeling*, 36(3), 562-577. doi: [10.1016/j.jpolmod.2014.01.008](https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2014.01.008)
- Tahriri, A., & Afsay, A. (2021). The impact of environmental, social and governance disclosure on auditor effort and audit quality. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(3), 69-88. doi: [10.22103/jak.2021.16637.3349](https://doi.org/10.22103/jak.2021.16637.3349) [In Persian]
- Tian, M., Xu, G., & Zhang, L. (2019). Does environmental inspection led by central government undermine Chinese heavy-polluting firms' stock value? The buffer role of political connection. *Journal of Cleaner Production*, 237, 117949. doi: [10.1016/j.jclepro.2019.117949](https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.117949)
- Uhlig, M. R. H., Mainardes, E. W., & Nossa, V. (2017). Corporate social responsibility and consumer's relationship intention. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 24(3), 215-226. doi: [10.1002/csr.1417](https://doi.org/10.1002/csr.1417)
- Valizadeh Larijani, A., & Mafakheri Bashmagh, S. (2024). The relationship between corporate social responsibility (CSR) reporting and financing (bank loans and debt securities). *Journal of Asset Management and Financing*, 12(3), 103-118. doi: [10.22108/amf.2024.139579.1833](https://doi.org/10.22108/amf.2024.139579.1833) [In Persian]
- Villagra, N., Lopez, B., & Monfort, A. (2015). The management of intangibles and corporate branding: Has anything changed in the relationship between business and society? *Revista Latina de Comunicación Social*, 70, 168-185. doi: [10.4185/RLCS-2015-1047en](https://doi.org/10.4185/RLCS-2015-1047en)
- Visser, W., & Crane, A. (2010). Corporate sustainability and the individual: Understanding what drives sustainability professionals as change agents. 1-36. doi: [10.2139/ssrn.1559087](https://doi.org/10.2139/ssrn.1559087)
- Yang, Y., Yao, C., & Li, Y. (2020). The impact of the amount of environmental information disclosure on financial performance: The moderating effect of corporate internationalization. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27, 2417-2427. doi: [10.1002/csr.1910](https://doi.org/10.1002/csr.1910)
- Zaman, R., Jain, T., Samara, G., & Jamali, D. (2022). Corporate governance meets corporate social responsibility: Mapping the Interface. *Business and Society*, 61, 149-202. doi: [10.1177/0007650320976415](https://doi.org/10.1177/0007650320976415)

## Developing a causal model of barriers to the advancement of sustainability accounting and financial reporting: a thematic analysis and DEMATEL approach

Mona Talaei<sup>1</sup>, Abbasali Pour Aghajan<sup>1,✉</sup>, Rasool Masoumi<sup>2</sup>

1. Department of Accounting, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran.  
2. Department of Accounting, Jo.C., Islamic Azad University, Joybar, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p><b>Received:</b> 30 April 2025 <b>Revised:</b> 24 July 2025 <b>Accepted:</b> 26 July 2025</p> <p><b>Keywords:</b> Delphi, DEMATEL, development barriers, financial reporting, Sustainability accounting, thematic analysis</p> <p><b>JEL Classification:</b> M41, Q56</p>	<p><b>Purpose:</b> The primary objective of this research is to develop a causal model for identifying and analyzing barriers to the advancement of sustainability accounting and financial reporting in companies listed on the Tehran Stock Exchange.</p> <p><b>Methodology:</b> This study employed a mixed-method research design combining qualitative and quantitative approaches. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 15 experts and academic professionals in 2024. Using thematic analysis, key themes related to the barriers hindering the development of sustainability accounting were identified. To validate the findings, the Delphi method was applied, allowing for expert consensus and confirmation. In the quantitative phase, the DEMATEL (Decision-Making Trial and Evaluation Laboratory) technique was utilized to analyze the causal relationships among the identified components of the barriers. This integrative approach enabled a comprehensive and systematic evaluation of the critical factors influencing the advancement of sustainability accounting.</p> <p><b>Findings:</b> The qualitative findings reveal three overarching themes—economic and regulatory challenges, environmental and sustainability concerns, and socio-cultural barriers—further categorized into seven organizing themes and twenty-eight foundational themes. The quantitative results indicate that weaknesses in regulatory frameworks and infrastructure, along with insufficient adherence to standards and protocols, are the most influential factors. Conversely, financial resource constraints and ethical and social considerations are classified as dependent variables.</p> <p><b>Originality:</b> The results of this study, through the development of a causal and systematic model, identify and analyze the barriers to the advancement of sustainability accounting and financial reporting within Iran's institutional and cultural context. This model assists managers and policymakers in prioritizing the identified obstacles and formulating effective strategies to enhance sustainability reporting practices.</p>
<p><b>Cite this paper:</b> Talaei, M., Pour Aghajan, A., &amp; Masoumi, R. (2025). Developing a causal model of barriers to the advancement of sustainability accounting and financial reporting: a thematic analysis and DEMATEL approach. <i>Journal of Accounting &amp; Financial Transparency</i>, 3(2), 49–76. <a href="https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1205448">https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1205448</a> [In Persian]</p>	

✉ Corresponding Author.

Email Address: p.abbas@iau.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## Introduction

In today's world, the concept of sustainable development has emerged as a strategic imperative in response to environmental, social, and economic challenges. It has become a core agenda for governments, international institutions, and large corporations. Sustainable development emphasizes meeting the needs of the present generation without compromising the ability of future generations to meet their own needs (United Nations, 2015). Achieving this goal requires comprehensive reform in economic, social, and institutional structures. Within this framework, sustainability accounting and financial reporting have gained prominence as emerging tools that enhance information transparency, social accountability, and informed stakeholder decision-making (Tauringana, 2021).

Sustainability accounting seeks to integrate not only traditional financial indicators but also the environmental and social impacts of organizational activities into comprehensive reports. Sustainability reporting provides an effective platform for improved stakeholder engagement, enhancement of corporate image, and mitigation of environmental risks (Barako, 2007). However, in developing countries such as Iran, the implementation of these tools faces numerous obstacles.

Studies have shown that weak regulatory frameworks, lack of supervisory requirements, absence of localized standards, managerial unawareness, insufficient shareholder pressure, cultural deficiencies, and infrastructure problems are among the key barriers to the development of sustainability reporting in Iran (Haghighat & Hekmat, 2025; Yousefizadeh & Fakhari, 2024; Keshavarzinejad *et al.*, 2023). Moreover, challenges such as lack of information transparency, conflict of interest, disregard for social responsibility, and economic instability have further impeded the

institutionalization of sustainability accounting (Ghadardan & Rezaei, 2024; Mathuva *et al.*, 2017).

Foreign research has also identified factors such as ownership structure, organizational culture, pressure from regulatory bodies, legal mandates, and industry type as determinants of sustainability accounting adoption (Wan *et al.*, 2025; Vásquez - Millalén *et al.*, 2023; Gipper *et al.*, 2025). Nevertheless, the generalizability of these studies to the Iranian institutional, cultural, and economic context remains limited.

## Methodology

This study is applied in nature and employs a mixed-methods design (qualitative–quantitative). In the qualitative phase, thematic analysis was used to extract the key themes. Data were collected through semi-structured interviews with 15 experts in sustainability accounting, including academic faculty members and senior managers of listed companies. Participants were selected using purposive and snowball sampling, and interviews continued until theoretical saturation was reached. Each interview lasted between 30 to 60 minutes, and open-ended questions were used to elicit in-depth perspectives.

The six-step model of Braun & Clarke (2006) was employed for thematic analysis. Identified themes were categorized into three levels: basic, organizing, and global themes. To ensure data validity, triangulation techniques, inter-coder agreement (with a 90% consensus rate), and repeated reviews of interview transcripts were applied. Source triangulation was also used to enhance coding reliability.

In the quantitative phase, the DEMATEL technique was used to identify causal relationships among the key components. Following the validation of themes using fuzzy Delphi analysis, experts assessed the influence of each component on others using a scale from 0 to 4. The collected data were converted into direct relation matrices, normalized matrices, and total relation

matrices. R and C vectors were then calculated to determine the degree of influence (R–C) and overall prominence (R+C) of each factor. Finally, causal and network diagrams were drawn to determine the structural position of each component within the model.

## Results

Thematic analysis led to the identification of three global themes: (1) economic and legal challenges, (2) environmental and sustainability challenges, and (3) social and cultural challenges. These were broken down into seven organizing themes: weak economic and financial interactions, lack of financial resources, weak legal and infrastructural frameworks, neglect of environmental issues, inadequate adherence to standards, insufficient support for sustainability development, and ethical and social concerns. Each organizing theme included several basic themes, totaling 28. In the fuzzy Delphi phase, all identified components were validated, with non-fuzzy means exceeding the threshold. The variance in expert opinions remained below 0.2, indicating a high level of consensus.

DEMATEL analysis revealed that "weak legal and infrastructural frameworks" (C3) and "inadequate adherence to standards and protocols" (C5) were the most influential components in the model. These were identified as key causal drivers at the top of the relationship diagram. In contrast, components such as "lack of financial resources" (C2) and "ethical and social concerns" (C7) were classified as dependent and influenced variables.

Higher R+C values for components like C3, C5, and C6 indicated their greater overall significance in the network. Meanwhile, positive R–C values for C3 and C5 highlighted their causal roles, whereas negative R–C values for C2 and C7 confirmed their influenced status.

The network relationship diagram graphically illustrated the central role of certain components and their pivotal

influence in shaping or resolving other issues. This analysis provides valuable insight for policymakers to prioritize structural reforms based on root causes.

## Conclusions

This study developed a causal model that provides a structured representation of the barriers to the development of sustainability accounting and financial reporting in Iran. Findings indicated that many of the existing challenges stem from structural weaknesses in legislation, standards, and supervisory infrastructure. Therefore, focusing on reforming these components could indirectly address other issues such as financial constraints, limited social engagement, or ethical concerns.

From a theoretical standpoint, this study offers an innovative approach by combining thematic analysis with DEMATEL to examine causal relationships among underdevelopment factors in sustainability accounting. The model addresses gaps in domestic literature and is tailored to the Iranian institutional and cultural context. From a practical perspective, the findings can inform the design of professional and executive policies for regulatory bodies, listed companies, and professional accounting institutions.

It is recommended that economic policymakers reform sustainability reporting regulations, develop localized standards, enhance professional oversight, and promote specialized training to foster voluntary and effective adoption of sustainability accounting in organizations.

## Author Contributions

All authors equally contributed to the study design, data analysis, and drafting of both initial and final versions of the manuscript.

## Data Availability Statement

The data supporting this study are available from the corresponding author upon reasonable request.

## Acknowledgements



The authors would like to sincerely thank all academics, professionals, and managers who participated in the interviews and supported the validation process

### ***Ethical Considerations***

The authors affirm that no data fabrication, falsification, plagiarism, or research misconduct occurred during the study.

### ***Funding***

This study received no financial support from public, private, or non-profit funding agencies.

### ***Conflict of Interest***

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this study.



## ارائه الگوی علی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی: رویکرد تحلیل مضمون و دیمتل

مونا طلائی<sup>۱</sup>، عباسعلی پورآقاجان<sup>۱\*</sup>، سیدرسول معصومی<sup>۲</sup>

۱. گروه حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. گروه حسابداری، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴</p> <p>کلیدواژه‌ها: تحلیل مضمون، حسابداری پایداری، دلفی، دیمتل، گزارشگری مالی، موانع توسعه</p> <p>طبقه‌بندی موضوعی: M41, Q56</p>	<p><b>هدف:</b> هدف این پژوهش ارائه یک الگوی علی به منظور شناسایی و تحلیل موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> روش شناسی این پژوهش از رویکرد ترکیبی کیفی-کمی بهره می‌برد. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با ۱۵ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاهی در سال ۱۴۰۳ گردآوری شد. در مرحله نخست، با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین کلیدی مرتبط با موانع توسعه حسابداری پایداری شناسایی شده‌اند. برای اعتبارسنجی یافته‌ها، از روش دلفی استفاده شده و نظرات خبرگان گردآوری و تأیید گردیده است. در مرحله کمی، به منظور تحلیل روابط علی میان مؤلفه‌های موانع، روش دیمتل به کار گرفته شده است. این رویکرد ترکیبی امکان ارزیابی جامع و دقیق عوامل اثرگذار بر توسعه حسابداری پایداری را فراهم می‌کند.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌های بخش کیفی نشان داد که موانع اصلی شامل سه مضمون فراگیر (چالش‌های اقتصادی و قانونی، چالش‌های زیست‌محیطی و پایداری و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی)، هفت مضمون سازمان دهنده و بیست‌وهشت مضمون پایه هستند. همچنین نتایج بخش کمی نشان داد که ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها و تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها به عنوان عوامل کلیدی تأثیرگذار شناسایی شدند، در حالی که کمبود منابع مالی و مسائل اخلاقی و اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های تأثیرپذیر طبقه‌بندی شدند.</p> <p><b>دانش‌افزایی:</b> این پژوهش با ارائه الگویی علی و نظام‌مند، موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی را در بستر نهادی و فرهنگی ایران شناسایی و تحلیل می‌کند. این مدل به مدیران و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا با اولویت‌بندی موانع، راهکارهای بهبود گزارشگری پایداری را طراحی و اجرا کنند.</p>
<p>استناد: طلائی، مونا، پورآقاجان، عباسعلی، و معصومی، سیدرسول (۱۴۰۴). ارائه الگوی علی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی: رویکرد تحلیل مضمون و دیمتل. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۳(۲)، ۷۶-۴۹. <a href="https://doi.org/10.71965/aft.2025.1205448">https://doi.org/10.71965/aft.2025.1205448</a></p>	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: p.abbas@iaiu.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## مقدمه

در دنیای مدرن و پیچیده امروز، دستیابی به توسعه پایدار به عنوان یکی از اهداف کلیدی جوامع مطرح است و این مفهوم تأثیرات شگرفی بر سیاست‌های کلان و اقدامات عملی شرکت‌ها داشته است. توسعه پایدار بر تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهای خود تمرکز دارد و تلاش می‌کند میان جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توازن برقرار کند. شرکت‌ها به عنوان بازیگران اصلی اقتصاد جهانی، مسئولیت بزرگی در کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های خود دارند و باید در راستای افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری خود گام بردارند (تائورینگانا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). در این راستا، حسابداری پایداری و گزارشگری مالی به عنوان شاخه‌ای نوین در حسابداری، در پی پاسخگویی به نیازهای فزاینده جامعه و ذی‌نفعان برای ارائه اطلاعات معتبر درباره اثرات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی فعالیت‌های سازمان‌ها شکل گرفته است. این حوزه به منظور افزایش شفافیت و ارتقای تصمیم‌گیری آگاهانه، ابزارهایی همچون حسابداری مدیریت زیست‌محیطی و هزینه‌یابی چرخه عمر را به کار می‌گیرد (کریمی واحد و همکاران، ۱۴۰۲؛ ماتوا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷).

اهمیت حسابداری پایداری و گزارشگری مالی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم این ابزار با استفاده از تکنیک‌هایی همچون حسابداری مدیریت محیطی، هزینه‌یابی بر اساس فعالیت و چرخه عمر، سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا عملیات خود را به شیوه‌ای مؤثر مدیریت کرده و در راستای اهداف توسعه پایدار برنامه‌ریزی کنند (اویوو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲)؛ اما توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران با موانع ساختاری و نهادی قابل توجهی مواجه است که روند نهادینه سازی آن را کند کرده است. تحقیقات نشان داده‌اند که ویژگی‌های سازمانی مانند اندازه شرکت، نوع صنعت، ساختار مالکیت و سطح سودآوری، از عوامل تعیین کننده میزان و کیفیت گزارشگری پایداری به شمار می‌روند (یوسفی زاده و فخاری، ۱۴۰۳). همچنین، چارچوب‌های حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران، به‌ویژه آن‌هایی که مبتنی بر اصول شریعت و فناوری‌های نوظهوری مانند متاورس هستند، نیازمند بازنگری و به روز رسانی متناسب با تغییرات محیط کسب‌وکار می‌باشند. این مسائل، همراه با ضعف در قوانین و استانداردهای بومی، مهم‌ترین موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در کشور محسوب می‌شوند (کشاورزی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲). در مقابل، افشای گزارشگری پایداری و افزایش مقایسه پذیری اطلاعات حسابداری می‌تواند به طور چشمگیری بر تداوم سودآوری شرکت‌ها اثرگذار باشد و باعث جذب بیشتر سرمایه‌گذاران و ارتقای اعتماد آن‌ها گردد (حکمت و همکاران، ۱۴۰۴). با این حال، عدم آگاهی مدیران و کارشناسان نسبت به اهمیت و مزایای حسابداری پایداری و گزارشگری مالی و همچنین کمبود آموزش‌های تخصصی از جمله موانع عمده در این زمینه است (قدردان و رضایی، ۱۴۰۳). در ایران، روند توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی با چالش‌هایی نظیر نبود الزامات قانونی مشخص، ضعف نظارت نهاد‌های حرفه‌ای و کمبود تعهد سازمان‌ها نسبت به استانداردهای بین‌المللی روبرو است (حقیقت و حکمت، ۱۴۰۴). علاوه بر این، فقدان فشار کافی از سوی سهامداران و ذینفعان و همچنین پیچیدگی‌های مدیریتی، موانع جدی بر سر راه شرکت‌ها در پیاده‌سازی این سیستم‌ها ایجاد کرده است (ایگپور<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Tauringana

2. Mathuva

3. Oyewo

4. Ikpor

تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی میان شرکت‌های مختلف مشاهده می‌شود که به عواملی نظیر اندازه شرکت، سودآوری و پیچیدگی کسب‌وکار مرتبط است (باراکو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). این تفاوت‌ها نشان‌دهنده آن است که دلایل عدم پذیرش حسابداری پایداری نه تنها به عوامل داخلی سازمان‌ها مربوط می‌شود، بلکه ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز نقش مهمی در این میان ایفا می‌کند (دنیس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). در کشورهای توسعه یافته، استفاده از استانداردهای جهانی گزارشگری نظیر GRI و ISO14000 رایج شده است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در چارچوبی شفاف و دقیق فعالیت کنند. با این حال، در ایران همچنان توجه کافی به این حوزه صورت نگرفته و شرکت‌ها به دلیل محدودیت‌های موجود نتوانسته‌اند بهره‌وری لازم را از این سیستم‌ها داشته باشند (حقیقت و حکمت، ۱۴۰۴).

ضرورت بررسی موانع موجود و شناسایی روابط میان آن‌ها زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم حسابداری پایداری و گزارشگری مالی می‌تواند به افزایش شفافیت، ارتقای اعتماد عمومی و جذب سرمایه‌گذاران کمک کند. برای غلبه بر این چالش‌ها، به کارگیری روش‌های پژوهشی ترکیبی، به ویژه تحلیل مضمون برای استخراج مؤلفه‌های موانع و تکنیک تصمیم‌گیری چندمعیاره دیمتل برای شناسایی روابط علی میان آن‌ها، می‌تواند راهگشای طراحی مدلی جامع و منسجم باشد (کریمی واحد و همکاران، ۱۴۰۲). چنین مدلی نه تنها به غنا بخشی به ادبیات علمی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به مدیران، سیاست‌گذاران و نهادهای ناظر در تدوین راهبردهای مؤثر برای نهادینه‌سازی حسابداری پایداری و گزارشگری مالی و ارتقای مسئولیت‌پذیری سازمانی یاری رساند (حقیقت و حکمت، ۱۴۰۴).

پژوهش‌های پیشین در زمینه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی با محدودیت‌هایی مواجه‌اند؛ بسیاری از آن‌ها به دلایل جغرافیایی و فرهنگی (مانند مطالعه واکسز-میلان<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳) قابلیت تعمیم‌پذیری محدودی دارند. همچنین تمرکز اغلب مطالعات بر بُعد اقتصادی و غفلت از ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی (کلمنکو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۱؛ یوسفی زاده و فخاری، ۱۴۰۳) موجب ارائه نتایج نامتعادل شده است. بیشتر این تحقیقات رویکرد کیفی داشته‌اند و نیاز به مدل‌سازی علی و روش‌های کمی احساس می‌شود (قدردان و رضایی، ۱۴۰۳). همچنین، ضعف چارچوب‌های بومی، فقدان تعهد سازمانی و نبود آموزش‌های تخصصی از جمله موانعی است که کمتر به صورت نظام‌مند تحلیل شده‌اند (کشاورزی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲؛ حقیقت و حکمت، ۱۴۰۴). در مجموع، جای خالی مدلی جامع و بومی برای تحلیل روابط علی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران مشهود است.

این پژوهش از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است؛ به ویژه به دلیل نقش آن در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها و بهبود عملکرد اقتصادی آن‌ها. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و نهادهای حرفه‌ای کمک کند تا قوانین و مقررات مؤثرتری برای ارتقای حسابداری پایداری و گزارشگری مالی تدوین کنند. همچنین، محققان و دانشگاہیان از نتایج این پژوهش می‌توانند برای توسعه مطالعات آینده در این حوزه بهره‌مند شوند (کواکوی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس نیز قادر خواهند بود با استفاده از مدل پیشنهادی،

<sup>1</sup>. Barako

<sup>2</sup>. Dienes

<sup>3</sup>. Vásquez-Millán

<sup>4</sup>. Klymenko

<sup>5</sup>. Kwakye

گام‌های مؤثری در راستای کاهش اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی و ارتقای عملکرد پایدار خود بردارند. در نهایت، این تحقیق با طراحی و توسعه یک مدل جامع می‌تواند به شفافیت بیشتر، ارتقای اعتماد عمومی و جذب سرمایه‌گذاران در سطح ملی و بین‌المللی کمک کند.

پژوهش حاضر از چند جهت دارای وجه تمایز و نوآوری نسبت به مطالعات پیشین است. برخلاف تحقیقات قبلی که عمدتاً به صورت کمی و تک‌بعدی به بررسی اثرات گزارشگری پایداری یا شناسایی برخی عوامل مرتبط با آن پرداخته‌اند، این مطالعه با رویکردی علی و نظام‌مند، به شناسایی و تحلیل ساختاری موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران می‌پردازد. استفاده هم‌زمان از روش تحلیل مضمون برای استخراج مضامین کلیدی و تکنیک دیمتل برای ترسیم روابط علی میان موانع، امکان شناسایی پیشران‌ها و موانع کلیدی را فراهم می‌سازد که در اغلب پژوهش‌های داخلی مغفول مانده‌اند. همچنین، تمرکز بر طراحی الگویی بومی شده مبتنی بر واقعیت‌های نهادی و حرفه‌ای کشور، تمایز مهمی نسبت به الگوهای وارداتی یا نظری صرف در ادبیات دارد. از منظر نظری نیز، پژوهش حاضر با تلفیق مفاهیم پایداری، گزارشگری مالی و موانع نهادی در یک چارچوب علی، گامی نو در جهت توسعه مبانی نظری حوزه حسابداری پایداری به شمار می‌رود و زمینه ارائه سیاست‌های کاربردی برای نهادهای ناظر و سیاست‌گذار را فراهم می‌کند.

این پژوهش به منظور شناسایی موانع اصلی توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی و طراحی الگویی جامع برای بهبود اجرای این مفهوم انجام می‌شود. هدف اصلی تحقیق، بررسی عواملی است که تأثیر قابل توجهی بر پذیرش و اجرای حسابداری پایداری و گزارشگری مالی دارند و تلاش برای ارائه مدلی ساختار یافته است که بتواند موانع موجود را کاهش داده و به بهبود عملکرد پایدار و گزارشگری مالی شرکت‌ها کمک کند.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حسابداری پایداری و گزارشگری مالی به عنوان شاخه‌ای نوین و ضروری در علم حسابداری، در پاسخ به تحولات جهانی و نیازهای رو به افزایش جامعه برای پاسخگویی سازمان‌ها به اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن‌ها شکل گرفته است. این حوزه فراتر از گزارشگری مالی سنتی است و هدف آن ارتقای شفافیت و افزایش مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها در برابر ذی‌نفعان مختلف است (قدردان و رضایی، ۱۴۰۳). اهمیت این موضوع در دهه‌های اخیر، در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که گزارشگری پایداری به عنوان ابزاری برای تحقق توسعه پایدار و بهبود عملکرد نهادی تلقی می‌شود (یوسفی زاده و فخاری، ۱۴۰۳).

در ایران، هرچند حرکت به سوی حسابداری پایداری آغاز شده، اما پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که این حوزه هنوز با چالش‌های بنیادینی مواجه است. فقدان چارچوب‌های قانونی و الزام‌آور، نبود استانداردهای بومی و کمبود آموزش تخصصی باعث شده که بسیاری از سازمان‌ها یا گزارشگری پایداری را به صورت نمادین انجام دهند و یا از آن اجتناب کنند (حقیقت و حکمت، ۱۴۰۴؛ کشاورزی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲). این چالش‌ها نشان می‌دهد که توسعه حسابداری پایداری در ایران مستلزم تبیین دقیق موانع و عوامل مؤثر در سطح نهادی و فرهنگی است.

برای درک بهتر چرایی و چگونگی گزارشگری پایداری، سه نظریه کلیدی در ادبیات حسابداری کاربرد دارد که هر یک از دیدگاه متفاوتی به این موضوع می‌نگرند. نخست، نظریه مشروعیت که بر اساس آن سازمان‌ها تلاش می‌کنند عملکرد خود را در چارچوب انتظارات جامعه و ذی‌نفعان توجیه کنند و با افشای اطلاعات پایداری، مشروعیت خود را حفظ یا ارتقا دهند (توروگننا، ۲۰۲۱). دوم، نظریه ذی‌نفعان که اهمیت تعامل با گروه‌های متنوع ذی‌نفع و پاسخ‌گویی به انتظارات آن‌ها را برجسته می‌سازد و حسابداری پایداری را به عنوان ابزاری برای شناسایی و پاسخ‌گویی به این انتظارات معرفی می‌کند (حقیقت و حکمت، ۱۴۰۴). سوم، نظریه افشا که بر افشای داوطلبانه اطلاعات برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود کارایی بازارهای مالی تأکید دارد (بازاکو، ۲۰۰۷؛ سیسای<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت و میزان گزارشگری پایداری، ساختار مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی سازمان‌ها است. مطالعات داخلی مانند یادگاری‌فر و فولادی (۱۴۰۲) نشان داده‌اند که شرکت‌های با مالکیت دولتی یا متمرکز تمایل کمتری به افشای اطلاعات پایداری دارند، یافته‌ای که در مطالعات بین‌المللی نیز تأیید شده است (بازاکو، ۲۰۰۷). همچنین حضور زنان در هیئت‌مدیره به عنوان شاخصی از تنوع مدیریتی، با بهبود کیفیت گزارشگری و افزایش شفافیت اطلاعاتی مرتبط است (قاسمی، ۱۴۰۳؛ ژانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). علاوه بر این عوامل ساختاری، ویژگی‌های درون‌سازمانی نظیر اندازه شرکت، سودآوری، نوع صنعت و ترکیب مدیریتی نیز نقش مهمی در تعیین سطح و کیفیت گزارشگری پایداری دارند (سیسای، ۲۰۲۱؛ یوسفی زاده و فخاری، ۱۴۰۳). این ویژگی‌ها نه تنها بر ظرفیت فنی و نهادی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه نگرش مدیران نسبت به ضرورت شفافیت و پاسخ‌گویی را نیز شکل می‌دهند. پژوهش شاه‌مرادی و مزیدی شرف‌آبادی (۱۴۰۴) نشان می‌دهد در نبود شفافیت کافی، حسابداری خلاقانه و دست‌کاری اطلاعات رایج شده که به کاهش اعتماد ذی‌نفعان و تضعیف کیفیت گزارشگری منجر می‌شود. یکی دیگر از موانع مهم توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران، نبود زیرساخت‌های فناوری و چارچوب‌های بومی شده است که باعث می‌شود بسیاری از شرکت‌ها از گزارشگری پایداری واقعی و مؤثر پرهیز کنند (حکمت و همکاران، ۱۴۰۴؛ کشاورزی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲). این شرایط نشان می‌دهد که توسعه این حوزه مستلزم فراهم کردن بسترهای نهادی، قانونی و فناوری مناسب است تا شرکت‌ها بتوانند به صورت داوطلبانه و باکیفیت، اطلاعات پایداری را افشا کنند. در نهایت، خلأ مهمی که در پژوهش‌های داخلی دیده می‌شود، فقدان مدل‌های بومی شده برای شناسایی و تحلیل موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی است. کریمی واحد و همکاران (۱۴۰۲) بر ضرورت طراحی الگوهای تحلیلی مبتنی بر بستر نهادی و فرهنگی ایران تأکید دارند تا بتوان به صورت دقیق عوامل و روابط علی میان آن‌ها را شناسایی و مدیریت کرد. رویکردهای تحلیلی مانند تحلیل مضمون و روش دیمتل می‌توانند در این مسیر بسیار کارآمد باشند. بنابراین، برای رفع موانع موجود و تسهیل توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران، نیاز به چارچوبی نظام‌مند و متکی بر داده‌های میدانی است که بتواند عوامل تأثیرگذار را به صورت علمی و ساختاری تحلیل کند و در نهایت، الگوی مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های حرفه‌ای و سازمانی ارائه دهد. این رویکرد نوآورانه علاوه بر پر کردن خلأ نظری، امکان بهره‌برداری عملی از نتایج پژوهش را نیز افزایش خواهد داد. در ادامه پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی در این حوزه بررسی می‌شود.

<sup>1</sup>. Sisaye

<sup>2</sup>. Zhang

**حقیقت و حکمت (۱۴۰۴)** در مقاله‌ای مروری به تحلیل پیشرفت‌ها و چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران پرداختند. این پژوهش با مرور نظام‌مند مقالات علمی و مستندات رسمی، نشان داد که علیرغم افزایش توجه به این حوزه، چالش‌هایی نظیر فقدان الزام قانونی، نبود دستورالعمل‌های بومی‌شده، مقاومت سازمانی و کمبود آموزش حرفه‌ای مانع توسعه مؤثر گزارشگری پایداری در ایران شده‌اند. در نهایت، بر لزوم تدوین استانداردهای ملی و سیاست‌گذاری حمایتی برای نهادینه‌سازی این مفهوم تأکید شده است.

**حکمت و همکاران (۱۴۰۴)** در پژوهشی کمی، تأثیر افشای گزارشگری پایداری و مقایسه پذیری اطلاعات حسابداری را بر تداوم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران بررسی کردند. روش پژوهش مبتنی بر داده‌های پانل و مدل‌سازی رگرسیونی بود. یافته‌ها نشان داد که افشای گزارشگری پایداری موجب افزایش پایداری سودآوری می‌شود و مقایسه پذیری اطلاعات حسابداری نقش میانجی معناداری در این رابطه دارد. این نتایج بر اهمیت کیفیت افشا در بهبود عملکرد مالی و شفافیت تأکید دارد.

**یوسفی زاده و فخاری (۱۴۰۳)** در پژوهشی کمی با استفاده از داده‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به شناسایی ویژگی‌های شرکتی تعیین‌کننده گزارشگری پایداری پرداختند. آن‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک نشان دادند که اندازه شرکت، سودآوری، ساختار مالکیت نهادی و سطح تمرکز مالکیت از عوامل مؤثر بر احتمال افشای اطلاعات پایداری هستند. این پژوهش بر اهمیت عوامل درون‌سازمانی در تصمیم‌گیری افشای پایداری تأکید می‌کند.

**قدردان و رضایی (۱۴۰۳)** با رویکرد فرا تحلیلی، پژوهش‌های داخلی انجام شده در زمینه گزارشگری پایداری شرکت‌ها را مرور و تحلیل کردند. هدف اصلی آن‌ها استخراج روندهای نظری و تجربی غالب در ادبیات پژوهش‌های ایرانی بود. نتایج نشان داد که بیشتر مطالعات بر رابطه بین گزارشگری پایداری و متغیرهای مالی یا حاکمیتی تمرکز داشته‌اند، در حالی که خلأهایی در زمینه‌های نهادی، فرهنگی و فناوری همچنان باقی است. همچنین، مشخص شد که نبود استانداردهای گزارشگری یکپارچه و الزامات قانونی از موانع عمده توسعه این نوع گزارشگری در ایران به شمار می‌رود.

**کشاورزی نژاد و همکاران (۱۴۰۲)** در پژوهشی مفهومی و تحلیلی، به بررسی سازگاری چارچوب‌های گزارشگری پایداری مبتنی بر شریعت با ظهور فناوری‌های نوین همچون متاورس در حسابداری پرداختند. روش مطالعه کیفی بود و تحلیل تطبیقی میان ادبیات فقهی و فناوری‌های دیجیتال صورت گرفت. نتایج نشان داد که طراحی چارچوب‌های حسابداری پایداری سازگار با اصول شریعت، در مواجهه با تحولات فناورانه، نیازمند بازنگری در مدل‌های گزارشگری و سازوکارهای اعتباربخشی اطلاعات است.

**طاهر پور و همکاران (۱۴۰۲)** در پژوهشی به بررسی تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شفافیت گزارشگری مالی بر سلامت مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نقش عوامل غیراقتصادی در ارتقاء سلامت مالی بنگاه‌ها بود. مطالعه با استفاده از داده‌های مالی ۲۱۷ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ انجام شد و روش رگرسیون داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها به کار رفت. نتایج نشان داد که هم افشای مسئولیت‌های اجتماعی و هم شفافیت در گزارشگری مالی اثر مثبت و معناداری بر سلامت

مالی شرکت‌ها دارند. این یافته‌ها بر اهمیت توسعه رویه‌های گزارشگری مسئولانه و شفافیت اطلاعات در بهبود وضعیت مالی و اعتماد ذی‌نفعان تأکید دارد.

وان<sup>۱</sup> (۲۰۲۵) در پژوهشی نظری به ارزیابی استانداردهای جهانی گزارشگری پایداری (GRI) پرداخت. هدف مطالعه بررسی انطباق رویکردهای افشای اطلاعات با اصول ذی‌نفع‌محوری و مادی بودن دوگانه بود. این تحقیق با روش تحلیلی و نقد چارچوب‌های استانداردسازی صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که استانداردهای موجود گرچه گام‌هایی در جهت شفافیت برداشته‌اند، اما هنوز در ترکیب اصول اخلاقی با ابعاد مالی و زیست‌محیطی دارای نقاط ضعف هستند و نیازمند توجه بیشتر به سازوکارهای نظارتی و پاسخ‌گویی در سطح نهادی می‌باشند.

گیپر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی به بررسی اطمینان‌بخشی گزارش‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) در شرکت‌های آمریکایی پرداختند. هدف از این مطالعه تحلیل نقش حساب‌رسان و نهادهای تضمین‌کننده در ارتقای کیفیت و اعتبار گزارش‌های ESG و تأثیر آن بر بازار سرمایه بود. این تحقیق با استفاده از داده‌های تجربی شرکت‌ها و روش‌های اقتصادسنجی انجام شد. نتایج نشان داد که اطمینان‌بخشی مستقل بر گزارش‌های ESG موجب افزایش کیفیت اطلاعات، کاهش هزینه سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود، به ویژه در صورتی که این اطمینان توسط مؤسسات حسابرسی معتبر ارائه شود.

جوی و لی<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) در پژوهشی کمی به بررسی رابطه میان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و عملکرد پایداری شرکت‌ها پرداختند. هدف این مطالعه شفاف‌سازی نقش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری در بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بود. داده‌های ۲۹۰ شرکت کره‌ای طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ تحلیل شد و از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید. یافته‌ها حاکی از آن بود که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به بهبود عملکرد پایداری شرکت‌ها کمک می‌کند و موجب افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت در تصمیم‌گیری می‌شود.

واسکز-میلان و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی، به طراحی مدلی برای گزارش دهی اجتماعی در چارچوب حسابداری پایداری پرداختند. هدف اصلی پژوهش، افشای هزینه‌ها و مشارکت‌های اجتماعی شرکت‌ها برای شفاف‌سازی تأثیر فعالیت‌های اقتصادی بر جامعه بود. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با حسابداران و حساب‌رسان ۹ شرکت فعال در صنعت متالورژی مکانیک فلزی در شیلی گردآوری شد و تحلیل بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی صورت گرفت. نتایج نشان داد که مدل طراحی شده، شامل صورت درآمد اجتماعی به همراه یادداشت‌های افشایی، می‌تواند ابزاری مؤثر برای ارتقای پاسخگویی اجتماعی شرکت‌ها و افزایش شفافیت در برابر ذی‌نفعان باشد.

تاجانی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۲) با هدف توسعه روشی برای ارزیابی ابعاد پایداری در حسابداری، از انتگرال چوکت به عنوان مدلی برای تجمیع شاخص‌های غیرخطی در ارزیابی پروژه‌های تحول شهری استفاده کردند. روش مطالعه ترکیبی و بر اساس مطالعه موردی کشورهای اروپایی طراحی شد. در این چارچوب، شاخص‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی با استفاده از مدل چندمعیاره و ساختار رتبه‌بندی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که انتگرال

<sup>1</sup>. Wan

<sup>2</sup>. Gipper

<sup>3</sup>. Choi & Lee

<sup>4</sup>. Tajani



چوکت می‌تواند با در نظر گرفتن تعاملات میان ابعاد مختلف پایداری، کشورها را بر اساس تعادل و توازن عملکرد در سه بعد اصلی رتبه‌بندی کند و بیش از پیش دقیق‌تری نسبت به دستاوردهای نامتعادل ارائه دهد.

**جاوید<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۲)** در یک مرور نظام‌مند، به تحلیل موانع پذیرش حسابداری مدیریت زیست‌محیطی در شرکت‌های کوچک و متوسط چین پرداختند. این پژوهش با بررسی ۷۳ مقاله مرتبط و تحلیل کیفی آن‌ها انجام شد تا عوامل کلیدی مؤثر بر پذیرش این نوع حسابداری شناسایی شود. نتایج نشان داد که الزام‌های قانونی، تأمین مالی مناسب و ایجاد سیستم‌های گزارش دهی و نظارتی نقش اساسی در به‌کارگیری این روش‌ها ایفا می‌کنند. همچنین، یافته‌ها بر ضرورت تدوین سیاست‌های حمایتی برای کاهش موانع و افزایش مشارکت شرکت‌ها در اقدامات زیست‌محیطی تأکید داشتند.

**کلیمنکو و همکاران (۲۰۲۱)** در پژوهشی کیفی با استفاده از مطالعه موردی چهار شرکت تولیدی در نروژ، به بررسی تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر حسابداری پایداری پرداختند. آن‌ها از مدل کسب‌وکار سه‌لایه‌ای برای پوشش ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی استفاده کردند. داده‌ها از طریق تحلیل فرآیندهای حسابداری در این شرکت‌ها گردآوری شد. نتایج حاکی از آن بود که اگرچه اتوماسیون و کنترل‌های دیجیتال در تولید پیشرفت کرده‌اند، اما داده‌های حاصل از فناوری‌های صنعت ۴.۰ به‌طور مؤثر در حسابداری پایداری به کار گرفته نمی‌شوند. پژوهش پیشنهاد می‌کند که بهره‌برداری بهتر از این داده‌ها می‌تواند پیوند بین دیجیتالی شدن و پایداری را تقویت کند.

### سؤال‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق و با توجه به روش ترکیبی مورد استفاده، پرسش‌های پژوهش به شرح زیر بیان شده‌اند:

- ۱- مؤلفه‌های موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی کدامند؟
- ۲- روابط علی میان این مؤلفه‌ها چگونه قابل تبیین است و کدام عوامل بیشترین اثرگذاری یا تأثیرپذیری را دارند؟ همان‌گونه که اشاره شد، پرسش نخست با هدف شناسایی و طبقه‌بندی موانع اصلی در بخش تحلیل کیفی طراحی شده است. پرسش دوم نیز در بخش تحلیل کمی به بررسی روابط علی میان عوامل شناسایی شده و تعیین اولویت مؤلفه‌های تأثیرگذار می‌پردازد.

### روش‌شناسی پژوهش

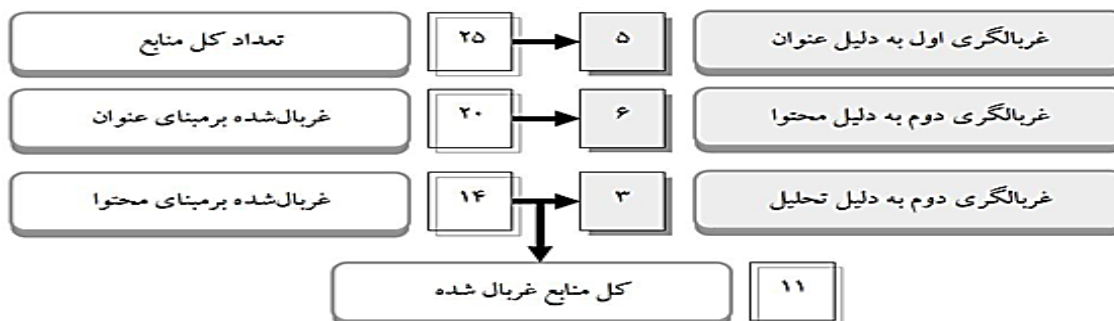
پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا با هدف حل مسئله‌ای واقعی در حوزه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی و ارائه راهکارهای علمی برای بهبود وضعیت موجود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. از نظر رویکرد و روش اجرا، پژوهش دارای ماهیت ترکیبی (کیفی-کمی) است. در بخش کیفی، از رویکرد تحلیل مضمون و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان برای شناسایی و استخراج مضامین مربوط به موانع توسعه حسابداری پایداری استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی نظام‌مند، منعطف و مستقل از پارادایم‌های نظری خاص است که امکان کشف الگوهای معنایی پنهان در داده‌های کیفی را فراهم می‌سازد. در بخش

<sup>۱</sup>. Javed

کمی، از روش دیمتل برای تعیین روابط علی بین مضامین شناسایی شده بهره گرفته شده است. از نظر فلسفی، پژوهش بر مبنای ترکیب دیدگاه ساختارگرایی و اراده‌گرایی قرار دارد و رویکرد استدلالی آن ترکیبی از استقرا (در بخش کیفی) و قیاس (در بخش کمی) است. این طراحی روش‌شناسی به پژوهش اجازه می‌دهد تا هم در مرحله شناخت موانع و هم در مرحله مدل‌سازی روابط میان آن‌ها، از عمق تحلیلی و دقت ساختاری لازم برخوردار باشد.

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان آشنا با موضوع حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران است. این خبرگان از دو گروه تشکیل شده‌اند: نخست، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که دارای تخصص علمی، آثار پژوهشی، یا تدریس در حوزه حسابداری پایداری هستند؛ دوم، متخصصان حرفه‌ای و مدیران با سابقه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که در حوزه‌های مرتبط با پایداری، مسئولیت اجتماعی و گزارشگری مالی ایفای نقش کرده‌اند. ملاک انتخاب این افراد، برخورداری از دانش نظری، تجربه عملی و شناخت عمیق نسبت به چالش‌ها و موانع پیاده‌سازی حسابداری پایداری در ایران بوده است. با توجه به رویکرد کیفی پژوهش، نمونه‌گیری به روش هدفمند و به صورت گلوله برفی انجام شد. در نهایت، ۱۵ نفر از خبرگان واجد شرایط شناسایی و در فرایند گردآوری داده‌ها مشارکت کردند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: حداقل ۵ سال سابقه فعالیت یا پژوهش در حوزه حسابداری پایداری، آشنایی با مفاهیم گزارشگری مالی پایدار و داشتن تجربه اجرایی یا علمی در شرکت‌های بورسی بود. در این پژوهش، هدف دستیابی به اشباع نظری بوده و نه تعمیم‌پذیری آماری، لذا تعیین تعداد نمونه بر اساس کفایت نظری صورت گرفته است. لازم به تأکید است که نتایج این پژوهش کیفی، به دنبال تعمیم به کل جامعه آماری شرکت‌های بورسی نیست، بلکه هدف، شناخت دقیق، غنی و عمیق از موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی از دیدگاه خبرگان و در نهایت، ارائه الگویی مفهومی و تبیینی در این زمینه است. اشباع نظری بر اساس قضاوت ذهنی پژوهشگر تعیین می‌شود و نشان دهنده کفایت جمع‌آوری داده‌ها است (لوپز، ۲۰۱۰). در این مرحله، ابزار گردآوری داده‌ها شامل بررسی متون و مصاحبه‌ها بود:

الف) بررسی متون: ابتدا ۱۱ متن با استفاده از روش کتابخانه‌ای برای مرور ادبیات نظری و تحلیل انتخاب و شماره‌گذاری شد. در ادامه، به‌منظور یافتن مطالعه‌های مشابه جهت تعیین مضامین فراگیر از پایگاه‌ها و مراجع پژوهشی بین‌المللی و داخلی، استفاده شد.



شکل ۱. غریبالگری پژوهش‌های اولیه

ب) مصاحبه: از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد و مصاحبه‌ها با متخصصین و صاحب‌نظران حوزه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در سال ۱۴۰۳ انجام گرفت.

تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. در بخش کمی، از روش دیمتل برای تحلیل روابط علی میان این مؤلفه‌ها و شناسایی عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر استفاده گردید. این روش به‌طور خاص به تعیین میزان شدت و جهت روابط میان مؤلفه‌های شناسایی شده کمک کرده و به ایجاد مدلی جامع و ساختار یافته منجر شد. در ادامه، اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به مشارکت‌کنندگان پژوهش در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی خبرگان پژوهش

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۲	۸۰
	زن	۳	۲۰
سطح تحصیلات	کارشناسی ارشد	۵	۳۳
	دکتری	۱۰	۶۷
تجربه	بین ۱۰ الی ۲۰ سال	۴	۲۶
	بین ۲۱ الی ۳۰ سال	۷	۴۷
	بیش از ۳۰ سال	۴	۲۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای اعتبارسنجی پژوهش، از روش‌های ارزیابی مناسب برای پژوهش‌های کیفی استفاده شد. از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی، هدف به جای عینیت بر ذهنیت و تفسیر قرار دارد (حق<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)، اعتبار و روایی در این نوع پژوهش‌ها به اعتمادپذیری و همسان سازی توجه دارد. به‌منظور دستیابی به این هدف، پژوهشگران کیفی از تکنیک‌های متنوعی مانند مصاحبه، مشاهده، تصاویر، اسناد و مدارک و غیره برای ثبت مشاهدات خود به‌طور هماهنگ بهره می‌گیرند (محمد پور، ۱۳۸۹). گوبا و لینکلن<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) به جای واژه پایایی، از اصطلاح قابلیت اطمینان در پژوهش‌های کیفی استفاده کردند. در این پژوهش، روش ارزیابی اعتبار درونی برای انطباق یافته‌ها با واقعیت به این صورت انجام گرفت که مصاحبه‌ها در مدت زمانی نسبتاً طولانی (بین نیم تا یک ساعت) انجام شد. در پایان هر پرسش و پس از دریافت پاسخ، پژوهشگر برداشت خود از مفاهیم را در قالب سؤالی مانند «آیا منظور شما این است که...؟» از مصاحبه شونده می‌پرسید. اگر مصاحبه شونده با برداشت پژوهشگر موافق نبود، توضیحات بیشتری ارائه می‌کرد تا پژوهشگر به مفهوم دقیق دست یابد. همچنین، ضبط مصاحبه‌ها موجب افزایش اعتبار داده‌ها شد.

در این پژوهش، از روش کثرت‌گرایی در پژوهشگر برای ارزیابی اعتبار استفاده شده است. این روش به‌کارگیری بیش از یک پژوهشگر برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل یا تفسیر داده‌ها است. در نهایت، برای ارزیابی قابلیت اطمینان، میزان توافق بین کدگذاران (پژوهشگران) بررسی شد (کوئل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). به همین منظور، تمامی مراحل مصاحبه و

<sup>۱</sup>. Hoque

<sup>۲</sup>. Guba & Lincoln

<sup>۳</sup>. Kvale

کدگذاری به صورت موازی توسط دو نفر انجام شد که نتایج یکسانی به دست آمد. کدگذاری مجدد بخشی از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر دوم انجام شد. برای این کار، حدود ۲۰ درصد از مصاحبه‌ها (چهار مصاحبه) در اختیار پژوهشگر دوم قرار گرفت و درصد توافق کدگذاری محاسبه شد. این شاخص توافق درون موضوعی بین دو کدگذار مختلف را نشان می‌دهد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است که نشان دهنده قابل قبول بودن نتایج است.

$$\text{توافقات کل} \times 2 = \text{درصد پایایی} \times \frac{\text{تعداد کل کدها}}{\text{تعداد کل کدها}}$$

جدول ۲. محاسبه پایایی دو کدگذار در مرحله مصاحبه

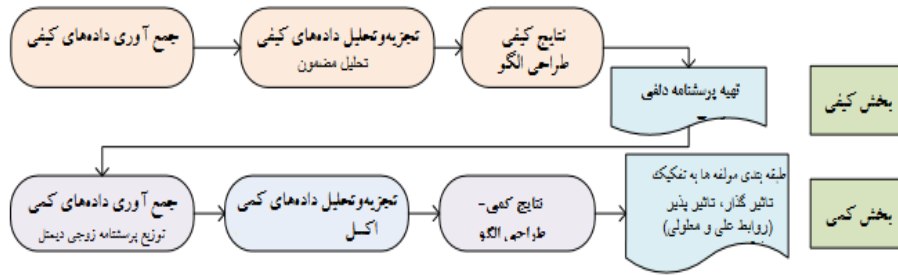
شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بین دو کدگذار
۲	۲۰	۱۷	۳	۸۵٪
۴	۲۱	۱۹	۲	۹۰٪
۹	۱۹	۱۸	۱	۹۴٪
۱۱	۲۵	۲۳	۲	۹۲٪
کل	۸۵	۷۷	۸	۹۰٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق با داده‌های جدول ۲، درصد توافق کدهای استخراج شده ۹۰ درصد به دست آمد که بیش از ۶۰ درصد است و این نشان می‌دهد که کدگذاری‌ها از اعتبار کافی برخوردار هستند (کویل، ۱۹۹۶). یادآوری می‌شود که تعداد کدهای استخراج شده در جدول ۲ صرفاً مربوط به تحلیل مصاحبه‌های منتخب جهت ارزیابی اعتبار پژوهش از طریق روش کثرت‌گرایی پژوهشگر هستند.

برای ارزیابی اعتبار کدگذاری‌های انجام شده در این بخش از روش مثلث سازی در پژوهش‌های کیفی استفاده شد. مثلث سازی که الهام گرفته از علم هندسه است، به سنجش اعتبار پژوهش‌های کیفی از طریق حداقل سه منبع مختلف کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که کدهای تولید شده دارای اعتبار و اعتماد لازم هستند و پژوهش از سوگیری ذاتی در امان مانده است (جانسون و جان، ۲۰۰۹). بدین منظور، ابعاد شناسایی شده از طریق اعتبارسنجی مثلث سازی در بخش کیفی مورد ارزیابی قرار گرفتند.

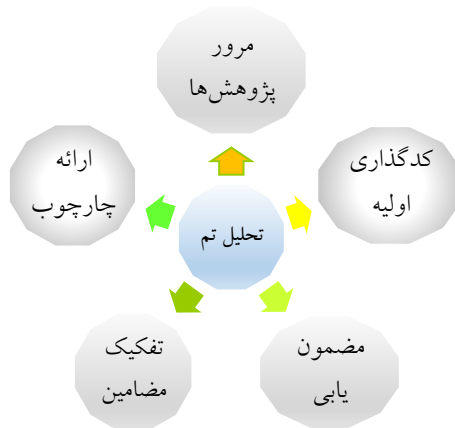
برای ارزیابی اعتبار پژوهش در بخش کمی، از روش تحلیل دلفی فازی استفاده شد. این روش به منظور دستیابی به کفایت نظری در جامعه هدف و بررسی ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده به کار گرفته شد. با استفاده از تحلیل دلفی، میزان استفاده از مفاهیم در جامعه هدف مورد بررسی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که مفاهیم و مؤلفه‌های شناسایی شده دارای اعتبار کافی هستند و می‌توانند به طور مؤثر در جامعه هدف استفاده شوند. این فرآیند به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا با بهره‌گیری از بازخوردهای کارشناسان و صاحب‌نظران، دقت و جامعیت پژوهش را افزایش داده و نتایج قابل اعتمادتری ارائه دهد.



شکل ۲. طرح پژوهش موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی

### یافته‌های پژوهش

مضمون پایه به معنای نکات کلیدی متن است که با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان دهنده شکل می‌گیرد. مضمون سازمان دهنده، میانجی مضامین فراگیر و مضامین پایه در شبکه است و مضمون فراگیر در مرکز شبکه مضامین قرار می‌گیرد. نکته مهم این است که برای دستیابی به ابعاد الگوی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی، باید از رویکرد استقرایی در تحلیل محتوا استفاده کرد. بر این اساس، نقشه راه مطالعاتی بر پایه پژوهش براون و کلارک<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) تدوین شده و برای شروع پژوهش از آن استفاده می‌شود.



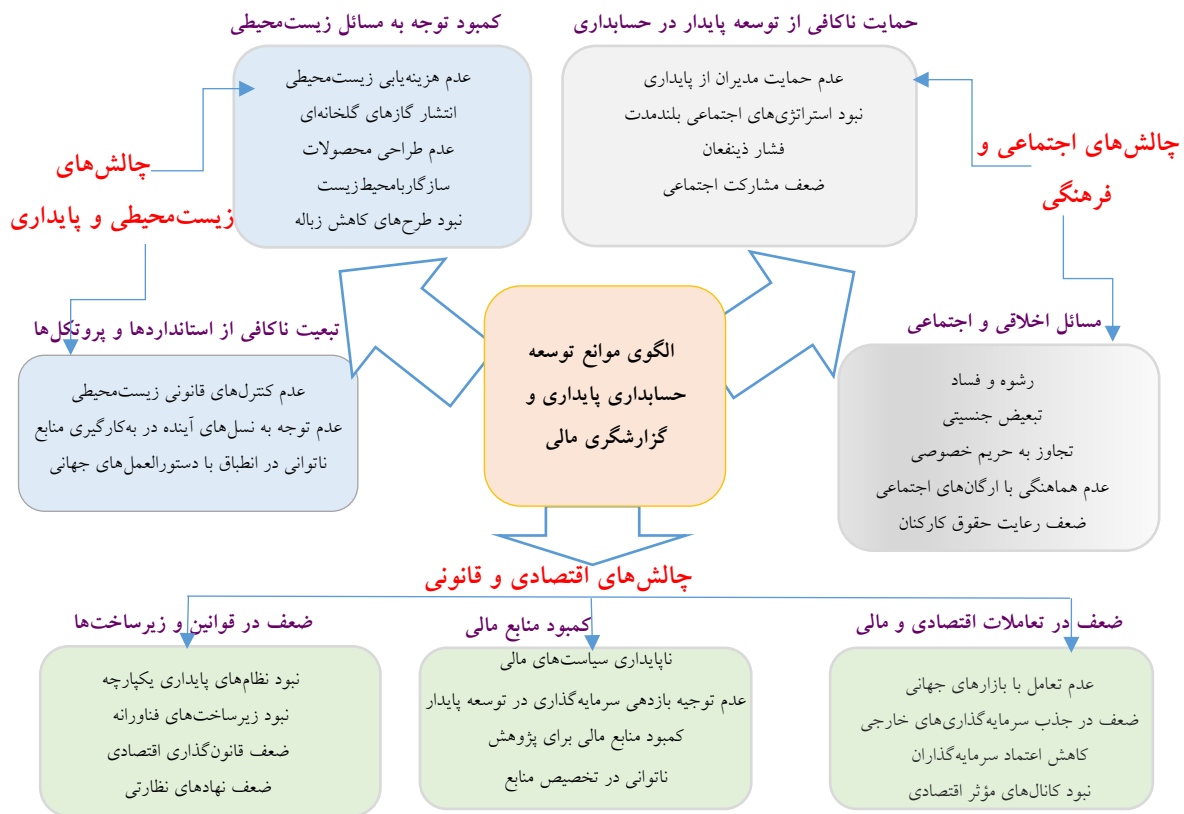
شکل ۳. نقشه راه تحلیل

پس از تشریح فرآیند تحلیل مضمون، در گام آخر، طبق چارچوب نظری نسبت به ارائه ابعاد موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی اقدام می‌شود. لذا با توجه به ۳ مضمون فراگیر (چالش‌های اقتصادی و قانونی، چالش‌های زیست‌محیطی و پایداری و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی)، ۷ مضمون سازمان دهنده (ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی، کمبود منابع مالی، ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها، کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی، تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها، حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری و مسائل اخلاقی و اجتماعی) و ۲۸ مضمون پایه شناسایی شد که در قالب جدول ۳ قابل مشاهده می‌باشد.

<sup>۱</sup> Braun & Clarke

جدول ۳. چارچوب نظری پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
چالش‌های اقتصادی و قانونی	ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی	عدم تعامل با بازارهای جهانی ضعف در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران نبود کانال‌های مؤثر اقتصادی ناپایداری سیاست‌های مالی عدم توجه به بازدهی سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار
	کمبود منابع مالی	پایدار کمبود منابع مالی برای پژوهش ناتوانی در تخصیص منابع نبود نظام‌های پایداری یکپارچه نبود زیرساخت‌های فناورانه ضعف قانون‌گذاری اقتصادی ضعف نهادهای نظارتی عدم هزینه‌یابی زیست‌محیطی انتشار گازهای گلخانه‌ای عدم طراحی محصولات سازگار با محیط‌زیست نبود طرح‌های کاهش زباله عدم کنترل‌های قانونی زیست‌محیطی عدم توجه به نسل‌های آینده در به‌کارگیری منابع ناتوانی در انطباق با دستورالعمل‌های جهانی عدم حمایت مدیران از پایداری نبود استراتژی‌های اجتماعی بلندمدت فشار ذینفعان ضعف مشارکت اجتماعی رشوه و فساد تبعیض جنسیتی تجاوز به حریم خصوصی عدم هماهنگی با ارگان‌های اجتماعی ضعف رعایت حقوق کارکنان
	ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها	
	کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی	
چالش‌های زیست‌محیطی و پایداری	تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها	
	حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری	
چالش‌های اجتماعی و فرهنگی	مسائل اخلاقی و اجتماعی	



شکل ۴. چارچوب الگوی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی

### یافته‌های تحلیل دلفی

تحلیل دلفی به عنوان پلی بین تحلیل کیفی و کمی عمل می‌کند، زیرا از طریق ارزیابی پایایی ابعاد مدل طراحی شده، امکان تبیین مؤلفه‌های مدل را در قالب ابزارهای مورد نظر پژوهش در جامعه هدف در بخش کمی فراهم می‌کند.

جدول ۴. تحلیل دلفی مؤلفه‌های اصلی پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	بیشترین	کمترین	میانگین غیرفازی	میانگین اختلاف	نتیجه
مضامین فراگیر	ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی	۹/۴۵	۷/۳۰	۸/۱۰	۰/۱۷	تأیید
چالش‌های اقتصادی و قانونی	منابع مالی ناکافی	۸/۷۵	۶/۹۰	۷/۲۵	۰/۱۲	تأیید
	رقابت بازار	۸/۸۰	۷/۰۵	۷/۳۰	۰/۱۴	تأیید
چالش‌های زیست‌محیطی و پایداری	سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی بازار گرا	۹/۴۵	۷/۲۸	۸/۱۰	۰/۱۷	تأیید
	ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها	۸/۸۱	۷/۰۴	۷/۳۱	۰/۱۳	تأیید
چالش‌های اجتماعی و فرهنگی	کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی	۶/۰۱	۷/۷۹	۶/۲۰	۰/۱۴	تأیید
	تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌های زیست‌محیطی	۸/۶۸	۷/۰۰	۷/۲۳	۰/۱۰	تأیید

الگوی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی

در این مطالعه برای بررسی پایایی مؤلفه‌های اصلی مدل ارائه شده از تحلیل دلفی فازی استفاده شده است. در این تحلیل، با استفاده از حدفاصل دو میانگین فازی، ابعاد مدل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این تحلیل پنج مقیاس زبان فازی را پوشش می‌دهد و از خبرگان خواسته شده است تا به هر یک از مؤلفه‌ها بر اساس مقوله مربوطه امتیاز بدهند. با توجه به نظرات ارائه شده در مرحله اول و مقایسه آن با نتایج این مرحله، اگر اختلاف بین دو مرحله کمتر از حد آستانه  $0/2$  باشد، فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مشخص گردید که تمام مؤلفه‌های شناسایی شده در مرحله کیفی تأیید شده و اجماع نظری به دست آمده است. با تأیید مؤلفه‌های اصلی تحقیق، اکنون مرحله تحلیل با روش دیمتل آغاز می‌شود. هدف این مرحله شناسایی روابط علمی میان مؤلفه‌ها و تعیین عواملی است که بیشترین تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری را در ساختار کلی پژوهش دارند.

### پیاده‌سازی روش دیمتل

در مسیر توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی، اولین گام تدوین ماتریس روابط مستقیم (جدول ۵) بود که اهمیت ویژه‌ای در تحلیل دیمتل دارد. ابتدا معیارهای اصلی ( $C1$  تا  $C7$ ) که نقش کلیدی در بررسی موانع توسعه حسابداری پایداری دارند، شناسایی شدند. سپس از جامعه آماری شامل ۱۵ نفر از کارشناسان خبره که پیش‌تر در بخش کیفی نیز مشارکت داشته‌اند، خواسته شد تا تأثیر معیارها بر یکدیگر را بر اساس مقیاس عددی ارزیابی کنند. این مقیاس شامل (۰): بدون تأثیر، (۱): تأثیر خیلی کم، (۲): تأثیر کم، (۳): تأثیر زیاد و (۴): تأثیر خیلی زیاد بود. داده‌های حاصل از ارزیابی‌های کارشناسان در ماتریس‌های جداگانه ثبت و میانگین این نظرات برای هر رابطه ( $i, j$ ) محاسبه شد تا ماتریس روابط مستقیم نهایی به دست آید. جدول ۵ بیانگر شدت و جهت روابط میان معیارها بوده و پایه‌ای برای تحلیل جامع‌تر موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی محسوب می‌شود.

جدول ۵. ماتریس روابط مستقیم

مؤلفه‌ها	A	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7
ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی	C1	۰	۳	۴	۲	۱	۲	۲
کمبود منابع مالی	C2	۳	۰	۳	۱	۲	۳	۲
ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها	C3	۴	۳	۰	۳	۴	۳	۲
کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی	C4	۲	۲	۳	۰	۴	۳	۱
تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها	C5	۱	۳	۴	۴	۰	۳	۲
حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری	C6	۲	۳	۳	۳	۳	۰	۴
مسائل اخلاقی و اجتماعی	C7	۲	۲	۳	۱	۲	۴	۰

در گام دوم فرآیند تحلیل دیمتل، ماتریس روابط مستقیم (A) نرمال‌سازی شده است تا مقادیر آن در یک مقیاس استاندارد قرار گیرد و برای تحلیل دقیق‌تر مناسب باشد. این مرحله با استفاده از فرمول زیر انجام شده است:

$$x = \frac{A}{S}$$



در این فرمول، (S) بزرگ‌ترین مقدار میان مجموع عناصر هر سطر یا مجموع عناصر هر ستون در ماتریس روابط مستقیم است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$S = \frac{1}{\max_{1 \leq i \leq n} \sum_{j=1}^n ij = 1} \quad j, \dots, n$$

ابتدا مجموع مقادیر هر سطر و ستون در ماتریس روابط مستقیم (A) محاسبه شده و بزرگ‌ترین مقدار میان این مجموع‌ها (S) انتخاب گردید. سپس تمامی عناصر ماتریس روابط مستقیم بر (S) تقسیم شدند تا ماتریس نرمال شده (X) حاصل شود. نتیجه این مرحله در جدول ۶ ارائه شده است که مقادیر آن روابط نرمال شده میان معیارها را نمایش می‌دهد. این ماتریس یکنواخت سازی مقیاس تأثیرات میان معیارها را فراهم کرده و مبنایی برای مراحل بعدی، مانند محاسبه ماتریس روابط کلی، محسوب می‌شود.

جدول ۶. ماتریس روابط مستقیم نرمال شده

مؤلفه‌ها	X	C <sub>۱</sub>	C <sub>۲</sub>	C <sub>۳</sub>	C <sub>۴</sub>	C <sub>۵</sub>	C <sub>۶</sub>	C <sub>۷</sub>
ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی	C <sub>۱</sub>	۰	۰/۱۵	۰/۲	۰/۱	۰/۰۵	۰/۱	۰/۱
کمبود منابع مالی	C <sub>۲</sub>	۰/۱۵	۰	۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۱	۰/۱۵	۰/۱
ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها	C <sub>۳</sub>	۰/۲	۰/۱۵	۰	۰/۱۵	۰/۲	۰/۱۵	۰/۱
کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی	C <sub>۴</sub>	۰/۱	۰/۱	۰/۱۵	۰	۰/۲	۰/۱۵	۰/۰۵
تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها	C <sub>۵</sub>	۰/۰۵	۰/۱۵	۰/۲	۰/۲	۰	۰/۱۵	۰/۱
حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری	C <sub>۶</sub>	۰/۱	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۵	۰	۰/۲
مسائل اخلاقی و اجتماعی	C <sub>۷</sub>	۰/۱	۰/۱	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۱	۰

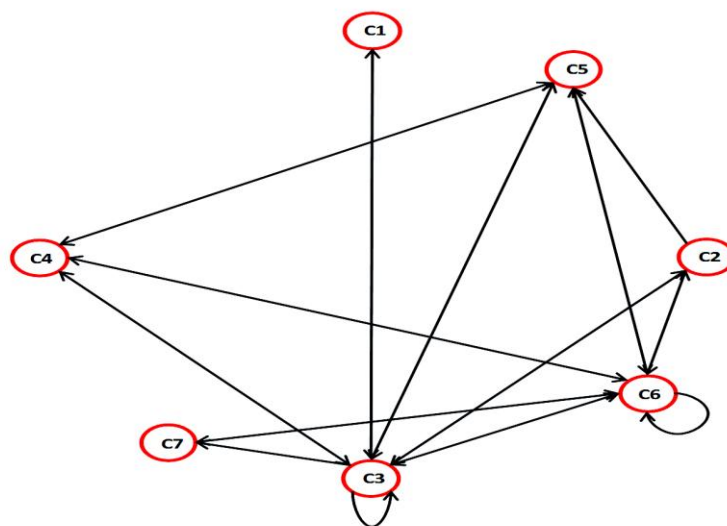
در گام سوم فرآیند تحلیل دیمتل، ماتریس ارتباط کامل (T) به عنوان یکی از مراحل اساسی تحلیل محاسبه شد. این ماتریس شدت کلیه روابط مستقیم و غیرمستقیم میان معیارها را نشان می‌دهد و با انجام محاسبات چند مرحله‌ای به دست آمده است. ابتدا ماتریس همانی (I) تشکیل شد که ماتریسی مربعی با مقدار ۱ در قطر اصلی و ۰ در سایر عناصر است. سپس ماتریس نرمال (X) از ماتریس همانی کسر گردید تا ماتریس (I - X) ایجاد شود. در مرحله بعد، معکوس ماتریس (I - X) محاسبه شد که به عنوان پایه‌ای برای مرحله نهایی عمل می‌کند. در نهایت، ماتریس نرمال (X) در ماتریس معکوس -<sup>۱</sup>(I - X) ضرب شد تا ماتریس ارتباط کامل (T) به دست آید. نتیجه این فرآیند در جدول ۷ ارائه شده است که شدت روابط مستقیم و غیرمستقیم میان معیارها را نمایش می‌دهد. این جدول علاوه بر نمایش میزان تأثیرگذاری هر معیار بر دیگر معیارها، مبنایی برای تحلیل گراف مفروض و شناسایی عوامل کلیدی در توسعه حسابداری پایدار محسوب می‌شود.

جدول ۷ که ماتریس ارتباط کامل را ارائه می‌دهد، نمایانگر شدت روابط مستقیم و غیرمستقیم میان معیارهای کلیدی موانع توسعه حسابداری پایدار و گزارشگری مالی است. این ماتریس نشان می‌دهد که چگونه هر معیار بر معیارهای دیگر تأثیر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

جدول ۷. ماتریس روابط کلی

مؤلفه‌ها	T	C۱	C۲	C۳	C۴	C۵	C۶	C۷
ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی	C۱	۰/۳۹۲	۰/۵۵۹	۰/۶۸۱	۰/۴۷۲	۰/۴۸۵	۰/۵۵۸	۰/۴۴۷
کمبود منابع مالی	C۲	۰/۵۱۸	۰/۴۳۱	۰/۶۴۵	۰/۴۳۷	۰/۵۲	۰/۵۹۷	۰/۴۵۳
ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها	C۳	۰/۶۶۷	۰/۶۹	۰/۶۷۲	۰/۶۳۷	۰/۷۳	۰/۷۳۷	۰/۵۵۵
کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی	C۴	۰/۵۰۳	۰/۵۵۷	۰/۶۸۷	۰/۴۲۷	۰/۶۴۳	۰/۶۳۵	۰/۴۳۷
تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها	C۵	۰/۵۱۴	۰/۶۴۴	۰/۷۸۳	۰/۶۳۷	۰/۵۳	۰/۶۹۴	۰/۵۱۸
حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری	C۶	۰/۵۶۶	۰/۶۶	۰/۷۶۶	۰/۶۰۶	۰/۶۶۸	۰/۵۸۴	۰/۶۱۳
مسائل اخلاقی و اجتماعی	C۷	۰/۴۸۱	۰/۵۲۷	۰/۶۴۹	۰/۴۴۳	۰/۵۲۹	۰/۶۴۴	۰/۳۷

با توجه به نتایج، معیارهایی نظیر ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها C۳ و تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها C۵ بیشترین تأثیر را در این شبکه روابط دارند و به عنوان عوامل مرکزی و بحرانی شناسایی می‌شوند. از سوی دیگر، معیارهایی مانند حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری C۶ نیز به دلیل مقادیر بالای روابط با دیگر معیارها، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قابل توجهی را نشان می‌دهند که نقش آن‌ها را در شبکه تعاملات برجسته می‌کند. در عین حال، معیارهایی مانند مسائل اخلاقی و اجتماعی C۷ تأثیر کمتری نسبت به سایر معیارها در این شبکه دارند. با این وجود، اهمیت این معیارها در برخی روابط غیرمستقیم همچنان باید مدنظر قرار گیرد. روابط غیرمستقیم میان معیارها، مانند ارتباط میان کمبود منابع مالی C۲ و عوامل کلیدی مانند ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها C۳ و تبعیت ناکافی از استانداردها C۵، گویای پیچیدگی و درهم‌تنیدگی موانع موجود در سیستم است. این تحلیل کمک می‌کند تا اولویت‌بندی معیارها برای رفع موانع مشخص شود. شکل ۵ نیز نقشه روابط شبکه‌ای این معیارها را به‌طور کامل نشان می‌دهد که می‌تواند برای درک بهتر تعاملات و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک استفاده شود.



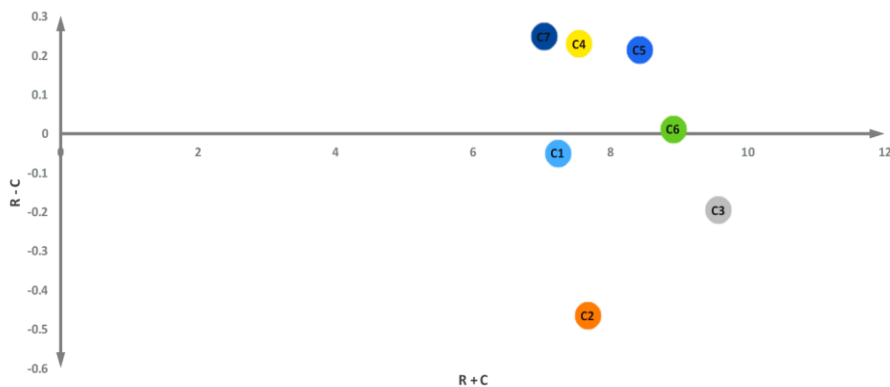
شکل ۵. نقشه روابط شبکه‌ای

در گام چهارم، نمودار علی بر اساس مقادیر حاصل از ماتریس ارتباط کامل (T) تهیه می‌شود. برای این منظور، ابتدا مجموع عناصر هر سطر (R) و مجموع عناصر هر ستون (C) از ماتریس (T) محاسبه می‌گردد. این دو مجموع به ترتیب به عنوان بردارهای (R) و (C) شناخته می‌شوند. پس از محاسبه این بردارها، زوج‌های مرتب (R+C, R-C) ترسیم می‌شوند. در این نمودار، محور افقی (R+C) نشان‌دهنده میزان اهمیت هر معیار است که تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن را به صورت کلی مشخص می‌کند. محور عمودی (R-C) بیانگر رابطه میان معیارها است؛ به طوری که مقادیر مثبت ( $R-C > 0$ ) نشان‌دهنده تأثیرگذاری معیار (علت) و مقادیر منفی ( $R-C < 0$ ) نشان‌دهنده تأثیرپذیری معیار (معلول) است. اطلاعات میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارها در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. ماتریس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معیارها

	C۷	C۶	C۵	C۴	C۳	C۲	C۱	
R	۳/۶۴۲	۴/۴۶۳	۴/۳۱۹	۳/۸۸۸	۴/۶۹	۳/۶۰۳	۳/۵۹۴	
C	۳/۳۹۳	۴/۴۵	۴/۱۰۴	۳/۶۵۸	۴/۸۸۴	۴/۰۶۷	۳/۶۴۲	
R+C	۷/۰۳۵	۸/۹۱۳	۸/۴۲۳	۷/۵۴۷	۹/۵۷۴	۷/۶۷	۷/۲۳۶	
R-C	۰/۲۴۹	۰/۰۱۳	۰/۲۱۵	۰/۲۳	-۰/۱۹	-۰/۴۶	-۰/۰۵	

با استفاده از اطلاعات جدول ۸، شکل ۶ ترسیم می‌شود این نمودار به صورت بصری روابط علی میان معیارها را نشان داده و معیارهای کلیدی را که نقش علت یا معلول را دارند، شناسایی می‌کند.



شکل ۶. روابط علی و معلولی مؤلفه‌ها

نمودار علی ترسیم شده در شکل ۶ با استفاده از مقادیر (R+C) و (R-C) هر معیار، نمایی بصری از روابط میان موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی ارائه می‌دهد. محور افقی (R+C) بیانگر میزان اهمیت کلی هر معیار، شامل تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم است، در حالی که محور عمودی (R-C) نشان‌دهنده رابطه علی معیارها، یعنی تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری آن‌ها (علت یا معلول بودن)، است.

معیارهای تأثیرگذار (علت): معیارهایی که مقدار (R-C) مثبت دارند، به عنوان عوامل تأثیرگذار (گروه علت) شناخته می‌شوند. در نمودار، معیارهایی مانند تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها C5 و ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها C3 به دلیل موقعیت بالاتر نسبت به محور افقی، به‌وضوح در گروه علت قرار دارند. این معیارها بیشترین تأثیرگذاری را در شبکه روابط دارند و به عنوان عوامل کلیدی موانع باید مورد توجه قرار گیرند.

معیارهای تأثیرپذیر (معلول): معیارهایی با مقادیر منفی (R-C) به عنوان عوامل تأثیرپذیر (گروه معلول) طبقه‌بندی می‌شوند. برای مثال، کمبود منابع مالی C2 و مسائل اخلاقی و اجتماعی CV در بخش پایین‌تر از محور افقی قرار دارند که نشان‌دهنده تأثیرپذیری بیشتر آن‌ها از سایر معیارها است.

معیارهای با اهمیت بالا: معیارهایی با مقادیر بالای (R+C) بر روی محور افقی، نظیر حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری C6 و کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی C4، اهمیت کلی بیشتری در شبکه روابط دارند. این معیارها نشان‌دهنده اولویت بالای تحلیل و برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط موجود هستند.

گام ۶: محاسبه درجه اهمیت (وزن) هر معیار (روابط کلی - اعمال حد آستانه):

$$W_j = [(R_i + C_j)^2 + (R_i - C_j)^2]^{1/2}$$

جهت نرمال‌سازی وزن هر معیار پس از محاسبه مقادیر وزن نرمال شده آن‌ها را به صورت نزولی مرتب می‌نماییم

معیاری که بزرگ‌ترین وزن را دارا است مهم‌ترین معیار می‌باشد.

$$W_j = \frac{W_j}{\sum_{j=1}^n W_j}$$

پس از انجام محاسبات و به دست آوردن جمع سطری و ستونی ماتریس T، اهمیت معیارها (R+C) و تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری (R-C) هرکدام از معیارها و زیر معیارها محاسبه شد. محل واقعی هر عنصر در سلسله مراتب نهایی توسط ستون‌های R-C و R+C مشخص می‌شود؛ به طوری که R-C نشان‌دهنده موقعیت یک عنصر (در طول محور عرض‌ها) است و این موقعیت در صورت مثبت بودن، R-C یک نفوذکننده بوده و در صورت منفی بودن آن تحت نفوذ خواهد بود، R+C نشان‌دهنده مجموع شدت یک عنصر در طول محور طول‌ها هم از نظر نفوذ کننده و هم از نظر تحت نفوذ واقع شدن می‌باشد رتبه‌بندی معیارهایی که میزان تأثیر و تعامل بیشتری نسبت به سایر عوامل دارند (R+C) و رتبه‌بندی معیارهای اثرگذاری بیشتر هر عامل بر مجموعه عوامل دیگر (R-C) قابل مشاهده می‌باشد. جدول ۹ روابط کلی را نشان می‌دهد.

جدول ۹. ماتریس روابط کلی - اعمال حد آستانه

مؤلفه‌ها	C1	C2	C3	C4	C5	C6	CV
ضعف در تعاملات اقتصادی و مالی	C1		۰/۶۸۱				
کمبود منابع مالی	C2		۰/۶۴۵				
ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها	C3	۰/۶۶۷	۰/۶۹۰	۰/۶۷۲	۰/۶۳۷	۰/۷۳	۰/۷۳۷
کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی	C4		۰/۶۸۷			۰/۶۴۳	۰/۶۳۵
تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها	C5	۰/۶۴۴	۰/۷۸۳	۰/۶۳۷			۰/۶۹۴
حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری	C6	۰/۶۶۰	۰/۷۶۶	۰/۶۰۶	۰/۶۶۸	۰/۵۸۴	۰/۶۱۳
مسائل اخلاقی و اجتماعی	CV		۰/۶۴۹				۰/۶۴۴

جدول ۹ نتایج تحلیل وزن معیارها را بر اساس ماتریس ارتباط کامل نمایش می‌دهد و نقش هر معیار را در تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری سیستم ارزیابی می‌کند. این تحلیل یکی از مراحل کلیدی در شناسایی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی است. معیار ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها C۳ با وزن بالا به عنوان یکی از عوامل کلیدی تأثیرگذار شناخته می‌شود. این معیار نشان دهنده نیاز به بهبود قوانین و زیرساخت‌های موجود است، چراکه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم قابل توجهی بر سایر معیارها دارد. از سوی دیگر، معیارهایی مانند تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌ها C۵ و حمایت ناکافی از توسعه پایدار در حسابداری C۶ نیز با وزن‌های قابل توجه خود به عنوان عوامل تأثیرگذار برجسته شده‌اند. این معیارها نقش حیاتی در شبکه روابط علی دارند و توجه ویژه به آن‌ها می‌تواند اثرات قابل توجهی در کاهش موانع داشته باشد. در مقابل، معیار مسائل اخلاقی و اجتماعی C۷ وزن کمتری دارد که بیانگر تأثیر محدودتر این عامل در مقایسه با سایر عوامل است. با این حال، این معیار همچنان در مدل کلی تأثیرگذار بوده و نباید از توجه خارج شود. علاوه بر این، تحلیل جدول ۹ نشان می‌دهد که معیارهایی مانند کمبود منابع مالی C۲، اگرچه تأثیر کمتری نسبت به عوامل دیگر دارند، اما تحت تأثیر معیارهای تأثیرگذار اصلی مانند ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها C۳ قرار می‌گیرند. این تعاملات میان معیارها گویای شبکه پیچیده‌ای از روابط است که برای برنامه‌ریزی مؤثر باید به طور دقیق تحلیل شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی علی برای شناسایی موانع توسعه حسابداری پایداری و گزارشگری مالی در ایران طراحی و اجرا شده است. این تحقیق از نوع ترکیبی بوده و با بهره‌گیری از روش‌های کیفی (تحلیل مضمون) و کمی (تحلیل شبکه‌ای دیمتل) به اجرا درآمده است. در گام نخست، با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان و تحلیل داده‌ها با رویکرد تحلیل مضمون، مدل مفهومی پژوهش استخراج شد. سه مضمون فراگیر اصلی شامل چالش‌های اقتصادی و قانونی، چالش‌های زیست‌محیطی و پایداری و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی شناسایی گردیدند. این مضامین از طریق ۷ مضمون سازمان دهنده و ۲۸ مضمون پایه، ابعاد گوناگون موانع توسعه حسابداری پایداری را تبیین کردند.

در گام دوم و با بهره‌گیری از روش دیمتل، روابط علی میان مؤلفه‌های کلیدی مدل موردبررسی قرار گرفت. نتایج کمی نشان داد که مؤلفه «ضعف در قوانین و زیرساخت‌ها» و «تبعیت ناکافی از استانداردها و پروتکل‌های زیست‌محیطی» بیشترین قدرت تأثیرگذاری را در شبکه روابط دارند و به عنوان عوامل کلیدی محرک شناسایی شدند. این دو عامل نقش بنیادی در ایجاد اختلال در سایر ابعاد توسعه پایدار ایفا می‌کنند، چراکه ضعف قانون‌گذاری و نبود سازوکارهای الزام‌آور، بستر ساختاری برای بی‌توجهی به گزارشگری پایدار را فراهم می‌آورد. در مقابل، مؤلفه‌هایی همچون «کمبود منابع مالی» و «مسائل اخلاقی و اجتماعی» عمدتاً تحت تأثیر سایر عوامل قرار گرفته‌اند و به عنوان عوامل پیامدی در مدل دیمتل ظاهر شده‌اند. به بیان دیگر، این عوامل بیش از آنکه خود منشأ بحران باشند، نتیجه ضعف‌های ساختاری، سیاستی و نهادی در سطح کلان هستند. این تحلیل حاکی از آن است که سیاست‌گذاران در صورت تمرکز بر رفع مشکلات زیرساختی و تقنینی، می‌توانند به صورت غیرمستقیم بسیاری از چالش‌های مالی و

اجتماعی را نیز کنترل و مدیریت کنند. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که «حمایت ناکافی از توسعه پایدار» و «کمبود توجه به مسائل زیست‌محیطی» در مرکز تعاملات قرار دارند و از نظر شاخص ترکیبی اثرگذاری و اثرپذیری در موقعیتی میانه قرار دارند. این دو عامل نه تنها تحت تأثیر عوامل ساختاری و قانونی قرار دارند، بلکه به نوبه خود بر تصمیم‌گیری‌های سازمانی در زمینه پایداری تأثیر می‌گذارند.

نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین همخوانی دارد؛ برای مثال، یافته‌های آن در خصوص کمبود الزامات قانونی، ضعف استانداردهای بومی و محدودیت‌های نهادی، با پژوهش **حقیقت و حکمت (۱۴۰۴)** و یوسفی زاده و فخاری (۱۴۰۳) مطابقت دارد که بر موانع ساختاری و درون‌سازمانی تأکید داشتند. همچنین، تأکید بر ضعف افشای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی با نتایج **کلمنکو و همکاران (۲۰۲۱)** و **طاهرپور و همکاران (۱۴۰۲)** همسوست. از سوی دیگر، نقش تحول دیجیتال و چالش‌های فناورانه در این پژوهش با مطالعات **کشاورزی نژاد و همکاران (۱۴۰۲)** و **وان (۲۰۲۵)** مشابه است. نکته نوآورانه در این پژوهش، تلفیق تحلیل مضمون و روش دیمتل برای ارائه یک مدل علی جامع و بومی‌سازی شده در فضای اقتصادی و نهادی ایران است. برخلاف پژوهش‌های صرفاً کیفی که به توصیف می‌پردازند، استفاده از دیمتل امکان شناسایی دقیق روابط علی و قدرت تأثیر متقابل اجزا را فراهم ساخته است. این مزیت باعث شد که سیاست‌گذاران بتوانند نقاط مداخله مؤثر را به‌طور دقیق‌تر شناسایی کنند. از نظر پیامدهای سیاستی، نتایج بیانگر آن است که برای تحقق حسابداری پایداری، نیاز به اصلاح قوانین موجود، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، تدوین الزامات گزارشگری، آموزش مستمر مدیران و حسابداران و تأمین منابع مالی پایدار وجود دارد. همچنین، بهره‌گیری از استانداردهای جهانی نظیر GRI و ISO14000 و نهادینه‌سازی ارزش‌های زیست‌محیطی در فرهنگ سازمانی، می‌تواند مسیر تحول پایدار را هموار سازد.

در عین حال، این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است. حجم زیاد داده‌های کیفی، چالش‌های تحلیل و مفهوم‌سازی داده‌های عامیانه، دشواری تمایز بین علل و معلول‌های مفهومی و تأثیر عوامل فرهنگی خاص جامعه ایران، از جمله این محدودیت‌ها بودند. با این وجود، تلاش شده است با رعایت دقت تحلیلی، از سوگیری در تفسیر نتایج پرهیز شود و روایی پژوهش حفظ گردد.

## فهرست منابع

- حقیقت، طوبی، حکمت، هانیه (۱۴۰۴). مروری بر پیشرفت‌ها و چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۷(۳)، ۱-۱۵. doi: 10.71600/jacgr.2024.1128420
- حکمت، هانیه، رحمانی، علی و موفق، سمیرا (۱۴۰۴). تأثیر افشای گزارشگری پایداری و مقایسه‌پذیری اطلاعات حسابداری بر تداوم سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۲(۱)، ۹۵-۱۱۶. doi: 10.22059/acctgrev.2025.374762.1008939
- شاه‌مرادی، نسیم، و مزیدی شرف‌آبادی، سجاد (۱۴۰۴). بررسی تأثیر حسابداری اخلاقانه بر کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش شفافیت در افشا. حسابداری و شفافیت مالی، ۱(۳)، ۵۲-۷۸. doi: 10.71965/aft.2025.1196918

طاهر پور، غلامرضا، خوزین، علی، نادریان، آرش و گرگانلی دوجی، جمادوردی (۱۴۰۲). ارایه مدل سلامت مالی مبتنی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران. *تحلیل بازار سرمایه*، ۴(۳)، ۷۱-۹۹. <https://sanad.iau.ir/en/Article/997380>

قاسمی، قاسم (۱۴۰۳). مدیران زن، کیفیت گزارشگری مالی و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۲(۲)، ۶۷-۸۱. doi: 10.71965/AFT.2024.1127740

قدردان، احسان و رضایی، فرزین (۱۴۰۳). فرامطالعه‌ای بر گزارشگری پایداری شرکت در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی ایران. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۴(۲)، ۵۹-۱۰۲. doi: 10.22051/jaasci.2024.45148.1804

کریمی واحد، شهناز، پاکمرام، عسگر، بحری ثالث، جمال و جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۴۰۲). توسعه الگوی حسابداری پایداری مبتنی بر نظریه زمینه بنیان. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۴۶)، ۳۱۳-۳۲۸. [https://www.jmaak.ir/article\\_21546.html?lang=fa](https://www.jmaak.ir/article_21546.html?lang=fa)

کشاورزی نژاد، حسین، شهری، مریم، اسکو، وحید و عبدلی، محمدرضا (۱۴۰۲). ارزیابی چارچوب گزارشگری پایداری مبتنی بر شریعت تحت تأثیر ظهور محورهای متاورس در حسابداری. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۳(۱)، ۱۰۹-۱۵۰. doi: 10.30497/ifr.2024.245517.1865

محمد پور، احمد (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۴۸، ۷۳-۱۰۵. doi: 10.22054/qjss.2010.874

یادگاری فر، حامد، و فولادی، مسعود (۱۴۰۲). تأثیر ساختارهای مالکیت و ویژگی‌های حاکمیتی بر گزارش پایداری شرکت. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۱)، ۴۱-۶۴. doi: 10.71965/AFT.2023.783446

یوسفی زاده، سحر و فخاری، حسین (۱۴۰۳). ویژگی‌های شرکتی تعیین‌کننده گزارشگری پایداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۴(۴)، ۱۴۹-۱۸۴. doi: 10.22051/jera.2024.47392.3254

Barako, D. G. (2007). Determinants of voluntary disclosures in Kenyan companies' annual reports. *African Journal of Business Management*, 1(5), 113-128. doi: 10.5897/AJBM2025.9640

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. doi: 10.1191/1478088706qp063oa

Choi, J., & Lee, J. (2024). Financial statement comparability and environmental, social, and governance (ESG) performance. *Sustainability*, 16(18), 7993. doi: 10.3390/su16187993

Dienes, D., Sassen, R., & Fischer, J. (2016). What are the drivers of sustainability reporting? A systematic review. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 7(2), 154-189. doi: 10.1108/sampj-08-2014-0050

Ghadardan, E., & Rezaei, F. (2024). A meta-study on corporate sustainability reporting in Iranian accounting and auditing research. *Accounting and Social Interests*, 14(2), 59-102. doi: 10.22051/jaasci.2024.45148.1804 [In Persian]

Ghasemi, G. (2024). Female Managers, Financial Reporting Quality, and Audit Fees. *Accounting and Financial Transparency*, 2(2), 67-81. doi: 10.71965/AFT.2024.1127740 [In Persian]

- Gipper, B., Ross, D., & Shi, Y. (2025). ESG assurance in the United States. *Review of Accounting Studies*, 30, 1753–1803. doi: [10.1007/s11142-024-09856-2](https://doi.org/10.1007/s11142-024-09856-2)
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publications. <https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/naturalistic-inquiry/book842>
- Haghighat, T., & Hekmat, H. (2025). A Review of Advances and Challenges in Sustainability Reporting in Iran. *Accounting and Corporate Governance Research*, 7(3), 1–15. <https://doi.org/10.71600/jacgr.2024.1128420> [In Persian]
- Hekmat, H., Rahmani, A., & Movafagh, S. (2025). The Impact of Sustainability Reporting Disclosure and Accounting Information Comparability on Earnings Persistence. *Accounting and Auditing Reviews*, (1), 95–116. <https://doi.org/10.22059/acctgrev.2025.374762.1008939> [In Persian]
- Hoque, Z., Parker, L. D., Covaleski, M. A., & Haynes, K. (Eds.). (2017). *The Routledge companion to qualitative accounting research methods*. Taylor & Francis. doi: [10.4324/9781315674797](https://doi.org/10.4324/9781315674797)
- Ikpor, I. M., Bracci, E., Kanu, C. I., Ievoli, R., Okezie, B., Mlangi, S., & Ogbaekirigwe, C. (2022). Drivers of sustainability accounting and reporting in emerging economies: Evidence from Nigeria. *Sustainability*, 14(7), 3780. doi: [10.3390/su14073780](https://doi.org/10.3390/su14073780)
- Javed, F., Yusheng, K., Iqbal, N., Fareed, Z., & Shahzad, F. (2022). A systematic review of barriers in adoption of environmental management accounting in Chinese SMEs for sustainable performance. *Frontiers in Public Health*, 10, 832711. doi: [10.3389/fpubh.2022.832711](https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.832711)
- Jonsen, K., & Jehn, K. A. (2009). Using triangulation to validate themes in qualitative studies. *Qualitative research in organizations and management: an international journal*, 4(2), 123–150. doi: [10.1108/17465640910978391](https://doi.org/10.1108/17465640910978391)
- Karimi Vahid, S., Pakmoram, A., Bahri Saless, J., & Jabbarzadeh Kangarloo, S. (2023). Developing a Sustainability Accounting Model Based on Grounded Theory. *Accounting and Management Auditing Science*, 12(46), 313–328. [https://www.jmaak.ir/article\\_21546.html?lang=fa](https://www.jmaak.ir/article_21546.html?lang=fa) [In Persian]
- Keshavarzinejad, H., Shahri, M., Askou, V., & Abdoli, M. R. (2023). Evaluating a sharia-based sustainability reporting framework under the influence of emerging metaverse dimensions in accounting. *Islamic Financial Research*, 13(1), 109–150. doi: [10.30497/ifr.2024.245517.1865](https://doi.org/10.30497/ifr.2024.245517.1865) [In Persian]
- Klymenko, O., Lillebrygfeld Halse, L., & Jæger, B. (2021). The enabling role of digital technologies in sustainability accounting: Findings from Norwegian manufacturing companies. *Systems*, 9(2), 33. doi: [10.3390/systems9020033](https://doi.org/10.3390/systems9020033)
- Kvale, S. (1996). *Interviews: An introduction to qualitative research interviewing*. Sage Publications.
- Kwakye, T. O., Welbeck, E. E., Owusu, G. M. Y., & Anokye, F. K. (2018). Determinants of intention to engage in Sustainability Accounting & Reporting (SAR): the perspective of professional accountants. *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 3(1), 11. doi: [10.1186/s40991-018-0035-2](https://doi.org/10.1186/s40991-018-0035-2)
- Lopes, A. (2010). Grounded theory method: an essential approach to analyse design. *The 9th European Conference on Research Methods in Business and Management: IE Business School Madrid, June, Spain*, 24–25. <https://www.semanticscholar.org/paper/Grounded-Theory-Method%3A-An-essential-approach-to-Lopes/d33c2a72b2454f179bd1e748866b93e1dcfcb76c>
- Mathuva, D. M., Barako, D. G., & Wachira, M. M. (2017). The economic consequences of environmental, social and governance disclosures by firms quoted on the Nairobi securities exchange. *African Accounting and Finance Journal*, 1(1), 5–28. doi: [10.26686/aafj.v1i1.9715](https://doi.org/10.26686/aafj.v1i1.9715)
- Mohammad Pour, A. (2010). Quality assessment in qualitative research: principles and strategies for validity and generalizability. *Social Sciences Quarterly*, 48, 73–105. doi: [10.22054/qjss.2010.874](https://doi.org/10.22054/qjss.2010.874) [In Persian]



- Oyewo, B. (2022). Contextual factors moderating the impact of strategic management accounting on competitive advantage. *Journal of Applied Accounting Research*, 23(5), 921–949. doi: [JAAR-04-2021-0108](https://doi.org/10.1016/j.jaar.2021.01.008)
- Shahmoradi, N., & Mozidi Sharafabadi, S. (2025). Investigating the Impact of Creative Accounting on Financial Reporting Quality Considering the Role of Disclosure Transparency. *Accounting and Financial Transparency*, 1(3), 52–78. doi: [10.71965/aft.2025.1196918](https://doi.org/10.71965/aft.2025.1196918) [In Persian]
- Sisaye, S. (2021). The influence of non-governmental organizations (NGOs) on the development of voluntary sustainability accounting reporting rules. *Journal of Business and Socio - economic Development*, 1(1), 5–23. doi: [10.1108/JBSED-02-2021-0017](https://doi.org/10.1108/JBSED-02-2021-0017)
- Taherpour, G., Khozin, A., Naderian, A., & Gorganli Doji, J. (2023). Presenting a financial health model based on corporate social responsibility disclosure and financial reporting transparency in Tehran Stock Exchange. *Capital Market Analysis*, 4(3), 71–99. <https://sanad.iau.ir/en/Article/997380> [In Persian]
- Tajani, F., Guarini, M. R., Sica, F., Ranieri, R., & Anelli, D. (2022). Multi - criteria analysis and sustainable accounting: Defining indices of sustainability under Choquet's integral. *Sustainability*, 14(5), 2782. doi: [10.3390/su14052782](https://doi.org/10.3390/su14052782)
- Tauringana, V. (2021). Sustainability reporting adoption in developing countries: Managerial perception -based determinants evidence from Uganda. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 11(2), 149–175. doi: [10.1108/JAEE-07-2020-0184](https://doi.org/10.1108/JAEE-07-2020-0184)
- Vásquez-Millalén, C., Gil-Marín, M., & Vera-Ruiz, S. (2023). Social report model framed within the framework of sustainable accounting. *Resmilitaris*, 13(2), 3944–3958. doi:[10.5590/RESMIL.2023.13.2.38](https://doi.org/10.5590/RESMIL.2023.13.2.38)
- Wan, Y. (2025). Integrating stakeholder-oriented reporting and double materiality in CSR accounting: A critical evaluation of GRI standards. *Journal of Applied Economics and Policy Studies*, 18(5), 33–37. doi:[10.22059/JAEP.2025.80571](https://doi.org/10.22059/JAEP.2025.80571)
- Yadegari Far, H., & Fouladi, M. (2023). The Impact of Ownership Structures and Governance Characteristics on Corporate Sustainability Reporting. *Accounting and Financial Transparency*, 1(1), 41–64. doi: [10.71965/AFT.2023.783446](https://doi.org/10.71965/AFT.2023.783446) [In Persian]
- Yousefizadeh, S., & Fakhari, H. (2024). Corporate characteristics determining sustainability reporting. *Empirical Accounting Research*, 14(4), 149–184. doi: [10.22051/jera.2024.47392.3254](https://doi.org/10.22051/jera.2024.47392.3254) [In Persian]
- Zhang, B., Bi, J., & Liu, B. (2009). Drivers and barriers to engage enterprises in environmental management initiatives in Suzhou Industrial Park, China. *Frontiers of Environmental Science & Engineering*, 3(2), 210–220. doi: [10.1007/s11783-009-0014-7](https://doi.org/10.1007/s11783-009-0014-7)

## Investigating the impact of professional skepticism and mental exhaustion on the judgment of auditors working in audit firms in Iraq

Susan Miri Mahlol<sup>1</sup>, Rahman Saedi<sup>1,✉</sup>, Adel Sobhi Abdulqader<sup>2</sup>, Meysam Arabzadeh<sup>3</sup>

1. Department of Accounting, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Department of Accounting, Al Iraqia University.

3. Department of Accounting, Ka.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p><b>Received:</b> 27 April 2025 <b>Revised:</b> 8 July 2025 <b>Accepted:</b> 19 July 2025</p> <p><b>Keywords:</b> Auditors' judgment, mental exhaustion, professional skepticism</p> <p><b>JEL Classification:</b> M41, M42</p>	<p><b>Purpose:</b> The purpose of this study was to investigate the effect of professional skepticism and mental exhaustion on the judgment of auditors working in audit firms in Iraq.</p> <p><b>Methodology:</b> The present study is applied in terms of purpose, cross-sectional in terms of time, quantitative in terms of the nature of the data, and descriptive-survey research in terms of how to obtain data. The statistical population of the study includes managers and senior employees of auditing firms in Iraq who have an auditing license. The validity of the questionnaire was approved by the professors, and the reliability of the questionnaires was reported to be acceptable using Cronbach's alpha coefficient. Descriptive statistics and the structural equation method were used to analyze the data.</p> <p><b>Findings:</b> The results showed that professional skepticism has a significant effect on the judgment of auditors working in firms in Iraq. Also, the mental exhaustion has a significant effect on the judgment of auditors working in firms in Iraq.</p> <p><b>Originality:</b> Audit skepticism causes more focus on financial documents and corrects wrong judgments from various aspects. On the other hand, if the auditor has mental exhaustion for various reasons, he cannot focus on judgment as intended.</p>

**Cite this paper:** Miri Mahlol, S., Saedi, Rahman, Sobhi Abdulqader, A., & Arabzadeh Meysam. (2025). Investigating the impact of professional skepticism and mental exhaustion on the judgment of auditors working in audit firms in Iraq. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(2), 77–95. <https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1205108> [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: saedi.r@iau.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## Introduction

Extensive research in the field of auditing indicates that psychological and perceptual factors play a highly influential role in the quality of auditors' judgment. One of the most critical of these factors is professional skepticism, which is regarded as an essential characteristic within the auditing process. Professional skepticism refers to a continuous and active state of questioning and evaluating the accuracy and completeness of financial information, which auditors are obligated to maintain and develop throughout their professional duties. This skepticism causes auditors to remain constantly exposed to questions and challenges that require precise analysis and comprehensive assessment of evidence and documents. Consequently, this state can lead to increased accuracy and reduced potential errors, thereby enhancing the decision-making process in auditing; however, it may also impose significant stress and psychological pressure on auditors. In environments such as Iraq, which face specific economic, political, and cultural challenges, this phenomenon becomes more complex (Al-Taie & Abdulrahman Othman, 2018). The particular conditions of this country, including economic instability and political fluctuations, can influence the extent and impact of professional skepticism, resulting in heightened levels of anxiety, concern, and stress among auditors, which in turn affects the accuracy and reliability of their judgments. This situation necessitates intelligent and conscious management of professional skepticism to prevent the amplification of its negative effects on auditing processes (Johari *et al.*, 2022).

The mediating role of mental exhaustion in this study is of particular importance, as mental capacity is recognized as the fundamental basis for performing cognitive operations, analyzing data, assessing risks, and making rational and sound decisions. Mental exhaustion, often caused by stress,

intense workload, repetitive detailed activities, and the constant need for concentration, can lead to decreased efficiency, diminished focus, and lower quality of professional judgment. As a result, excessive professional skepticism may intensify negligence, exhaustion, and a decline in precision during audit judgments. This condition is especially significant in the context of Iraq, where auditors may face stressful and complex environments, because an accurate understanding and management of these factors can play a vital role in improving the quality of auditing and enhancing public trust in the auditing process within this region (Buchheit *et al.*, 2016).

## Methodology

This study is applied research in terms of its objective and is classified as descriptive research in terms of data collection, specifically involving structural equation modeling. The statistical population of the study included senior managers and staff of auditing firms in Iraq that hold an audit license. The sampling method used was a non-probability purposive sampling, and the sample size was determined using Cochran's formula. A questionnaire was randomly distributed to 304 selected individuals, and ultimately, only 200 complete questionnaires were returned. This number was then used as the basis for the research. The data collection tool was a questionnaire. The auditor's judgment variable was measured through responses to the Peecher (1994) questionnaires. Auditor doubt was assessed using the Hartt (2010) questionnaire on auditor doubt, and the mental exhaustion variable was measured through the Molina *et al.* (2019) questionnaire. For inferential data analysis and hypothesis testing, Pearson correlation coefficient tests and path analysis modeling were employed. Data analysis was conducted using SPSS 21 and Amos 18 software.

## Results

Approximately 20 percent of the participants were women, and 80 percent were men. The findings confirmed all four hypotheses. The first hypothesis, indicating

a negative and significant relationship between professional skepticism and mental exhaustion, was supported. The second hypothesis, suggesting a significant and positive relationship between professional skepticism and auditors' judgment, was also confirmed. The third hypothesis, proposing a significant and negative relationship between mental exhaustion and auditors' judgment, was supported as well. Additionally, the study found that mental exhaustion mediates the relationship between professional skepticism and the judgment of auditors working in firms in Iraq.

### Conclusions

The results of this study highlight important and impactful relationships among professional skepticism, mental exhaustion, and the judgment of auditors. First, the first hypothesis, which confirmed a direct and significant relationship between professional skepticism and mental exhaustion, indicates that when auditors feel uncertain and doubtful about their professional work, it leads to increased psychological stress and mental exhaustion. This stress may stem from the constant need for detailed analysis and repeated reviews, a process that intensifies stress and mental exhaustion and ultimately reduces cognitive efficiency.

Second, the inverse and significant relationship between mental exhaustion and auditors' judgment demonstrates that a decline in focus, processing speed, and accuracy weakens auditors' professional decision-making. This finding emphasizes the importance of mental health and cognitive effectiveness for auditors and highlights the necessity of stress management and improved coping mechanisms to mitigate psychological pressures. Finally, the mediating role of mental exhaustion was confirmed; meaning that increased professional skepticism, through its effect on decreasing mental capacity, negatively impacts auditors'

judgment. In other words, cognitive fatigue acts as a process that amplifies the effect of doubt on the quality of auditors' decisions. Therefore, psychological interventions, stress management training, and cognitive strengthening can help reduce the negative impact of this relationship and improve judgment and decision-making processes in auditors.

### Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

### Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

### Acknowledgements

The authors would like to thank all participants in the present study.

### Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

### Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

### Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



## بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات حسابداری کشور عراق با توجه به نقش میانجی فرسایش توان ذهنی

سوزان میری محلول<sup>۱</sup>، رحمان ساعدی<sup>۱\*</sup>، عادل صبحی عبدالقادر<sup>۲</sup>، میثم عرب زاده<sup>۳</sup>

۱. گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. گروه حسابداری، دانشگاه جامعه العراقیه.

۳. گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸</p> <p>کلیدواژه‌ها: شک و تردید حرفه‌ای، فرسایش توان ذهنی، قضاوت حساب‌برسان</p> <p>طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42</p>	<p><b>هدف:</b> هدف این پژوهش بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات حسابداری کشور عراق با توجه به نقش میانجی فرسایش توان ذهنی است.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی است، از نظر زمان، مقطعی، از نظر ماهیت داده‌ها، کمی و از نظر چگونگی دستیابی به داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارکنان ارشد مؤسسات حسابداری کشور عراق است که مجوز حسابداری دارند. روایی پرسشنامه به تأیید اساتید رسید و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در حد قابل قبولی گزارش شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و روش معادلات ساختاری استفاده شد.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> نتایج نشان داد که شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات کشور عراق تأثیر معنی داری دارد. همچنین فرسایش توان ذهنی بر قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات کشور عراق تأثیر معنی داری دارد.</p> <p><b>دانش‌افزایی:</b> شک و تردید حسابداری موجب تمرکز بیشتر بر اسناد مالی شده و قضاوت‌های اشتباه را از جوانب مختلف اصلاح می‌نماید. از طرف دیگر اگر حساب‌برسان به دلایل مختلف دارای خستگی ذهنی باشد، نمی‌تواند به نحو مدنظر بر قضاوت متمرکز گردد.</p>
<p>استناد: میری محلول، سوزان، ساعدی، رحمان، صبحی عبدالقادر، عادل، و عرب زاده، میثم (۱۴۰۴). بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات حسابداری کشور عراق با توجه به نقش میانجی فرسایش توان ذهنی. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۲(۳)، ۷۷-۹۵. <a href="https://doi.org/10.71965/aft.2025.1205108">https://doi.org/10.71965/aft.2025.1205108</a></p>	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: saedi.r@iaiu.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## مقدمه

در دنیای امروز که پیچیدگی و تغییرات سریع اقتصادی در حال افزایش است، نقش حسابرسی حرفه‌ای برای تضمین شفافیت و صداقت اطلاعات مالی سازمان‌ها بسیار مهم شده است (فایرد<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). حسابرسی حرفه‌ای که یکی از حوزه‌های مهم حسابداری است، فراتر از اطمینان‌بخشی به ذینفعان و مالکان سازمان‌ها عمل می‌کند، اما این فرآیند پیچیده و چند بعدی به عنوان ابزاری اساسی در مدیریت ریسک و کنترل داخلی سازمان‌ها عمل می‌کند و از طریق ارزیابی دقیق و بی‌طرفانه اطلاعات مالی، به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کمک می‌کند (نجیان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). یکی از جنبه‌های مهم حسابرسی حرفه‌ای، قضاوت حرفه‌ای حسابرسان است. این مفهوم به توانایی و مهارت حسابرسان در ارزیابی، تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات مالی و غیرمالی اشاره دارد. قضاوت حرفه‌ای، به عنوان یکی از اجزای کلیدی که بر کیفیت و اعتبار گزارش‌های حسابرسی تأثیر می‌گذارد، نقش مهمی در فرآیندهای حسابرسی ایفا می‌کند (اوتلی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). در واقع، قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان، بخش‌های جدایی‌ناپذیر تحقیقات حسابداری رفتاری هستند که با هدف درک فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارزیابی‌های انجام‌شده توسط حسابرسان و افرادی که با آنها تعامل دارند، انجام می‌شود (اسیمت و تروتمن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸).

با پیچیده‌تر شدن روزافزون معاملات تجاری و الزامات نظارتی، حسابرسان باید هنگام ارزیابی گزارش‌های مالی، تردید حرفه‌ای و قضاوت صحیح را به کار گیرند. کیفیت تصمیمات حسابرسان تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله پیچیدگی وظایفی که انجام می‌دهند، ویژگی‌های فردی و تعاملات آنها با ذینفعان کلیدی مانند مدیریت و کمیته‌های حسابرسی قرار می‌گیرد (فریستا و آگوستیا<sup>۵</sup>، ۲۰۲۵). شک و تردید حرفه‌ای به تمایل حسابرسان برای به تعویق انداختن استنتاج در مورد یک تصمیم حسابرسی تا جایی که شواهد پشتیبان کافی برای یک جایگزین نسبت به دیگران مشاهده شود، اشاره دارد (هارت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). شک و تردید حرفه‌ای باعث می‌شود حسابرسان در مورد ارزیابی صحت توضیحات مشتری و ارزیابی ریسک تقلب، قضاوت‌های تردیدآمیزی از خود نشان دهند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که حسابرسان در شرایط پرخطر، تمایل به قضاوت‌های تردیدآمیزتری دارند (انار و دماک-آیادی<sup>۷</sup>، ۲۰۲۴). در این راستا، استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (ISA) تصریح می‌کند که حسابرسان باید حسابرسی را با تردید حرفه‌ای برنامه‌ریزی و انجام دهد و تشخیص دهد ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که باعث تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی شود (انار و دماک-آیادی، ۲۰۲۴). تردید، نگرشی حیاتی است که ظرفیت حسابرسان را برای استفاده از قضاوت حرفه‌ای در تشخیص و مدیریت موقعیت‌های تحریف بالقوه بهبود می‌بخشد. تردید حرفه‌ای مستلزم ارزیابی انتقادی شواهد حسابرسی است و مستلزم صدور هشدار جزئی برای شواهدی است که با سایر شواهد حسابرسی در تضاد است و یا نگرانی‌هایی را در مورد صحت داده‌های جمع‌آوری شده از مدیریت و مسئولان راهبردی ایجاد می‌کند. برای اینکه حسابرسان بتوانند از کار خود نتیجه‌گیری‌های درستی داشته باشند، باید به‌طور مداوم تردید حرفه‌ای را اعمال کنند

1. Fayard

2. Nguyen

3. Otley

4. Simnett & Trotman

5. Friska & Agustia

6. Hurtt

7. Ennar & Damak-Ayadi

(جنس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). رویه‌های حساب‌برسان در محیط عراق فاقد درک و راهنمایی کافی در مورد برآوردهای ارزش منصفانه به گونه‌ای است که آنها را قادر به اعمال تردید حرفه‌ای به طور مؤثرتر کند (محمد و حسین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). عبدالعزیز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی که در کشور عراق انجام دادند، این یافته را گزارش نمودند که بین میزان شک و تردید نسبت به حرفه حسابرسی و میزان اعتماد به مدیران و حساب‌برسان شرکت‌ها همبستگی مثبت وجود دارد.

همچنین ویژگی‌های فردی می‌تواند بر رفتار و عملکرد حساب‌برس موثر باشد. از جمله ویژگی‌هایی که رفتار و عکس‌العمل حساب‌برسان را ممکن است تحت تأثیر قرار دهد اعتماد به نفس و کشش‌های درونی می‌باشد (خان‌محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). با توجه به این که قضاوت مستقیماً از افکار درون ذهنی نشأت می‌پذیرد، لذا توان ذهنی می‌تواند بر نوع قضاوت مؤثر باشد. به دلایل خستگی کاری و بالا رفتن سن، ممکن است توان ذهنی حساب‌برس دچار فرسودگی گردد. از این رو امکان قضاوت با این توان فرسوده سخت‌تر می‌گردد. سلامت ذهنی برای اطمینان از یک قضاوت حرفه‌ای متعادل و ایجاد تصویری مثبت از حرفه در مواجهه با ادغام و حفظ استعدادهای مهم است. با این حال، حسابداران تحت فشارهای شدیدی هستند که بر سلامت آنها در انجام کارهایشان تأثیر می‌گذارد و موجب فرسایش توان ذهنی آنها می‌شود که می‌تواند بر قضاوت آن‌ها اثرگذار باشد (بوچیت<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). فرسایش توان ذهنی زمانی رخ می‌دهد که فرد به دلیل استرس مداوم، فشارهای کاری یا فقدان استراحت کافی، توانایی کمتری برای انجام وظایف ذهنی و تصمیم‌گیری‌های دقیق پیدا می‌کند. این کاهش توانایی می‌تواند به مرور زمان بر عملکرد حساب‌برسان تأثیر بگذارد و باعث افزایش خطاها و کاهش دقت در قضاوت‌ها شود (نظیفی و همکاران، ۱۴۰۲). فرسایش ذهنی می‌تواند توانایی حساب‌برسان را در تحلیل دقیق اطلاعات مالی به شدت کاهش دهد. حساب‌برسانی که با این مشکل مواجه هستند، ممکن است نتوانند به درستی به جزئیات مالی توجه کنند یا ارتباطات پیچیده بین داده‌ها را تشخیص دهند، که این موضوع به کاهش دقت و صحت گزارش‌های حساب‌برسی منجر می‌شود. فرسایش توان ذهنی می‌تواند تأثیرات منفی بر رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در حساب‌برسی نیز داشته باشد (مرویان حسینی و لاری دشت بیاض، ۱۳۹۴). خواجه‌وی و صالحی (۱۳۹۸) خستگی کاری حساب‌برس را عاملی بر کاهش زمان قضاوت دانسته که در کل به اظهارنظر ناصحیح منتهی می‌گردد. لذا قضاوت صحیح به توان ذهن وابسته بوده که می‌بایست فارغ از مشکلات روزمرگی و شغلی باشد. حجم کاری زیاد و فشار برای تحویل سریع نتایج حساب‌برسی می‌تواند یکی از عوامل اصلی فرسایش توان ذهنی باشد. به چند دلیل، بررسی جامع تحقیقات تجربی در مورد قضاوت حساب‌برس ضروری است. اول، به شناسایی مضامین و شکاف‌های تحقیقاتی غالب در ادبیات کمک می‌کند و تحقیقات آینده را در پرداختن به سؤالات حل نشده هدایت می‌کند. دوم، ارزیابی سیستماتیکی از تکامل روش‌های تجربی ارائه می‌دهد. سوم، با نگراشت یافته‌های کلیدی به کاربردهای عملی، این بررسی بیش‌هایی در مورد چگونگی بهبود کیفیت حساب‌برسی توسط شرکت‌های حساب‌برسی، تدوین‌کنندگان استاندارد و تنظیم‌کنندگان مقررات از طریق مداخلات هدفمند ارائه می‌دهد. در پژوهش حاضر ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه شده و براساس آن، فرضیه‌های پژوهش بیان می‌شود. در ادامه روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. سپس به بیان یافته‌های پژوهش و بعد از آن به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

1. Jens

2. Mohammed & Hussein

3. Abdulazeez

4. Buchheit

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دنیای حسابرسی ذاتاً پیچیده است و حسابرسان را ملزم به اعمال قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های حیاتی در شرایط عدم قطعیت می‌کند. با این حال، درستی این قضاوت‌ها و تصمیمات می‌تواند توسط سوگیری‌های رفتاری، که انحرافات سیستماتیک از عقلانیت هستند و بر ادراکات و اقدامات افراد تأثیر می‌گذارند، به خطر بیفتد (چوکوانی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴). شک و تردید حرفه‌ای یکی از مفاهیم اساسی لازم برای حرفه حسابرسی است که بدون آن حسابرس نمی‌تواند به اطمینان معقولی در مورد صحت شواهد و اطلاعات به‌دست‌آمده توسط بخش حسابرسی دست یابد. برخورداری حسابرس از ویژگی‌های شک و تردید حرفه‌ای و اعمال تردید حرفه‌ای در طول فرآیند حسابرسی منجر به افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه افزایش اعتماد جامعه مالی به حرفه حسابرسی پس از مواجهه با چندین بحران که منجر به از دست رفتن اعتماد جامعه مالی به حرفه حسابرسی شد، می‌شود (الطایی و عبدالرحمان عثمان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). رویه تردید حرفه‌ای یکی از عناصر ضروری در کیفیت حسابرسی است. حسابرس موظف است نگرش تردیدآمیز داشته باشد تا خطاهای احتمالی در فرآیند بررسی یا بررسی صورت‌های مالی کاهش یابد. با این حال، بروز رسوایی‌های شرکت‌های بزرگ در میان شرکت‌های حسابرسی شده، بر اعتماد عمومی تأثیر گذاشته و مسئولیت ناکافی بودن کاربرد تردید حرفه‌ای بر عهده حسابرسان گذاشته شده است (جوهری و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲).

حسابرسان همواره شک و تردید به خود راه می‌دهند که این شک و تردید طبق تجربه و آموزش‌های لازم بدست می‌آید (موباکو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). تردید حرفه‌ای عنصر ذاتی اعمال قضاوت حرفه‌ای است و طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرس باید کار خود را با تردید و نه با سوء ظن و بدگمانی به انجام برساند. شک و تردید حرفه‌ای در واقع اثر ژرف‌نگری و نگاه موشکافانه حسابرس بر صورت‌های مالی است که گزارشات را از فیلتر صحیح استدلال و منطق عبور داده و صحت و کذب آنها را از طریق فرایند از پیش تعیین شده، محک می‌زند (جانسن و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). بنابراین حفظ موازنه منطقی بین دو روی سکه (عدم اطمینان ۱۰۰٪ به هر گزارش و عدم سوءظن و گمان ۱۰۰٪ به هر گزارش) الزامی است. لذا نیاز هست که حسابرس باید با نگرش تردید حرفه‌ای و با در نظر داشتن این نکته، حسابرسی را برنامه‌ریزی و اجرا کند که شرایطی ممکن است وجود داشته باشد که موجب تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی شود (آبوت و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶). کوادیکرز و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) برای تردید حسابرس چهار ویژگی اعتماد، فردی تعلیق در قضاوت، منبع کنترلی، شک و تردید حرفه‌ای مطرح کرده است. ظاهراً بیشترین تحقیقات در خصوص تردیدگرایی در جهان توسط هرت در سال‌های ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۸ به‌عمل آمده است. هارت (۲۰۱۰) مدل نظری از تردید حرفه‌ای را در دو حوزه فلسفه تردیدگرایی و ادبیات حسابداری حرفه‌ای بنا نموده‌اند. آن‌ها مدل تردید حرفه‌ای را به‌عنوان ساختار چندبعدی با شش ویژگی یا شاخص ارائه نمودند. سه شاخص اولیه مرتبط با آزمون اسناد و مدارک بود و شامل: الف) ذهن پرسشگر، ب) تعلیق قضاوت و ج) تحقیق برای کسب شواهد هست. مؤلفه چهارم نیز فهم میان فردی یا درک متقابل است. مؤلفه پنجم و ششم با ابتکار کارکنان برای انجام عمل بر مبنای شواهد کسب

<sup>1</sup>. Chukwuani

<sup>2</sup>. Al-Taie & Abdulrahman Othman

<sup>3</sup>. Mubako

<sup>4</sup>. Janssen

<sup>5</sup>. Abbott

<sup>6</sup>. Quadackers



شده مرتبط می‌باشد و شامل اعتماد به نفس و خودرایی می‌باشد. **وِدمایر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)** چهار تصمیم کلیدی را که باید در چارچوب یک حسابرسی خاص اتخاذ شوند، تشریح می‌کند. اول، ارزیابی ریسک‌های تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی، با در نظر گرفتن پیامدهای احتمالی سوگیری، تقلب و ریسک تجاری. دوم، فرآیند شناسایی، انجام و ارزیابی فرآیندهای حسابرسی برای مقابله با این ریسک‌ها. سوم، ارزیابی شواهد حسابرسی برای تشخیص اینکه آیا شواهد به دست آمده از کیفیت و ارزش کافی برخوردار است و تعیین ضرورت کسب شواهد اضافی برای پرداختن به هرگونه محدودیت یا عدم قطعیت بالقوه. چهارم، فرآیند مربوط به اظهار نظر در مورد صورت‌های مالی و تصمیم برای بیان آن نظر شکل می‌گیرد. بنابراین، حسابرسان در طول حسابرسی بر انجام بهترین قضاوت حرفه‌ای خود تمرکز می‌کنند.

**خیرالنساء<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۵)** در پژوهشی به بررسی تأثیر حجم کار، فشار زمانی، تردید حرفه‌ای و صلاحیت در تشخیص تقلب پرداختند. داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه‌های آنلاین و مستقیم به دست آمد. این مطالعه با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، پرسشنامه‌ها را به حسابرسان خارجی که در دسترس تر بودند، توزیع کرد تا جمع‌آوری کارآمد داده‌ها تسهیل شود. این مطالعه نشان کرد که شک و تردید حرفه‌ای و شایستگی حسابرسان بر توانایی حسابرسان در کشف تقلب تأثیر می‌گذارد. در همین حال، حجم کار و فشار زمانی بر توانایی حسابرسان در کشف تقلب تأثیری نداشت. حسابرسان مسئول تضمین انصاف گزارش‌های مالی هستند، این امر باعث می‌شود حسابرسان حتی اگر تحت فشار کاری و زمانی باشند، حرفه‌ای و با دقت عمل کنند.

**عارف منش و صفاری (۱۴۰۳)** در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه روان‌شناختی و تجربه حسابرسان بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حرفه‌ای با در نظر گرفتن نقش تعدیلی شک و تردید حرفه‌ای پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه روان‌شناختی و تجربه حسابرس منجر به بهبود کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری حسابرسان می‌شود. علاوه بر این، شک و تردید حرفه‌ای قادر است رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و تجربه حسابرس با کیفیت قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری حسابرسان را تقویت کند.

**اسمعیل زاده اقدم و همکاران (۱۴۰۳)** به موضوع تبیین و ارائه چارچوب مفهومی تردید حرفه‌ای حسابرسان، ارزش‌های انسانی و اقدامات در این زمینه با استفاده از مدل معادلات ساختاری پرداختند. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی حسابرسان شهر تهران بود. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، بین ارزش خود تعیین‌گری و ارزش انگیزش، با صفات شک و تردید رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و بین ارزش سنت‌گرایی، موفقیت، امنیت، خیرخواهی، لذت‌طلبی، قدرت و انطباق و صفات شک و تردید رابطه منفی وجود دارد و بین ارزش جهانی بودن و صفات شک و تردید رابطه معناداری وجود ندارد.

**الخزرجی و التمیمی<sup>۳</sup> (۲۰۲۳)** در پژوهشی به بررسی تأثیر رویه تردید حرفه‌ای بر کیفیت عملکرد حسابرس در عراق پرداختند. هدف این تحقیق، روشن کردن مفهوم و اهمیت اعمال تردید حرفه‌ای و تأثیر آن بر کیفیت عملکرد حسابرس در عراق است. برای دستیابی به اهداف تحقیق، دو محقق پرسشنامه‌ای را بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تهیه کردند. در تهیه پرسشنامه، سازگاری با ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه و اینکه جامعه هدف تحقیق توسط

<sup>1</sup>. Wedemeyer

<sup>2</sup>. Khairunnisa

<sup>3</sup>. Al-Khazraji & Al-Tamimi

حساب‌رسان نمایندگی می‌شود، در نظر گرفته شد. کارمندان دفتر فدرال نظارت مالی و حساب‌رسان شاغل در شرکت‌ها و دفاتر حسابرسی خصوصی و همچنین دانشگاهیان متخصص در این زمینه. محققان به نتایجی رسیدند که مهمترین آنها این بود که اعمال تردید حرفه‌ای با کشف خطاها و تحریف‌های بااهمیت ناشی از تقلب، منجر به افزایش کیفیت عملکرد حسابرسان می‌شود.

**جوهری و همکاران (۲۰۲۲)** در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر تردید حرفه‌ای حساب‌رسان در مالزی پرداختند. داده‌های اولیه از طریق پرسشنامه‌هایی که به حساب‌رسان شرکت‌های حسابداری عمومی در کوالالمپور داده شد، جمع‌آوری گردید. نتایج این مطالعه نشان داد که نگرش تردید حرفه‌ای تأثیر قابل توجهی بر سطح توانمندی حساب‌رسان (دانش و تجربه) ندارد. در حالی که، روابط مثبت میان اعتماد حساب‌رسان، ارزیابی ریسک تقلب، مرکز کنترل درونی کار و تردید حرفه‌ای وجود دارد.

**هاشمی و همکاران (۱۴۰۱)** به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های حرفه‌ای حساب‌رسان با کیفیت حسابرسی و قضاوت‌های حرفه‌ای آنها پرداختند. روش پژوهش حاضر، توصیفی-پیمایشی و به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه استفاده گردید. این پژوهش در یک بازه زمانی شش ماهه (اسفند ماه سال ۱۳۹۹ تا مرداد ماه ۱۴۰۰) انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کارکنان موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته حسابداری و حسابرسی است. همچنین، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بالا بودن استقلال، حرفه‌گرایی و تردیدگرایی حساب‌رسان موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. همچنین نشان داد که بالا بودن استقلال، حرفه‌گرایی و تردیدگرایی حساب‌رسان موجب بهبود قضاوت حرفه‌ای آنها می‌شود.

**فیل سرائی (۱۴۰۱)** به موضوع تأثیر خودکفایی و شک و تردید حرفه‌ای بر ادراک اخلاقی حساب‌رسان پرداخته است. در این راستا پژوهش حاضر از حیث هدف، با توجه به اهداف پژوهش جزو پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. از منظر گردآوری داده‌ها، پژوهش حاضر در مجموعه تحقیقات میدانی و پیمایشی قرار می‌گیرد. همچنین جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران می‌باشند. بر اساس اطلاعات گردآوری شده حسابداران رسمی به ۲۹۶۹ نفر می‌باشند. تعداد ۳۴۰ نفر نمونه برآورد شد. نتایج نشان می‌دهد که خودکفایی بر ادراک اخلاقی حسابداران رسمی تأثیرگذار است و همچنین خودکفایی نیز بر شک و تردید حرفه‌ای اثرگذار بوده است و در نهایت شک و تردید حرفه‌ای بر ادراک اخلاقی حسابداران رسمی تأثیر می‌گذارد.

**الطایی و عبدالرحمان عثمان (۲۰۱۸)** در پژوهشی به بررسی سنجش تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسی در مؤسسات و دفاتر حسابرسی عراق پرداختند. جهت سنجش ویژگی‌های شک و تردید حرفه‌ای در شرکت‌ها و دفاتر حسابرسی عراق پرسشنامه‌ای که در بین نمونه‌ای از حساب‌رسان در مؤسسات و دفاتر حسابرسی عراق توزیع شد. تأثیر متغیرها از طریق استفاده از مدل‌های آماری در قالب مربع‌های پایینی و مدل رگرسیون خطی نشان داده شد. نتایج نشان داد که تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسی مؤسسات حسابرسی و دفاتر حسابرسی در عراق قابل توجه است. اعمال شک و تردید حرفه‌ای با کشف خطاهای اساسی ناشی از تقلب یا خطا، منجر به افزایش کیفیت فرآیند حسابرسی می‌شود که این امر منجر به اعتماد جامعه مالی می‌شود.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌هایی که در این پژوهش صحت آن‌ها مورد بررسی گرفته است به شرح ذیل می‌باشند:

فرضیه اول: شک و تردید حرفه‌ای با فرسایش توان ذهنی حسابرسان شاغل در مؤسسات کشور عراق ارتباط دارد.

فرضیه دوم: شک و تردید حرفه‌ای با قضاوت حسابرسان شاغل در مؤسسات کشور عراق ارتباط دارد.

فرضیه سوم: فرسایش توان ذهنی با قضاوت حسابرسان شاغل در مؤسسات کشور عراق ارتباط دارد.

فرضیه چهارم: فرسایش توان ذهنی رابطه میان شک و تردید حرفه‌ای با قضاوت حسابرسان شاغل در مؤسسات کشور عراق را میانجی‌گری می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی است و از منظر گردآوری داده‌ها در تحقیقات توصیفی جای می‌گیرد و به طور دقیق‌تر همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارکنان ارشد مؤسسات حسابرسی کشور عراق بود که مجوز حسابرسی داشتند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند بود که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد. پرسشنامه به ۳۰۴ نفر انتخابی به صورت تصادفی ارسال شد و در نهایت تنها ۲۰۰ نفر پرسشنامه را تکمیل شده بازگرداندند. همین میزان به عنوان مبنای تحقیق لحاظ شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است و این پرسشنامه‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. متغیر قضاوت حسابرس از طریق پاسخ به پرسشنامه پیچر (۱۹۹۴) سنجیده شد. این پرسشنامه دارای ۶ سوال بوده و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. پرسشنامه بررسی شک و تردید حسابرس هارت (۲۰۱۰) در شش بعد جستجوی دانش (سؤالات ۱ تا ۶)، وقفه در قضاوت (سؤالات ۷ تا ۱۱)، خودرایی (سؤالات ۱۲ تا ۱۷)، ذهن پرسشگر (سؤالات ۱۸ تا ۲۱)، اعتماد به نفس (سؤالات ۲۲ تا ۳۵) و درک میان فردی (سؤالات ۲۶ تا ۳۰) می‌باشد و سؤالات براساس لیکرت پنج درجه‌ای (از ۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) تنظیم شده است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش اسمعیل زاده اقدم و همکاران (۱۴۰۳) ۰/۷۰ گزارش شد. همچنین پرسشنامه فرسایش توان ذهنی مولینا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) ۱۰ سوال دارد که سؤالات آن براساس لیکرت ۵ درجه‌ای (از ۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. به منظور تحلیل استنباطی داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی تحلیل مسیر استفاده شد. همچنین شاخص‌های برازش مدل نهایی مورد سنجش قرار گرفته و با مقادیر مجاز این شاخص‌ها مقایسه شد. برای تحلیل داده‌ها، از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و Amos نسخه ۱۸ استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

حدود ۲۰ درصد آزمودنی‌ها را زنان و ۸۰ درصد آزمودنی‌ها را مردان تشکیل می‌دهند. گروه سنی بین ۳۱-۴۰ سال با حضور ۳۵ درصدی، گروه سنی بین ۲۰-۳۰ با حضور ۲۵ درصدی، گروه سنی بین ۴۱-۵۰ سال با حضور ۲۰ درصدی

<sup>۱</sup>. Molina

و نهایتاً افراد بیش از ۵۰ سال تنها ۲۰ درصد در نمونه حضور داشتند. اکثر اعضای جامعه سابقه کاری کمتر از ۱۵ سال داشتند (۴۰ درصد). سابقه کاری کمتر از ۵ سال، ۳۵ درصد اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند، سابقه‌های بین ۱۶ الی ۲۰ سال، ۱۵ درصد و سابقه‌های بیش از ۲۰ سال ده درصد اعضا را تشکیل می‌دهند. فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی ۴۷ درصد، کارشناسی ارشد ۳۰ درصد، کاردانی ۲۰ درصد و دکترا ۳ درصد اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند. در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار هر متغیر نشان داده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
قضاوت حسابرس	۲/۸۶۱	۰/۹۸۶
شک و تردید حرفه‌ای	۳/۲۴۵	۰/۹۸۰
فرسایش توان ذهنی	۳/۰۰۳	۰/۹۲۷

در جدول ۲ پایایی و روایی و اگرایی متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۲. بررسی پایایی و روایی و اگرایی متغیرها

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	شک و تردید	فرسایش	قضاوت
شک و تردید	۰/۹۴۹	۰/۹۵۰	۰/۹۰۸	***	***
فرسایش	۰/۶۹۶	۰/۷۱۹	۰/۹۶۰	۰/۶۹۲	***
قضاوت	۰/۹۴۲	۰/۹۴۳	۰/۹۲۹	۰/۸۶۰	۰/۸۵۸

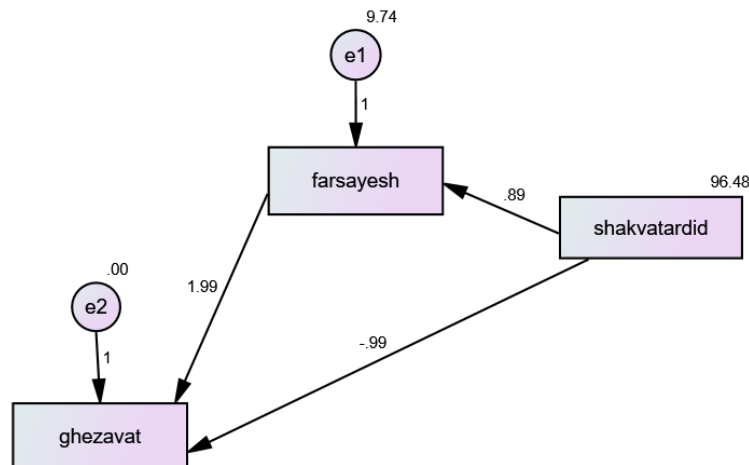
به منظور بررسی همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. ماتریس ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱ قضاوت حسابرس	۱		
۲ شک و تردید حرفه‌ای	۰/۷۷**	۱	
۳ فرسایش توان ذهنی	۰/۹۴**	۰/۹۴**	۱

\*\*P<۰/۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین قضاوت حسابرس با شک و تردید حرفه‌ای (۰/۷۷) و فرسایش توان ذهنی (۰/۹۴) رابطه معنی دار مثبت وجود دارد ( $P<۰/۰۱$ ). یافته‌های مربوط به برازش مدل با داده‌های پژوهش در مدل نهایی در جدول ۳ ارائه شده است. مدل پیشنهادی نهایی در این تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است. این مدل بر اساس ضرایب اصلاح نرم افزار Amos انتخاب گردید. چنانچه در شکل ۱ مشاهده می‌شود، قوی‌ترین رابطه بین فرسایش توان ذهنی و قضاوت حسابرس (۱/۹۹) می‌باشد.



شکل ۱. ضرایب غیر استاندارد در رگرسیون در مدل نهایی

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، مدل به خوبی با داده‌ها برازش دارد. آزمون کای اسکور بیانگر برازش مناسب مدل با ماتریس واریانس-کوواریانس است، هم چنین آماره های GFI، TLI، IFI، CFI همگی در سطح عالی و بالاتر از ۰/۹۰ قرار دارند، همچنین مقدار RMSEA کمتر از ۰/۱۰ بوده که همگی نشان از برازش بسیار خوب مدل با داده‌های پژوهش دارند.

جدول ۴. یافته‌های مربوط به برازش داده‌ها در مدل نهایی

RMSEA3	IFI	TLI2	GFI1	CFI	CMIN/DF	
۰/۰۵	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۹۴	۱/۹۰	مدل پیشنهادی

یکی از شاخص‌های عمومی برای به حساب آوردن پارمترهای آزاد در محاسبه شاخص برازش، کای اسکور بهنجار یا نسبی است که از تقسیم مقدار کای اسکور بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود و اغلب مقادیر بین ۱ تا ۵ را برای این شاخص قابل قبول می‌دانند. در این پژوهش کای اسکور ۱/۹ به دست آمده است. در مجموع نتایج نشان می‌دهد مدل ارائه شده از برازش مطلوبی برخوردار است. بنابراین می‌توان تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم را محاسبه و بررسی کرد.

جدول ۵. نتایج روش بوت استروپ روابط غیرمستقیم در کل نمونه

کل		غیر مستقیم		شاخص مسیر
P	مقدار	P	مقدار	
۰/۰۲	۰/۷۷	۰/۰۵	۱/۷۶	شک و تردید - فرسایش - قضاوت

1. goodness of fit index

2. tucker-lewis index

3. root mean square error of approximatio

با توجه به نتایج جدول ۵ و با استفاده از روش بوت استروپ، متغیر شک و تردید حرفه‌ای به صورت غیرمستقیم از طریق فرسایش توان ذهنی بر قضاوت حسابرس تأثیر معنادار دارند، چرا که ضریب استاندارد برآورد شده در مسیر غیرمستقیم در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. در جدول ۵ وزن‌های استاندارد و غیر استاندارد بین متغیرها برای بررسی رابطه‌های مستقیم ارایه شده است.

جدول ۶. وزن‌های استاندارد و غیر استاندارد بین متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	وزن‌های استاندارد	وزن‌های غیر استاندارد	
۰/۰۰۱	-۰/۹۴	-۰/۸۹	شک و تردید - فرسایش توان ذهنی
۰/۰۰۱	۰/۹۹	۰/۹۹	شک و تردید - قضاوت حسابرس
۰/۰۰۱	-۱/۸۷	-۱/۹۹	فرسایش توان ذهنی - قضاوت حسابرس

نتایج جدول ۶ گویای آن است که وزن استاندارد بین شک و تردید با فرسایش توان ذهنی ۰/۹۴- به دست آمده است. در نتیجه رابطه بین این دو متغیر معنادار و منفی می‌باشد ( $P < ۰/۰۱$ ). همچنین وزن استاندارد بین شک و تردید با قضاوت حسابرس ۰/۹۹ به دست آمده است. در نتیجه رابطه بین این دو متغیر معنادار و مثبت می‌باشد ( $P < ۰/۰۱$ ). همچنین وزن استاندارد بین فرسایش توان ذهنی با قضاوت حسابرس ۱/۸۷- به دست آمده است. در نتیجه رابطه بین این دو متغیر معنادار و منفی می‌باشد ( $P < ۰/۰۱$ ).

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر شک و تردید حرفه‌ای بر قضاوت حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی کشور عراق با توجه به نقش میانجی فرسایش توان ذهنی صورت گرفت. یافته‌های در مورد فرضیه اول نشان داد که شک و تردید حرفه‌ای بر فرسایش ذهنی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد. **فیل سرائی (۱۴۰۱)** خودکفایی ذهنی را عاملی مهم در جهت قضاوت صحیح دانست. در واقع علاقه را عامل سوم و واسطه معرفی نمود و چنین بیان کرد که با ذهنی سالم است که می‌توان اطلاعاتی صحیح به دست آورده و سپس بر این مبنا قضاوت نمود. با وجود ذهن ناسالم، خستگی بر حسابرس غالب شده که می‌تواند موجب گذر از برخی واقعیات گردد. در واقع دقت و پشتکار حسابرس به شدت به خودکفایی ذهنی وی وابسته است. نتایج تحلیل آماری نشان داده که حسابرسان با ذهن آزاد، به طور میانگین ۲۰۰ برابر بیش از حسابرسان با ذهن خسته، کارایی دارند. این کارایی به معنای تنظیم گزارش مالی با کیفیت و خوانا بوده، به نحوی که قضاوت براساس آن ممکن باشد. تحت این شرایط است که می‌توان به اهداف عالی دست یافت. بنابراین ذهن ناسالم حسابرس موجب تضعیف گزارش‌های مالی وی می‌گردد.

در این پژوهش وجود رابطه منفی و معنادار بین شک و تردید حرفه‌ای با قضاوت حسابرسان مورد تأیید قرار گرفت. این یافته همخوان با یافته پژوهش‌های **خیرالنساء و همکاران (۲۰۲۵)** و **عارف منش و صفاری (۱۴۰۳)** می‌باشد. شک و تردید حرفه‌ای از ابزارهای کلیدی برای جلوگیری از خطاها و تحریف‌های مالی است. این ویژگی به حسابرسان کمک می‌کند که مدارک حسابرسی را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار دهند و احتمال وقوع تقلب یا اشتباهات

عمدی را کاهش دهند. این امر باعث افزایش اعتماد عمومی به صورت‌های مالی و اعتبار حساب‌برسان می‌شود. حساب‌برسانی که از شک و تردید حرفه‌ای بالاتری برخوردارند، معمولاً قضاوت‌های دقیق‌تر و قابل اعتمادتری ارائه می‌دهند (رنجبریان و همکاران، ۱۳۹۹). این حساب‌برسان در مواجهه با اطلاعات غیرقطعی یا مشکوک، بیشتر از سایرین به دنبال جمع‌آوری مدارک تکمیلی هستند و از این رو احتمال اشتباه در قضاوت‌های آن‌ها کمتر است. حساب‌برسانی که دارای سطح بالایی از شک و تردید حرفه‌ای هستند، تمایل دارند که به بررسی مجدد اطلاعات و شواهد بپردازند و از همه جوانب مسئله مطمئن شوند. این امر می‌تواند احتمال وقوع اشتباهات یا نادیده گرفتن اطلاعات مهم را کاهش دهد. شک و تردید حرفه‌ای به ویژه در کشف تقلب‌های مالی اهمیت دارد. حساب‌برسانی که دارای این ویژگی هستند، به جای پذیرش بی‌قید و شرط اطلاعات ارائه شده، با دقت بیشتری به دنبال شواهد و مدارک تکمیلی می‌گردند و این موضوع می‌تواند به کشف تقلب‌ها و تحریف‌های مالی کمک کند. شک و تردید حرفه‌ای منجر به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و محتاطانه‌تر در فرآیند حسابرسی می‌شود. حساب‌برسانی که همواره با نگرش انتقادی به اطلاعات مالی نگاه می‌کنند، تمایل بیشتری به تحلیل دقیق‌تر اطلاعات دارند و این امر می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌های آن‌ها کمک کند (احمدی، ۱۴۰۰).

فرضیه سوم مبنی بر فرسایش توان ذهنی با قضاوت حساب‌برسان شاغل در مؤسسات کشور عراق ارتباط منفی و معناداری دارد، تأیید گردید. از لحاظ نظری می‌توان چنین تبیین نمود که فرسایش توان ذهنی به معنای کاهش تدریجی قدرت ذهنی در انجام وظایف پیچیده و فکری است که می‌تواند تأثیرات منفی بر عملکرد افراد داشته باشد. در حرفه حسابرسی، که نیازمند تمرکز و تحلیل دقیق اطلاعات مالی است، فرسایش توان ذهنی می‌تواند تأثیرات مخربی بر دقت و صحت قضاوت‌ها داشته باشد (دریایی و خلوصی مشفق، ۱۳۹۸). این مسئله به ویژه در کشورهایی مانند عراق، که با فشارهای اقتصادی و اجتماعی زیادی مواجه هستند، نمود بیشتری پیدا می‌کند. حساب‌برسان باید قادر به تحلیل دقیق و بی‌طرفانه اطلاعات مالی باشند. اما وقتی فرسایش توان ذهنی رخ می‌دهد، این توانایی کاهش می‌یابد و حساب‌برسان ممکن است تصمیم‌های عجولانه یا اشتباه بگیرند. در مؤسسات حسابرسی عراق، که با چالش‌های متعددی مانند فشارهای قانونی و پیچیدگی‌های مالی مواجه هستند، این مسئله به یکی از مشکلات اساسی تبدیل شده است (فیل سرائی، ۱۴۰۱). شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی در عراق، فشارهای بالای کاری و کمبود منابع انسانی ماهر، از جمله عوامل اصلی ایجاد فرسایش توان ذهنی در حساب‌برسان شاغل در این کشور هستند. حساب‌برسان در عراق اغلب با حجم کاری بالا و فشارهای مداوم مواجه هستند که این شرایط باعث می‌شود توان ذهنی آن‌ها به سرعت تحلیل برود. استرس کاری یکی از عوامل اصلی فرسایش توان ذهنی در حساب‌برسان است. در عراق، فشارهای ناشی از مسائل قانونی، مقرراتی و عدم قطعیت اقتصادی، حساب‌برسان را در معرض استرس شدید قرار می‌دهد. این استرس مداوم می‌تواند باعث کاهش توانایی آن‌ها در تحلیل دقیق اطلاعات و ارائه قضاوت‌های صحیح شود. حساب‌برسانی که دچار فرسایش توان ذهنی شده‌اند، ممکن است با علائمی مانند کاهش تمرکز، افزایش خطاها، خستگی مزمن و ناتوانی در اتخاذ تصمیمات دقیق مواجه شوند. این نشانه‌ها می‌توانند به مرور زمان به کاهش کیفیت قضاوت‌های حسابرسی منجر شوند و اعتبار حساب‌برسان را تحت تأثیر قرار دهند (خواجوی و صالحی، ۱۳۹۸). یکی از اصلی‌ترین تأثیرات فرسایش توان ذهنی بر حساب‌برسان، کاهش دقت و کیفیت قضاوت‌های آن‌ها است. وقتی ذهن حساب‌برسان خسته و فرسوده شود،

آن‌ها تمایل بیشتری به پذیرش اطلاعات بدون تحلیل دقیق دارند و این امر می‌تواند به اشتباهات جدی در قضاوت‌های حسابرسی منجر شود.

همچنین، فرضیه چهارم مبنی بر این که فرسایش توان ذهنی رابطه میان شک و تردید حرفه‌ای با قضاوت حسابرسان شاغل در مؤسسات کشور عراق را میانجی‌گری می‌کند، مورد تأیید قرار گرفت. در حوزه حسابرسی، شک و تردید حرفه‌ای ضمن داشتن پیامدهای مثبت بر عملکرد حسابرسان‌ها، همچنین می‌تواند به عنوان یک عامل استرس‌زا فشار بر منابع شناختی حسابرسان وارد کند، که طبق نظریه منابع شناختی و نظریه بار شناختی<sup>۱</sup> اثر آن کاهش توانایی‌های شناختی است و می‌تواند منجر به فرسایش توان ذهنی شود. این وضعیت، عملکرد شناختی و توانایی تحلیل اطلاعات را مختل می‌کند و در نتیجه کیفیت قضاوت حسابرسان کاهش می‌یابد. بر اساس این تئوری، زمانی که حسابرسان دچار شک و تردید می‌شوند، استرس و فشار روانی بیشتری را تحمل می‌کنند که مستقیماً بار شناختی آن‌ها را افزایش می‌دهد؛ این بار اضافی، منابع شناختی را تحت فشار می‌گذارد و موجب فرسودگی و کاهش کارایی شناختی می‌شود. در نتیجه، این کاهش توانایی‌های شناختی، قضاوت حرفه‌ای آنان را تضعیف می‌کند. در این چارچوب، نقش میانجی فرسایش توان ذهنی در رابطه بین شک و تردید حرفه‌ای و قضاوت حسابرسان بر اهمیت مدیریت صحیح فشارهای روانی و شناختی تأکید دارد و نشان می‌دهد که کاهش بار شناختی و استرس می‌تواند به حفظ عملکرد شناختی و کیفیت تصمیم‌گیری کمک کند. در عراق، به دلیل مشکلات اقتصادی و افزایش تقاضا برای حسابرسی دقیق، حسابرسان اغلب با حجم کاری سنگینی مواجه هستند که این امر توان ذهنی آن‌ها را تحلیل می‌برد و بر قضاوت‌های آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. شک و تردید حرفه‌ای یکی از ویژگی‌های مهم حسابرسان است که به آن‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات را با دقت بیشتری بررسی کنند. اما فرسایش توان ذهنی می‌تواند این ویژگی را تضعیف کند. حسابرسانی که دچار فرسودگی ذهنی هستند، ممکن است تمایل کمتری به اعمال شک و تردید حرفه‌ای داشته باشند و به سادگی اطلاعات را بپذیرند (فیل سرائی، ۱۴۰۱).

بر اساس یافته‌های این مطالعه، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و نهادهای حسابرسی، برنامه‌های آموزشی و عملیاتی را جهت آگاهی‌بخشی و تقویت مهارت‌های مدیریت منابع شناختی و کاهش فرسایش توان ذهنی حسابرسان تدوین و اجرا کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش‌های مدیریت استرس، تمرین‌های افزایش تمرکز و تکنیک‌های بازیابی منابع شناختی باشند تا بتوانند سطح فرسایش توان ذهنی را کاهش دهند و بهبود دقت و صحت قضاوت‌های حرفه‌ای صورت پذیرد. همچنین، لازم است سازمان‌ها سیاست‌هایی را به کار گیرند که در آن زمان‌های استراحت و تجدید قوا برای حسابرسان فراهم و فشارهای روانی و کاری کنترل شود. در حوزه پژوهشی، توصیه می‌شود مطالعات آینده به بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فرسایش توان ذهنی، مانند سبک‌های مدیریت کار، ساختارهای سازمانی و شرایط محیطی، بپردازند و نقش سایر عوامل روانشناختی بر این رابطه را محقق کنند. محدودیت اصلی این مطالعه در نمونه مربوط به کشور عراق و نداشتن داده‌های طولی است، بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیقات گسترده‌تر و در سطوح مختلف سازمانی و فرهنگی انجام شود تا نتایج کاربردی‌تری به دست آید و راهکارهای مؤثرتری برای بهبود فرآیند قضاوت حسابرسان ارائه گردد.

<sup>۱</sup>. Cognitive Load Theory



## فهرست منابع

- احمدی، جلال (۱۴۰۰). اولویت بندی شاخص های شک و تردید حرفه‌ای در بین حسابرسان سازمان حسابرسی (حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی ایران). چهارمین همایش ملی توسعه علوم فناوریهای نوین در مدیریت، حسابداری و کامپیوتر، تهران، ۱-۱۱. <https://civilica.com/doc/1317396>
- اسمعیل زاده اقدم، کامران، رستمی مازویی، نعمت، صمدی لرکانی، و محمود، گیلانی نیا، بهنام (۱۴۰۳). تبیین و ارائه چارچوب مفهومی تردید حرفه‌ای حسابرسان، ارزش‌های انسانی و اقدامات در این زمینه با استفاده از مدل معادلات ساختاری. مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳(۵۱)، ۳۷۲-۳۵۳. [https://www.jmaak.ir/article\\_22697.html](https://www.jmaak.ir/article_22697.html)
- خان محمدی، مروارید و فغانی ماکرانی، خسرو، و گرگانلی دوجی، جمادوردی (۱۴۰۲). طراحی الگو برای تبیین رابطه ویژگی های تاریک شخصیت و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان. فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۵(۵)، ۱۵۲-۱۳۱. doi: 10.22034/ejs.2023.403947.1476
- خواجوی، شکراله، و صالحی، تابنده (۱۳۹۸). تأثیر فرسایش شغلی بر عملکرد در انجام وظایف پیچیده حسابرسی، دو فصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری، ۴(۸)، ۲۴۳-۲۷۹. doi: 10.29252/aapc.4.8.243
- دریایی، عباسعلی، و خلوصی مشفق، لیلا (۱۳۹۸). اثر فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان (آزمون نظریه فرسایش قدرت خودکنترلی). مجله علمی پژوهشی حسابداری سلامت، ۸(۲)، ۳۸-۲۰. doi: 10.30476/JHA.2020.68195.1227
- رنجبریان، لیلا، عبدی، رسول، رضایی میاندواب، نادر، و پاک مرام، عسگر (۱۳۹۹). نقش تعدیل‌کنندگی شک و تردید حرفه‌ای در مدل قضاوت حرفه‌ای حسابرس. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۱۶۲۱-۱۶۳۶. doi: 10.30510/psi.2021.266813.1463
- عارف منش، زهره، صفاری، حمیده (۱۴۰۳). تأثیر سرمایه روانشناختی و تجربه حسابرسان بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حرفه‌ای: نقش تعدیلی شک و تردید حرفه‌ای. پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۵(۱۸)، ۱۳۳-۱۰۸. doi: 10.22034/JPAR.2025.2047597.1365
- فیل سرایی، مهدی (۱۴۰۱). تأثیر خودکفایی و شک و تردید حرفه‌ای بر ادراک اخلاقی حسابرسان. پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری، ۲(۴)، ۲۰-۴۲. doi: 10.30486/fbra.2023.1977271.1174
- مرویان حسینی، زهرا، و لاری دشت بیاض، محمود (۱۳۹۴). بررسی نقش فرسودگی شغلی در رابطه بین استرس و عملکرد شغلی حسابرسان. حسابداری سلامت، ۴(۱)، ۸۰-۵۷. doi: 10.30476/jha.2015.17011
- نظیفی، زهرا، مهرآذین، علی رضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم، وزنده دل، احمد (۱۴۰۲). تأثیر برخی بایدهای رفتاری حسابرسان در فرسایش ایگو با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی تجربه حسابرسی: مطالعه موردی حسابرسان استان خراسان رضوی. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۸(۱۵)، ۳۷۱-۴۱۶. doi: 10.61186/aapc.8.15.371

هاشمی، سید مصطفی، مرزی علمداری، جبرئیل، و پرویزی، سپیده (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های حرفه‌ای حساب‌رسان با کیفیت حسابرسی و قضاوت‌های حرفه‌ای آنها. نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارافرینی ایران، تهران، ۱-۲۳. <https://civilica.com/doc/1562210>

Ahmadi, J. (2021). Prioritizing professional skepticism indicators among auditors of the audit organization (auditors of members of the Iranian Association of Certified Public Accountants). *Fourth National Conference on Development of New Technologies in Management, Accounting and Computer, Tehran*, 1-11. <https://en.civilica.com/doc/1317396> [In Persian]

Abbott, L. J., Daugherty, B., Parker, S., & Peters, G. F. (2016). Internal audit quality and financial reporting quality: The joint importance of independence and competence. *Journal of Accounting Research*, 54(1), 3-40. doi: 10.1111/1475-679X.12099

Abdulazeez, S. N., Etemadi, H., & Rezazadeh, J. (2023). Investigating the influencing factors on trust and professional skepticism in the relationship between the auditor and the client firms' managers. *Heritage and Sustainable Development*, 5(1), 135-150. doi: 10.37868/hsd.v5i1.213

Al-Khazraji, G. A. J., & Al-Tamimi, A. H. Y. (2023). The impact of the practice of professional doubt on the quality of the auditor's performance in Iraq. *Journal of Accounting and Financial Studies*, 18(63). <https://jpgiafs.uobaghdad.edu.iq/index.php/JAFS/article/view/1209>

Al-Taie, B.F., & Abdulrahman Othman, A.D. (2018). Effect of the professional skepticism characteristics of the auditor on audit quality. *Journal of Economics and Administrative Sciences*, 24(108). doi: 10.33095/jeas.v24i108.1358

Arefmanesh, Z., & Saffari, H. (2025). The effect of auditors' psychological capital and experience on the quality of professional judgment and decision-making: the moderating role of professional skepticism. *Professional Auditing Research*, 5(18), 108-133. doi: 10.22034/JPAR.2025.2047597.1365 [In Persian]

Buchheit, S., Dalton, D. W., Harp, N. L., & Hollingsworth, C. W. (2016). A contemporary analysis of accounting professionals' work-life balance. *Accounting Horizons*, 30(1), 41-62. doi: 10.2308/acch-51262

Chukwuani, Victoria Nnenna. (2024). The influence of behavioural biases on audit judgment and decision making. *International Journal of Advanced Finance and Accounting*, 5(2), 26-38. doi: 10.5281/zenodo.13353275

Daryaei, A., & Kholousi Moshfegh, L. (2020). Impact of self-control ego depletion on quality of judgment and decision-making of auditors (test of self-control ego depletion theory). *Journal of Health Accounting*, 8(2), 20-38. doi: 10.30476/JHA.2020.68195.1227 [In Persian]

Ennar, H., & Damak-Ayadi, S. (2024). Professional skepticism and auditors' judgments: Evidence from Tunisia. *Accounting and Management Information Systems*, 23(3), 596-615. [http://online-cig.ase.ro/jcig/art/23\\_3\\_7.pdf](http://online-cig.ase.ro/jcig/art/23_3_7.pdf)

Esmailzadeh Aghdam, K., Rostami Mazoui, N., samadi largani, M., & Gilani Nia, B. (2024). Explaining and presenting the conceptual framework of auditors' professional doubt, human values and actions in this field using the structural equation model. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 13(51), 353-372. [https://www.jmaak.ir/article\\_22697.html](https://www.jmaak.ir/article_22697.html) [In Persian]

Fayard, D., Lee, L. S., Leitch, R. A., & Kettinger, W. J. (2012). Effect of internal cost management, information systems integration, and absorptive capacity on inter-organizational cost management in supply chains. *Accounting, Organizations and Society*, 37(3), 168-187. doi: 10.1016/j.aos.2012.02.001

Filsaraei, M. (2023). Impact of self-sufficiency and professional skepticism on moral perception. *Financial and Behavioral Researches in Accounting*, 2(4), 20-42. doi: 10.30486/fbra.2023.1977271.1174 [In Persian]

- Friska, R., & Agustia, D. (2025). Enhancing auditor judgment quality: a review of evidence from experimental research. *Journal of Risk and Financial Management*, 18(3), 115. doi: [10.3390/jrfm18030115](https://doi.org/10.3390/jrfm18030115)
- Hashemi, S. M., Marzi Alamdari, J., & Parvizi, S. (2022). Investigating the relationship between auditors' professional characteristics, audit quality and their professional judgments. *The 9th National Conference on Modern Studies and Research in Humanities, Management and Entrepreneurship of Iran, Tehran*, 1-23. <https://en.civilica.com/doc/1562210> [In Persian]
- Hurt, R. K. (2010). Development of a scale to measure professional skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 149-171. doi: [10.2308/aud.2010.29.1.149](https://doi.org/10.2308/aud.2010.29.1.149)
- Janssen, S., Hardies, K., Vanstraelen, A., & Zehms, K. M. (2021). Auditors' professional skepticism: Traits, behavioral intentions, and actions. *Behavioral Intentions, and Actions (February 12, 2021)*. doi: [10.2139/ssrn.3717615](https://doi.org/10.2139/ssrn.3717615)
- Jens, C. E. (2017). Political uncertainty and investment: Causal evidence from US gubernatorial elections. *Journal of financial economics*, 124(3), 563-579. doi: [10.1016/j.jfineco.2016.01.034](https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2016.01.034)
- Johari, R. J., Hati, T. M., & Sayed Hussin, S. A. H. (2022). Factors influencing auditors' professional scepticism: Malaysian evidence. *Universal Journal of Accounting and Finance*, 10(1), 243-253. doi: [10.13189/ujaf.2022.100125](https://doi.org/10.13189/ujaf.2022.100125)
- Khajavi S., & Salahi T. (2020). Impact of job depletion on performance in performing audit complex tasks. *Iranian journal of Value & Behavioral Accounting*, 4(8), 243-279. doi: [10.29252/aapc.4.8.243](https://doi.org/10.29252/aapc.4.8.243) [In Persian]
- Khanmohammadi, M., Faghani Makrani, K., & Gorganli Davaji, J. (2023). Designing a model to explain the relationship between dark personality traits and auditors' professional judgment. *Strategic Studies of Jurisprudence and Law*, 5(5), 131-152. doi: [10.22034/ejs.2023.403947.1476](https://doi.org/10.22034/ejs.2023.403947.1476) [In Persian]
- Khairunnisa, H., Zairin, G. M., Amirul, S. M., Prihatni, R., & Rachman, H. (2025). Unveiling the auditor's lens: impact of workload, time pressure, professional skepticism, and competence to fraud detection. *Studies in Business and Economics*, 20(1), 77-96. doi: [10.2478/sbe-2025-0005](https://doi.org/10.2478/sbe-2025-0005)
- Marvian Hosseini, Z. & Lariye Dashte Bayaz, M. (2015). Investigating the role of occupational burnout on the relationship between stress and job performance of auditors. *Journal of Health Accounting*, 4(1), 57-80. doi: [10.30476/jha.2015.17011](https://doi.org/10.30476/jha.2015.17011) [In Persian]
- Mohammed, I. S., & Hussein, M. A. (2022). Auditing fair value estimates in light of the effectiveness of professional skepticism and the challenges facing the external auditor. an analytical study of Iraqi auditing firms study of Iraqi auditing offices and companies. *World Bulletin of Management and Law* 17, 175-189. <https://scholarexpress.net/index.php/wbml/article/view/1903>
- Molina, J., Medina, I. M. F., Fernández-Sola, C., Hernández-Padilla, J. M., Lasserrotte, M. D. M. J., & Rodríguez, M. D. M. L. (2019). Experiences of mothers of extremely preterm infants after hospital discharge. *Journal of pediatric nursing*, 45, e2-e8. doi: [10.1016/j.pedn.2018.12.003](https://doi.org/10.1016/j.pedn.2018.12.003)
- Mubako, G., Bagchi, K., Udo, G., & Marinovic, M. (2021). Personal values and ethical behavior in accounting students. *Journal of Business Ethics*, 174, 161-176. doi: [10.1007/s10551-020-04606-1](https://doi.org/10.1007/s10551-020-04606-1)
- Nazifi, Z., Mehrazeen, A., Massih Abadi, A., & Zendedel A. (2023). The effect of some auditors' behavioral duties on ego depletion according to the moderating role of audit experience: a case study of auditors in Razavi Khorasan Province. *Iranian journal of Value & Behavioral Accounting*, 8(15), 371-416. doi: [10.61186/aapc.8.15.371](https://doi.org/10.61186/aapc.8.15.371) [In Persian]
- Nguyen, L., Vu, L., & Yin, X. (2020). The undesirable effect of audit quality: Evidence from firm innovation. *The British Accounting Review*, 52(6), 100938. doi: [10.1016/j.bar.2020.100938](https://doi.org/10.1016/j.bar.2020.100938)
- Otley, D. (2016). The contingency theory of management accounting and control: 1980–2014. *Management accounting research*, 31, 45-62. doi: [10.1016/j.mar.2016.02.001](https://doi.org/10.1016/j.mar.2016.02.001)

Peecher, M. (1996). The influence of auditors' justification processes on their decisions: a cognitive model and experimental evidence. *Journal of Accounting Research*, 34(1), 125-140. doi: [10.2307/2491335](https://doi.org/10.2307/2491335)

Quadackers, L., Groot, T., & Wright, A. (2014). Auditors' professional skepticism: Neutrality versus presumptive doubt. *Contemporary Accounting Research*, 31(3), 639-657. doi: [10.1111/1911-3846.12052](https://doi.org/10.1111/1911-3846.12052)

Simnett, R., & Trotman, K. T. (2018). Twenty-five-year overview of experimental auditing research: Trends and links to audit quality. *Behavioral Research in Accounting*, 30(2), 55-76. doi: [10.2308/bria-52138](https://doi.org/10.2308/bria-52138)

Ranjbarian, L., Abdi, R., Rezaeimiyandoa, N., & Pakmaram, A. (2021). The moderating role of professional doubt in the auditor's professional judgment model. *Political Sociology of Iran*, 3(4), 1621-1636. doi: [10.30510/psi.2021.266813.1463](https://doi.org/10.30510/psi.2021.266813.1463) [In Persian]

Wedemeyer, P. D. (2010). A discussion of auditor judgment as the critical component in audit quality—A practitioner's perspective. *International Journal of Disclosure and Governance*, 7(4), 320-333. doi: [10.1057/jdg.2010.19](https://doi.org/10.1057/jdg.2010.19)

# Investigating the relationship between CEOs narcissism and the occurrence of ESG misconduct, considering the impact of managerial power and environmental uncertainty resulting from industry dynamics

Anahita Zandi<sup>1,✉</sup>

1. Department of Accounting, ShQ.C., Islamic Azad University, Shahr-e-Qods, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p><b>Received:</b> 23 March 2025 <b>Revised:</b> 15 July 2025 <b>Accepted:</b> 26 July 2025</p> <p><b>Keywords:</b> CEO narcissism, CEO power, industry dynamics, irresponsible ESG</p> <p><b>JEL Classification:</b> M14, M41</p>	<p><b>Purpose:</b> This research examines how narcissistic CEOs behave towards irresponsible environmental, social and corporate governance (ESG) strategies and the impact of managerial power and business environment uncertainty on this behavior.</p> <p><b>Methodology:</b> Using the limitations considered, 141 companies were selected as the research sample in the period of 2017-2023. The research method of the present study was applied and used a post-event approach (through past information). To test the hypotheses of the research, multivariate linear regression based on panel data was used using EViews12 software.</p> <p><b>Findings:</b> The findings of this study indicate that CEOs with the personality trait of narcissism are less likely to take irresponsible actions in the field of environmental, social, and corporate governance (ESG) as a strategy to protect their personal interests. This tendency is reinforced when the CEO has more power in the organization. However, this tendency is limited when companies operate in an environment with environmental uncertainty caused by industry dynamics.</p> <p><b>Originality:</b> This research addresses an important gap in existing literature and has several practical implications for various stakeholders. This research represents a significant innovation in this field by studying narcissism as a personality trait, which can determine how CEOs behave when considering irresponsible ESG actions.</p>
<p><b>Cite this paper:</b> Zandi, A. (2025). Investigating the relationship between CEOs narcissism and the occurrence of ESG misconduct, considering the impact of managerial power and environmental uncertainty resulting from industry dynamics. <i>Journal of Accounting &amp; Financial Transparency</i>, 3(2), 96–125. <a href="https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1202604">https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1202604</a> [In Persian]</p>	

✉ Corresponding Author.

Email Address: zandi\_anna@iau.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## Introduction

In recent years, corporate stakeholders have increasingly faced the harmful consequences of unethical Environmental, Social and Governance (ESG) misconduct. These misdeeds have had adverse effects on corporate reputation, abnormal stock returns, board decisions regarding CEO removal, market value, social trust and corporate image. Researchers have examined a wide range of factors to explain the factors influencing ESG-related decision-making. Existing literature indicates a close relationship between the personal characteristics of managers, especially CEOs, and corporate misconduct. These studies suggest that managers' personal interests may not always be aligned with the interests of the company, and in some cases, managers may seek to fulfill their own personal goals, such as earning illegitimate income through secret transactions, receiving large bonuses, enhancing personal reputation, or satisfying the need for admiration. Furthermore, the lack of credibility of corporate ESG disclosures has drawn attention from academic and social circles to ESG misconduct and board liability in such cases. This has led to calls for a better understanding of the issue and prevention of the harm caused by irresponsible social misconduct. Despite the widespread media coverage of ESG-related scandals, there is still insufficient understanding of the internal governance mechanisms associated with ESG misconduct, particularly those mechanisms related to CEO personality traits. This highlights the need to understand the determinants of ESG behaviors and examine the role of CEO personality traits in shaping corporate actions. Since organizations reflect the priorities and values of their executives, the personality and psychological characteristics of the CEO influence the company's strategic decisions, including those related to environmental, social, and corporate governance (ESG) issues. The

cognitive characteristics, personal values, and personal tendencies of CEOs are determined by their personality and may lead them to engage or not engage in socially irresponsible actions. Narcissistic CEOs are likely to implement corporate policies to achieve their personal ambitions, such as gaining acclaim and enhancing their image or reputation, even if this harms the company's financial performance and other strategic decisions. However, narcissism can be a "double-edged" trait that may lead to positive organizational outcomes, as narcissistic CEOs are often perceived as highly confident, extroverted, charismatic, optimistic, and very concerned with their image, vision, and reputation. Therefore, narcissistic CEOs are more likely to seek positive attention by avoiding irresponsible CSR practices to avoid criticism from the media, investors, competitors, and employees. Personality traits that lead to narcissism are not fixed, and several internal and external limiting factors can reinforce or constrain narcissistic behaviors and lead CEOs to engage or not engage in irresponsible ESG practices. CEO tenure and expertise, ownership concentration, and positional ambivalence are some of the internal factors that may influence the ego (narcissism) of narcissistic CEOs and increase or decrease their tendency to avoid irresponsible ESG practices. Industry dynamics, as a critical external factor, also play a significant role in a more comprehensive understanding of the relationship between CEO narcissism and ESG misconduct. Given the research gaps, this study attempts to answer several empirical questions. Are narcissistic CEOs more likely to mitigate ESG misconduct? Is CEO behavior toward irresponsible ESG actions contingent on CEO power? Is the effect of CEO narcissism on ESG misconduct contingent on industry-level environmental uncertainty?

## Methodology

To achieve the objectives of the research, a sample of 141 company-year listed companies in Tehran Stock Exchange which were selected according to a systematic exclusion pattern was collected. To test the research hypotheses multivariate regression model was used. The dependent variable in the present study is ESG irresponsible practices. If the company's ESG disclosure score is below the median, it indicates irresponsible practices and is assigned to number one, otherwise the number is zero. The independent variable of the present study is the CEO's narcissism. Typically, in organizations, narcissistic executives give themselves more bonuses and thereby strengthen their position in the organization. The board of directors' cash bonus index will also be obtained by dividing the cash bonus approved in the general assembly meeting by the total salary and wages paid in the company's fiscal year. The moderating variables are CEO power and industry dynamics.

## Results

The findings of this study indicate that CEOs with the personality trait of narcissism are less likely to take irresponsible actions in the field of environmental, social, and corporate governance (ESG) as a strategy to protect their personal interests. This tendency is reinforced when the CEO has more power in the organization. However, this tendency is limited when companies operate in an environment with environmental uncertainty caused by industry dynamics. The coefficient of CEO narcissism is statistically significant and negative (coefficient = -0.05,  $p < 0.05$ ), which supports the first hypothesis of this study that CEO narcissism is an important factor in reducing business risk and avoiding irresponsible ESG actions. Therefore, the results indicate that narcissistic CEOs are less likely to engage in irresponsible ESG actions, as this is seen as a strategy to

enhance reputation and gain recognition from stakeholders and society. Based on Model 2 in this study, the results again confirm the negative and significant effect of CEO narcissism on irresponsible ESG actions (coefficient = -0.74,  $p < 0.05$ ). However, the main finding supports Hypothesis 2, as the interaction coefficient between CEO narcissism and CEO power is also significant and negative (coefficient = -0.065,  $p < 0.05$ ). This suggests that excessive CEO power, which is associated with more experience, higher ownership, and duality of position and expertise, strengthens the CEO's tendency to avoid ESG misconduct. Therefore, CEO power strengthens the negative relationship between CEO narcissism and irresponsible ESG actions, supporting Hypothesis 2. In Model 3, the results also confirm the moderating role of environmental uncertainty due to industry dynamics. Once again, evidence shows that CEO narcissism has a significant and negative effect on irresponsible environmental, social, and governance (ESG) practices (coefficient = -0.32,  $p < 0.05$ ). The coefficient between CEO narcissism and industry dynamics is significant and positive (coefficient = 0.02,  $p < 0.05$ ), indicating that environmental uncertainty moderates the negative relationship between CEO narcissism and ESG misconduct, supporting Hypothesis 3.

## Conclusions

In this study, using data related to listed companies between 2017 and 2023, the relationship between CEO narcissism and irresponsible environmental, social, and corporate governance actions was first examined. The findings show that CEO narcissism is inversely related to irresponsible ESG actions, and narcissistic CEOs tend to reduce irresponsible ESG actions to enhance their image and gain positive credibility from stakeholders and society. This result is consistent with the findings of [Lee et al. \(2018\)](#) who emphasize the central role of the CEO in ESG decision-

making. In addition, research by [Burke \(2022\)](#) emphasizes the negative impact of irresponsible ESG actions on CEOs, which leads to the weakening of their organizational credibility. Contrary to the findings of [Lubit \(2002\)](#), who introduces narcissistic CEOs as reliable predictors of ESG misconduct, the present study shows that the tendency of this category of managers to perform such actions is reduced. This finding is consistent with the belief that narcissistic CEOs have high social skills (Judge et al., 2006) and are more likely to engage in responsible and ESG actions ([Petrenko et al., 2016](#); [Al-Shammari et al., 2019](#)). This is because irresponsible ESG actions by narcissistic CEOs may lead to negative media coverage and jeopardize the respect and admiration of stakeholders. The second finding of this study confirms the moderating role of CEO power and business environmental uncertainty on the relationship between CEO narcissism and adverse environmental, social, and governance (ESG) actions. Strengthening the narcissism of powerful CEOs, which acts as a deterrent to taking undesirable ESG actions, limits their willingness to pursue such actions. On the other hand, although environmental uncertainty due to industry dynamics can influence this negative relationship, it was not identified as a determining factor in how narcissistic CEOs approach ESG issues. The findings of this study also support the idea that CEO power amplifies the negative effect of CEO narcissism on undesirable ESG actions. Narcissistic CEOs are less likely to take irresponsible ESG actions in business environments with greater environmental uncertainty, such as volatile and volatile markets. This finding is consistent with the hypothesis put forward by [Cragun et al. \(2020\)](#) that other factors can enhance or weaken narcissistic behaviors. This result is also consistent with previous studies (e.g., [Breuer et al., 2021](#)) that emphasize the importance of CEO power in enhancing

organizational effectiveness and influencing decisions in favor of the CEO's personal interests. Furthermore, power is seen as a specific CEO characteristic that is necessary to limit irresponsible ESG actions, as these actions can damage the CEO's reputation and standing. These findings support the idea that CEOs work to enhance profitable business strategies and ensure stronger commitment to ESG principles ([Lee et al., 2018](#)). The complementary effect between CEO narcissism and power ensures that CEOs can maintain their personal status, reputation, and image by avoiding ESG misconduct. Environmental factors, especially industry dynamics, influence CEOs' attitudes toward adverse ESG practices. Industry dynamics can reduce a CEO's tendency to avoid these practices. The findings of this study show that the negative effect of CEO narcissism on ESG misconduct is weaker in companies operating in more dynamic industries. This result is consistent with the findings of ([Barnea & Rubin, 2010](#)).

#### **Data Availability Statement**

Data available on request from the authors.

#### **Acknowledgements**

The authors thank all reviewers in this study.

#### **Ethical Considerations**

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

#### **Funding**

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

#### **Conflict of Interest**

The authors declare no conflict of interest.





## بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران عامل و وقوع سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با در نظر گرفتن تأثیر قدرت مدیریتی و عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت

آناهیتا زندی<sup>۱</sup>

۱. گروه حسابداری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>هدف:</b> این پژوهش به بررسی چگونگی رفتار مدیران عامل خودشیفته در قبال استراتژی‌های غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی و تأثیر قدرت مدیریتی و عدم قطعیت محیط کسب‌وکار بر این رفتار می‌پردازد.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> با استفاده از محدودیت‌های در نظر گرفته شده، تعداد ۱۴۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۶ - ۱۴۰۲، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. روش تحقیق پژوهش حاضر کاربردی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) بوده است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی با استفاده از نرم افزار ایویوز نسخه ۱۲ بهره گرفته شده است.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیران عامل با ویژگی شخصیتی خودشیفتگی، تمایل کمتری به انجام اقدامات غیرمسئولانه در حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی به عنوان یک استراتژی برای حفظ منافع شخصی خود دارند. این گرایش، زمانی که مدیرعامل از قدرت بیشتری در سازمان برخوردار باشد، تقویت می‌شود. با این حال، در شرایطی که شرکت‌ها در محیطی با عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت فعالیت می‌کنند، این گرایش محدود می‌شود.</p> <p><b>دانش‌افزایی:</b> این پژوهش به شکاف مهمی در ادبیات موجود پرداخته و پیامدهای کاربردی متعددی برای ذینفعان مختلف دارد. این پژوهش از این جهت که خودشیفتگی را به عنوان یک ویژگی شخصیتی مورد مطالعه قرار می‌دهد نوآوری قابل توجهی را در این حوزه رقم زده است زیرا می‌تواند نحوه رفتار مدیران عامل در هنگام بررسی اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی را تعیین کند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> پویایی صنعت، خودشیفتگی مدیرعامل، زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی غیرمسئولانه، قدرت مدیرعامل</p> <p>طبقه‌بندی موضوعی: M14, M41</p>
<p>استناد: زندی، آناهیتا (۱۴۰۴). بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران عامل و وقوع سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با در نظر گرفتن تأثیر قدرت مدیریتی و عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۳(۲)، ۹۶-۱۲۵. <a href="https://doi.org/10.71965/aft.2025.1202604">https://doi.org/10.71965/aft.2025.1202604</a></p>	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: zandi\_anna@iau.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## مقدمه

در سال‌های اخیر، ذینفعان شرکت‌ها به طور فزاینده‌ای با پیامدهای زیان‌بار ناشی از تخلفات غیراخلاقی در حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی مواجه شده‌اند. این سوءرفتارها تأثیرات نامطلوبی بر شهرت شرکت‌ها، بازدهی غیرعادی سهام، تصمیمات هیئت مدیره در خصوص برکناری مدیران عامل، ارزش بازار، اعتماد اجتماعی و تصویر شرکت‌ها داشته است (برک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). پژوهشگران در تلاش برای تبیین عوامل موثر بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی، به بررسی طیف گسترده‌ای از عوامل پرداخته‌اند. با این حال، تحقیقات اندکی به بررسی انگیزه‌های پشت پرده رفتارهای غیرمسئولانه در حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی معطوف شده است. اگرچه تعامل با موضوع‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی شامل "انجام کارهای نیک" و "اجتناب از کارهای بد" است، پژوهشگران این حوزه بر تفاوت مفهومی بین رفتارهای مسئولانه و غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی تأکید دارند و معتقدند که این دو نوع رفتار، پویایی‌ها و پیامدهای سازمانی متفاوتی به همراه دارند (کولبل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). ادبیات موجود بیانگر ارتباط تنگاتنگ ویژگی‌های شخصی مدیران، به ویژه مدیران عامل با سوءرفتارهای شرکتی است (گوپتا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که منافع شخصی مدیران ممکن است همواره با منافع شرکت همسو نباشد و در برخی موارد، مدیران ممکن است به دنبال تحقق اهداف شخصی خود، مانند کسب درآمدهای نامشروع از طریق معاملات نهانی، دریافت پاداش‌های کلان، ارتقای شهرت شخصی یا ارضای نیاز به تحسین باشند. علاوه بر این، فقدان اعتبار افشاگری‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی شرکت‌ها، توجه محافل علمی و اجتماعی را به سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی و مسئولیت هیئت مدیره در این قبیل موارد جلب کرده است (نویل<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). این امر منجر به درخواست‌هایی برای درک بهتر این مسئله و پیشگیری از خسارات ناشی از سوءرفتارهای اجتماعی غیرمسئولانه شده است (شهاب<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). با وجود پوشش گسترده رسانه‌ای رسوایی‌های مرتبط با زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی، هنوز شناخت کافی در مورد مکانیسم‌های حاکمیت داخلی مرتبط با سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی وجود ندارد، به ویژه آن دسته از مکانیسم‌هایی که مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی مدیرعامل است. این امر ضرورت درک عوامل تعیین‌کننده رفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی و بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی مدیرعامل در شکل‌دهی اقدامات شرکتی را برجسته می‌سازد. از آنجایی که سازمان‌ها بازتابی از اولویت‌ها و ارزش‌های مدیران اجرایی خود هستند، ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی مدیرعامل بر تصمیمات استراتژیک شرکت، از جمله تصمیمات مرتبط با مسایل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی، تأثیرگذار است (هه<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). ویژگی‌های شناختی، ارزش‌های شخصی و گرایش‌های شخصی مدیران عامل توسط شخصیت آن‌ها تعیین می‌شوند و ممکن است آن‌ها را به سمت مشارکت یا عدم مشارکت در اقدامات غیرمسئولانه

1. Burke

2. Kolbel

3. Gupta

4. Neville

5. Shahab

6. He

اجتماعی سوق دهند (دیبی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). مدیران عامل خودشیفته با احساس بزرگ‌نمایی، موفقیت و قدرت اغراق‌آمیز مشخص می‌شوند. آن‌ها متکبر، فاقد همدلی و دارای نیاز شدید به تحسین هستند. مطابق نظریه سطوح بالاتر، ویژگی‌های فردی مدیران عامل، از جمله خودشیفتگی، می‌تواند بر اقدامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی تأثیرگذار بوده و منجر به مشارکت شرکت‌ها در رفتارهای غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی شود که در نهایت به منافع ذینفعان آسیب می‌رساند. مدیران عامل خودشیفته احتمالاً به منظور دستیابی به بلندپروازی‌های شخصی خود، مانند کسب تحسین و تقویت تصویر یا شهرت خود، سیاست‌های شرکتی را اجرا کنند، حتی اگر این امر به عملکرد مالی و سایر تصمیمات استراتژیک شرکت آسیب برساند. با این حال، خودشیفتگی می‌تواند ویژگی "دولبه" باشد که ممکن است منجر به نتایج مثبت سازمانی شود، زیرا مدیران عامل خودشیفته اغلب به عنوان افراد با اعتماد به نفس بالا، برون‌گرا، کاریزماتیک، خوش‌بین و بسیار نگران تصویر، دید و شهرت خود شناخته می‌شوند (الشمري<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، مدیران عامل خودشیفته با هدف اجتناب از انتقاد رسانه‌ها، سرمایه‌گذاران، رقبا و کارکنان، تمایل بیشتری به دنبال جلب توجه مثبت از طریق پرهیز از اقدامات غیرمسئولانه مسئولیت اجتماعی شرکتی داشته باشند (عبدالرضایی و همکاران، ۱۴۰۱). این امر ممکن است ناشی از انگیزه حفظ تصویر و شهرت شخصی مدیرعامل باشد. در نتیجه، مدیران عامل خودشیفته تلاش کنند تا با اجتناب از جلب توجه منفی رسانه‌ها در رابطه با سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، بتوانند واکنش‌های بازار، نظرات منفی و دعاوی حقوقی را که می‌تواند بر تصویر، دیده شدن و شهرت آن‌ها تأثیر بگذارد، کاهش دهند (مرانجوری و علیخانی، ۱۳۹۹). با وجود تحقیقات گسترده پیرامون تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر عملکرد شرکت، پاداش عملکرد (پاداش پرداختی به مدیران)، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، افشای اطلاعات شرکت و تقلب (عبدالرضایی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مارکز-ایلسکاس<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹)، بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر رفتارهای نامطلوب زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که پیامدهای این ویژگی شخصیتی مدیرعامل به موضوعی مهم و به‌روز در تحقیقات آکادمیک و عملی تبدیل شده است (روولی و کورنیس<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). ویژگی‌های شخصیتی ناشی از خودشیفتگی ثابت نبوده و عوامل محدودکننده داخلی و خارجی متعددی می‌توانند رفتارهای ناشی از خودشیفتگی را تقویت یا محدود کنند و مدیران عامل را به سمت مشارکت یا عدم مشارکت در شیوه‌های غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، سوق دهند (بروئر<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). دوره تصدی و تخصص مدیرعامل، تمرکز مالکیت و دوگانگی سمت برخی از عوامل داخلی هستند که ممکن است بر ایگو (خودشیفتگی) مدیران عامل خودشیفته تأثیر گذاشته و تمایل آن‌ها را برای اجتناب از اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، افزایش یا کاهش دهند (رافیک و نور<sup>۶</sup>، ۲۰۲۴). پویایی صنعت نیز به عنوان عامل خارجی حیاتی، در درک جامع‌تر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، نقش بسزایی ایفا می‌کند (کیند<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۳).

1. Dabbebi

2. Al-Shammari

3. Marquez-Illescas

4. Rovelli & Curnis

5. Breuer

6. Rafique & Noor

7. Kind

با توجه به وجود شکاف‌های تحقیقاتی مذکور، در این پژوهش تلاش شده است تا به چندین پرسش تجربی پاسخ داده شود. آیا مدیران عامل خودشیفته با احتمال بیشتری اقدام به کاهش رفتارهای نامطلوب زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌کنند؟ آیا رفتار مدیرعامل در قبال اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مشروط به قدرت مدیرعامل است؟ آیا تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر سوء رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مشروط به عدم قطعیت محیطی در سطح صنعت است؟ این مطالعه تلاش می‌کند تا به پرسش‌های تحقیقاتی پیشین پاسخ داده و یافته‌های جدیدی را ارائه دهد که به توضیح تعامل بین خودشیفتگی مدیرعامل و سوء رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی کمک می‌کند. این پژوهش با بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی مدیرعامل، به ویژه خودشیفتگی، در شکل‌دهی رفتارهای شرکت در حوزه مسائل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، به ادبیات موجود در این زمینه کمک می‌کند. این پژوهش به شکاف مهمی در ادبیات موجود پرداخته و پیامدهای کاربردی متعددی برای ذینفعان مختلف دارد. اول، این پژوهش از این جهت که خودشیفتگی را به عنوان یک ویژگی شخصیتی مورد مطالعه قرار می‌دهد نوآوری قابل توجهی را در این حوزه رقم زده است زیرا می‌تواند نحوه رفتار مدیران عامل در هنگام بررسی اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تعیین کند. علاوه بر این، این پژوهش شواهد جدیدی را در راستای پژوهش گیلان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) ارائه می‌دهد که پیشنهاد کردند تحقیقات بیشتری باید بر بررسی ارتباط بین ویژگی‌های رهبری (مانند خودشیفتگی و قدرت مدیرعامل) و مسائل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی متمرکز شود. دوم، این پژوهش با بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر سوء رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، به ادبیات موجود در زمینه سوء رفتارهای شرکتی نیز کمک می‌کند. در حقیقت ویژگی‌های روانشناختی مدیران عامل عوامل مهمی در بروز سوء رفتارهای شرکتی هستند. سوم، بررسی اثر تعدیل‌کننده محیط‌های نامطمئن به عنوان یک عامل در سطح صنعت بر رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است. این تحلیل به ویژه با توجه به توافق موجود در ادبیات مبنی بر اینکه عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و در نتیجه سوء رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تحت تأثیر تغییرات صنعتی قرار دارند، بسیار مهم است (اندریکات<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۴).

از نظر ساختار، بخش دوم این پژوهش با مروری بر ادبیات و توسعه فرضیه‌های پژوهش ادامه می‌یابد. بخش سوم، داده‌ها و روش‌شناسی پژوهش را شرح می‌دهد. بخش چهارم نتایج تجربی و یافته‌های پژوهش را ارائه می‌دهد و به بحث و بررسی آن‌ها می‌پردازد. در نهایت، بخش پنجم به ارائه جمع‌بندی و ملاحظات نهایی اختصاص دارد.

### مبانی نظری، توسعه فرضیه‌ها و پیشینه پژوهش

#### خودشیفتگی مدیرعامل و رفتارهای غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

در سال‌های اخیر، زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به عنوان مفهومی چند بعدی تعریف شده است که ترکیبی از معیارهای متنوع مرتبط با محیط زیست (مانند تغییرات آب و هوایی)، اجتماعی (مانند حقوق بشر) و حاکمیت شرکتی (مانند استراتژی ذینفعان) است. همه این موارد به عنوان عواملی در نظر گرفته می‌شوند که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری

<sup>۱</sup>. Gilla

<sup>۲</sup>. Endrikat

ذینفعان تأثیر می‌گذارند (لوگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). در میان فهرست طولانی از نتایج مثبت مرتبط، ادبیات موجود بر این توافق دارد که تعامل با مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی منجر به ایجاد شهرت تجاری قوی و ارسال سیگنال‌های مثبت به بازار مالی از طریق به حداقل رساندن نوسانات قیمت سهام و کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود (جیا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بر اساس این مفهوم، سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌توانند به عنوان رفتارهای غیر اخلاقی زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تعریف شوند که توسط شرکت‌ها به نفع خود و به ضرر منافع ذینفعان انجام می‌شوند (گلبریت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). دستکاری اطلاعات، شرایط کاری نامناسب، فساد، رشوه‌خواری، تقلب و بلایای زیست‌محیطی تنها چند نمونه از افزایش سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در سال‌های اخیر هستند که منجر به کاهش اعتماد به سازمان‌ها و مدیران شرکت‌ها شده است (راجرز<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). این سوءرفتارها با استفاده از تحلیل‌های طبقه‌بندی مختلفی، از جمله: بی‌مسئولیتی اجتماعی شرکت‌ها (آنتونی و ماکلان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶الف)، سوءرفتارهای شرکتی (کاربری<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۸)، تخلفات شرکتی (رومانی<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۳)، نگرانی‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی (آگوس هارجاتو و سالاس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷)، مسئولیت اجتماعی شرکتی منفی (گارسیا-د لس سالومس و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۲۱) و رفتارهای غیر اخلاقی شرکتی (هابرسترو<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) مورد مطالعه قرار گرفته است. مطابق ادبیات موجود، شرکت‌هایی که درگیر رفتارهای غیرمسئولانه اجتماعی می‌شوند، با چالش‌هایی مانند کاهش جذابیت برای مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و کارکنان مواجه می‌شوند و همچنین به اعتبار خود آسیب می‌رسانند. این امر منجر به ضررهای مالی، تهدید مزیت رقابتی بلندمدت در بازار و حتی بقای شرکت می‌شود (چيو و شارفمن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۸). این رفتارها همچنین ممکن است خشم اخلاقی ذینفعان را برانگیزد (آنتونی و ماکلان، ۲۰۱۶). پوشش رسانه‌ای رفتارهای غیرمسئولانه، ریسک مالی را برای شرکت‌های درگیر در "اقدامات غیرمسئولانه" افزایش می‌دهد (کولبل و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، این پوشش می‌تواند منجر به تحریم‌های مصرف‌کننده، ایجاد نگرش‌های منفی نسبت به سازمان، شکل‌گیری شایعات منفی و آسیب به عملکرد مالی شرکت‌ها شود (هه و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، در درون یک شرکت، چه کسی تصمیم نهایی را در خصوص مشارکت در اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی اتخاذ می‌کند؟ بر اساس نظریه سطوح بالاتر (لیندنمایر<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲)، مدیرعامل نقش محوری را در فرآیند ارائه اطلاعات مالی دقیق ایفا می‌کند و تأثیر قابل توجهی بر شفافیت کسب‌وکار دارد (لی<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). مدیران عامل به عنوان رهبران سازمان، قدرتمندترین تصمیم‌گیرندگان در اکثر شرکت‌ها محسوب می‌شوند؛ بنابراین، نقش آن‌ها در مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (لی و همکاران، ۲۰۱۸). مطابق با نظریه سطوح بالاتر

1. Lueg

2. Jia

3. Galbreath

4. Rodgers

5. Antonetti & Maklan

6. Carberry

7. Romani

8. Harjoto & Salas

9. Garcia-de los Salmones

10. Haberstroh

11. Chiu & Sharfman

12. Lin-denmeier

13. Li

هامبریک و میسون<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۴، انتخاب‌های استراتژیک (مانند استراتژی‌های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) و نتایج تصمیم‌گیری‌ها در سطح شرکت را می‌توان با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصی و تجربیات مدیران ارشد پیش‌بینی کرد. ادبیات موجود به طور گسترده به بررسی چگونگی تأثیر ویژگی‌های قابل مشاهده مدیران عامل بر استراتژی‌های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پرداخته است. این ویژگی‌ها شامل سن، سوابق تحصیلی، دوگانگی سمت، غرور بیش از حد (ژانگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰)، جنسیت، دوره تصدی سمت، اعتماد به نفس، و ارتباطات سیاسی (لیم و چانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱) است. جریان دیگری از ادبیات نیز به مطالعه ویژگی‌های شناختی مدیران عامل که در شخصیت آن‌ها منعکس می‌شود و می‌تواند آن‌ها را به سمت مشارکت یا عدم مشارکت در اقدامات مسئولیت اجتماعی تشویق یا دلسرد کند، پرداخته است (وان اسکاتر و روگلیو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه ذینفعان، مدیران عاملی که به اقدامات مسئولانه اجتماعی می‌پردازند و برای آنها اهمیت دارد، هم به نفع ذینفعان و هم به نفع سهامداران عمل می‌کنند و به طور ذاتی نگران نتایج سودمند جمعی هستند. با این حال، مدیرانی که بیشتر خودمحور هستند، تمایل کمتری به مشارکت در این نوع فعالیت‌ها دارند (بون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). خودشیفتگی دارای جنبه‌های شناختی و انگیزشی است (بون و همکاران، ۲۰۲۰). از نظر شناختی، افراد خودشیفته معمولاً دارای احساس بزرگ‌منشی افراطی و خیالاتی از موفقیت نامحدود، قدرت، هوش، زیبایی و عشق ایده‌آل هستند. از نظر انگیزشی، آن‌ها متکبر بوده، عزت نفس شکننده‌ای دارند، نیاز مفرط به تحسین دارند و اغلب با افراد برجسته یا دارای رتبه بالا معاشرت می‌کنند. این افراد فاقد همدلی بوده و درک احساسات، تجربیات ذهنی و خواسته‌های دیگران برای آن‌ها دشوار است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). علاوه بر این، مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، به دلیل اعتماد به نفس افراطی و باور به توانایی‌های خود، بیشتر احتمال دارد که در فعالیت‌های غیرمسئولانه شرکت کنند. آن‌ها به طور کلی اطمینان دارند که می‌توانند عواقب منفی اقدامات خود را کنترل کنند (تانگ<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). با این حال، علی‌رغم تمام این جنبه‌های به ظاهر منفی، خودشیفتگی می‌تواند یک ویژگی "دوگانه" و "بسیار مفید" باشد. افراد خودشیفته اغلب به عنوان افرادی با اعتماد به نفس بالا، برون‌گرا، کاریزماتیک، خوش‌بین و دارای مهارت‌های اجتماعی قوی شناخته می‌شوند، که این ویژگی‌ها آن‌ها را به رهبران ایده‌آل تبدیل می‌کند (جاج<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). بر اساس نظریه خودشیفتگی سازنده، تمام این ویژگی‌ها ممکن است به پیامدهای منفی کمتری، مانند سوء رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، منجر شوند. این ویژگی‌ها، مدیران عامل خودشیفته را از سایر مدیران عامل متمایز می‌کند. این افراد تمایل دارند درگیر رفتارهای پرریسکی شوند که توجه دیگران را به خود جلب می‌کند، صرف‌نظر از اینکه این رفتارها ممکن است منجر به پیروزی‌های بزرگ یا شکست‌های سنگین شوند (بوخولتز<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). نیاز شدید مدیران عامل خودشیفته به دیده شدن و تحسین، آن‌ها را به مشارکت در فعالیت‌های غیرمسئولانه سوق می‌دهد، حتی اگر این فعالیت‌ها بر عملکرد مالی شرکت تأثیر منفی بگذارند (پترنکو<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین، این مدیران بیشتر درگیر فعالیت‌های

1. Hambrick & Mason

2. Zhang

3. Lim & Chung

4. Van Scotter & Roglio

5. Boone

6. Tang

7. Judge

8. Buchholz

9. Petrenko

مسئولیت اجتماعی خارجی نسبت به فعالیت‌های داخلی هستند، که نشان‌دهنده تمایل آن‌ها به کسب شهرت و دیده شدن است (الشمري و همکاران، ۲۰۱۹). رفتارهای غیرمسئولانه مدیران عامل می‌تواند منجر به توجه منفی رسانه‌ها شود، زیرا این نوع سوءرفتارها می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از ضعف در فرآیندهای حاکمیت شرکتی و نظارت ضعیف هیئت مدیره تلقی شود (وان اسکاتر و روگلیو، ۲۰۱۸). بنابراین، فرضیه زیر بر اساس انگیزه‌های شخصی و تلاش مدیران عامل خودشیفته برای تقویت خودباوری و کسب تحسین از سوی دیگران استوار است. انتظار می‌رود که مدیران عامل خودشیفته تمایل داشته باشند از اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی اجتناب کنند تا بتوانند شهرت و جایگاه خود را در میان ذینفعان و جامعه تقویت کنند.

**فرضیه ۱.** بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی رابطه معکوس وجود دارد.

### نقش تعدیل‌کننده قدرت مدیرعامل

ویژگی‌های شخصیتی ناشی از خودشیفتگی در طول زمان ثابت نمی‌مانند (اشتون و لی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). در حالی که سن فرد به عنوان یکی از عوامل محدودکننده خودشیفتگی شناخته شده است، عوامل داخلی دیگر (مانند قدرت) و عوامل خارجی (مانند نیروهای صنعت) نیز می‌توانند رفتارهای ناشی از خودشیفتگی را تقویت یا محدود کنند (کراگن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰) و در نتیجه، احتمال مشارکت یا عدم مشارکت مدیران عامل در اقدامات مسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را افزایش یا کاهش دهند (بروئر و همکاران، ۲۰۲۲). تئوری نمایندگی (جنسن و مک‌کلینگ<sup>۳</sup>، ۱۹۷۶) بیان می‌کند که مدیران عامل در راستای منافع شخصی خود با تعقیب اهدافی غیر از اهداف سهامداران عمل می‌کنند. در حالی که سهامداران تلاش می‌کنند ارزش سهام خود را افزایش دهند، مدیران عامل ممکن است احساس کنند که باید به تقویت شهرت خود بپردازند (بروئر و همکاران، ۲۰۲۲). مدیران عاملی که بیشتر به دنبال دستیابی به اهداف شخصی خود هستند تا اهداف شرکت، تمایل بیشتری به افزایش سریع سرمایه‌گذاری‌ها برای کسب این مزایا دارند (جنسن، ۱۹۸۶). قدرت مدیرعامل در این موارد نقش کلیدی دارد ((بروئر و همکاران، ۲۰۲۲). مدیران عامل قدرتمند ممکن است از موقعیت خود سوءاستفاده کرده و به دنبال کسب مزایای شخصی به قیمت منافع سهامداران باشند، که این امر منجر به تشدید تضاد نمایندگی می‌شود. مطالعات پیشین قدرت مدیرعامل را به عنوان توانایی وی در تحمیل اراده خود بر سازمان، علی‌رغم مخالفت هیئت مدیره و سایر اعضای تیم، تفسیر کردند (شیخ<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲). دوره تصدی طولانی، تمرکز مالکیت و دوگانگی سمت از جمله عواملی هستند که به مدیران عامل در کسب قدرت کمک می‌کند (الشمري و همکاران، ۲۰۱۹؛ آپال<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). مطابق ادبیات رهبری استراتژیک، قدرت برای تقویت اثربخشی سازمانی ضروری است و به مدیران عامل امکان می‌دهد تا کنترل تبادل دانش را در اختیار داشته باشند و از نفوذ هیئت مدیره اجتناب کنند. بر اساس نظریه سطوح بالاتر، ویژگی‌های خاص رهبری می‌توانند بر تصمیمات استراتژیک و نتایج سازمانی تأثیرگذار باشند. همان‌طور که بروئر و همکاران در سال ۲۰۲۲ بیان کردند، هنگام مقایسه شرکتی که مدیرعامل

<sup>1</sup>. Ashton & Lee

<sup>2</sup>. Cragun

<sup>3</sup>. Jensen & Meckling

<sup>4</sup>. Sheikh

<sup>5</sup>. Uppal

تصمیم‌گیرنده نهایی است با شرکتی که تصمیم‌گیری‌ها به صورت جمعی توسط تیم اجرایی اتخاذ می‌شود، بدیهی است که در حالت اول، مدیران عامل امکان پیگیری موثرتر بلند پروازی‌های شخصی خود را خواهند داشت و توانایی آن‌ها در افزایش نفوذ خود در تصمیم‌گیری‌های کلیدی برای ارتقای جایگاه و اعتبار شخصی آن‌ها بیشتر خواهد بود (سah و استیگلitz<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). مدیران عاملی که از چنین نفوذی برخوردارند، از طیف وسیعی از ابزارها برای تقویت وجهه خود بهره‌مند خواهند شد. مدیران اجرایی آگاه به اهمیت پایداری، تمایل بیشتری به افزایش سرمایه‌گذاری‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نشان خواهند داد تا خود را با شرکت‌هایی که به محیط زیست اهمیت می‌دهند مرتبط سازند و در نتیجه، اعتبار و جایگاه خود را ارتقا بخشند (بارنیا و روبین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). اگرچه ادبیات موجود به بررسی فرضیه‌های متعددی در مورد نقش تعدیل‌کننده قدرت مدیران عامل بر نتایج شرکت پرداخته است، اما مطالعات اندکی به بررسی رابطه بین این نقش و مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پرداختند (گالگو-آلورز و پوچتا<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). برخی مطالعات نشان دادند که قدرت مدیرعامل بر رابطه بین مسئولیت زیست‌محیطی و عملکرد مالی تأثیر تعدیل‌کنندگی ندارد، زیرا در حضور قدرت مدیرعامل، فعالیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها با انگیزه‌هایی مانند کسب مزایای تجاری و ایجاد ارزش صورت می‌گیرند (لی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱). با این حال، برخی مطالعات نشان می‌دهند که قدرت مدیرعامل اثر تعدیل‌کننده مثبتی بر ارتباط بین افشای اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و ارزش تجاری دارد. این امر به دلیل آن است که سهامداران معتقدند شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل قدرتمند اداره می‌شوند و اقدام به افشای اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌کنند، تعهد قوی‌تری نسبت به اجرای اقدامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی دارند (لی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). علاوه بر این، شهاب و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که شرکت‌هایی با مدیران عامل قدرتمند احتمال بیشتری دارد که عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی خود را از طریق جداسازی اقدامات از نتایج، مدیریت کنند. جاوید<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که قدرت مدیرعامل رابطه مثبتی با ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نوآوری دارد و این رابطه ناشی از نیاز مدیران عامل قدرتمند به حفظ جایگاه خود است. با توجه به یافته‌های پژوهش‌های پیشین، فرضیه زیر ارائه شده است: با توجه به تقویت حس خودشیفتگی در مدیران عامل قدرتمند، انتظار می‌رود این دسته از مدیران تمایل بیشتری به پیگیری اقدامات مسئولانه در حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی داشته باشند.

**فرضیه ۲.** قدرت مدیرعامل، رابطه منفی بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی را تقویت می‌کند.

### نقش تعدیل‌کنندگی محیط نامطمئن

نظریه نهادی برای توضیح عوامل خارجی موثر بر تمایل مدیران عامل به اتخاذ رویکردهای پایدار، بیان می‌کند که مجموعه‌ای از نیروهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، صنعتی و زیست‌محیطی بر فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان‌ها تأثیرگذار هستند. این نیروها برای بقا و کسب مشروعیت شرکت‌ها در محیط کسب‌وکار ضروری هستند (بیورکمن<sup>۶</sup> و

<sup>1</sup>. Sah & Stiglitz

<sup>2</sup>. Barnea & Rubin

<sup>3</sup>. Gallego-A'lvarez & Pucheta

<sup>4</sup>. Lee

<sup>5</sup>. Javeed

<sup>6</sup>. Björkman



همکاران، ۲۰۰۷). شرکت‌ها برای کسب مشروعیت در چشم سرمایه‌گذاران و ذینفعان، به فشارهای محیطی پاسخ می‌دهند و رویه‌های تجاری شناخته شده و پذیرفته شده در جامعه را اتخاذ می‌کنند (آرتس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). به عنوان مثال، عوامل فرهنگی بر اقدامات سازمانی، از جمله اقدامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و اجرای کدهای اخلاقی، استانداردها و سیاست‌های مدیریت زیست‌محیطی، تأثیرگذار هستند و باعث می‌شوند تا شرکت‌ها در کشورها و صنایع مختلف، اولویت‌های متفاوتی را برای مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در نظر بگیرند. بر اساس نظریه نهادی، سازمان‌ها باید اقدامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را با توجه به ویژگی‌های صنعت و محیط کسب‌وکار خود تطبیق دهند (کرس و گهمن<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). به عنوان یکی از مرتبط‌ترین عوامل نهادی، ادبیات موجود نشان می‌دهد که محیط صنعت تأثیر قابل توجهی بر عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی دارد. تأثیر صنعت بر زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که برخی صنایع نسبت به سایر صنایع "آلاینده‌تر" هستند و شرکت‌هایی که در صنایعی فعالیت می‌کنند که حساسیت بیشتری نسبت به مسائل زیست‌محیطی دارند، نسبت به شرکت‌هایی که در صنایعی با نظارت و انتقاد کمتر از سوی ذینفعان فعالیت می‌کنند، توجه بیشتری به اقدامات پایداری معطوف می‌نمایند (چو و پتن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). به عنوان یکی از عوامل سطح صنعت، پویایی، به همراه ظرفیت محیط در فراهم سازی منابع مورد نیاز یک سازمان و پیچیدگی، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های محیطی است که بر طراحی استراتژی رقابتی تأثیر می‌گذارد (لارانتا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). پویایی صنعت به تغییرات غیرقابل پیش‌بینی اشاره دارد که باعث ایجاد عدم قطعیت و بی‌ثباتی در رویه‌های مدیریتی می‌شود (داتا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). در محیط پویا، منافع ذینفعان به طور معمول مبهم است (چیو و شارفمن، ۲۰۱۸) و اجزای فناوری و بازار در حال تغییر هستند که منجر به بی‌ثباتی و عدم دقت در محیط کسب‌وکار می‌شود. صنایع پویاتر به سمت تنوع گسترده حرکت می‌کنند که این امر پیچیدگی آن‌ها را افزایش می‌دهد و دستیابی به چشم‌اندازهای توسعه را برای مدیران دشوارتر می‌کند (نی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). مدیران عامل در صنایع پویا با چالش‌های درک و ارزیابی گزینه‌های تصمیم‌گیری متنوع و غیرمنتظره مواجه هستند (چاندلر<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر این، مدیران عامل در این محیط‌ها نیاز به انجام همزمان فعالیت‌های شناختی بیشتری دارند، که عملکرد شناختی را تضعیف می‌کند و به صورت ناتوانی در انجام موثر پردازش‌های شناختی پیچیده بروز می‌یابد. این امر منجر به کاهش استفاده از اطلاعات موجود، کاهش تمرکز و افزایش حساسیت و حواس پرتی (لاوی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵) می‌شود. این شرایط تصمیم‌گیری چالش برانگیز با افزایش دشواری تشخیص ناسازگاری‌های داخلی نیز تشدید می‌شود. در نتیجه، ترجیحات فعلی مدیرعامل ممکن است با ترجیحات قبلی وی متفاوت باشد و بنابراین، توجه بیشتری باید به هنگام تصمیم‌گیری صورت پذیرد. به طور خلاصه، پویایی محیطی منجر به فرآیند تصمیم‌گیری استراتژیک ناپایدارتر می‌شود (مافیت<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). در حالی که شرکت‌های فعال در صنایع پایدار بیشتر به تکنیک‌های معمول مانند تحقیق و توسعه متکی هستند، شرکت‌های فعال

1. Aerts

2. Crace & Gehman

3. Cho & Patten

4. Larraneta

5. Database

6. Chiu & Sharfman

7. Chandler

8. Lavie

9. Moffitt

در محیط‌های پویا با چالش پردازش اطلاعات مواجه هستند و نمی‌توانند برای اتخاذ تصمیمات منطقی تنها به تجربه خود متکی باشند (روتنبرگ و زیگلیدوپولوس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). برای بقا و سازگاری با محیط کسب‌وکار نامطمئن و فرآیندهای تصمیم‌گیری پیچیده‌تر، این محیط‌ها نیازمند نظارت مستمر، نوآوری و چابکی هستند، که مستلزم همکاری و اشتراک‌گذاری دانش بین مدیران است (ژیرود و ویتینگتون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). ویژگی‌های خودشیفتگی تحت تأثیر زمینه‌های روانشناختی ضعیف، یعنی موقعیت‌هایی با درجه بالایی از عدم قطعیت در رابطه بین اهداف و ابزارهای دستیابی به آنها، قرار دارند، مانند صنایع بسیار پویا. عدم قطعیت‌های خارجی موجود در صنایع پویا می‌تواند بر نگرش مدیران عامل تأثیر گذاشته و اهداف خودشیفتگی مانند جاه‌طلبی و جلب توجه را تشدید یا تعدیل کند. بنابراین، ممکن است مدیران عامل خودشیفته در صنایع پویا و نامطمئن با چالش‌های بیشتری مواجه شوند، محتاط‌تر عمل کنند و تمایل کمتری به اتخاذ اقدامات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی داشته باشند، زیرا تأثیر این اقدامات بر تصویر، دیده شدن و شهرت آنها کمتر قابل پیش‌بینی است. از سوی دیگر، در محیط‌های پویا، بازار نیازمند مدیران اجرایی پیشرو و منعطف‌تر است تا بتوانند در این شرایط دوام آورند، که ممکن است مدیران عامل خودشیفته را از مشارکت در اقدامات نامطلوب زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بازدارد. با توجه به موارد فوق، فشارهای ناشی از پویایی صنعت، بر رفتار و فرآیندهای تصمیم‌گیری مدیرعامل در رابطه با اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی تأثیرگذار است و فرضیه زیر را مطرح می‌شود:

**فرضیه ۳.** پویایی صنعت، رابطه منفی بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی را تعدیل می‌کند.

**اسماعیلی کیا و فتحی نیا (۱۴۰۴)** تأثیر عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکردهای مالی و غیرمالی شرکت: نقش تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های ساختاری مدیریت را مورد بررسی قرار دادند. چهار فرضیه پژوهش با استفاده از اطلاعات ۱۶۶ شرکت پذیرفته شده در شرکت بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ (شامل ۱۶۶۰ مشاهده شرکت - سال) و به‌کارگیری رگرسیون چندمتغیره آزمون و تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکرد مالی و عملکرد غیرمالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. ثبات و استحکام مدیریت و توانایی مدیریت، تأثیر مثبت عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری بر عملکرد مالی را تقویت می‌کنند؛ اما استقلال هیئت‌مدیره و تنوع اعضای هیئت‌مدیره بر این تأثیر نقش تعدیل‌کنندگی ندارند. ثبات و استحکام مدیریت، استقلال هیئت‌مدیره، تنوع اعضای هیئت‌مدیره و توانایی مدیریت، تأثیر مثبت عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری بر عملکرد غیرمالی را تقویت می‌کنند.

**رضوی و همکاران (۱۴۰۳)** به بررسی رابطه عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با رفتار احساسی سرمایه‌گذاران با وجود عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. در همین راستا نمونه‌ای مشتمل بر ۱۳۰۰ سال-شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۱ انتخاب و آزمون شد. نتایج نشان داد که افزایش عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی منجر به افزایش احساسات سرمایه‌گذاران می‌شود.

<sup>1</sup>. Rothenberg & Zyglidopoulos

<sup>2</sup>. Girod & Whittington

همچنین، عدم تقارن اطلاعاتی، ارتباط مثبت بین عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و احساسات سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. با بررسی هر یک از ابعاد نشان داده شد که ابعاد زیست محیطی و اجتماعی از مهمترین ابعاد عملکرد زیست محیطی اجتماعی و حاکمیتی به شمار می‌رود که می‌تواند احساسات سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. به علاوه، عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت مسایل زیست محیطی و اجتماعی بر احساسات سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. در نهایت در آزمون‌های حساسیت نشان داده شد که در زمان کمتر بودن احساسات سرمایه‌گذاران، عملکرد زیست محیطی و اجتماعی و حاکمیتی منجر به بیشتر شدن احساسات سرمایه‌گذار می‌شود. اما در زمان بیشتر بودن احساسات سرمایه‌گذاران، عملکرد زیست محیطی و اجتماعی و حاکمیتی بر احساسات سرمایه‌گذار تأثیری ندارد.

**بادآور نهندی و احمدی (۱۴۰۲)** به بررسی ارتباط خطی و غیرخطی بین خودشیفتگی مدیرعامل و فعالیت اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیلی مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی پرداختند. در پژوهش آنها تعداد ۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۷ ساله مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که خودشیفتگی مدیرعامل با فعالیت اجتماعی شرکت دارای رابطه خطی منفی می‌باشد و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی موجب تضعیف این ارتباط منفی می‌شود. همچنین بین خودشیفتگی مدیرعامل و فعالیت اجتماعی شرکت رابطه غیرخطی معنادار U شکلی وجود دارد و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی موجب پهن‌تر شدن منحنی شده و تأثیر خودشیفتگی بر فعالیت اجتماعی شرکت را در سطوح مختلف تضعیف می‌نماید.

**طاهری و محمدی (۱۴۰۱)** به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران عامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیل‌کننده حسابرسی داخلی پرداختند. برای نیل به هدف پژوهش، از اطلاعات مالی ۱۶۳ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۹ و برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندگانه و داده‌های ترکیبی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که خودشیفتگی مدیرعامل، تأثیر مثبت و معناداری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها دارد. همچنین، مشخص شد که اندازه و تجربه واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان اهم ویژگی‌های حسابرسی داخلی رابطه مثبت بین خودشیفتگی مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تقویت می‌کنند. همچنین، مشخص شد که اندازه و تجربه واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان اهم ویژگی‌های حسابرسی داخلی رابطه مثبت بین خودشیفتگی مدیرعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تقویت می‌کنند.

### روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌هایی می‌باشند که در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته‌اند. نمونه آماری این تحقیق آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هستند که از طریق غربالگری و با توجه به محدودیت‌های زیر انتخاب می‌شوند:

۱. نمونه تغییر سال مالی نداشته باشد به عبارتی پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد. اگر شرکت‌ها تغییر سال مالی داشته باشند داده‌ها در بازه زمانی مشخصی برای انجام تحقیق قرار نمی‌گیرند.
۲. قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس پذیرفته شده و تا پایان دوره پژوهش در بورس فعال باشند. اگر در دوره زمانی در بورس نباشد از اطلاعات آنها جهت انجام تحلیل داده‌ها استفاده نمی‌شود.

۳. اطلاعات مورد نیاز شرکت ها برای مطالعات و محاسبات تحقیق، در طول دوره در دسترس باشد.

۴. شرکت های واسطه گری مالی (سرمایه گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک ها) از نمونه آماری حذف گردیدند. به دلیل تفاوت فعالیت ها و صورتهای مالی حذف می گردند.

از میان جامعه آماری تنها ۱۴۱ شرکت در ۷ سال تمام معیارهای مذکور را احراز کرده اند و لذا از آنها به عنوان نمونه در پژوهش حاضر استفاده شده است.

#### مدل های آزمون فرضیه های پژوهش

با توجه به پژوهش های (وانگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۳، مارتینز-فررو و گارسیا-مکا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰؛ بورک، ۲۰۲۲)، مدل های رگرسیون پژوهش حاضر به شرح زیر می باشد:

$$ESG_{it} = \beta_1 CEO\_Narc_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Leverage_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Own\_Conc_{it} + \beta_6 BIND_{it} + \mu_{it}$$

رابطه ۱

$$ESG_{it} = \beta_1 CEO\_Narc_{it} + \beta_2 CEO\_Power_{it} + \beta_3 CEO\_Narc * CEO\_Power_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Leverage_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Own\_Conc_{it} + \beta_8 BIND_{it} + \mu_{it}$$

رابطه ۲

$$ESG_{it} = \beta_1 CEO\_Narc_{it} + \beta_2 Dynamism_{it} + \beta_3 CEO\_Narc * Dynamism_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Leverage_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 Own\_Conc_{it} + \beta_8 BIND_{it} + \mu_{it}$$

رابطه ۳

#### متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آنها

متغیر وابسته: عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکتی

گزارش دهی امتیاز محیطی، اجتماعی، حاکمیتی و مشارکت شرکت در شیوه های پایداری تا حد زیادی ترویج شده است، اما افشای این شیوه ها هنوز در کشورها و شرکت های مختلف یکسان نیست. بنابراین، در این پژوهش شرکت هایی که در شیوه های محیطی، اجتماعی، حاکمیتی شرکت دارند، بر اساس امتیازات محیطی، اجتماعی، حاکمیتی تعیین شده در گزارشات سالانه شرکت های بورس اوراق بهادار تهران در سایت کدال شناسایی می شود.

Env: امتیاز افشای محیطی بر اساس محیط زیست است.

SOC: امتیاز افشای اجتماعی بر اساس مزیت های اجتماعی است.

Gov: امتیاز افشای حاکمیت بر اساس حاکمیت شرکتی است.

ESG: افشای محیطی، اجتماعی و حاکمیت: امتیاز ترکیبی از افشای شرکت بر اساس حاکمیت شرکتی، اجتماعی و محیط زیست است. این امتیازها بر اساس شاخص های مالی و غیرمالی متعدد جمع آوری شده از افشای شرکت ها در گزارشات سالانه تعیین می شوند.

شاخص زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی که نام آن از ترکیب سه حرف اول کلمات محیط زیست (Environment) و دغدغه های اجتماعی (Social) و حاکمیت شرکتی (Governance) ساخته شده، جنبه هایی از فعالیت شرکت ها و

<sup>1</sup>. Wang

<sup>2</sup>. Martínez-Ferrero & García-Meca

کسب و کارها را می‌سنجد و امتیاز ترکیبی از افشای شرکت بر اساس حاکمیت، اجتماعی و محیط زیست است که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. امتیازات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

شاخص های بعد زیست محیطی	شاخص های بعد اجتماعی	شاخص های بعد حاکمیتی
۱. آلاینده‌گی و آلودگی، ضایعات	۱. سلامت و امنیت و بهره‌وری	۱. رعایت حقوق سهامداران
۲. انرژی، بهره‌وری، آب	۲. حقوق نیروی کار	۲. کمیته‌ها
۳. تنوع زیستی	۳. ادراک اجتماعی ذینفعان	۳. مدیریت ریسک
۴. تغییر آب و هوا	۴. سلامت تولید	۴. جبران عملکرد
۵. ارزیابی زیست محیطی	۵. عدم تبعیض و شمول اجتماعی	۵. اخلاق و اصول رفتاری
۶. مسائل خدمات و زنجیره تأمین	۶. مسائل اجتماعی مشتریان و زنجیره تأمین	۶. شفاف سازی راهبری
۷. آموزش محیطی	۷. رعایت اصول حقوق بشر	۷. انطباق با قوانین
۸. سیستم مدیریت محیطی	۸. توسعه اجتماعی و بشر دوستی	۸. ترکیب هیئت مدیره
۹. شفاف سازی محیطی	۹. سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی	۹. مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری
	۱۰. حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی	
	۱۱. یادگیری و آموزش اجتماعی	
	۱۲. شفاف سازی اجتماعی	

#### اعمال غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

طبق پژوهش (بوسلا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸)، در صورتی که امتیاز افشای شرکت در حوزه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی طبق جدول ۱، پایین تر از میانه باشد نشان دهنده اعمال غیرمسئولانه و عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر است.

#### متغیر مستقل: خودشیفتگی مدیر عامل

به طور معمول، در سازمان‌ها مدیران اجرایی خودشیفته پاداش‌های بیشتری برای خود قائل شده و از این طریق موقعیت خود را در سازمان مستحکم می‌کنند. شاخص پاداش نقدی هیأت مدیره نیز از تقسیم پاداش نقدی مصوب در جلسه مجمع عمومی بر کل حقوق و دستمزد پرداختی سال مالی شرکت به دست خواهد آمد (نمازی و همکاران، ۱۳۹۶).

#### متغیرهای تعدیل کننده:

الف) قدرت مدیر عامل: شاخص‌های نشان دهنده قدرت مدیرعامل عبارت است از:

(۱) تجربه مدیرعامل: با استفاده از تعداد سال‌های تصدی وی در سمت مدیرعاملی در شرکت اندازه‌گیری شده است، اگر مدت زمان تصدی مدیرعامل بیشتر از میانه مدت زمان تصدی مدیرعامل‌های آن صنعت باشد یک در غیر این صورت صفر است.

<sup>۱</sup>. Bouslah

(۲) مالکیت مدیرعامل: به عنوان درصد سهام متعلق به مدیرعامل شرکت محاسبه شده است، اگر مدیرعامل شرکت بیش از ۱۰ درصد از سهام شرکت را دارا باشد ۱ و در غیر این صورت ۰ است.

(۳) دوگانگی سمت مدیرعامل: با استفاده از یک متغیر ساختگی نشان داده شده است که در صورت همزمانی سمت مدیرعاملی و ریاست هیئت مدیره شرکت برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با ۰ است.

(۴) تخصص مدیرعامل: اگر مدیرعامل دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا در رشته های مالی از قبیل حسابداری، مدیریت و اقتصاد باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر است.

با توجه به مطالب فوق، قدرت مدیرعامل را مجموع چهار متغیر مجازی که دارای مقدار صفر و یک هستند، برای هر شرکت در سال موردنظر تعیین میکند. بنابراین، قدرت مدیرعامل برای هر شرکت در هر سال عددی بین ۱ تا ۴ خواهد بود. در شرکتی که مجموع عوامل ۰ باشد، قدرت مدیرعامل بسیار کم و در شرکتی که مجموع عوامل ۴ باشد، قدرت مدیرعامل بسیار زیاد خواهد بود.

#### ب) پویایی صنعت

در این پژوهش، پویایی صنعت به عنوان دومین عامل تعدیل کننده مورد بررسی قرار می‌گیرد. پویایی، به معنای تغییرات غیرقابل پیش‌بینی و سریع در هر بخش فعالیت اقتصادی، تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عدم قطعیت قرار دارد. با استناد به پژوهش‌های پیشین (چن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)، از معیار پیشنهادی توسط کیتس و هیت<sup>۲</sup> ۱۹۸۸ استفاده شده است. بر اساس این رویکرد، شاخص پویایی صنعت، پویایی با استفاده از نوسانات فروش خالص در صنعت اصلی شرکت طی یک دوره پنج ساله اندازه‌گیری می‌شود.

#### متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت کل بدهی ها دفتری به ارزش کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

استقلال هیئت مدیره (BIND): برابر است با نسبت کل مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره شرکت در پایان سال مالی.

تمرکز مالکیت (CON): برابر است با سهام تحت تملک بزرگ ترین سهام دار شرکت به کل سهام شرکت در پایان سال مالی.

بازده دارایی ها (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به دارایی کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

پس از تعیین تکنیک تحلیل، مشخصات رگرسیونی زیر برای بررسی موارد زیر توسعه داده می‌شود:

(۱) در رابطه ۱ (معادله ۱)، تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر کاهش اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، به منظور آزمون فرضیه اول انجام می‌شود؛ و (۲) در رابطه‌های ۲ و ۳ (معادله‌های ۲ و ۳ به ترتیب)، بررسی عوامل زمینه‌ای (قدرت مدیرعامل و عدم قطعیت صنعت) که بر این رابطه تأثیر می‌گذارند، به منظور آزمون فرضیه‌های دوم و سوم انجام می‌شود.

<sup>1</sup>. Chen

<sup>2</sup>. Keats & Hitt

## یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. با توجه به آماره توصیفی، می‌توان شاخص‌ها را به شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و سایر شاخص‌ها تقسیم نمود، که شاخص‌های مرکزی عبارت از شاخص میانگین و میانه، شاخص‌های پراکندگی عبارت از شاخص انحراف معیار. جدول ۲، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده در بخش آمار توصیفی نشان می‌دهند که برای مثال میانگین عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت‌ها ۱۱/۳۸ می‌باشد. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ با توجه به جدول ۲، این مقدار برای متغیر قدرت مدیرعامل ۰/۸۵ است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی	۱۱/۳۸	۱۱/۰۰	۱۶/۰۰	۷/۰۰	۱/۶۱
خودشیفتگی مدیرعامل	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۳۴	۰/۰۰	۰/۱۲
قدرت مدیرعامل	۱/۲۹	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۵
لگاریتم پویایی صنعت	۷/۴۲	۷/۴۵	۹/۳۰	۴/۳۳	۱/۵۴
اندازه شرکت	۱۴/۶۴	۱۴/۴۲	۲۰/۷۶	۱۰/۵۳	۱/۵۴
اهرم مالی	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۹۸	۰/۰۱۲	۰/۲۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۵۷	۰/۶۰	۱/۰۰	۰/۲۰	۰/۱۸
تمرکز مالکیت	۰/۴۸	۰/۵۰	۰/۹۵	۰/۰۰	۰/۲۱
بازده دارایی‌ها	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۸۵	-۰/۲۵	۰/۲۲
نام متغیر		برابر است با صفر		برابر است با یک	
اعمال غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی		۸۱۷			۱۷۰

منبع: یافته‌های پژوهش

## تحلیل‌های رگرسیون چندمتغیره

برای تخمین بهترین مدل با استفاده از یکی از روش‌های اثرات مشترک، اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون اف لیمر و در صورت لزوم از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. در این پژوهش در ابتدا برای انتخاب بین روش داده‌های ترکیبی و روش داده‌های تابلویی از آزمون F لیمر استفاده شده است و با توجه به نتایج دو آزمون انجام شده (اف لیمر و هاسمن) در هر دو آزمون احتمال بدست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از داده‌های پنل و روش اثرات ثابت استفاده شود.

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، برای بررسی درستی مدل، از معیارهای ضریب تعیین ( $R^2$ ) و دوربین و اتسون (D-W) و برای بررسی معنی داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین در دو سطح، بدین معنی است که قدرت توضیح دهنده و برازش مدل در

سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می باشد، در نتیجه خود همبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار احتمال آماره F به ترتیب برابر با ۰/۰۰ می باشد. جدول ۳ ضرایب برآورد شده رگرسیون های معادله ی (۱) را نشان می دهد. جدول ۳ نتایج مدل ۱ را نشان می دهد که فرضیه ۱ را مورد آزمون قرار می دهد، یعنی بررسی می کند که آیا مدیران عامل خودشیفته بیشتر مستعد مشارکت در اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی هستند یا خیر. ضریب خودشیفتگی مدیرعامل از نظر آماری معنی دار و منفی است (ضریب = -۰/۰۵،  $p < ۰/۰۵$ )، که از فرضیه ما مبنی بر اینکه خودشیفتگی مدیرعامل، عامل مهمی در کاهش ریسک کسب و کار و دوری از اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است، پشتیبانی می کند. بنابراین، نتایج نشان می دهد که مدیران عامل خودشیفته تمایل کمتری به انجام اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی دارند، زیرا این امر به عنوان استراتژی جهت تقویت شهرت و کسب شناخت از سوی ذینفعان و جامعه تلقی می شود.

جدول ۳. تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول پژوهش

متغیرها	ضریب	آماره تی	معناداری
ضریب ثابت	۰/۴۷۰	۱۴/۹۱۰	۰/۰۰۰۰
خودشیفتگی مدیر عامل	-۰/۰۵۰	-۲/۵۴۰	۰/۰۱۱
اندازه شرکت	-۰/۰۴۰	-۲/۱۱۰	۰/۰۳۴۶
اهرم مالی	۰/۱۱۰	۱/۰۰۴	۰/۳۱۵
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۵۴	-۲/۴۶۰	۰/۰۱۴۰
تمرکز مالکیت	-۰/۲۰۰	-۱/۹۶۰	۰/۰۴۹
بازده دارایی ها	-۰/۲۰۰	-۷/۲۱۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۹۰		
آماره F		۱۸/۰۵۰	
سطح معناداری		۰/۰۰۰	
دوربین - واتسون		۱/۷۰۰	

منبع: یافته های پژوهش

جدول ۴ و ۵ نتایج مدل های ۲ و ۳ را نشان می دهد که به ترتیب فرضیه های ۲ و ۳ را مورد آزمون قرار می دهند، یعنی اینکه آیا گرایش اولیه مدیران عامل خودشیفته به اجتناب از اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تحت تأثیر قدرت خاص مدیرعامل و عدم قطعیت محیطی به عنوان عاملی در سطح صنعت قرار دارد یا خیر. در مدل ۲، نتایج مجدداً تأثیر منفی و معنادار خودشیفتگی مدیرعامل بر اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، را تأیید می کند (ضریب = -۰/۷۴،  $p < ۰/۰۵$ ). با این حال، یافته اصلی از فرضیه ۲ پشتیبانی می کند، زیرا ضریب تعامل بین خودشیفتگی مدیرعامل و قدرت مدیرعامل نیز معنی دار و منفی است (ضریب = -۰/۰۶۵،  $p < ۰/۰۵$ ). این نشان می دهد که قدرت بیش از حد مدیرعامل، که با تجربه بیشتر، مالکیت بالاتر و دوگانگی سمت و تخصص



مرتبط است، تمایل مدیرعامل به اجتناب از سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تقویت می‌کند. بنابراین، قدرت مدیرعامل رابطه منفی بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تقویت می‌کند و از فرضیه ۲ پشتیبانی می‌کند.

جدول ۴. تخمین نهایی مدل رگرسیونی دوم پژوهش

نام متغیر	ضرایب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۷۷۲	۲/۷۰۰	۰/۰۰۸
خودشیفتگی مدیر عامل	-۰/۷۴۰	-۲/۹۸۰	۰/۰۰۳
قدرت مدیرعامل	۲۸/۲۷	۰/۵۶۰	۰/۵۷۲
خودشیفتگی مدیر عامل * قدرت مدیرعامل	-۰/۰۶۵	-۱۱/۷۷۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۱۰۰	-۲/۱۶۰	۰/۰۴۶
اهرم مالی	-۰/۰۶۰	-۰/۸۸۰	۰/۳۷۱
استقلال هیئت مدیره	-۰/۳۹۰	-۳۰/۰۴۰	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	۰/۴۷۰	۱۳/۳۸۰	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۰۶	-۲/۹۹۰	۰/۰۰۲
دوربین - واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری
۲/۸۰۰	۰/۴۷۰	۱۷/۰۲۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در مدل ۳ نتایج نقش تعدیل‌کنندگی عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت را تأیید می‌کند. شواهد نشان می‌دهند که خودشیفتگی مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی دارد (ضریب =  $-0/32$ ،  $p < 0/05$ ). ضریب بین خودشیفتگی مدیرعامل و پویایی صنعت معنادار و مثبت است (ضریب =  $0/02$ ،  $p < 0/05$ )، که نشان می‌دهد عدم قطعیت محیطی رابطه منفی بین خودشیفتگی مدیرعامل و سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را محدود می‌کند و از فرضیه ۳ پشتیبانی می‌کند. با توجه به ضرایب به دست آمده، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر منفی خودشیفتگی مدیرعامل بر اعمال غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در محیط‌های با عدم قطعیت ضعیف‌تر است. بر اساس یافته‌های فوق و پشتیبانی از فرضیه ۳، عدم قطعیت محیطی مرتبط با پویایی صنعت، رابطه منفی بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را محدود می‌کند. فشارهای صنعت بر رفتار مدیرعامل و فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیرگذار هستند. این نتیجه با فشارهای صنعت مرتبط است که به طور قابل توجهی بر رفتار مدیرعامل و فرآیندهای تصمیم‌گیری در خصوص اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی تأثیر می‌گذارد. این یافته با نظریه نهادی و ایزومورفسم تقلیدی، که در تحقیقات پیشین

(به عنوان مثال، آرتس و همکاران، ۲۰۰۶؛ فردریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ بویرال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷) به اثبات رسیده است، همسو است. این نظریه‌ها بیان می‌کنند که رفتار مدیرعامل در زمینه تخلفات زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مشروط به عوامل محیطی، به ویژه پویایی صنعت است. مطالعه حاضر با نشان دادن اینکه تأثیر منفی مدیران عامل خودشیفته بر سوء رفتارهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در شرکت‌هایی که در صنایع پویاتر فعالیت می‌کنند، کاهش می‌یابد، این درک را گسترش می‌دهد. بر خلاف دیدگاه‌های غالب که نشان می‌دهد مدیران عامل در بخش‌های بحث‌برانگیز صنایع بیشتر مستعد مشارکت در اقدامات غیر اخلاقی هستند، همانطور که توسط **بارنیا و روبین (۲۰۱۰)** پیشنهاد شده است، پژوهش حاضر این فرضیه را به چالش می‌کشد. شواهد نشان می‌دهد که فعالیت در چنین بخش‌هایی تأثیر معناداری بر رفتار مدیرعامل در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی و زیست محیطی ندارد. این تفاوت با ادبیات پیشین بر ضرورت اتخاذ دیدگاهی دقیق‌تر در مورد پیامدهای اخلاقی فعالیت در صنایع خاص تأکید می‌کند.

جدول ۵. تخمین نهایی مدل رگرسیونی سوم پژوهش

نام متغیر	ضرایب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۱/۶۱۰	۴/۹۹۰	۰/۰۰۰
خودشیفتگی مدیر عامل	-۰/۳۲۰	-۷/۱۶۰	۰/۰۰۰
عدم قطعیت محیطی	-۰/۱۱۰	-۱/۰۰۴	۰/۳۱۵
خودشیفتگی مدیر عامل * عدم قطعیت محیطی	۰/۰۲۰	۲/۰۴۰	۰/۰۴۲
اندازه شرکت	-۰/۰۵۰	-۳/۵۵۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۲۸۱	-۸/۷۸۱	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۷۱۴	-۶/۹۳۲	۰/۰۰۱
تمرکز مالکیت	۰/۱۰۲	۴/۰۷۱	۰/۰۳۵
دوربین - واتسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F سطح معناداری
	۰/۶۹۰	۰/۶۷۰	۵۳/۰۲۲ ۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با استفاده از داده‌های مربوط به شرکت‌های بورسی در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲، ابتدا به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خودشیفتگی مدیرعامل با اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی رابطه معکوس دارد و مدیران عامل خودشیفته تمایل دارند برای ارتقای وجهه خود و کسب اعتبار مثبت از ذینفعان و جامعه، اقدامات غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را کاهش دهند. این نتیجه با یافته‌های **لی و همکاران**

<sup>۱</sup>. Frederick

<sup>۲</sup>. Boiral

(۲۰۱۸) همسو است که بر نقش محوری مدیرعامل در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأکید می‌کند. علاوه بر این، پژوهش بورک (۲۰۲۲) بر تأثیر منفی اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر مدیران عامل تأکید دارد که به تضعیف اعتبار سازمانی آن‌ها منجر می‌شود. برخلاف یافته‌های لوبیت<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) که مدیران عامل خودشیفته را به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های قابل‌اعتماد سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی معرفی می‌کند، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که تمایل این دسته از مدیران به انجام چنین اقداماتی کاهش یافته است. این یافته با این باور همخوانی دارد که مدیران عامل خودشیفته از مهارت‌های اجتماعی بالایی برخوردار هستند (جاج و همکاران، ۲۰۰۶) و احتمال بیشتری دارد که در اقدامات مسئولانه و زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مشارکت کنند (پترنکو و همکاران، ۲۰۱۶؛ الشامری و همکاران، ۲۰۱۹). دلیل این امر آن است که اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی توسط مدیران عامل خودشیفته ممکن است منجر به پوشش رسانه‌ای منفی شود و احترام و تحسین ذینفعان را به خطر بیندازد. دومین یافته این پژوهش، نقش تعدیل‌کنندگی قدرت مدیرعامل و عدم قطعیت محیطی کسب‌وکار را بر رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و اقدامات نامطلوب زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی تأیید می‌کند. تقویت خودشیفتگی مدیران عامل قدرتمند، که به عنوان عاملی بازدارنده برای انجام اقدامات نامطلوب زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی عمل می‌کند، تمایل آن‌ها به دنبال کردن این قبیل اقدامات را محدود می‌کند. از سوی دیگر، اگرچه عدم قطعیت محیطی ناشی از پویایی صنعت می‌تواند بر این رابطه منفی تأثیرگذار باشد، اما این عامل به عنوان عاملی تعیین‌کننده در نحوه برخورد مدیران عامل خودشیفته با مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شناسایی نشد. یافته‌های این پژوهش همچنین از این ایده پشتیبانی می‌کند که قدرت مدیرعامل، اثر منفی خودشیفتگی مدیرعامل بر اقدامات نامطلوب زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تقویت می‌کند. مدیران عامل خودشیفته در محیط‌های کسب‌وکار با عدم قطعیت محیطی بیشتر، مانند بازارهای ناپایدار و متغیر، تمایل کمتری به انجام اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی دارند. این یافته با فرضیه مطرح شده توسط کراگن و همکاران (۲۰۲۰) مبنی بر وجود عوامل دیگری که می‌توانند رفتارهای ناشی از خودشیفتگی را تقویت یا تضعیف کنند، همسو است. این نتیجه همچنین با مطالعات پیشین (به عنوان مثال، بروئر و همکاران، ۲۰۲۱) مطابقت دارد که بر اهمیت قدرت مدیرعامل در افزایش اثربخشی سازمانی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها به نفع منافع شخصی مدیرعامل تأکید می‌کنند. علاوه بر این، قدرت به عنوان یکی از ویژگی‌های خاص مدیرعامل تلقی می‌شود که برای محدود کردن اقدامات غیرمسئولانه زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ضروری است، زیرا این اقدامات می‌توانند به اعتبار و جایگاه مدیرعامل آسیب وارد کنند. این یافته‌ها از این ایده پشتیبانی می‌کنند که مدیران عامل در جهت تقویت استراتژی‌های سودمند کسب‌وکار و تضمین تعهد قوی‌تر به اصول زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تلاش می‌کنند (لی و همکاران، ۲۰۱۸). اثر مکمل بین خودشیفتگی مدیرعامل و قدرت وی تضمین می‌کند که با اجتناب از سوءرفتارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، مدیران عامل می‌توانند جایگاه، اعتبار و تصویر شخصی خود را حفظ کنند. مطابق

<sup>۱</sup>. Lubit

با نظریه نهادی و ایزومورفیسم تقلیدی که در مطالعات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است (به عنوان مثال، آرتس و همکاران، ۲۰۰۶؛ فردریک، ۲۰۰۶؛ بویرال، ۲۰۰۷)، نگرش مدیران عامل نسبت به اقدامات نامطلوب زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تحت تأثیر عوامل محیطی، به ویژه پویایی صنعت قرار دارد. پویایی صنعت می تواند تمایل مدیرعامل به اجتناب از این اقدامات را کاهش دهد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که اثر منفی خودشیفتگی مدیرعامل بر سوء رفتار زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در شرکت هایی که در صنایع پویاتر فعالیت می کنند، ضعیف تر است. این نتیجه با یافته های (بارنیا و روبین، ۲۰۱۰)، مطابقت دارد. علیرغم دستاوردها و پیامدهای قابل توجه این پژوهش، پیشنهادات و محدودیت هایی وجود دارد که در تحقیقات آتی باید مورد توجه قرار گیرد. از دیدگاه روش شناختی، تحقیقات آینده می بایست از معیارهای جایگزین برای سنجش خودشیفتگی مدیرعامل، مانند پرسشنامه شخصیت خودشیفتگی که در حوزه روانپزشکی مورد استفاده قرار می گیرد (راسکین و هال<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹)، استفاده کنند. همچنین تحقیقات آینده می توانند از معیارهای جایگزین برای سنجش اقدامات نامطلوب زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، مانند استفاده از داده های حاصل از نظرسنجی ها، استفاده کنند. تمرکز این پژوهش بر بررسی رفتار مدیران عامل خودشیفته در قبال استراتژی های غیرمسئولانه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و چگونگی تأثیرگذاری قدرت مدیریتی و عدم قطعیت محیطی بر این رفتارها بوده است. با این حال، مطالعات آتی می بایست به بررسی سایر عوامل احتمالی موثر بر تصمیم گیری های مدیران عامل خودشیفته و قدرت مدیریتی، از جمله سابقه مدیریت مدیرعامل و ترکیب تیم مدیریت ارشد، نیز پردازند. علاوه بر این، باید به بررسی مسائل مرتبط با تقویت حاکمیت شرکتی، مانند استقلال هیئت مدیره و مالکیت نهادی، پرداخته شود. مطالعات آتی می توانند به شناسایی سایر عوامل تعدیل کننده یا تقویت کننده رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و سوء رفتار زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پردازند. اگرچه در این پژوهش نقش تعدیل کنندگی قدرت مدیرعامل و عدم قطعیت محیطی در تقویت یا تضعیف تعهد اخلاقی مدیران خودشیفته نسبت به مسائل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مورد بررسی قرار گرفت، اما برای درک عمیق تر مکانیزم های موثر بر وقوع اقدامات نامطلوب زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و پیامدهای آن، نیاز به تحقیقات بیشتری است. همچنین شناخت عمیق تر از سایر متغیرهای سازمانی و نهادی موثر که می توانند در پیشگیری از سوء رفتار زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نقش داشته باشند، از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی دیگر از محدودیت های این پژوهش مربوط به نمونه مورد استفاده است. در این پژوهش، تنها اطلاعات مربوط به سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفت، زیرا این آخرین اطلاعات در دسترس در آن زمان بود. در مطالعات آتی، تا حد امکان باید تلاش شود تا نتایج این پژوهش با افزایش دوره زمانی تحلیل و تعداد شرکت های مورد بررسی به روزرسانی شوند. علاوه بر این، در این پژوهش به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر استراتژی های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در بستر کشور ایران تمرکز شد. این رویکرد به دلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص حاکم بر کشور ما، می تواند بینش های ارزشمندی را ارائه دهد و مکمل مطالعات بین المللی گسترده تر

<sup>۱</sup>. Raskin & Hall

در این زمینه باشد. با این حال، انجام تحقیقات آتی در کشورهای اسلامی دیگر و سایر مناطق می‌تواند بسیار مفید باشد. گسترش نمونه تحلیل به کشورهای دیگر امکان مقایسه زمینه‌های نهادی مختلف را فراتر از تحلیل عوامل سطح صنعت در این پژوهش فراهم می‌کند و امکان بررسی تأثیر فشارهای خارجی در سطح کشور، مانند تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و نرخ بهره را بر رابطه مورد بررسی در این پژوهش فراهم می‌سازد. همچنین لازم به ذکر است که مدل‌های رگرسیونی پیشنهادی ممکن است به دلیل عدم کنترل برخی متغیرها دچار کمبودهایی باشند. به منظور جلوگیری از تعریف نادرست مدل تحقیق، باید متغیرهای کنترل دیگری نیز در برآوردهای رگرسیون لحاظ شوند. به منظور تقویت نتایج این پژوهش، توصیه می‌شود که تحقیقات آتی با افزودن متغیرهای کنترل اضافی که بر رابطه مورد بررسی تأثیرگذارند و همچنین با اعمال آزمون‌های روایی برای متغیرهای توضیحی اصلی (سوء رفتار زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و خودشیفتگی مدیرعامل) صورت پذیرد.

### فهرست منابع

- اسماعیلی کیا، غریبه، و فتحی نیا، حسنا (۱۴۰۴). بررسی تأثیر عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری بر عملکردهای مالی و غیرمالی شرکت: نقش تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های ساختاری مدیریت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۲(۱)، ۱-۲۹. doi: 10.22059/acctgrev.2024.380998.1008999
- بادآور نهندی، و فرنود احمدی (۱۴۰۲). بررسی ارتباط خطی و غیرخطی بین خودشیفتگی مدیرعامل و فعالیت اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیلی مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی. *پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۳(۱)، ۱۷-۳۶. doi: 10.30486/fbra.2023.1984413.1191
- رضوی، مرضیه، حاجیان نژاد، امین، و امیری، هادی (۱۴۰۳). رابطه عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) با رفتار احساسی سرمایه‌گذاران با وجود عدم تقارن اطلاعاتی. *مجله دانش حسابداری*. (پذیرفته شده برای انتشار) doi: 10.22103/jak.2024.23751.4078
- طاهری، ماندانا، و محمدی، مهران (۱۴۰۱). بررسی رابطه خودشیفتگی مدیران عامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیل‌کننده حسابرسی داخلی. (*پژوهش‌های حسابرسی*) *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۳(۹)، ۷۲-۹۰. doi: 10.22034/jpar.2022.1971452.1119
- عبدالرضائی، سبجان، جنانی، محمدحسن، و همت فر، محمود (۲۰۲۳). خودشیفتگی مدیران و ارزش شرکت: نقش تعدیل‌کنندگی مسئولیت اجتماعی شرکت. *تعالی منابع انسانی*، ۳(۴)، ۷۸-۹۴. <https://sanad.iau.ir/Journal/ehr/Article/927055>
- مران جوری، و مهدی علی‌خانی، رضیه (۲۰۲۰). نقش تعدیل‌کنندگی خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و افشای مسئولیت‌های اجتماعی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۹(۳۵)، ۲۶۳-۲۷۲. [https://www.jmaak.ir/article\\_16701.html](https://www.jmaak.ir/article_16701.html)

نمازی، محمد، دهقانی‌سعدی، علی‌اصغر، و قوهستانی، سمانه (۱۳۹۶). خودشیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶(۲۲)، ۳۷-۵۲.

[https://www.jmaak.ir/article\\_10800.html?lang=fa](https://www.jmaak.ir/article_10800.html?lang=fa)

Abdolrezaei, S., Janani, M. H., Hematfar, M. (2023). Managers' narcissism and firm value: The moderating role of corporate social responsibility. *Human Resources Excellence*, 3(4), 94-78. <https://sanad.iau.ir/Journal/ehr/Article/927055> [In Persian]

Aerts, W., Cormier, D., & Magnan, M. (2006). Intra-industry imitation in corporate environmental reporting: An international perspective. *Journal of Accounting and public Policy*, 25(3), 299-331. doi: [10.1016/j.jaccpubpol.2006.03.004](https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2006.03.004)

Agus Harjoto, M., & Salas, J. (2017). Strategic and institutional sustainability: Corporate social responsibility, brand value, and Interbrand listing. *Journal of Product & Brand Management*, 26(6), 545-558. doi: [10.1108/JPBM-07-2016-1277](https://doi.org/10.1108/JPBM-07-2016-1277)

Al-Shammari, M., Rasheed, A., & Al-Shammari, H. A. (2019). CEO narcissism and corporate social responsibility: does CEO narcissism affect CSR focus?. *Journal of Business Research*, 104, 106-117. doi: [10.1016/j.jbusres.2019.07.005](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.07.005)

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5*. American psychiatric association.

Antonetti, P., & Maklan, S. (2016). An extended model of moral outrage at corporate social irresponsibility. *Journal of Business Ethics*, 135, 429-444. doi: [10.1007/s10551-014-2487-y](https://doi.org/10.1007/s10551-014-2487-y)

Antonetti, P., & Maklan, S. (2016). Social identification and corporate irresponsibility: a model of stakeholder punitive intentions. *British journal of management*, 27(3), 583-605. doi: [10.1111/1467-8551.12168](https://doi.org/10.1111/1467-8551.12168)

Ashton, M. C., & Lee, K. (2016). Age trends in HEXACO-PI-R self-reports. *Journal of Research in Personality*, 64, 102-111. doi: [10.1016/j.jrp.2016.08.008](https://doi.org/10.1016/j.jrp.2016.08.008)

Badavar Nahandi, Y., & Farnoud Ahmadi, M. (2023). The linear and non-linear relationship between CEO narcissism and corporate social activity considering the moderating role of ownership of institutional investors. *Financial and Behavioral Researches in Accounting*, 1(3), 17-36. doi: [10.30486/fbra.2023.1984413.1191](https://doi.org/10.30486/fbra.2023.1984413.1191)

Barnea, A., & Rubin, A. (2010). Corporate social responsibility as a conflict between shareholders. *Journal of business ethics*, 97, 71-86. doi: [10.1007/s10551-010-0496-z](https://doi.org/10.1007/s10551-010-0496-z)

Björkman, I., Fey, C. F., & Park, H. J. (2007). Institutional theory and MNC subsidiary HRM practices: Evidence from a three-country study. *Journal of international Business Studies*, 38, 430-446. doi: [10.1057/palgrave.jibs.8400267](https://doi.org/10.1057/palgrave.jibs.8400267)

Boiral, O. (2007). Corporate greening through ISO 14001: a rational myth?. *organization science*, 18(1), 127-146. doi: [10.1287/orsc.1060.0224](https://doi.org/10.1287/orsc.1060.0224)

Boone, C., Buyl, T., Declerck, C. H., & Sajko, M. (2022). A neuroscience-based model of why and when CEO social values affect investments in corporate social responsibility. *The Leadership Quarterly*, 33(3), 101386. doi: [10.1016/j.leaqua.2020.101386](https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2020.101386)

Bouslah, K., Liñares-Zegarra, J., M'Zali, B., & Scholtens, B. (2018). CEO risk-taking incentives and socially irresponsible activities. *The British Accounting Review*, 50(1), 76-92. doi: [10.1016/j.bar.2017.05.004](https://doi.org/10.1016/j.bar.2017.05.004)

Breuer, W., Hass, M., & Rosenbach, D. J. (2022). The impact of CEO power and institutional discretion on CSR investment. *Review of Financial Economics*, 40(1), 20-43. doi: [10.1002/rfe.1131](https://doi.org/10.1002/rfe.1131)

Buchholz, F., Lopatta, K., & Maas, K. (2020). The deliberate engagement of narcissistic CEOs in earnings management. *Journal of Business Ethics*, 167, 663-686. doi: [10.1007/s10551-019-04176-x](https://doi.org/10.1007/s10551-019-04176-x)

- Burke, J. J. (2022). Do boards take environmental, social, and governance issues seriously? Evidence from media coverage and CEO dismissals. *Journal of Business Ethics*, 1-25. doi: [10.1007/s10551-020-04715-x](https://doi.org/10.1007/s10551-020-04715-x)
- Carberry, E. J., Engelen, P. J., & Van Essen, M. (2018). Which firms get punished for unethical behavior? Explaining variation in stock market reactions to corporate misconduct. *Business ethics quarterly*, 28(2), 119-151. doi: [10.1017/beq.2017.46](https://doi.org/10.1017/beq.2017.46)
- Chandler, G. N., Honig, B., & Wiklund, J. (2005). Antecedents, moderators, and performance consequences of membership change in new venture teams. *Journal of Business Venturing*, 20(5), 705-725. doi: [10.1016/j.jbusvent.2004.09.001](https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2004.09.001)
- Chen, H., Zeng, S., Lin, H., & Ma, H. (2017). Munificence, dynamism, and complexity: How industry context drives corporate sustainability. *Business Strategy and the Environment*, 26(2), 125-141. doi: [10.1002/bse.1902](https://doi.org/10.1002/bse.1902)
- Chiu, S. C., & Sharfman, M. (2018). Corporate social irresponsibility and executive succession: An empirical examination. *Journal of Business Ethics*, 149, 707-723. doi: [10.1007/s10551-016-3089-7](https://doi.org/10.1007/s10551-016-3089-7)
- Cho, C. H., & Patten, D. M. (2007). The role of environmental disclosures as tools of legitimacy: A research note. *Accounting, organizations and society*, 32(7-8), 639-647. doi: [10.1016/j.aos.2006.09.009](https://doi.org/10.1016/j.aos.2006.09.009)
- Crace, L., & Gehman, J. (2023). What really explains ESG performance? Disentangling the asymmetrical drivers of the triple bottom line. *Organization & Environment*, 36(1), 150-178. doi: [10.1177/10860266221079408](https://doi.org/10.1177/10860266221079408).
- Cragun, O. R., Olsen, K. J., & Wright, P. M. (2020). Making CEO narcissism research great: A review and meta-analysis of CEO narcissism. *Journal of Management*, 46(6), 908-936. doi: [10.1177/0149206319892678](https://doi.org/10.1177/0149206319892678)
- Dabbebi, A., Lassoued, N., & Khanchel, I. (2022). Peering through the smokescreen: ESG disclosure and CEO personality. *Managerial and Decision Economics*, 43(7), 3147-3164. doi: [10.1002/mde.3587](https://doi.org/10.1002/mde.3587)
- Datta, D. K., Guthrie, J. P., & Wright, P. M. (2005). Human resource management and labor productivity: does industry matter?. *Academy of management Journal*, 48(1), 135-145. doi: [10.5465/amj.2005.15993158](https://doi.org/10.5465/amj.2005.15993158)
- Dess, G. G., & Beard, D. W. (1984). Dimensions of organizational task environments. *Administrative science quarterly*, 52-73. doi: [10.2307/2393080](https://doi.org/10.2307/2393080)
- Endrikat, J., Guenther, E., & Hoppe, H. (2014). Making sense of conflicting empirical findings: A meta-analytic review of the relationship between corporate environmental and financial performance. *European Management Journal*, 32(5), 735-751. doi: [10.1016/j.emj.2013.12.004](https://doi.org/10.1016/j.emj.2013.12.004)
- Esmailikia, G. & Fathinia, H. (2025). Investigating the Impact of environmental, social, and governance performance on financial and non-financial performance of companies: The moderating role of structural management characteristics. *Accounting and Auditing Review*, 32(1), 1-29. doi: [10.22059/acctgrev.2024.380998.1008999](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2024.380998.1008999) [In Persian]
- Frederick, W. C. (2006). *Corporation, be good!: the story of corporate social responsibility*. Dog Ear Publishing. [https://books.google.com/books/about/Corporation\\_be\\_Good.html?id=Ct\\_cmD93PUC](https://books.google.com/books/about/Corporation_be_Good.html?id=Ct_cmD93PUC)
- Galbreath, J. (2013). ESG in focus: The Australian evidence. *Journal of business ethics*, 118, 529-541. doi: [10.1007/s10551-012-1607-9](https://doi.org/10.1007/s10551-012-1607-9)
- Gallego-Álvarez, I., & Pucheta-Martínez, M. C. (2022). Board competences and CSR reporting: the moderating role of CEO power. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*, 25(2), 282-301. doi: [10.6018/rcsar.431221](https://doi.org/10.6018/rcsar.431221)
- García-de los Salmones, M. D., Herrero, A., & Martínez, P. (2021). Determinants of electronic word-of-mouth on social networking sites about negative news on CSR. *Journal of Business Ethics*, 171(3), 583-597. doi: [10.1007/s10551-020-04466-9](https://doi.org/10.1007/s10551-020-04466-9)

- Gillan, S. L., Koch, A., & Starks, L. T. (2021). Firms and social responsibility: A review of ESG and CSR research in corporate finance. *Journal of Corporate Finance*, 66, 101889. doi: [10.1016/j.jcorpfin.2021.101889](https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2021.101889)
- Girod, S. J., & Whittington, R. (2017). Reconfiguration, restructuring and firm performance: Dynamic capabilities and environmental dynamism. *Strategic management journal*, 38(5), 1121-1133. doi: [10.1002/smj.2543](https://doi.org/10.1002/smj.2543)
- Gupta, S., Montenov, L., Nguyen, T., Lozano-Rojas, F., Schmutte, I., Simon, K., ... & Wing, C. (2023). Effects of social distancing policy on labor market outcomes. *Contemporary economic policy*, 41(1), 166-193. doi: [10.1111/coep.12582](https://doi.org/10.1111/coep.12582)
- Haberstroh, K., Orth, U. R., Hoffmann, S., & Brunk, B. (2017). Consumer response to unethical corporate behavior: A re-examination and extension of the moral decoupling model. *Journal of Business Ethics*, 140, 161-173. doi: [10.1007/s10551-015-2661-x](https://doi.org/10.1007/s10551-015-2661-x)
- He, F., Du, H., & Yu, B. (2022). Corporate ESG performance and manager misconduct: Evidence from China. *International Review of Financial Analysis*, 82, 102201. doi: [10.1016/j.irfa.2022.102201](https://doi.org/10.1016/j.irfa.2022.102201)
- Javeed, S. A., Latief, R., Jiang, T., San Ong, T., & Tang, Y. (2021). How environmental regulations and corporate social responsibility affect the firm innovation with the moderating role of Chief executive officer (CEO) power and ownership concentration?. *Journal of Cleaner Production*, 308, 127212. doi: [10.1016/j.jclepro.2021.127212](https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.127212)
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American Economic Review*, 76(2), 323-329. <https://www.jstor.org/stable/1818789>
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360. doi: [10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
- Jia, Y., Gao, X., & Julian, S. (2020). Do firms use corporate social responsibility to insure against stock price risk? Evidence from a natural experiment. *Strategic Management Journal*, 41(2), 290-307. doi: [10.1002/smj.3107](https://doi.org/10.1002/smj.3107)
- Judge, T. A., LePine, J. A., & Rich, B. L. (2006). Loving yourself abundantly: relationship of the narcissistic personality to self-and other perceptions of workplace deviance, leadership, and task and contextual performance. *Journal of Applied Psychology*, 91(4), 762. doi: [10.1037/0021-9010.91.4.762](https://doi.org/10.1037/0021-9010.91.4.762)
- Keats, B. W., & Hitt, M. A. (1988). A causal model of linkages among environmental dimensions, macro organizational characteristics, and performance. *Academy of management journal*, 31(3), 570-598. doi: [10.5465/256460](https://doi.org/10.5465/256460)
- Kind, F. L., Zeppenfeld, J., & Lueg, R. (2023). The impact of chief executive officer narcissism on environmental, social, and governance reporting. *Business Strategy and the Environment*, 32(7), 4448-4466. doi: [10.1002/bse.3375](https://doi.org/10.1002/bse.3375)
- Kölbel, J. F., Busch, T., & Jancso, L. M. (2017). How media coverage of corporate social irresponsibility increases financial risk. *Strategic Management Journal*, 38(11), 2266-2284. doi: [10.1002/smj.2647](https://doi.org/10.1002/smj.2647)
- Larrañeta, B., Zahra, S. A., & Galán González, J. L. (2014). Strategic repertoire variety and new venture growth: The moderating effects of origin and industry dynamism. *Strategic Management Journal*, 35(5), 761-772. doi: [10.1002/smj.2103](https://doi.org/10.1002/smj.2103)
- Lavie, N. (2005). Distracted and confused?: Selective attention under load. *Trends in cognitive sciences*, 9(2), 75-82. doi: [10.1016/j.tics.2004.12.004](https://doi.org/10.1016/j.tics.2004.12.004)
- Lee, S. P. (2021). Environmental responsibility, CEO power and financial performance in the energy sector. *Review of Managerial Science*, 15(8), 2407-2426. doi: [10.1007/s11846-020-00430-z](https://doi.org/10.1007/s11846-020-00430-z)



- Li, G., Huang, Y., Peng, L., You, J., & Meng, A. (2024). Agricultural carbon reduction in China: The synergy effect of trade and technology on sustainable development. *Environmental Research*, 252, 119025. doi: [10.1016/j.envres.2024.119025](https://doi.org/10.1016/j.envres.2024.119025)
- Li, Y., Gong, M., Zhang, X. Y., & Koh, L. (2018). The impact of environmental, social, and governance disclosure on firm value: The role of CEO power. *The British accounting review*, 50(1), 60-75. doi: [10.1016/j.bar.2017.09.007](https://doi.org/10.1016/j.bar.2017.09.007)
- Lim, M. H., & Chung, J. Y. (2021). The effects of female chief executive officers on corporate social responsibility. *Managerial and Decision Economics*, 42(5), 1235-1247. doi: [10.1002/mde.3304](https://doi.org/10.1002/mde.3304)
- Lindenmeier, J., Schleer, C., & Pricl, D. (2012). Consumer outrage: Emotional reactions to unethical corporate behavior. *Journal of Business Research*, 65(9), 1364-1373. doi: [10.1016/j.jbusres.2011.09.022](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2011.09.022)
- Lubit, R. (2002). The long-term organizational impact of destructively narcissistic managers. *Academy of management perspectives*, 16(1), 127-138. doi: [10.5465/AME.2002.6640218](https://doi.org/10.5465/AME.2002.6640218)
- Lueg, K., Krastev, B., & Lueg, R. (2019). Bidirectional effects between organizational sustainability disclosure and risk. *Journal of Cleaner Production*, 229, 268-277. doi: [10.1016/j.jclepro.2019.04.379](https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.04.379)
- Maranjory, M., & Alikhani, R. (2020). The moderating role of manager's narcissism on the relationship between environmental uncertainty and CSR. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(35), 263-272. [https://www.jmaak.ir/article\\_16701.html](https://www.jmaak.ir/article_16701.html)
- March, J. G. (1982). Theories of choice and making decisions. *Society*, 20(1), 29-39. doi: [10.1007/BF02694989](https://doi.org/10.1007/BF02694989)
- Marquez-Illescas, G., Zebedee, A. A., & Zhou, L. (2019). Hear me write: does CEO narcissism affect disclosure?. *Journal of business ethics*, 159, 401-417. doi: [10.1007/s10551-018-3796-3](https://doi.org/10.1007/s10551-018-3796-3)
- Martínez-Ferrero, J., & García-Meca, E. (2020). Internal corporate governance strength as a mechanism for achieving sustainable development goals. *Sustainable Development*, 28(5), 1189-1198. doi: [10.1002/sd.2068](https://doi.org/10.1002/sd.2068)
- Moffitt, J. S., Patin, J. C. A., & Watson, L. (2024). Corporate environmental, social, and governance (ESG) performance and the internal control environment. *Accounting Horizons*, 38(3), 103-124. doi: [10.2308/HORIZONS-2020-172](https://doi.org/10.2308/HORIZONS-2020-172)
- Namazi, M., Dehghani Saad, A., & Ghoohestani, S. (2017). CEO Narcissism and Business Strategy. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6(22), 37-52. [https://www.jmaak.ir/article\\_10800.html?lang=en](https://www.jmaak.ir/article_10800.html?lang=en) [In Persian]
- Neville, F., Byron, K., Post, C., & Ward, A. (2019). Board independence and corporate misconduct: A cross-national meta-analysis. *Journal of Management*, 45(6), 2538-2569. doi: [1177/0149206318801999](https://doi.org/10.1177/0149206318801999)
- Nie, X., Yu, M., Zhai, Y., & Lin, H. (2022). Explorative and exploitative innovation: A perspective on CEO humility, narcissism, and market dynamism. *Journal of Business Research*, 147, 71-81. doi: [10.1016/j.jbusres.2022.03.061](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2022.03.061)
- Petrenko, O. V., Aime, F., Ridge, J., & Hill, A. (2016). Corporate social responsibility or CEO narcissism? CSR motivations and organizational performance. *Strategic management journal*, 37(2), 262-279. doi: [10.1002/smj.2348](https://doi.org/10.1002/smj.2348)
- Rafique, A., & Noor, A. (2024). ESG Disclosure and Firm Performance: A Personality Perspective of CEO Narcissism?. *Abasyn University Journal of Social Sciences*, 17(1). doi: [10.34091/AJSS.17.1.06](https://doi.org/10.34091/AJSS.17.1.06)
- Raskin, R. N., & Hall, C. S. (1979). A narcissistic personality inventory. *Psychological reports*, 45(2), 590-590. doi: [10.2466/pr0.1979.45.2.590](https://doi.org/10.2466/pr0.1979.45.2.590)
- Razavi, M., Hajiannejad, A. & Amiri, H. (2024). The relationship between environmental, social and governance (ESG) performance and emotional behavior of investors in the presence of information

- asymmetry. *Journal of Accounting Knowledge*, (In Press). doi: [10.22103/jak.2024.23751.4078](https://doi.org/10.22103/jak.2024.23751.4078) [In Persian]
- Rodgers, W., Söderbom, A., & Guiral, A. (2015). Corporate social responsibility enhanced control systems reducing the likelihood of fraud. *Journal of Business Ethics*, *131*, 871-882. doi: [10.1007/s10551-014-2152-5](https://doi.org/10.1007/s10551-014-2152-5)
- Romani, S., Grappi, S., & Bagozzi, R. P. (2013). My anger is your gain, my contempt your loss: Explaining consumer responses to corporate wrongdoing. *Psychology & Marketing*, *30*(12), 1029-1042. doi: [10.1002/mar.20664](https://doi.org/10.1002/mar.20664)
- Rothenberg, S., & Zyglidopoulos, S. C. (2007). Determinants of environmental innovation adoption in the printing industry: the importance of task environment. *Business Strategy and the Environment*, *16*(1), 39-49. doi: [10.1002/bse.441](https://doi.org/10.1002/bse.441)
- Rovelli, P., & Curnis, C. (2021). The perks of narcissism: Behaving like a star speeds up career advancement to the CEO position. *The Leadership Quarterly*, *32*(3), 101489. doi: [10.1016/j.leaqua.2020.101489](https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2020.101489)
- Sah, R. K., & Stiglitz, J. E. (1984). The architecture of economic systems: Hierarchies and polyarchies. *National Bureau of Economic Research*, *76*(4), 716-727. doi: [10.3386/w1334](https://doi.org/10.3386/w1334)
- Shahab, Y., Gull, A. A., Ahsan, T., & Mushtaq, R. (2022). CEO power and corporate social responsibility decoupling. *Applied Economics Letters*, *29*(21), 1965-1969. doi: [10.1080/13504851.2021.1966368](https://doi.org/10.1080/13504851.2021.1966368)
- Sheikh, S. (2022). CEO power and the likelihood of paying dividends: Effect of profitability and cash flow volatility. *Journal of Corporate Finance*, *73*, 102186. doi: [10.1016/j.jcorpfin.2022.102186](https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2022.102186)
- Taheri, M., & Mohammadi, M. (2022). Investigating the relationship between CEO narcissism and social responsibility: The moderating role of internal audit. *Professional Auditing Research*, *3*(9), 72-90. doi: [10.22034/jpar.2022.1971452.1119](https://doi.org/10.22034/jpar.2022.1971452.1119) [In Persian]
- Tang, Y., Qian, C., Chen, G., & Shen, R. (2015). How CEO hubris affects corporate social (ir) responsibility. *Strategic Management Journal*, *36*(9), 1338-1357. doi: [10.1002/smj.2286](https://doi.org/10.1002/smj.2286)
- Uppal, N. (2020). CEO narcissism, CEO duality, TMT agreeableness and firm performance: An empirical investigation in auto industry in India. *European Business Review*, *32*(4), 573-590. doi: [10.1108/EBR-06-2019-0121](https://doi.org/10.1108/EBR-06-2019-0121)
- Van Scotter, J. R., & Roglio, K. D. D. (2020). CEO bright and dark personality: Effects on ethical misconduct. *Journal of Business Ethics*, *164*, 451-475. doi: [10.1007/s10551-018-4061-5](https://doi.org/10.1007/s10551-018-4061-5)
- Wang, K., Chen, X., & Wang, C. (2023). The impact of sustainable development planning in resource-based cities on corporate ESG—Evidence from China. *Energy Economics*, *127*, 107087. doi: [10.1016/j.eneco.2023.107087](https://doi.org/10.1016/j.eneco.2023.107087)
- Zhang, L., Ren, S., Chen, X., Li, D., & Yin, D. (2020). CEO hubris and firm pollution: State and market contingencies in a transitional economy. *Journal of Business Ethics*, *161*, 459-478. doi: [10.1007/s10551-018-3987-y](https://doi.org/10.1007/s10551-018-3987-y)

## Identifying and ranking key factors affecting the provision of financial services

Reza Shamgani<sup>1</sup>, Bahareh Banitalebi Dehkordi<sup>2,✉</sup>

1. Department of Accounting, Shah.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2. Energy and environment research center, Sha.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p><b>Received:</b> 29 March 2025 <b>Revised:</b> 25 July 2025 <b>Accepted:</b> 28 July 2025</p> <p><b>Keywords:</b> Financial services, Meta-Synthesis, Shannon Entropy</p> <p><b>JEL Classification:</b> G20, M15, O33</p>	<p><b>Purpose:</b> The main objective of this research is to present a conceptual model for identifying and ranking key factors affecting financial services.</p> <p><b>Methodology:</b> This research is inductive in approach and mixed in methodology using the meta-synthesis and Shannon entropy analysis approach. The data collection method is field and library, and it is survey in strategy and descriptive in purpose. In the qualitative phase, using the seven-step model of Sandelowski &amp; Barso (2007), domestic and foreign studies between 2013 and 2024 were reviewed and analyzed, and through interviews with 12 experts, the extracted questionnaire was evaluated and analyzed until finally the effective components in the conceptual model were identified and extracted. In the quantitative phase, the identified factors were ranked using the Shannon entropy method</p> <p><b>Findings:</b> The findings showed that the conceptual model of financial services includes six main dimensions and 39 criteria, the most important of which are integration and interoperability, customer experience and service personalization, and financial access and inclusion. These factors have good validity and reliability.</p> <p><b>Originality:</b> This study, by identifying the main components of the model, including financial access and inclusion, speed and efficiency of services, security and risk management, customer experience and service personalization, integration and interoperability, innovation and development of financial products, has explained financial services in the Iranian market from a knowledge perspective, which can help policymakers and managers in improving the efficiency of financial services and increasing customer satisfaction.</p>

**Cite this paper:** Shamgani, R., & Banitalebi Dehkordi, B. (2025). Identifying and ranking key factors affecting the provision of financial services. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(2), 126–155. https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1202890 [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: banitalebi57@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## Introduction

In recent decades, financial services have been recognized as one of the most vital infrastructures for the economic and social development of countries. The quality, accessibility, and efficiency of these services play a key role in improving public welfare, enhancing public trust in financial systems, and promoting macroeconomic indicators. However, in many developing countries, including Iran, there are still serious challenges in delivering financial services—such as limited coverage in rural areas, lack of coordination between financial institutions, insufficient service personalization, and weak data security frameworks.

According to the World Bank (Demirgüç-Kunt *et al.*, 2022), while the average global financial service coverage for adults exceeds 90%, in Iran, this figure stands at approximately 65%. Furthermore, the contribution of financial services to Iran's GDP in 2023 was reported at 7.8%, which is lower than the global average of 9.5%. These figures highlight a substantial opportunity for improving the quality and inclusiveness of financial services.

Despite partial progress, inefficiencies such as long waiting times, low transparency, poor service quality, and the absence of a comprehensive, localized conceptual model hinder the adaptation of financial services to the diverse and evolving needs of customers. Therefore, the aim of this study is to identify and rank the key factors affecting the provision of financial services in Iran using a meta-synthesis approach combined with Shannon entropy analysis.

Theoretical foundations for this study are rooted in concepts such as servitization, digital financial services, service-dominant logic, and financial ecosystems. Prior theories by Tian (2022), and Castka *et al.* (2024) emphasize the synergy between technology, customer experience, and

institutional collaboration. Despite existing research, few studies have proposed a comprehensive and contextually relevant framework tailored to Iran's financial service market.

## Methodology

This study is categorized as fundamental-applied in terms of purpose and adopts an exploratory mixed-methods approach with a qualitative emphasis. In the qualitative phase, a meta-synthesis methodology (Sandelowski & Barroso's seven-step model, 2007) was used to analyze 410 articles (365 international, 45 domestic). After rigorous screening based on relevance and quality using CASP criteria, 57 articles (47 English, 10 Persian) were selected.

In parallel, interviews were conducted with 12 domain experts (financial auditors, professors, and professional accountants). Thematic coding (open and axial) was performed to extract effective components. Instrument validity was confirmed using CASP (mean score: 39.78), and reliability was validated using Cohen's Kappa ( $\alpha > 0.6$ ), ensuring inter-rater agreement.

In the quantitative phase, Shannon entropy was used to calculate the weights and rank the extracted factors, in accordance with the research of Hsu *et al.* (2012). A decision matrix was constructed from expert evaluations, normalized, and processed using the entropy formula:

$$W_i = \frac{E_j^{-1}}{\sum_{j=1}^n E_j^{-1}}$$

Where ( $W_i$ ) represents the weight of criterion(j), ( $E_j^{-1}$ ) is the inverse entropy of criterion(j), and ( $\sum_{j=1}^n E_j^{-1}$ ) is the inverse sum of entropies of all criteria.

## Results

The conceptual model developed in this study includes 6 main dimensions and 39 sub-criteria. The main factors are:

1. Integration and Interoperability (C5)
2. Customer Experience and Service Personalization (C4)

3. Financial Access and Inclusion (C1)
4. Innovation and Development of Financial Products (C6)
5. Speed and Service Efficiency (C2)
6. Security and Risk Management (C3)

Using Shannon entropy, Integration and Interoperability ranked first (weight = 0.2330). Key sub-factors included establishing shared financial ecosystems, data exchange facilitation, and inter-institutional coordination.

Customer Experience and Service Personalization ranked second (0.1980), emphasizing data-driven personalization, improved customer interaction, and loyalty programs.

Further findings include:

- For Financial Access and Inclusion, the most critical sub-factors were expansion of digital services and competitive service enhancement.
- For Innovation, investment in emerging technologies and developing digital service models were paramount.
- For Speed and Efficiency, real-time response systems and process automation had the highest weights.
- For Security and Risk, transaction transparency and cybersecurity standards were most impactful.

Overall, these findings demonstrate that the integration of systems and personalized experiences are foundational to enhancing service delivery and customer satisfaction.

## Conclusions

This study aimed to identify and rank key factors influencing financial service delivery in Iran through a mixed-methods approach. The qualitative phase identified six core dimensions and 39 criteria using meta-synthesis, while the quantitative phase ranked them using Shannon entropy.

The results indicate that Integration and Interoperability is the most influential dimension, highlighting the need for shared

financial ecosystems and enhanced collaboration between banks and fintechs (Castka *et al.*, 2024). Customer Experience and Personalization followed, aligning with service-dominant logic that emphasizes co-creation of value (Thakur, 2020). Financial Inclusion was ranked third, pointing to the urgent need to expand services in underserved regions (Demirgüç-Kunt *et al.*, 2022).

The study further underscores the importance of digital innovation (e.g., AI, blockchain), infrastructure improvement, and robust cybersecurity frameworks. These findings align with previous studies (e.g., Faramarzi *et al.*, 2023) and provide valuable guidance for policymakers, regulators, fintech developers, and financial service managers aiming to improve service quality, efficiency, and equity.

This conceptual model offers a localized yet comprehensive framework to support evidence-based planning and development in the Iranian financial services sector, bridging the gap between customer needs and institutional capabilities.

## Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

## Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

## Acknowledgements

The authors would like to thank all participants in the present study.

## Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

## Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

## Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



## شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی

رضا شمگانی<sup>۱</sup>، بهاره بنی طالبی دهکردی<sup>۲</sup>

۱. گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. مرکز تحقیقات انرژی و محیط زیست، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>هدف:</b> هدف اصلی این پژوهش، ارائه مدلی مفهومی برای شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی اثرگذار بر خدمات مالی است.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> این پژوهش از لحاظ رویکرد، استقرایی و از لحاظ روش شناسی آمیخته با استفاده از رویکرد فراترکیب و تحلیل آنتروپی شانون است. شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و کتابخانه‌ای است و از نظر راهبرد، پیمایشی و از لحاظ هدف، توصیفی می‌باشد. در فاز کیفی، با بهره‌گیری از مدل هفت مرحله‌ای سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)، مطالعات داخلی و خارجی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ بررسی و تحلیل شدند و از طریق مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان، پرسشنامه استخراج شده مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا در نهایت مولفه‌های مؤثر در مدل مفهومی شناسایی و استخراج شد. در فاز کمی نیز، عوامل شناسایی شده با روش آنتروپی شانون رتبه‌بندی شدند.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌ها نشان داد که مدل مفهومی خدمات مالی شامل شش بعد اصلی و ۳۹ معیار است که مهم‌ترین آن‌ها شامل یکپارچگی و تعامل‌پذیری، تجربه مشتری و شخصی‌سازی خدمات و دسترسی و شمول مالی هستند. این عوامل از روایی و پایایی مناسبی برخوردارند.</p> <p><b>دانش‌افزایی:</b> این پژوهش با شناسایی مولفه‌های اصلی مدل شامل دسترسی و شمول مالی، سرعت و کارایی خدمات، امنیت و مدیریت ریسک، تجربه مشتری و شخصی‌سازی خدمات، یکپارچگی و تعامل‌پذیری، نوآوری و توسعه محصولات مالی از منظر دانشی به تبیین خدمات مالی در بازار ایران پرداخته است که می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران در بهبود کارایی خدمات مالی و افزایش رضایت مشتریان کمک کند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶</p> <p>کلیدواژه‌ها: آنتروپی شانون، خدمات مالی، فراترکیب</p> <p>طبقه‌بندی موضوعی: G20, M15, O33</p>
<p>استناد: شمگانی، رضا، و بنی طالبی دهکردی، بهاره (۱۴۰۴). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۳(۲)، ۱۲۶-۱۵۵. <a href="https://doi.org/10.71965/aft.2025.1202890">https://doi.org/10.71965/aft.2025.1202890</a></p>	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: banitalebi57@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

## مقدمه

در جهان امروز، خدمات مالی به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته می‌شود. کیفیت، دسترسی و کارآمدی این خدمات نقش بسزایی در بهبود رفاه عمومی، رشد اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی به نظام مالی دارد. طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۲۳، دسترسی به خدمات مالی در کشورهای با درآمد بالا به طور متوسط ۹۰٪ جمعیت بزرگسال را پوشش می‌دهد، در حالی که این شاخص در ایران حدود ۶۵٪ برآورد شده است. همچنین سهم بخش مالی در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۲ حدود ۷/۸٪ گزارش شده که پایین‌تر از متوسط جهانی (حدود ۹/۵٪) است. این آمارها نشان می‌دهد که فرصت‌های قابل توجهی برای بهبود کیفیت و توسعه خدمات مالی در کشور وجود دارد. با وجود پیشرفت‌های نسبی، همچنان چالش‌هایی جدی در ارائه خدمات مالی متناسب با نیازهای واقعی بازار و مشتریان مشاهده می‌شود. ناکارآمدی در ارائه خدمات بانکی، به‌ویژه در زمینه زمان انتظار، شفافیت و کیفیت خدمات، یکی از مشکلات رایج است. علاوه بر این، درصد قابل توجهی از جمعیت در مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته به خدمات مالی استاندارد دسترسی ندارند. همچنین، با گسترش خدمات دیجیتال، نگرانی‌ها درباره امنیت تراکنش‌ها و حریم خصوصی کاربران افزایش یافته است. این چالش‌ها ناشی از نبود مدل‌های مفهومی جامع و بومی برای شناسایی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی خدمات مالی و نیز ضعف در انطباق خدمات با نیازهای پویا و متنوع مشتریان است (دمیرگوج-کانت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان داد که بیش از ۷۰٪ از مطالعات داخلی فاقد چارچوبی یکپارچه و بومی‌سازی شده هستند، و تنها ۳۰٪ آن‌ها به ارائه مدل‌های کاربردی پرداخته‌اند. در همین راستا، عواملی مانند یکپارچگی و تعامل‌پذیری سیستم‌ها، تجربه و رضایت مشتریان، شمول مالی، شخصی‌سازی خدمات، و امنیت اطلاعات از جمله مؤلفه‌هایی هستند که به صورت مستقیم می‌توانند به رفع این چالش‌ها کمک کنند: بهبود یکپارچگی سیستم‌ها و تعامل‌پذیری به کاهش ناکارآمدی خدمات بانکی و زمان انتظار کمک می‌کند؛ تقویت شمول مالی و دسترسی، امکان ارائه خدمات به مناطق روستایی را فراهم می‌سازد؛ و تمرکز بر امنیت و اعتمادسازی، نگرانی‌ها درباره خدمات دیجیتال را کاهش می‌دهد.

از این رو، هدف این پژوهش، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی در ایران با استفاده از روش فراترکیب و آنتروپی شانون و ارائه الگویی جامع برای بهبود عملکرد نهادهای مالی است. نتایج این مطالعه می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در حوزه خدمات مالی و همچنین راهنمایی برای تحقیقات آینده در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

## تبیین مفهوم خدمات‌دهی و کارکردهای آن

اصطلاح خدمات‌دهی<sup>۲</sup> در اواخر دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد (راداتس<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹)، اغلب به عنوان گذار از منطق

<sup>۱</sup>. Demirgüç-Kunt

<sup>۲</sup>. Servitization

<sup>۳</sup>. Raddats

محصول به منطق خدمات تعریف می‌شود (کوالکوفسکی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)، که در آن مدل‌های کسب‌وکار یک شرکت تولیدکننده محصول می‌تواند از تولید محصول خالص و ارائه خدمات الحاقی تا قراردادهای خدماتی متنوع، راهکارهای یکپارچه سفارشی، فروش خدمات عملیاتی یا فروش خدمات مبتنی بر عملکرد تغییر کند (کوتاماکی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، در مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر خدمات‌دهی، تنظیم سیستم‌های محصول-خدمات می‌تواند بسیار متفاوت باشد، که نقش مهم نرم‌افزار را به عنوان یک مؤلفه کلیدی در نظر می‌گیرد (کوتاماکی و همکاران، ۲۰۲۰). یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود آنکه پژوهشگران بررسی‌هایی در مورد تأثیر خدمات‌دهی بر عملکرد انجام داده‌اند، اما به دلیل تعاریف مختلف عملکرد، به نتایج نامعین رسیده‌اند (بوستینزا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). از اینرو، پژوهشگران یک رابطه خطی یا رابطه غیرخطی بین خدمات‌دهی و رشد فروش یا عملکرد سود یا ارزش بازار با چندین عامل واسطه‌ای یا تعدیل‌کننده، پیشنهاد داده‌اند (کاستالی و ون لوی<sup>۴</sup>؛ ۲۰۱۳؛ کوتاماکی و همکاران، ۲۰۲۰). چرا که موفقیت استراتژی‌ها و مدل‌های کسب‌وکار مختلف معمولاً بر پایه ترکیب‌ها یا الگوها است، و این احتمالاً در مورد خدمات‌دهی پایدار هم درست است. بنابراین، تأثیر خدمات‌دهی بر عملکرد شرکت ممکن است غیرخطی یا غیرمستقیم از طریق تعامل با استراتژی‌های سازمانی دیگر و قابلیت‌های استراتژیک مرتبط با آن مانند تأکید بر پایداری باشد (کوتاماکی و همکاران، ۲۰۲۰).

### خدمات‌دهی دیجیتال

خدمات‌دهی دیجیتال به تغییر مدل کسب‌وکار یک شرکت از تمرکز بر محصول به تمرکز بر خدمات از طریق بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال از جمله اینترنت اشیاء، تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ، هوش مصنوعی و رایانش ابری اشاره دارد (گراندینتی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۰؛ پایولا<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۲؛ اسکلیار<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). اجرای خدمات‌دهی دیجیتال از طریق استفاده از این فناوری‌ها، یک موضوع برجسته در ادبیات پژوهش است. پایولا و همکاران (۲۰۲۲) بررسی کردند که چگونه شرکت‌های کوچک و متوسط موجود، با پشتیبانی اینترنت اشیاء، می‌توانند به همراه مدل کسب‌وکار موجود خود، در زمینه خدمات‌دهی دیجیتال تکامل یابند. اگرچه پذیرش فناوری‌های دیجیتال جنبه حیاتی فرآیند خدمات‌دهی دیجیتال است، اما کافی نیست؛ برای دستیابی به خدمات‌دهی لازم است تا شرکت‌ها توانایی‌های سطح شرکت را توسعه دهند تا بتوانند به‌طور مناسب از فناوری‌های دیجیتال برای ایجاد ارزش استفاده کنند (مارکون<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۲؛ مونش<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر وجود پیچیدگی در سهامداران می‌تواند به‌عنوان یک عامل اساسی، زمینه‌ساز خلق خدمات نوآورانه و هوشمند دیجیتال، در بازارهای مالی را فراهم سازد. در حقیقت وجود این فاکتور، نه تنها تضمینی برای راه‌اندازی و اجرای ابتکارات نوین در عرصه فناوری‌های دیجیتال در بازارهای مالی است، بلکه به عنوان عامل ارتباطی بالقوه و تنگاتنگ بین بازارهای مالی و سهامداران نیز مطرح می‌گردد (سلیمانان و

1. Kowalkowski

2. Kohtamäki

3. Bustinza

4. Kastalli & Van Looy

5. Grandinetti

6. Paiola

7. Sklyar

8. Marcon

9. Münch



همکاران، ۱۴۰۲).

همان طور که خدمات‌دهی دیجیتال به طور فزاینده‌ای به عنوان یک فرآیند داده محور شناخته شده است، پژوهشگران شروع به پیشنهاد قابلیت‌های دیجیتال در سطح شرکت کرده‌اند که از ارزش داده‌ها بهره‌برداری می‌کند، اما، بحث‌های موجود درباره قابلیت‌های دیجیتال داده محور هنوز به صورت پراکنده بوده و مورد مطالعه قرار نگرفته است. مطالعات قبلی عمدتاً خدمات را یکسان می‌دانند و بر روی این تمرکز دارند که چگونه خدمات به صورت کلی حمایت می‌شوند. به عنوان مثال، **دالنوگارا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۲)** متوجه شدند که خدمات دیجیتالی می‌تواند توسط یکپارچه‌سازی داده‌های نزدیک به زمان واقعی از اکوسیستم‌های خدمات حمایت شوند.

جدول ۱. روندهای جدید در خدمات‌دهی (فرامرزی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۳)

شرح	روند فرعی	روند اصلی
مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر خدمات، باعث ایجاد اختلالات در بازار و چالش برای مدل‌های محصول محور شرکت‌های بزرگ شده‌اند. یک تولیدکننده لوازم خانگی که از فروش لوازم خانگی به ارائه خدمات اشتراکی تعمیر و نگهداری لوازم‌خانگی منتقل شده است،	اختلال در بازار	
از مدل کسب‌وکار مبتنی بر محصول به مدل کسب‌وکار مبتنی بر خدمات گذاری، شرکت‌ها می‌توانند از مدل فروش یک باره به مدل درآمد دائمی گذاری کنند که می‌تواند به استحکام و رشد کسب‌وکار آن‌ها کمک کند.	مدل‌های کسب‌وکار درآمدی مکرر	نوآوری مدل کسب‌وکار
مدل کسب‌وکار جدید زمانی است که یک شرکت محصول را به عنوان یک خدمت ارائه می‌دهد، به جای فروش آن به صورت مستقیم. این می‌تواند به شرکت کمک کند تا درآمد بیشتری از مشتریان خود کسب کند و خدماتی انعطاف‌پذیر و قابل تنظیم‌تری ارائه دهد.	محصول به‌عنوان یک خدمت	
فرصت‌های زیادی برای شرکت‌ها وجود دارد تا خدماتی را که بر اساس به اشتراک‌گذاری یا اجاره منابع مانند اجاره خودرو یا اجاره تعطیلات است، ارائه دهند.	اقتصاد اشتراکی	
فناوری یکی از عوامل اصلی خدمات‌دهی است و فناوری‌های جدید به شرکت‌ها امکان ارائه خدماتی را می‌دهند که پیش از این ممکن نبود.	فناوری	فناوری‌ها و دیجیتالی شدن
دیجیتالی شدن به شرکت‌ها امکان ارائه خدمات و راه‌حل‌های هوشمندی را می‌دهد که به صورت دیجیتال ارائه می‌شوند و قبلاً این امکان وجود نداشت. این می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا به یک جمعیت گسترده‌تر دسترسی پیدا کنند و خدمات خود را به صورت کارآمدتری ارائه دهند.	دیجیتالی شدن	
به علاوه از تجربه شخصی شده و سفارشی، صرفه جویی در هزینه، راحتی و کاهش خطر محصول، مشتریان می‌توانند از کاربری به‌عنوان نوعی مالکیت جدید بهره‌مند شوند.	برای مشتریان	مزایای چند بعدی خدمات‌دهی
خدمات‌دهی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که به‌جای محدودیت به عمر محصول خاصی به‌طور مداوم خدمات خود را به‌روز رسانی و بهبود بخشند.	برای شرکت‌ها	
خدمات‌دهی می‌تواند به شرکت‌ها در کاهش تأثیرات زیست‌محیطی و ترویج پایداری کمک کند.	برای جوامع	

### خدمات‌رسانی و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط

مرور ادبیات نشان می‌دهد که شرکت‌های تولیدی که اجرای خدمات را شروع می‌کنند، باید مدل کسب‌وکار خود را

<sup>۱</sup>. Dalenogare

<sup>۲</sup>. Faramarzi

سازگار یا باز تنظیم کنند (آمبرویز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ باینز و همکاران، ۲۰۱۷). این باز تنظیمی ممکن است از طریق تغییرات در چندین اجزای مدل کسب‌وکار انجام شود. به عنوان مثال، باینز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) عوامل داخلی را که نقاط تغییر مهم در فرآیند خدمات‌دهی می‌باشند (مانند ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، قدرت و رهبری، جهت‌گیری‌های استراتژیک و ...) برجسته کرده‌اند. در این زمینه چندین مطالعه در طول سال‌ها ابعاد کسب‌وکار را برای پشتیبانی از خدمات‌دهی شناخته‌اند (آیالا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ فلیس و لکسوت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹) که از آن جمله می‌توان به چهار بعد کسب‌وکار که به توسعه یک استراتژی خدماتی مربوط می‌شود و از انتقال به مدل‌های کسب‌وکار خدمات محور پشتیبانی می‌کند و شامل ابعاد «جهت‌گیری استراتژیک»، «عوامل سازمانی»، «فرایندها» و «منابع و قابلیت‌ها» هستند، نام برد (آیالا و همکاران، ۲۰۱۹).

علاوه بر این در خصوص نظریه‌های کلیدی مرتبط با خدمات مالی نیز می‌توان به نظریه‌هایی همچون نظریه خدمات‌دهی اشاره نمود که بر یکپارچگی خدمات و محصولات برای خلق ارزش برای مشتریان تأکید دارد. در حوزه خدمات مالی، این نظریه به یکپارچگی سیستم‌های پرداخت، پلتفرم‌های دیجیتال، و خدمات بانکی اشاره دارد که می‌تواند تراکنش‌های مالی را سریع‌تر و کارآمدتر کند (وارگو و لاش<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). همچنین نظریه منطق خدمات محور بر ارزش‌آفرینی مشترک بین ارائه‌دهنده خدمات و مشتری تمرکز دارد و در خدمات مالی، این نظریه بر اهمیت تجربه مشتری، شخصی‌سازی خدمات، و استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای پاسخگویی به نیازهای مشتریان تأکید دارد. برای نمونه، پلتفرم‌های بانکداری دیجیتال که خدمات شخصی‌سازی شده ارائه می‌دهند، با این نظریه هم‌راستا هستند (تاکور<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). نظریه اکوسیستم‌های مالی نیز بر تعاملات پیچیده بین نهادهای مالی، فناوری‌ها، و مشتریان برای ارائه خدمات کارآمد تمرکز دارد. این نظریه بر نقش فناوری‌های نوین (مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی) و همکاری بین بازیگران مختلف (بانک‌ها، فین‌تک‌ها، و مشتریان) تأکید می‌کند. در بستر ایران، این نظریه به توضیح عواملی مانند دسترسی و شمول مالی، نوآوری در محصولات مالی، و یکپارچگی زیرساخت‌های دیجیتال کمک می‌کند. برای مثال، توسعه سیستم‌های پرداخت آنی و افزایش دسترسی مالی در مناطق محروم از طریق اکوسیستم‌های مالی تقویت می‌شود (کاستکا<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۴).

در ادبیات داخلی، چندین پژوهش به بررسی مؤلفه‌های کلیدی مؤثر بر کیفیت و توسعه خدمات مالی پرداخته‌اند. جلیل و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با تمرکز بر هماهنگ‌سازی زنجیره تأمین خدمات مالی، عواملی چون افزایش پوشش خدمات مالی دیجیتال در مناطق کمتر توسعه یافته، افزایش سرعت تبادل داده بین بانک‌ها و فین‌تک‌ها، ارائه اطلاعات دقیق مالی مشتریان، و ایجاد اکوسیستم مالی یکپارچه را شناسایی کردند. جعفری‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) نیز با بررسی سرمایه انسانی در صنعت خدمات، به نقش توسعه فناوری‌های پشتیبان نیروی انسانی، استفاده از دانش تخصصی کارکنان و بهبود دسترسی مشتریان به خدمات باکیفیت اشاره کردند. در همین راستا، مغنی و همکاران

1. Ambroise

2. Baines

3. Ayala

4. Fliess & Lexutt

5. Vargo & Lusch

6. Thakor

7. Castka

(۱۳۹۸) به بررسی تأثیر فناوری‌های مالی بر بهبود عملکرد خدمات مالی پرداختند و عواملی مانند بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، افزایش دسترسی افراد فاقد حساب بانکی، و استفاده از قراردادهای هوشمند برای خودکارسازی فرآیندهای مالی را شناسایی کردند. با وجود این مطالعات ارزشمند، تاکنون یک مدل مفهومی جامع و بومی که بتواند به صورت نظام‌مند به شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های کلیدی خدمات مالی در بازار ایران بپردازد، ارائه نشده است. جیا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای بر خدمات‌دهی دیجیتال در شرکت‌های دیجیتال، به بهینه‌سازی فرآیندهای سازمانی با استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، توسعه خدمات دیجیتال مبتنی بر نیاز مشتریان از طریق تحلیل کلان داده و بهبود تصمیم‌گیری در خدمات دیجیتال اشاره کردند. لی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۴) با بررسی خدمات‌دهی و تحول دیجیتال در صنایع ورزشی چین، ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال، مدل‌های اشتراکی، و اکوسیستم‌های باز برای همکاری با برندها و استارت‌آپ‌های فین‌تک را از عوامل کلیدی معرفی کردند. چاوز<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۴) با تمرکز بر صنعت حمل‌ونقل دریایی، به اهمیت افزایش دسترسی به خدمات دیجیتال از طریق پلتفرم‌های ابری، امنیت داده‌ها و اقتصاد چرخشی برای پایداری خدمات مالی اشاره کردند. همچنین، هیراتی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۴) معماری سازمانی مناسب برای خدمات‌دهی موفق را بررسی کردند و توسعه سیستم‌های پاسخگویی بلادرنگ و بهبود دسترسی به خدمات پس از فروش را از عوامل کلیدی دانستند. فرامرز<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر استراتژی خدمات بر عملکرد شرکت با یک فراتحلیل از ادبیات خدمات‌دهی پرداختند. تحقیق حاضر درک دقیقی از رابطه خدمات‌دهی - عملکرد شرکت ارائه می‌دهد. شواهد تجربی گسترده نشان می‌دهد خدمات‌دهی تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد. مجموعه وسیعی از تعدیل‌کننده‌های بالقوه مورد بررسی قرار گرفت که بر رابطه خدمات‌دهی - عملکرد تأثیر می‌گذارند تا ناهمگونی و گاهی اوقات ناسازگاری نتایج قبلی در مورد جهت‌گیری و قدرت رابطه را درک و توضیح دهند.

مینایا<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۳) نیز با بررسی خدمات‌دهی دیجیتال در اسپانیا، بر شخصی‌سازی خدمات با داده‌های رفتاری مشتریان و ادغام داده‌های مشتریان با خدمات هوشمند به منظور افزایش ارزش افزوده تمرکز کردند. در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهند که فناوری‌های دیجیتال، یکپارچگی داده‌ها، امنیت اطلاعات، طراحی پلتفرم‌های تعاملی و توسعه سرمایه انسانی از جمله عوامل کلیدی در بهبود کیفیت و توسعه خدمات مالی در محیط‌های نوین هستند.

### روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف این پژوهش، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی در ایران با استفاده از روش فراترکیب و آنتروپی شانون و ارائه الگویی جامع برای بهبود عملکرد نهادهای مالی می‌باشد، از نظر هدف، پژوهشی بنیادی - کاربردی است. روش پژوهش آمیخته از نوع اکتشافی با تأکید بر داده‌های کیفی است. در روش کیفی با استفاده از ابزار فراترکیب (متاستز) که شامل الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و بارسو می‌باشد به شناسایی، ارزیابی و تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌های اثرگذار بر خدمات مالی، سپس در روش کمی با استفاده از ابزار آنتروپی شانون به

<sup>۱</sup>. Jia

<sup>۲</sup>. Li

<sup>۳</sup>. Chávez

<sup>۴</sup>. Heirati

<sup>۵</sup>. Minaya

رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده پرداخته شده است. در این پژوهش از الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷) جهت دستیابی به الگوی ارائه خدمات استفاده می‌شود که شامل مراحل زیر می‌باشد:

**گام اول:** تنظیم سؤال‌های پژوهش، نخستین گام فراترکیب تنظیم پرسش‌های پژوهش است که در جدول ۲ ارائه شده است. سؤال‌های پژوهش به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱ - مؤلفه‌های کلیدی در ارائه خدمات مالی چیست؟

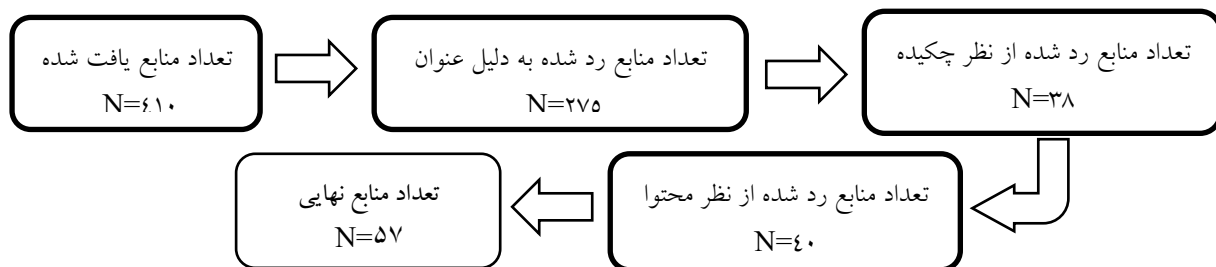
۲ - رتبه بندی عوامل مدل پیشنهادی چگونه است؟

**گام دوم:** جست‌وجوی نظام‌مند متون، در این مرحله پژوهشگر به جست‌جوی سامان‌مند مقالات منتشر شده در مجلات علمی مختلف و معتبر داخلی و خارجی و با استفاده از واژگان کلیدی مرتبط می‌پردازد. انتخاب واژه‌های کلیدی برای جست‌جو، ابتدا کلی و بعد جزئی‌تر می‌شود. به این منظور واژگان جدول زیر به صورت منفرد یا ترکیبی به فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت تعداد ۳۶۵ مقاله انگلیسی و ۴۵ مقاله فارسی یافت شد.

جدول ۲. واژگان منتخب برای جست‌جو در پایگاه‌های اطلاعاتی

فارسی	انگلیسی
خدمات مالی	Financial Services
الگوی خدمات	Services Model
استراتژی خدمات	Service strategy's
خدمات‌دهی	Servitization

**گام سوم:** جست‌جو و انتخاب متون مناسب: در این گام، پس از چندین بار مطالعه و پالایش مقالات علمی پژوهشی، پارامترهای مختلفی، مانند عنوان، چکیده، محتوا، جزئیات مقاله (نام نویسنده، سال و...)، در نظر گرفته شده و مقالاتی که با سؤال و هدف پژوهش تناسبی ندارد، حذف گردیده است. در این پژوهش ابتدا ۴۱۰ مقاله (۳۶۵ انگلیسی + ۴۵ فارسی) شناسایی شد. در غربالگری اولیه ۲۷۵ مقاله به دلیل نامرتب بودن عنوان حذف شدند، ۳۸ مقاله دیگر بعد از مطالعه چکیده کنار گذاشته شدند و ۴۰ مقاله هم پس از بررسی محتوایی حذف شدند. در نهایت ۵۷ مقاله (۱۰ فارسی + ۴۷ انگلیسی) برای تحلیل باقی ماند. زیرا این مقالات به دلیل کیفیت بالای روش‌شناختی، ارتباط مستقیم با موضوع، و پوشش گسترده عوامل خدمات مالی (مانند دسترسی، نوآوری، و امنیت) مناسب بودند. شکل ۱ فرآیند جست‌جو، پالایش و فیلتر و در نهایت انتخاب مقالات را نشان داده است.



شکل ۱. فرآیند و تعداد منابع بررسی شده در فراترکیب (منبع: یافته‌های پژوهشگر)

**گام چهارم:** استخراج اطلاعات متون، در فراترکیب پژوهشگر به طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی شده را به منظور دستیابی به یافته‌های درون، محتوای مجزایی که در آن‌ها مطالعات اصلی و اولیه انجام شده‌اند، چند بار مطالعه نموده است. به منظور دسته‌بندی اطلاعات مقالات می‌توان جدولی تهیه کرد که دارای ستون‌هایی شامل نویسندگان مقاله، سال انتشار و... باشد (دیانتی، ۱۳۹۸).

از سایت‌های مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پایگاه مجلات تخصصی نور، پایگاه اطلاعات علمی علم نت، پایگاه اطلاعات علمی ایران و سایت مجلات حسابداری تعداد ۴۵ عدد مقاله یافت شد که ۱۳ عدد به خاطر عنوان حذف شد و ۹ عدد با مطالعه چکیده حذف شد و ۱۳ عدد با مطالعه متن پژوهش حذف شد. ۱۰ منبع در نهایت برای شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر خدمات در نظر گرفته شد. علاوه بر این کدگذاری اولیه و نهایی نیز انجام گرفت. پس از بررسی سایت‌های مختلف انگلیسی از سایت الزویر، ساینس دایرکت، امرالد، پروکوئست، ریسرچ گیت، گوگل تعداد ۳۶۵ مقاله یافت شد که تعداد ۲۶۳ مقاله به خاطر عنوان و ۲۹ مقاله با مطالعه چکیده حذف شد و ۲۶ مقاله با مطالعه متن پژوهش حذف شد و در نهایت ۴۷ مقاله مورد تأیید قرار گرفت.

در جداول مربوطه برای تعیین روایی ابزارهای پژوهش که مقالات و متون مورد مطالعه‌اند از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی (CASP) استفاده می‌شود. با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی یا روش CASP با ۱۰ شرط کیفی هر مقاله به لحاظ کیفی مورد ارزیابی قرار گیرد. به هر یک از مقالات بر اساس هر یک از این شرایط، امتیازی بین ۱ تا ۵ تخصیص داده می‌شود. مقالاتی که مجموع امتیازات آن‌ها ۲۵ و بالاتر شود به لحاظ کیفی تأیید و باقی مقالات حذف خواهند شد. شرایط در نظر گرفته شده برای روش CASP در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱ - تناسب اهداف مقاله مورد بررسی با اهداف پژوهش ۲- به‌روز بودن پژوهشی مقاله مورد بررسی ۳- طرح مطرح شده در مقاله مورد بررسی ۴- روش نمونه‌گیری در مقاله مورد بررسی ۵- روش و کیفیت جمع‌آوری داده‌ها ۶- میزان انعکاس‌پذیری امکان بسط دادن نتایج و دستاوردها مقاله مورد بررسی ۷- میزان و نحوه رعایت نکات اخلاقی رایج در زمینه تدوین متون پژوهشی در مقاله مورد بررسی ۸- میزان دقت در زمینه تجزیه و تحلیل داده‌ها در مقاله مورد بررسی ۹- وضوح بیان در ارائه یافته‌های مقاله مورد بررسی ۱۰- ارزش کلی مقاله مورد بررسی، از آنجاکه ۱۰ ویژگی وجود دارد و حداکثر امتیاز هر ویژگی ۵ می‌باشد. بنابراین بیشترین نمره‌ای که هر مقاله بر اساس مقیاس CASP کسب می‌کند، ۵۰ می‌باشد. ساده‌ترین روش آن است که هر مقاله‌ای که پایین‌تر از ۲۵ امتیاز دارد حذف شود. روبریک برای این منظور پنج دسته را مطرح کرده است: ضعیف (۰ تا ۱۰) - متوسط (۱۱ تا ۲۰) - خوب (۲۱ تا ۳۰) - خیلی خوب (۳۱ تا ۴۰) - عالی (۴۰ تا ۵۰). میزان میانگین امتیاز CASP مربوط به ۱۰ عدد از مقالات فارسی ۳۹/۵۰ می‌باشد که نشان دهنده روایی ابزارهای پژوهش به صورت خیلی خوب (۳۱ تا ۴۰) است. امتیاز مقالات از ۳۰ تا ۴۹ متغیر بوده‌اند. به عبارتی کمترین امتیاز مقالات ۳۰ و بالاترین امتیاز ۴۹ بوده است.

جدول ۳. مؤلفه‌های خدمات مقالات همراه با کدگذاری اولیه، کدگذاری نهایی و امتیازبندی CASP

امتیاز CASP	کدگذاری نهایی (محوری)	کدگذاری اولیه (باز)	عوامل شناسایی شده	نویسنده (سال)	عنوان
۴۹	C1, C2, C4, C5, C6	C06, C14, C26, C29, C38	افزایش پوشش خدمات مالی دیجیتال در مناطق کمتر توسعه‌یافته، افزایش سرعت تبادل داده بین بانک‌ها، فین تک‌ها و سایر ارائه‌دهندگان خدمات مالی، ارائه اطلاعات دقیق و آنی درباره وضعیت مالی مشتریان، دسترسی بهتر مشتریان به خدمات با کیفیت، توسعه فناوری‌های پشتیبان نیروی انسانی برای افزایش سرعت در ارائه خدمات، ایجاد ساختار پرداخت عادلانه برای تمام کارکنان، افزایش تعامل کارکنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با نظام جبران خدمات، هماهنگی میان بخش‌های مالی، منابع انسانی و مدیریت برای اجرای یکپارچه نظام جبران خدمات	جلیل و همکاران (۱۴۰۰)	الگوی هماهنگ‌سازی زنجیره تأمین خدمات
۴۴	C1, C2, C3	C06, C12, C19	هم‌ترازی استراتژیک بین تأمین کنندگان و ارائه دهندگان خدمات، اتوماسیون و تحول دیجیتال در ارائه خدمات، افزایش دسترسی به خدمات مالی برای افراد فاقد حساب بانکی، بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، بانک‌ها و شرکت‌های مالی پس از ادغام، منابع بیشتری برای ارائه تسهیلات در اختیار دارند، استفاده از هوش مصنوعی و روبات‌های مشاور مالی برای ارائه خدمات سریع‌تر، بهبود نظارت بر تراکنش‌ها از طریق فناوری‌های پیشرفته نظارتی، امکان تعامل‌پذیری بانک‌ها و شرکت‌های فین تک برای ارائه خدمات گسترده‌تر، ایجاد سیستم‌های پرداخت آنی و جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین	جعفری نیا و همکاران (۱۴۰۰)	الگوی ماهیت شناختی سرمایه انسانی در صنعت خدمات
۳۶	C1, C5	C03, C07, C33	تصمیم‌گیری‌های مرتبط با نظام جبران خدمات، هماهنگی میان بخش‌های مالی، منابع انسانی و مدیریت برای اجرای یکپارچه نظام جبران خدمات	نوتی زهی و همکاران (۱۴۰۰)	طراحی الگوی نظام جبران خدمات کارکنان و مدیران شهرداری (مورد مطالعه: شهرداری زاهدان)
۳۰	C2, C4, C5	C33, C13, C24	هم‌ترازی استراتژیک بین تأمین کنندگان و ارائه دهندگان خدمات، اتوماسیون و تحول دیجیتال در ارائه خدمات، افزایش دسترسی به خدمات مالی برای افراد فاقد حساب بانکی، بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، بانک‌ها و شرکت‌های مالی پس از ادغام، منابع بیشتری برای ارائه تسهیلات در اختیار دارند، استفاده از هوش مصنوعی و روبات‌های مشاور مالی برای ارائه خدمات سریع‌تر، بهبود نظارت بر تراکنش‌ها از طریق فناوری‌های پیشرفته نظارتی، امکان تعامل‌پذیری بانک‌ها و شرکت‌های فین تک برای ارائه خدمات گسترده‌تر، ایجاد سیستم‌های پرداخت آنی و جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین	محقق نژاد و همکاران (۱۳۹۹)	الگوی عوامل مؤثر بر زنجیره تأمین خدمات بیمارستانی
۴۳	C1, C2, C3, C4	C06, C12, C20, C22, C15, C09	افزایش دسترسی به خدمات مالی برای افراد فاقد حساب بانکی، بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، بانک‌ها و شرکت‌های مالی پس از ادغام، منابع بیشتری برای ارائه تسهیلات در اختیار دارند، استفاده از هوش مصنوعی و روبات‌های مشاور مالی برای ارائه خدمات سریع‌تر، بهبود نظارت بر تراکنش‌ها از طریق فناوری‌های پیشرفته نظارتی، امکان تعامل‌پذیری بانک‌ها و شرکت‌های فین تک برای ارائه خدمات گسترده‌تر، ایجاد سیستم‌های پرداخت آنی و جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین	مغنی و همکاران (۱۳۹۸)	چگونگی تأثیر گسترش فناوری‌های مالی بر بهبود عملکرد خدمات مالی
۳۸	C1, C2, C3, C4, C6	C09, C12, C20, C25, C35	هم‌ترازی استراتژیک بین تأمین کنندگان و ارائه دهندگان خدمات، اتوماسیون و تحول دیجیتال در ارائه خدمات، افزایش دسترسی به خدمات مالی برای افراد فاقد حساب بانکی، بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، بانک‌ها و شرکت‌های مالی پس از ادغام، منابع بیشتری برای ارائه تسهیلات در اختیار دارند، استفاده از هوش مصنوعی و روبات‌های مشاور مالی برای ارائه خدمات سریع‌تر، بهبود نظارت بر تراکنش‌ها از طریق فناوری‌های پیشرفته نظارتی، امکان تعامل‌پذیری بانک‌ها و شرکت‌های فین تک برای ارائه خدمات گسترده‌تر، ایجاد سیستم‌های پرداخت آنی و جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین	آقازاده و همکاران (۱۳۹۸)	مرور ادبیات مدیریت ادغام و اکتساب در صنعت خدمات مالی
۴۰	C2, C3, C5	C30, C14, C18	هم‌ترازی استراتژیک بین تأمین کنندگان و ارائه دهندگان خدمات، اتوماسیون و تحول دیجیتال در ارائه خدمات، افزایش دسترسی به خدمات مالی برای افراد فاقد حساب بانکی، بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، بانک‌ها و شرکت‌های مالی پس از ادغام، منابع بیشتری برای ارائه تسهیلات در اختیار دارند، استفاده از هوش مصنوعی و روبات‌های مشاور مالی برای ارائه خدمات سریع‌تر، بهبود نظارت بر تراکنش‌ها از طریق فناوری‌های پیشرفته نظارتی، امکان تعامل‌پذیری بانک‌ها و شرکت‌های فین تک برای ارائه خدمات گسترده‌تر، ایجاد سیستم‌های پرداخت آنی و جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین	محقر و همکاران (۱۳۹۸)	پیش‌بینی الگوی تحول فناورانه بخش خدمات مالی ایران بر مبنای رویکرد چند سطحی به گذار
۳۴	C2, C4	C23, C11	بهبود مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق الگوریتم‌های تحلیلی، بانک‌ها و شرکت‌های مالی پس از ادغام، منابع بیشتری برای ارائه تسهیلات در اختیار دارند، استفاده از هوش مصنوعی و روبات‌های مشاور مالی برای ارائه خدمات سریع‌تر، بهبود نظارت بر تراکنش‌ها از طریق فناوری‌های پیشرفته نظارتی، امکان تعامل‌پذیری بانک‌ها و شرکت‌های فین تک برای ارائه خدمات گسترده‌تر، ایجاد سیستم‌های پرداخت آنی و جایگزینی روش‌های سنتی با فناوری‌های نوین	پیرحیاتی و همکاران (۱۳۹۸)	ارائه الگوی بازاریابی اجتماعی خدمات سلامت اجتماعی

جدول ۳. مؤلفه‌های خدمات مقالات همراه با کدگذاری اولیه، کدگذاری نهایی و امتیازبندی CASP

۴۱	C1, C2, C3, C4	C06, C11, C17, C28	افراد با سواد مالی بالاتر احتمال بیشتری دارند که از خدمات مالی رسمی استفاده کنند، مشتریانی که نسبت به تهدیدات سایبری آگاه‌تر هستند، بیشتر به دنبال خدمات مالی با امنیت بالا هستند،	مرادی و همکاران (۱۳۹۷)	ویژگی‌های فردی و رفتاری بر تقاضا برای خدمات مالی
۴۰	C1, C4, C6	C06, C22, C35	بهبود دسترسی به خدمات نوآورانه، ایجاد راهکارهای جدید خدماتی بر مبنای تحلیل داده‌های رفتاری مشتریان،	میرزا حسینی و همکاران (۱۳۹۵)	تأثیر بلوغ مدیریت دانش بر استراتژی نوآوری در خدمات در ادارات ورزش و جوانان کرمان
۴۳	C2, C4, C6	C12, C22, C38	بهینه‌سازی فرآیندهای سازمانی با استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، توسعه خدمات دیجیتال مبتنی بر نیازهای خاص مشتریان از طریق تحلیل کلان‌داده،	جیا و همکاران (۲۰۲۴)	Digital servitization in digital enterprise: Leveraging digital ...
۴۶	C1, C5	C04, C05, C29	ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای فروش و خدمات پس از فروش، ایجاد مدل‌های اشتراکی برای اجاره یا استفاده از خدمات،	لی و همکاران (۲۰۲۴)	Servitization level, digital transformation, and enterprise performance of ...
۴۰	C1, C3, C4	C06, C17, C24	افزایش دسترسی به خدمات دیجیتال از طریق پلتفرم‌های آنلاین و رایانش ابری، افزایش امنیت داده‌ها و حفاظت از حریم خصوصی کاربران در خدمات دیجیتال پایدار،	چاوز و همکاران (۲۰۲۴)	Advancing sustainability through digital servitization: ...
۳۹	C1, C3, C4	C04, C20, C25	یکپارچه‌سازی خدمات چاپ سه‌بعدی با زنجیره تأمین دیجیتال برای بهبود فرآیندهای تولید،	رویز-ظفر <sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴)	Servitization of Customized 3D Assets and Performance Comparison of ...
۳۱	C3, C4, C6	C16, C26, C35	افزایش شفافیت در تعریف نقش‌های سازمانی برای بهبود تطبیق با خدمات‌دهی دیجیتال،	راجا <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۴)	Working through frame incongruences: A process ...
۳۹	C4, C5	C33, C28	افزایش همکاری بین بازیگران زنجیره تأمین برای تقویت مدل‌های خدماتی، افزایش وفاداری مشتریان،	کاستکا و همکاران (۲۰۲۴)	Pathways of development of dynamic capabilities for servitization ...:

<sup>۱</sup>. Ruiz-Zafra

<sup>۲</sup>. Raja

جدول ۳. مؤلفه‌های خدمات مقالات همراه با کدگذاری اولیه، کدگذاری نهایی و امتیازبندی CASP

۴۴	C1, C4, C5	C07, C32, C28	توسعه شبکه‌های تأمین‌کنندگان برای ارائه خدمات گسترده‌تر و متنوع‌تر، اتوماسیون تبادل داده بین تأمین‌کنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات	رویز-آلبا <sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴)	The moderating effect of supply chain collaboration ...
۴۳	C1, C2	C06, C10	بهبود دسترسی مشتریان به خدمات پس از فروش،	هیراتی و همکاران (۲۰۲۴)	Organization Architecture Configurations ...
۴۵	C1, C5	C03, C33	افزایش دانش و مهارت‌های کارکنان برای بهینه‌سازی فرآیندهای خدماتی،	البردین <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۴)	Intellectual capital-driven innovation: ....
۳۶	C3	C20, C18	توسعه خدمات نظارت از راه دور، استفاده از بلاک چین برای افزایش شفافیت و اصالت قطعات در زنجیره تأمین	هان <sup>۳</sup> (۲۰۲۳)	Servitization Process Analysis: Case Study ...
۳۹	C1, C4	C03, C24	افزایش بهره‌وری نیروی کار و بهبودی درآمدی کارگران، حمایت از شرکت‌ها با مدل‌های کسب‌وکار خدمات محور	وانگ <sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۲۳)	Effects of manufacturing input servitization on ...
۳۰	C1, C4	C04, C22, C25	ارائه خدمات دیجیتال و فروش آنلاین، شخصی‌سازی خدمات با استفاده از تحلیل داده‌های رفتاری مشتریان،	مینایا و همکاران (۲۰۲۳)	The effects of digital servitization on ...
۲۸	C2, C3	C12, C20	یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی در زنجیره تأمین برای کاهش هدر رفت منابع و افزایش بهره‌وری،	مومنی و همکاران (۲۰۲۳)	Mechanisms for developing operational capabilities in ...
۴۱	C1, C4	C25, C05, C09	تأکید بر خلق ارزش از طریق خدمات به جای صرفاً فروش محصولات، چالش‌های حقوقی و مقرراتی مربوط به ارائه خدمات در کشورهایی با قوانین متفاوت،	بیچاکچی اوغلو-پینیرجی و مورگان <sup>۵</sup> (۲۰۲۳)	International servitization: theoretical roots, research gaps and implications
۳۳	C1, C4	C06, C28, C05	به کارگیری سیستم‌های ابری خدمات، توسعه خدمات پس از فروش و نگهداری پیش‌بینی شده برای وفاداری مشتریان،	ظهور <sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۲۳)	International servitization of SMEs in emerging markets: ...

1. Ruiz-Alba

2. Buenechea-Elberdin

3. Han

4. Wang

5. Bıçakcıoğlu-Peynirci &amp; Morgan

6. Zahoor



جدول ۳. مؤلفه‌های خدمات مقالات همراه با کدگذاری اولیه، کدگذاری نهایی و امتیازبندی CASP

۴۱	C1, C2, C6	C06, C15, C35	افزایش دسترسی مشتریان به خدمات از طریق پلتفرم‌های دیجیتال و مدل‌های مبتنی بر اشتراک،	مارتین - پنا <sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۳)	The innovation antecedents behind ...
۴۶	C4, C5	C33, C25	عدم توافق در مورد تقسیم ارزش ایجاد شده از طریق خدمات بین بازیگران مختلف زنجیره تأمین،	استگهویس <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۳)	Inter-organizational tensions in servitization.
۴۷	C1, C5	C04, C33	توسعه خدمات دیجیتال برای بهینه‌سازی فرآیندهای پروژه و افزایش شفافیت،	زیغان <sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۳)	The quality of servitization in ...
۴۴	C1, C3, C4	C05, C21, C25	عدم تمرکز مدیران بر توسعه خدمات و وابستگی به فروش سنتی محصولات،	هالووا <sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹)	Independent distributors in servitization: An assessment of ..
۳۷	C1, C5	C05, C29	تغییر انتظارات مشتریان و مقاومت در برابر مدل‌های جدید خدماتی،	پالو <sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۹)	Servitization as business model contestation: A practice approach
۳۹	C4	C25, C26	روش‌های اندازه‌گیری ارزش ایجاد شده از طریق خدمات‌دهی، بهبود تجربه مشتریان	راداتس (۲۰۱۹)	Servitization: A contemporary thematic review of four ...
۴۱	C4	C24, C25, C22	کاهش وابستگی به نوسانات بازار از طریق خدمات پایدار و بلندمدت،	مارتین و همکاران (۲۰۱۹)	Servitization and digitalization in manufacturing: ...
۴۳	C1, C3, C5	C29, C21, C08	افزایش تعاملات شبکه و شکل‌گیری اکوسیستم خدمات‌محور، وابستگی زیاد به عملکرد زنجیره تأمین برای ارائه خدمات	بیگدلی <sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۸)	Network positioning and risk perception in servitization: ...
۴۵	C1, C3, C6	C04, C17, C35	استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای ارائه خدمات مالی بدون محدودیت مکانی،	باتیستا <sup>۷</sup> (۲۰۱۷)	Servitization through outcome-based ....
۳۵	C1	C06	استفاده از مکانیزم‌های تشویقی مانند امتیازدهی و پاداش برای ترغیب کاربران کم‌بضاعت به استفاده از خدمات	شی <sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۱۷)	Using gamification to transform the adoption of servitization

1. Martín-Peña

2. Stegehuis

3. Zighan

4. Huikkola

5. Palo

6. Bigdeli

7. Batista

8. Shi

جدول ۳. مؤلفه‌های خدمات مقالات همراه با کدگذاری اولیه، کدگذاری نهایی و امتیازبندی CASP

۴۱	C1, C2	C06, C13, C09	مقررات حمایتی برای تسهیل دسترسی به خدمات مالی، بهینه سازی زنجیره تأمین	اسپرینگ <sup>۱</sup> و آرو (۲۰۱۷)	Product biographies in servitization and the circular economy
۴۴	C1, C6	C09, C38	ایجاد مدل‌های مالی انعطاف‌پذیر در زنجیره تأمین برای تأمین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط،	وندل-هرو <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷)	Servitization, digitization and supply chain interdependency
۳۴	C1, C5	C09, C30	همکاری با مؤسسات مالی برای ارائه گزینه‌های اعتباری به مشتریان، همکاری با استارت‌آپ‌های فین تک برای ارائه خدمات مالی خلاقانه در بازار	پال <sup>۳</sup> (۲۰۱۶)	Extended responsibility through servitization in PSS ...
۳۹	C1, C2	C08, C10	فناوری‌های دیجیتال می‌توانند موانع ورود به بازارهای خدماتی را کاهش دهند،	راداتس (۲۰۱۶)	Motivations for servitization: the ...
۳۷	C1, C3	C08, C19	کاهش موانع ورود مشتریان جدید از طریق خدمات آنلاین، تدوین پروتکل‌های مدیریت بحران در ارائه خدمات حساس	بوستینزا و همکاران (۲۰۱۵)	Servitization and competitive advantage the Importance ...
۴۴	C4, C6	C22, C26, C38	بهره‌گیری از داده‌های تراکشی و رفتاری برای ارائه خدمات مالی شخصی سازی شده،	اوپرسنیک <sup>۴</sup> (۲۰۱۵)	The value of Big Data in servitization
۴۰	C2, C4	C12, C25	به‌کارگیری هوش مصنوعی برای مدیریت بهینه محتوا و تسریع در ارائه خدمات به مشتریان،	ویلجاکاینن و توویونن <sup>۵</sup> (۲۰۱۴)	The futures of magazine publishing: Servitization and co-creation of customer value
۳۲	C1, C2	C09, C13	هزینه‌های ارائه خدمات ایمنی و توانایی سازمان‌ها در تأمین مالی آن،	بربگال (۲۰۱۴)	Towards servitization in the management of occupational safety
۳۰	C1, C5	C08, C34	همکاری با نهادهای دولتی برای تنظیم مقررات حمایتی و کاهش هزینه‌های دسترسی،	بارنت <sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۳)	Servitization: Is a Paradigm Shift in the Business ...
۴۵	C3, C5, C6	C20, C31, C35	به‌کارگیری اینترنت اشیا برای مانیتورینگ بلادرنگ، یکپارچه سازی کانال‌های ارتباطی برای تجربه یکپارچه،	لایت فوت <sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۳)	The servitization of manufacturing A systematic ...

میزان میانگین امتیاز CASP مربوط به ۴۷ عدد از مقالات انگلیسی ۳۹ می‌باشد که نشان دهنده روایی ابزارهای

1. Spring

2. Vendrell-Herrero

3. Pal

4. Opresnik

5. Viljakainen &amp; Toivonen

6. Barnett

7. Lightfoot

پژوهش به صورت خیلی خوب (۳۱ تا ۴۰) است. امتیاز مقالات از ۲۸ تا ۴۶ متغیر بوده‌اند. به عبارتی کمترین امتیاز مقالات ۲۸ و بالاترین امتیاز ۴۶ بوده است. میانگین روایی کلیه ۵۷ منبع انگلیسی و فارسی ۳۹/۷۸ می‌باشد که نشان دهنده روایی ابزارهای پژوهش به صورت خیلی خوب (۳۱ تا ۴۰) است.

**گام پنجم:** گام پنجم در روش متاستز، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی پژوهش است. در پژوهش حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج شده، به عنوان کد در نظر گرفته می‌شود و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آن‌ها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌شوند که در جدول شماره ۴ به طور خلاصه نشان داده شده است.

جدول ۴. کدگذاری عوامل اثرگذار بر خدمات

کدگذاری	عوامل اثرگذار بر خدمات دهی	کدگذاری محوری	عوامل فرعی	کدگذاری باز
C01	دسترسی و شمول مالی	C1	گسترده‌گی و یکپارچگی خدمات دیجیتال	C01
C02		C1	افزایش قدرت رقابتی خدمات	C02
C03		C1	طراحی ساختارهای خدمات محور	C03
C04		C1	ادغام خدمات دیجیتال در فرآیند تولید	C04
C05		C1	افزایش انعطاف‌پذیری مدل‌های کسب و کار	C05
C06	سرعت و کارایی خدمات	C1	پوشش جغرافیایی و میزان دسترسی به خدمات	C06
C07		C1	افزایش تعامل بین نهادهای مالی برای دسترسی بیشتر	C07
C08		C1	کاهش هزینه‌های ورود به خدمات مالی	C08
C09		C1	توسعه مدل‌های اعتباری و تأمین مالی خدمات	C09
C10		C2	توسعه سیستم‌های پاسخگویی بلادرنگ	C10
C11		C2	کاهش زمان فرآیندهای مالی	C11
C12		C2	استفاده از هوش مصنوعی برای پردازش سریع‌تر درخواست‌ها	C12
C13	C2	دیجیتالی سازی زنجیره تأمین خدمات	C13	
C14	امنیت و مدیریت ریسک	C2	بهینه‌سازی زیرساخت‌های بانکی برای تسهیل تراکنش‌ها	C14
C15		C2	خودکارسازی فرآیندهای مالی و اعتباری	C15
C16		C3	افزایش شفافیت در تراکنش‌ها	C16
C17		C3	توسعه استانداردهای امنیت سایبری	C17
C18		C3	استفاده از بلاک چین برای حفاظت از داده‌ها	C18
C19		C3	مدیریت بحران‌های مالی و عملیاتی	C19
C20		C3	کاهش تقلب و تخلفات از طریق فناوری‌های نظارتی	C20
C21		C3	مدیریت ریسک در ارائه خدمات دیجیتال	C21
C22		C4	تحلیل داده‌های مشتریان برای ارائه خدمات متناسب	C22
C23		C4	کاهش پیچیدگی دریافت خدمات	C23
C24	خدمات	C4	توسعه مدل‌های کسب و کار مبتنی بر مصرف بهینه خدمات	C24
C25		C4	ارائه خدمات مبتنی بر ارزش	C25

جدول ۴. کدگذاری عوامل اثرگذار بر خدمات

C26	بهبود کیفیت تعامل مشتری با خدمات مالی	C4	
C27	استفاده از فناوری برای ایجاد خدمات انعطاف‌پذیر	C4	
C28	افزایش وفاداری مشتری از طریق شخصی‌سازی خدمات	C4	
C29	ایجاد اکوسیستم‌های مالی مشترک	C5	
C30	هماهنگی بین بانک‌ها و شرکت‌های فین تک	C5	
C31	یکپارچه‌سازی کانال‌های پرداخت	C5	یکپارچگی و تعامل‌پذیری
C32	تسهیل تبادل داده‌های مالی	C5	
C33	بهینه‌سازی همکاری بین نهادهای مالی و تجاری	C5	
C34	ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال برای تعامل بهتر سیستم‌ها	C5	
C35	سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو ظهور	C6	
C36	توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر خدمات دیجیتال	C6	
C37	ارائه محصولات مالی جدید با ساختارهای منعطف	C6	نوآوری و توسعه محصولات مالی
C38	استفاده از کلان‌داده برای بهینه‌سازی پیشنهاد‌های اعتباری	C6	
C39	ورود فناوری‌های جدید به صنعت مالی برای افزایش کارایی	C6	

در پژوهش‌های انجام شده اثبات این نکته که پژوهش پایایی و روایی معتبری داشته یا خیر، بسیار ضروری است. روایی پرسش‌نامه پژوهش حاضر از طریق روش آنتروپی شانون به این صورت انجام می‌شود که نتایج و یافته‌های پژوهش، جهت مطالعه و اظهار نظر، در اختیار خبرگان قرار گرفته و نظرات و اصلاحات مورد نظر ایشان اعمال خواهد شد. نمونه پژوهش حاضر، شامل ۱۲ نفر از خبرگان مسلط و دارای تجربه و دانش لازم با مباحث تخصصی حسابداری است که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند و ویژگی‌های جمعیت شناختی آنها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. مشخصات پاسخ‌دهندگان خبره

جنسیت	تحصیلات	شغل	سن	سابقه کاری
مرد	دکتری	حسابدار رسمی	۴۸	۲۰
زن	دکتری	استاد حسابداری	۴۶	۱۹
مرد	دکتری	استاد حسابداری	۵۱	۲۳
مرد	دکتری	استاد حسابداری	۴۰	۱۲
مرد	دکتری	استاد حسابداری	۴۱	۱۴
زن	دکتری	حسابدار	۳۶	۹
زن	دکتری	حسابدار	۳۴	۷
مرد	دکتری	حسابدار	۳۴	۱۰
مرد	دکتری	حسابدار	۳۷	۱۲
مرد	فوق لیسانس	حسابدار رسمی	۳۹	۱۵
مرد	دکتری	حسابدار رسمی	۴۲	۱۸
مرد	فوق لیسانس	حسابرس مالیاتی	۳۵	۹

برای تعیین میزان پایایی، مؤلفه‌های مؤثر بر خدمات‌دهی کدگذاری شده‌اند از ضریب کاپای کوهن (شاخص کاپا) استفاده شده است. با توجه به اینکه میزان ضریب کاپا از  $0/6$  بزرگ‌تر است. لذا مؤلفه‌های مدل خدمات‌دهی از پایایی لازم برخوردار است. در ادامه جدول ۶ کدگذاری دو ارزیاب برای مؤلفه‌های خدمات‌دهی ارائه شده است.

جدول ۶. کدگذاری دو ارزیاب

کدها	عوامل فرعی	کدگذار ۱	کدگذار ۲
C01	گسترده‌گی و یکپارچه‌گی خدمات دیجیتال	۱	۱
C02	افزایش قدرت رقابتی خدمات	۱	۱
C03	طراحی ساختارهای خدمات‌محور	۱	۱
C04	ادغام خدمات دیجیتال در فرآیند تولید	۱	۱
C05	افزایش انعطاف‌پذیری مدل‌های کسب‌وکار	۱	۱
C06	پوشش جغرافیایی و میزان دسترسی به خدمات	۱	۱
C07	افزایش تعامل بین نهادهای مالی برای دسترسی بیشتر	۱	۱
C08	کاهش هزینه‌های ورود به خدمات مالی	۱	۱
C09	توسعه مدل‌های اعتباری و تأمین مالی خدمات	۱	۱
C10	توسعه سیستم‌های پاسخگویی بلادرنگ	۲	۲
C11	کاهش زمان فرآیندهای مالی	۲	۲
C12	استفاده از هوش مصنوعی برای پردازش سریع‌تر درخواست‌ها	۲	۲
C13	دیجیتالی سازی زنجیره تأمین خدمات	۲	۲
C14	بهینه‌سازی زیرساخت‌های بانکی برای تسهیل تراکنش‌ها	۲	۲
C15	خودکارسازی فرآیندهای مالی و اعتباری	۲	۲
C16	افزایش شفافیت در تراکنش‌ها	۳	۳
C17	توسعه استانداردهای امنیت سایبری	۳	۳
C18	استفاده از بلاک چین برای حفاظت از داده‌ها	۳	۳
C19	مدیریت بحران‌های مالی و عملیاتی	۳	۳
C20	کاهش تقلب و تخلفات از طریق فناوری‌های نظارتی	۳	۳
C21	مدیریت ریسک در ارائه خدمات دیجیتال	۳	۳
C22	تحلیل داده‌های مشتریان برای ارائه خدمات متناسب	۴	۴
C23	کاهش پیچیدگی دریافت خدمات	۴	۴
C24	توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر مصرف بهینه خدمات	۴	۴
C25	ارائه خدمات مبتنی بر ارزش	۴	۴
C26	بهبود کیفیت تعامل مشتری با خدمات مالی	۴	۴
C27	استفاده از فناوری برای ایجاد خدمات انعطاف‌پذیر	۴	۴
C28	افزایش وفاداری مشتری از طریق شخصی سازی خدمات	۴	۴
C29	ایجاد اکوسیستم‌های مالی مشترک	۵	۵
C30	هماهنگی بین بانک‌ها و شرکت‌های فین تک	۵	۵

جدول ۶. کدگذاری دو ارزیاب

۵	۵	یکپارچه‌سازی کانال‌های پرداخت	C31
۵	۵	تسهیل تبادل داده‌های مالی	C32
۵	۵	بهینه‌سازی همکاری بین نهادهای مالی و تجاری	C33
۵	۵	ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال برای تعامل بهتر سیستم‌ها	C34
۶	۶	سرمايه‌گذاري در فناوري‌هاي نوظهور	C35
۶	۶	توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر خدمات دیجیتال	C36
۶	۶	ارائه محصولات مالی جدید با ساختارهای منعطف	C37
۶	۶	استفاده از کلان‌داده برای بهینه‌سازی پیشنهادهای اعتباری	C38
۶	۶	ورود فناوري‌هاي جديد به صنعت مالي براي افزايش کارایی	C39

**گام ششم:** در فاز کمی پژوهش، برای رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی (شناسایی شده در فاز کیفی) از روش آنتروپی شانون استفاده شده که شامل مراحل زیر بود:

- **تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری:** ماتریس تصمیم‌گیری اولیه با استفاده از داده‌های کیفی استخراج شده از ۵۷ مقاله (۱۰ مقاله فارسی و ۴۷ مقاله خارجی) و ارزیابی‌های ۱۲ خبره در حوزه خدمات مالی تشکیل شد. این ماتریس شامل ۶ عامل اصلی (C1 تا C6) و ۳۹ معیار فرعی بود.

- **محاسبه وزن‌های آنتروپی شانون:** با استفاده از فرمول‌های آنتروپی شانون مطابق با پژوهش **هسو و همکاران (۲۰۱۲)**، وزن هر عامل و معیار فرعی محاسبه شد. ابتدا، ماتریس تصمیم‌گیری نرمال‌سازی شد و سپس میزان آنتروپی (E) برای هر عامل و معیار محاسبه گردید. وزن‌های نهایی ( $W_j$ ) با استفاده از فرمول زیر به دست آمدند:

$$W_i = \frac{E_j^{-1}}{\sum_{j=1}^n E_j^{-1}}$$

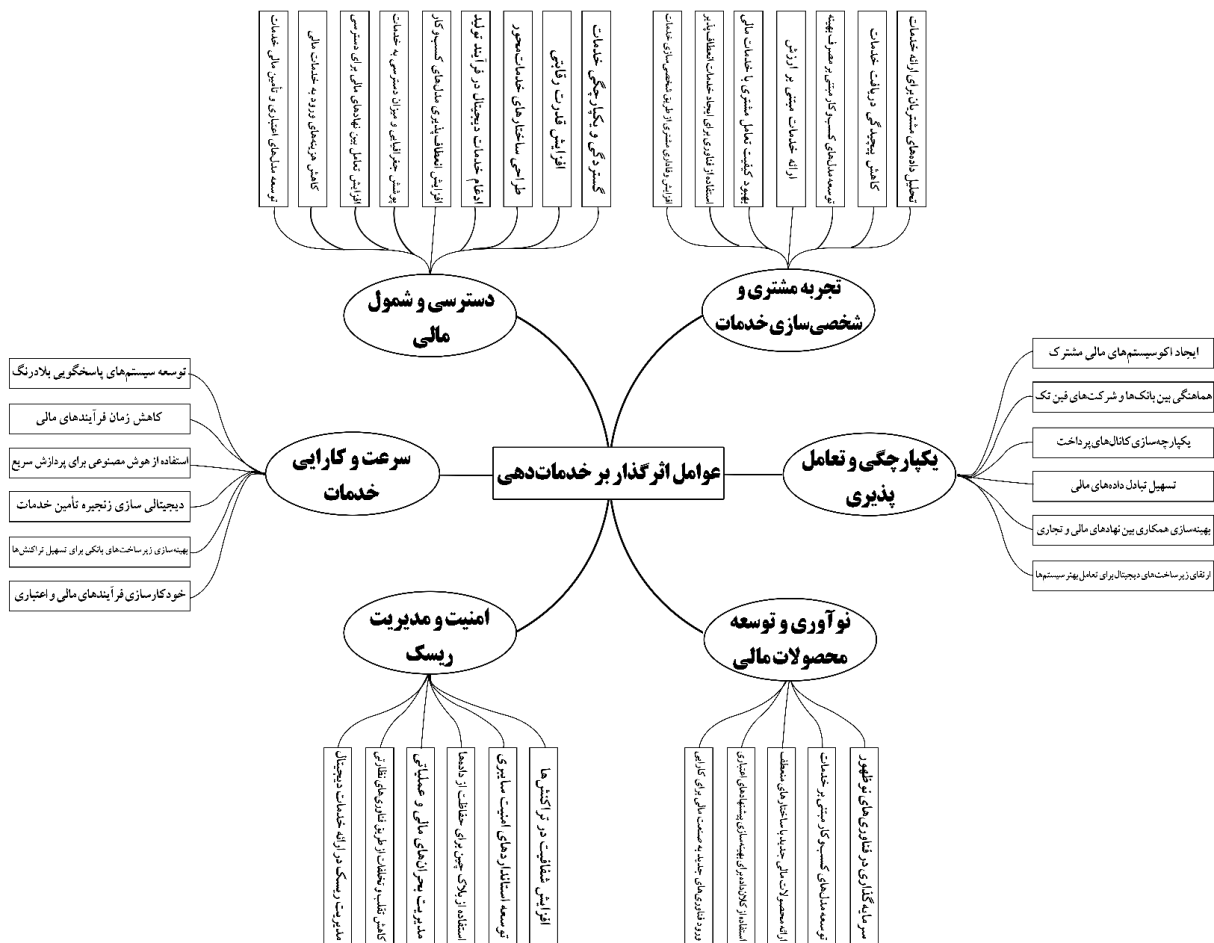
که در آن ( $W_i$ ) نشان‌دهنده وزن معیار (j)، ( $E_j^{-1}$ ) معکوس آنتروپی معیار (j) و ( $\sum_{j=1}^n E_j^{-1}$ ) مجموع معکوس آنتروپی همه معیارها است.

در آنتروپی شانون، برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های خدمات‌دهی ابتدا نظرات خبرگان در قالب اعداد ۱ تا ۲۰ برای بررسی میزان اهمیت و رتبه هر یک از عوامل پرسیده می‌شود. پاسخ‌های ۱۲ نفر از متخصصین مربوطه وارد صفحه گسترده اکسل می‌شوند، سپس پاسخ‌ها نرمال می‌شوند.

### یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های بدست آمده و در راستای پاسخ به پرسش پژوهش، در نهایت مدل مفهومی ارائه خدمات مالی بر اساس روش فراترکیب، بدست آمد که شامل ۶ عامل اصلی (C1 تا C6) و ۳۹ معیار فرعی است، که در شکل ۲ ارائه شده و عوامل اصلی آن عبارتند از: (۱) یکپارچه‌گی و تعامل‌پذیری، (۲) تجربه مشتری و شخصی‌سازی خدمات، (۳) دسترسی و شمول مالی، (۴) نوآوری و توسعه محصولات مالی، (۵) سرعت و کارایی خدمات و (۶) امنیت و مدیریت ریسک.

همچنین بر اساس یافته های پژوهش که در جدول ۷ ارائه شده، مهم ترین عامل شناسایی شده تاثیر گذار بر خدمات مالی از دیدگاه خبرگان، یکپارچگی و تعامل پذیری است که تاثیر مستقیم بر بهبود تجربه کاربری، افزایش کارایی سیستم، همچنین ادغام بخش های خدمات مالی الگوی شناسایی شده دارد. بر اساس یافته های پژوهش، تجربه مشتری و شخصی سازی خدمات نیز، از نظر رتبه بندی در الگوی خدمات مالی، در جایگاه دوم قرار گرفتند که حکایت از اهمیت تحلیل داده های مشتریان و ارائه خدمات متناسب با نیازهای آنها دارد و به رضایت مشتری نیز کمک می نماید.



شکل ۲. مدل مفهومی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی (منبع: یافته های پژوهشگر)

علاوه بر این، بر طبق یافته های پژوهش، در مدل پیشنهادی خدمات مالی که اجزای آن بر اساس دیدگاه خبرگان بدست آمده، عوامل دسترسی و شمول مالی در رتبه سوم، نوآوری و توسعه محصولات مالی در رتبه چهارم، سرعت و کارایی خدمات در رتبه پنجم و در نهایت امنیت و مدیریت ریسک در رتبه ششم از نظر تاثیر گذاری بر خدمات مالی قرار دارند.

جدول ۷. رتبه‌بندی عوامل اصلی خدمات با روش آنتروپی شانون

$W_i$	$E_{j-1}$	$E_j$	عوامل اصلی
۰/۱۶۱۳	۰/۶۹۲۳	۰/۳۰۷۷	دسترسی و شمول مالی
۰/۱۳۹۸	۰/۵۹۴۵	۰/۴۰۵۵	سرعت و کارایی خدمات
۰/۱۱۶۵	۰/۴۹۳۶	۰/۵۰۷۴	امنیت و مدیریت ریسک
۰/۱۹۸۰	۰/۸۴۸۸	۰/۱۵۱۲	تجربه مشتری و شخصی‌سازی
۰/۲۳۳۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	یکپارچگی و تعامل‌پذیری
۰/۱۵۱۴	۰/۶۴۸۱	۰/۳۵۱۹	نوآوری و توسعه محصولات مالی

همچنین علاوه بر رتبه‌بندی عوامل اصلی شناسایی شده که در جدول ۷ ارائه گردید، بر اساس یافته‌های ارائه شده در جدول ۸، رتبه‌بندی زیر عوامل هر یک از این شش عامل تاثیرگذار بر خدمات‌دهی مالی، نشان می‌دهد که ایجاد اکوسیستم‌های مالی مشترک، مهم‌ترین زیر عامل تاثیرگذار بر یکپارچگی و تعامل‌پذیری است؛ چرا که وجود اکوسیستم‌های مالی مشترک که منطبق بر پایه‌های استانداردسازی بوده و به دنبال کاهش هزینه‌ها، افزایش امنیت و تعامل‌پذیری با سایر سیستم‌ها در موسسه است، منجر به ایجاد یکپارچگی و توسعه نوآوری در نظام مالی می‌شود. علاوه بر این، هماهنگی بین بانک‌ها و شرکت‌های فین تک نیز در رتبه دوم تاثیرگذاری قرار گرفته و نشان می‌دهد که اگرچه وجود همکاری مشترک بین سیستم‌ها با سیستم خدمات مالی باعث افزایش نوآوری، سرعت خدمات و بهبود تجربه مشتری می‌شود، اما بدون وجود یک اکوسیستم مالی مشترک و استانداردهای یکپارچه، این همکاری‌ها پراکنده، محدود و کمتر تاثیرگذار خواهند بود و کیفیت خدمات مالی ارائه شده را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه شده در جدول ۸، زیر عوامل یکپارچه‌سازی کانال‌های پرداخت، تسهیل تبادل داده‌های مالی، بهینه‌سازی همکاری بین نهادهای مالی و تجاری و در نهایت ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال برای تعامل بهتر سیستم‌ها دارای اهمیت بیشتری در تاثیرگذاری بر خدمات‌دهی مالی بوده‌اند. همچنین رتبه‌بندی زیر عوامل تجربه مشتری و شخصی‌سازی بر خدمات مالی ارائه شده در جدول ۸ نشان می‌دهد که تحلیل داده‌های مشتریان برای ارائه خدمات متناسب، دارای بیشترین تاثیر بر خدمات‌دهی بوده است؛ چرا که باعث شخصی‌سازی خدمات، بهبود تجربه مشتری، کاهش هزینه‌ها همچنین پیش‌بینی دقیق نیازهای آینده می‌شود. سپس زیر عامل افزایش وفاداری مشتری از طریق شخصی‌سازی خدمات، دارای بیشترین اهمیت است، چرا که وجود چنین مولفه‌ای، تجربه‌ای منحصر به فرد و متناسب با نیازهای هر فرد ایجاد کرده و عاملی در جهت برقراری و تقویت ارتباط طولانی‌مدت با برند موسسه خواهد بود. بر طبق نتایج ارائه شده در جدول شماره ۸ که رتبه‌بندی زیر عوامل دسترسی و شمول مالی را نشان می‌دهد، گستردگی و یکپارچگی خدمات دیجیتال، مهم‌ترین زیر عاملی است که بر خدمات‌دهی مالی تاثیرگذار است. همچنین رتبه دوم تاثیرگذاری متعلق به مفهوم افزایش قدرت رقابتی خدمات مالی است که باعث تمایز از رقبای جذب بیشتر مشتریان و بهبود کیفیت خدمات می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش در جدول شماره ۸، درخصوص رتبه‌بندی زیر عوامل نوآوری و توسعه محصولات مالی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوپهور در رتبه یک قرار دارد و موجب افزایش کارایی، بهبود خدمات مالی، ایجاد



مزیت رقابتی و توسعه محصولات نوآورانه می‌شود. همچنین بر طبق یافته‌های ارائه شده در این جدول در خصوص زیر عوامل موثر بر سرعت و کارایی خدمات، توسعه سیستم‌های پاسخگویی بلادرنگ دارای بیشترین تاثیرگذاری بر خدمات مالی است و باعث بهبود کارایی، تسریع فرآیندهای مالی، ارائه راهکارهای خلاقانه و افزایش رقابت‌پذیری خدمات می‌شود. ضمن آنکه بر طبق یافته‌های ارائه شده در جدول شماره ۸، افزایش شفافیت در تراکنش‌ها دارای بیشترین تاثیر گذاری در زمینه امنیت و مدیریت ریسک خدمات مالی است. توسعه استانداردهای امنیت سایبری، استفاده از بلاک چین برای حفاظت از داده‌ها، مدیریت بحران‌های مالی و عملیاتی، کاهش تقلب و تخلفات از طریق فناوری‌های نظارتی و مدیریت ریسک در ارائه خدمات دیجیتال به ترتیب در رتبه‌های بعدی از نظر میزان تاثیر گذاری بر خدمات مالی هستند.

جدول ۸. رتبه‌بندی زیر عوامل شناسایی شده با روش آنروپی شانون

عوامل یکپارچگی و تعامل‌پذیری			
$W_i$	$E_{j-1}$	$E_j$	عوامل اصلی
۰/۱۷۰۱	-۰/۴۴۵۳	۱/۴۴۵۳	تسهیل تبادل داده‌های مالی
۰/۲۰۹۷	-۰/۵۴۸۹	۱/۵۴۸۹	هماهنگی بین بانک‌ها و شرکت‌های فین تک
۰/۲۲۰۳	-۰/۵۷۵۴	۱/۵۷۵۴	ایجاد اکوسیستم‌های مالی مشترک
۰/۱۹۵۶	-۰/۵۱۲۰	۱/۵۱۲۰	یکپارچه‌سازی کانال‌های پرداخت
۰/۱۳۰۴	-۰/۳۳۲۷	۱/۳۳۲۷	ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال برای تعامل بهتر سیستم‌ها
۰/۱۵۲۲	-۰/۳۹۸۲	۱/۳۹۸۲	بهینه‌سازی همکاری بین نهادهای مالی و تجاری
عوامل تجربه مشتری و شخصی‌سازی بر خدمات			
$W_i$	$E_{j-1}$	$E_j$	عوامل اصلی
۰/۲۰۶۹	-۰/۵۴۰۱	۱/۵۴۰۱	کاهش پیچیدگی دریافت خدمات
۰/۱۹۲۱	-۰/۵۰۱۲	۱/۵۰۱۲	توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر مصرف بهینه خدمات
۰/۱۴۴۰	-۰/۳۷۶۸	۱/۳۷۶۸	بهبود کیفیت تعامل مشتری با خدمات مالی
۰/۲۱۸۷	-۰/۵۷۰۴	۱/۵۷۰۴	تحلیل داده‌های مشتریان برای ارائه خدمات متناسب
۰/۱۶۲۱	-۰/۴۲۳۵	۱/۴۲۳۵	ارائه خدمات مبتنی بر ارزش
۰/۱۱۰۴	-۰/۲۵۰۹	۱/۲۵۰۹	افزایش وفاداری مشتری از طریق شخصی‌سازی خدمات
۰/۱۲۰۷	-۰/۳۱۲۳	۱/۳۱۲۳	استفاده از فناوری برای ایجاد خدمات انعطاف‌پذیر
عوامل دسترسی و شمول مالی			
$W_i$	$E_{j-1}$	$E_j$	عوامل اصلی
۰/۱۹۱۱	۰/۶۹۹۲	۰/۳۰۰۸	طراحی ساختارهای خدمات محور
۰/۰۸۱۲	۰/۲۴۸۸	۰/۷۵۱۲	پوشش جغرافیایی و میزان دسترسی به خدمات
۰/۲۲۲۷	۰/۸۴۹۹	۰/۱۵۰۱	افزایش قدرت رقابتی خدمات
-۰/۰۵۶۶	-۰/۱۹۷۷	۱/۲۰۲۳	توسعه مدل‌های اعتباری و تأمین مالی خدمات
۰/۱۲۰۶	۰/۳۹۹۱	۰/۶۰۰۹	افزایش انعطاف‌پذیری مدل‌های کسب‌وکار
۰/۲۵۲۱	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	گسترده‌گی و یکپارچگی خدمات دیجیتال
۰/۰۳۸۸	۰/۰۹۷۱	۰/۹۰۲۹	افزایش تعامل بین نهادهای مالی برای دسترسی بیشتر

۰/۰۰۷۰	۰/۰۴۶۵	۱/۰۵۳۵	کاهش هزینه‌های ورود به خدمات مالی
۰/۱۵۷۱	۰/۵۴۹۲	۰/۴۵۰۸	ادغام خدمات دیجیتال در فرآیند تولید
			عوامل نوآوری و توسعه محصولات مالی
<b>W<sub>i</sub></b>	<b>E<sub>j-1</sub></b>	<b>E<sub>j</sub></b>	<b>عوامل اصلی</b>
۰/۲۱۸۱	۰/۵۶۲۴	۱/۵۶۲۴	سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوظهور
۰/۲۰۸۲	۰/۵۳۶۸	۱/۵۳۶۸	توسعه مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر خدمات دیجیتال
۰/۱۹۴۷	۰/۵۰۲۱	۱/۵۰۲۱	ارائه محصولات مالی جدید با ساختارهای منعطف
۰/۱۷۰۶	۰/۴۳۹۷	۱/۴۳۹۷	استفاده از کلان‌داده برای بهینه‌سازی پیشنهادهای اعتباری
۰/۱۵۱۴	۰/۳۸۴۵	۱/۳۸۴۵	ورود فناوری‌های جدید به صنعت مالی برای افزایش کارایی
			عوامل سرعت و کارایی خدمات
<b>W<sub>i</sub></b>	<b>E<sub>j-1</sub></b>	<b>E<sub>j</sub></b>	<b>عوامل اصلی</b>
۰/۱۸۸۴	۰/۴۸۴۴	۱/۴۸۴۴	استفاده از هوش مصنوعی برای پردازش سریع‌تر درخواست‌ها
۰/۲۰۳۵	۰/۵۲۳۰	۱/۵۲۳۰	کاهش زمان فرآیندهای مالی
۰/۱۵۴۱	۰/۳۹۶۰	۱/۳۹۶۰	دیجیتالی سازی زنجیره تأمین خدمات
۰/۰۸۹۹	۰/۲۳۱۱	۱/۲۳۱۱	خودکارسازی فرآیندهای مالی و اعتباری
۰/۱۳۴۵	۰/۳۴۵۷	۱/۳۴۵۷	بهینه‌سازی زیرساخت‌های بانکی برای تسهیل تراکنش‌ها
۰/۲۲۹۶	۰/۵۹۰۲	۱/۵۹۰۲	توسعه سیستم‌های پاسخگویی بلادرنگ
			عوامل امنیت و مدیریت ریسک
<b>W<sub>i</sub></b>	<b>E<sub>j-1</sub></b>	<b>E<sub>j</sub></b>	<b>عوامل اصلی</b>
۰/۲۱۶۸	۰/۵۶۰۲	۱/۵۶۰۲	افزایش شفافیت در تراکنش‌ها
۰/۲۰۶۲	۰/۵۳۳۱	۱/۵۳۳۱	توسعه استانداردهای امنیت سایبری
۰/۱۹۲۸	۰/۴۹۸۴	۱/۴۹۸۴	استفاده از بلاک چین برای حفاظت از داده‌ها
۰/۱۶۷۰	۰/۴۳۲۰	۱/۴۳۲۰	مدیریت بحران‌های مالی و عملیاتی
۰/۱۴۹۸	۰/۳۸۷۵	۱/۳۸۷۵	کاهش تقلب و تخلفات از طریق فناوری‌های نظارتی
۰/۱۲۸۴	۰/۳۲۰۸	۱/۳۲۰۸	مدیریت ریسک در ارائه خدمات دیجیتال

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و رتبه‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر ارائه خدمات مالی در ایران با رویکرد آمیخته انجام شده است. در فاز کیفی، با استفاده از روش فراترکیب و الگوی هفت مرحله‌ای **سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)**، ۵۷ مقاله (۱۰ مقاله فارسی و ۴۷ مقاله خارجی) تحلیل شدند که در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش، منجر به شناسایی ۶ عامل اصلی (دسترسی و شمول مالی، سرعت و کارایی خدمات، امنیت و مدیریت ریسک، تجربه مشتری و شخصی‌سازی خدمات، یکپارچگی و تعامل‌پذیری، نوآوری و توسعه محصولات مالی) و ۳۹ معیار فرعی در قالب مدل مفهومی شد. در فاز کمی نیز، با استفاده از روش آنتروپی شانون، وزن و رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده محاسبه گردید که نتایج حاکی از آن است که عوامل یکپارچگی و تعامل‌پذیری با وزن ۰/۲۳۳۰ بالاترین اهمیت را در ارائه خدمات مالی دارند. این عوامل بر ضرورت ایجاد اکوسیستم‌های مالی یکپارچه و همکاری بین بانک‌ها و شرکت‌های فین‌تک

تأکید دارد، که می‌تواند زمان تراکنش‌ها را کاهش داده و تجربه‌ای یکپارچه برای مشتریان فراهم کند (کاستکا و همکاران، ۲۰۲۴). بر اساس یافته‌های پژوهش، عامل تجربه مشتری و شخصی‌سازی خدمات با وزن ۰/۱۹۸۰ در رتبه دوم قرار گرفت، که نشان‌دهنده اهمیت تحلیل داده‌های مشتریان برای ارائه خدمات متناسب و افزایش وفاداری است. این یافته با منطق خدمات محور هم‌راستا است که بر ارزش‌آفرینی مشترک تأکید دارد (تاکور، ۲۰۲۰). همچنین عامل دسترسی و شمول مالی با وزن ۰/۱۶۱۳ در رتبه سوم قرار گرفت، که بر اهمیت گسترش خدمات مالی به مناطق محروم (مانند ۲۰٪ جمعیت ایران که به خدمات مالی دسترسی کامل ندارند؛ بانک جهانی، ۲۰۲۳) دلالت دارد. عامل نوآوری و توسعه محصولات مالی با وزن ۰/۱۵۱۴ در رتبه چهارم، بر نیاز به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوپهور مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی تأکید دارد. علاوه بر این، عوامل سرعت و کارایی خدمات و امنیت و مدیریت ریسک به ترتیب با وزن‌های ۰/۱۳۹۸ و ۰/۱۱۶۵ در رتبه‌های پنجم و ششم قرار گرفتند، که نشان‌دهنده ضرورت بهبود زیرساخت‌های دیجیتال و تقویت استانداردهای امنیتی برای کاهش ریسک‌های مالی است.

یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین نظیر مطالعه فرامرز و همکاران (۲۰۲۳) که بر نوآوری و تجربه مشتری تمرکز داشت، دارای همخوانی است، همچنین از آنجا که این پژوهش با استفاده از آنتروپی شانون، اهمیت نسبی عوامل را مشخص کرد و یکپارچگی را به‌عنوان مهم‌ترین عامل معرفی کرد، با یافته‌های کاستکا و همکاران (۲۰۲۴) در مورد اکوسیستم‌های دیجیتال هم‌راستا است. بر این اساس با توجه به یافته‌های پژوهش یکپارچگی و تعامل‌پذیری به دلیل وزن بالا، مهم‌ترین عامل در بهبود خدمات مالی است. به نهادهای مالی پیشنهاد می‌شود که بر ایجاد پلتفرم‌های یکپارچه، مانند سیستم‌های پرداخت آنی، تمرکز کنند تا کارایی خدمات افزایش یابد. همچنین از آنجا که طبق یافته‌های این پژوهش، تجربه مشتری و شخصی‌سازی خدمات، نقش کلیدی در جلب رضایت و وفاداری مشتریان به ویژه از طریق تحلیل کلان داده دارد، لذا به منظور برای ارائه خدمات متناسب همچنین دسترسی و شمول مالی در مناطق محروم به مدیران پیشنهاد می‌شود بر گسترش خدمات از طریق اپلیکیشن‌های موبایلی و فین‌تک‌ها اهتمام ورزند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان داد که نوآوری و توسعه محصولات مالی از جمله عوامل مهم در بهبود خدمات مالی است. به نهادهای مالی پیشنهاد می‌شود زمینه جذب سرمایه‌گذاران در جهت سرمایه‌گذاری در پلتفرم‌های یکپارچه و تعامل‌پذیر، نظیر سیستم‌های پرداخت آنی را فراهم نمایند تا بتوانند ضمن کاهش زمان تراکنش‌ها، باعث بهبود تجربه مشتریان گردند. در نهایت، از آنجا که بر اساس یافته‌های این پژوهش، تقویت استانداردهای امنیت سایبری، از جمله پیاده‌سازی چارچوب‌هایی نظیر ISO 2700، برای افزایش اعتماد مشتریان و کاهش ریسک‌های مالی ضروری است، لذا به نهادهای مالی پیشنهاد می‌شود با فراهم نمودن زمینه، بستر و زیرساخت اجرای هماهنگ این اقدامات، در جهت تخصیص بهینه منابع، ارتقای رقابت‌پذیری و تثبیت جایگاهشان در بازارهای داخلی و بین‌المللی نقش آفرینی نمایند. در انتها باید یادآور شد که با توجه به روش پیمایش و استفاده از پرسشنامه، این پژوهش با محدودیت‌هایی همچون عدم همکاری پاسخگویان جهت جمع‌آوری پرسشنامه‌های نهایی به تعداد مورد نیاز برای تحلیل آماری روبرو بوده است.

#### فهرست منابع

آقازاده، هاشم، حیدری، علی، دهقان دهنوی، محمد علی، و ابوالملوکی، حسن (۱۳۹۸). ارائه چارچوب جامع مدیریت

ادغام و اکتساب در صنعت خدمات مالی (مرور نظام‌مند ادبیات). *فرایند مدیریت و توسعه*، ۳۲(۳)، ۱۳۸-۱۰۵. doi: 10.29252/jmdp.32.3.105

پیرحیاتی، علیرضا، وظیفه دوست، حسین، جعفری، پژمان، و سیف، اصغر (۱۳۹۸). ارائه الگوی بازاریابی اجتماعی خدمات سلامت اجتماعی. *مدیریت بهداشت و درمان (نظام سلامت)*، ۱۰(۴)، ۶۷-۷۷. <https://sanad.iau.ir/Journal/jhm/Article/806333/FullText>

جعفری نیا، سعید، خیراندیش، مهدی، حسن پور، اکبر، و صیدایی، سید رسول (۱۴۰۰). الگوی ماهیت‌شناختی سرمایه انسانی در صنعت خدمات؛ کاربرد رویکرد کیفی. *مدیریت نوآوری در سازمان های دفاعی*، ۴(۳)، ۲۵-۴۶. doi: 10.22034/qjimdo.2021.295868.1432

جلیل، رضا، اصغری زاده، عزت اله، و کاظمی، عالی (۱۴۰۰). الگوی هماهنگ‌سازی زنجیره تأمین خدمات. *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱۲(۴۷)، ۶۳-۷۸. doi: 20.1001.1.22286853.1400.12.47.7.5

دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۹۸). *روش تحقیق کمی و کیفی در حسابداری، تهران، انتشارات عدالت نوین.*

سلیمانیان، محدثه، و بنی طالبی دهکردی، بهاره (۱۴۰۲). نقش نوآوری دیجیتال در بازارهای مالی از منظر دانش و ارائه الگوی پیشنهادی. *پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری*، ۴(۱)، ۸۲-۵۵. doi: 10.30495/afi.2023.1976962.1185

محقر، علی، ثقفی، فاطمه، مختارزاده، نیما، و آزادگان‌مهر، ماندان (۱۳۹۸). پیش‌بینی الگوی تحول فناورانه در بخش خدمات مالی ایران بر مبنای رویکرد چندسطحی به گذار. *سیاست علم و فناوری*، ۱۲(۴)، ۷۷-۹۸. doi: jstp.2020.11.4.1066

محقق نژاد، موسی الرضا، نصیری پور، امیر اشکان، زابلی، روح اله، و دامغانیان، حسین (۱۴۰۰). الگوی عوامل مؤثر بر زنجیره تأمین خدمات بیمارستانی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۸(۶)، ۹۵۹-۹۶۹. [https://jsums.medsab.ac.ir/article\\_1358.html](https://jsums.medsab.ac.ir/article_1358.html)

مرادی، مهدی، امین زادگان، سعیده، مرندی، زکیه (۱۳۹۷). نقش ویژگی‌های فردی و رفتاری بر تقاضا برای خدمات مالی. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۷(۲۵)، ۱۶۴-۱۴۹. <https://srb.sanad.iau.ir/fa/Article/844099?FullText=FullText>

مغنی، حیدر، ناصحی فر، وحید، و ناطق، تهمینه (۱۳۹۸). چگونگی تأثیر گسترش فناوری‌های مالی بر بهبود عملکرد خدمات مالی. *اقتصاد مالی*، ۱۳(۴۹)، ۱۸۳-۲۱۲. doi: 20.1001.1.25383833.1398.13.49.6.3

میرزاحسینی، ماشاءالله، تدین، مهدی، و حقانی، اعظم (۱۳۹۵). بررسی تأثیر بلوغ مدیریت دانش بر استراتژی نوآوری در خدمات در ادارات ورزش و جوانان استان کرمان. *اولین همایش ملی تحولات علوم ورزشی در حوزه سلامت، پیشگیری و قهرمانی، قزوین*. <https://civilica.com/doc/556321>

نوتی زهی، عارف، باقری، مهدی، و محبی، سراج الدین محبی (۱۴۰۰). طراحی الگوی نظام جبران خدمات کارکنان و مدیران. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۵(ویژه نامه)، ۲۹۸-۳۱۱. [https://www.islamiilife.com/article\\_188009.html](https://www.islamiilife.com/article_188009.html)

Aghazade H., Heidari A., Dehghan Dehnavi M. A., & Abolmolouki H. (2019). Presenting a comprehensive framework for integration and acquisition management in the financial services

- Industry. *Management and Development Proces*, 32(3), 105-138. doi: [10.29252/jmdp.32.3.105](https://doi.org/10.29252/jmdp.32.3.105) [in Persian]
- Ambroise, L., Prim-Allaz, I., & Teyssier, C. (2018). Financial performance of servitized manufacturing firms: A configuration issue between servitization strategies and customer-oriented organizational design. *Industrial Marketing Management*, 71, 54-68. doi: [10.1016/j.indmarman.2017.11.007](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2017.11.007)
- Ayala, N. F., Gerstlberger, W., & Frank, A. G. (2019). Managing servitization in product companies: the moderating role of service suppliers. *International Journal of Operations & Production Management*, 39(1), 43-74. doi: [10.1108/IJOPM-08-2017-0484](https://doi.org/10.1108/IJOPM-08-2017-0484)
- Batista, L., Davis-Poynter, S., Ng, I., Maull, R. (2017). Servitization through outcome-based contract – A systems perspective from the defence industry. *International Journal of Production Economics*, 192(C), 133-143. <https://ideas.repec.org/a/eee/proeco/v192y2017icp133-143.html>
- Baines, T., Ziaee Bigdeli, A., Bustinza, O. F., Shi, V. G., Baldwin, J., & Ridgway, K. (2017). Servitization: revisiting the state-of-the-art and research priorities. *International Journal of Operations & Production Management*, 37(2), 256-278. doi: [10.1108/IJOPM-06-2015-0312](https://doi.org/10.1108/IJOPM-06-2015-0312)
- Barnett, N. J., Parry, G., Saad, M., Newnes, L., & Goh, Y. M. (2013). Servitization-Complex engineering service availability: Is a paradigm shift in the business model and service enterprise required?. *Strategic Change*, 22(3-4). <https://uwe-repository.worktribe.com/index.php/preview/932227/StrChg1%20submitted.pdf>
- Bıçakcıoğlu-Peynirci, N., & Morgan, R. E. (2023). International servitization: theoretical roots, research gaps and implications. *International Marketing Review*, 40(2), 338-364. doi: [10.1108/IMR-07-2020-0140](https://doi.org/10.1108/IMR-07-2020-0140)
- Buenechea-Elberdin, M., Sáenz, J., & Kianto, A. (2024). Intellectual capital-driven innovation: the influence of servitization degree. *R&D Management*, 54(4), 818-832. doi: [10.1111/radm.12576](https://doi.org/10.1111/radm.12576)
- Bustinza, O. F., Vendrell-Herrero, F., Gomes, E., Lafuente, E., Opazo-Basáez, M., Rabetino, R., & Vaillant, Y. (2018). Product-service innovation and performance: unveiling the complexities. *International journal of business environment*, 10(2), 95-111. doi: [10.1504/IJBE.2018.095819](https://doi.org/10.1504/IJBE.2018.095819)
- Castka, P., Donovan, J., & Sousa, R. (2024). Pathways of development of dynamic capabilities for servitization transformation: A longitudinal multi-case study. *Industrial Marketing Management*, 116, 66-81. doi: [10.1016/j.indmarman.2023.11.010](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2023.11.010)
- Chávez, C. A. G., Brynolf, S., Despeisse, M., Johansson, B., Rönnbäck, A. Ö., Rösler, J., & Stahre, J. (2024). Advancing sustainability through digital servitization: An exploratory study in the maritime shipping industry. *Journal of Cleaner Production*, 436, 140401. doi: [10.1016/j.jclepro.2023.140401](https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2023.140401)
- Crowley, E., Burton, J., & Zolkiewski, J. (2018). Servitization intent as a factor in the servitization process. *Journal of Business & Industrial Marketing*, 33(8), 1125-1140. doi: [10.1108/JBIM-08-2016-0199](https://doi.org/10.1108/JBIM-08-2016-0199)
- Dalenogare, L. S., Le Dain, M.-A., Benitez, G. B., Ayala, N. F., & Frank, A. G. (2022). Multichannel digital service delivery and service ecosystems: The role of data integration within Smart Product-Service Systems. *Technological Forecasting and Social Change*, 183, 121894. doi: [10.1016/j.techfore.2022.121894](https://doi.org/10.1016/j.techfore.2022.121894)
- Demirgüç-Kunt, A., Klapper, L., Singer, D., & Ansar, S. (2022). *The Global Findex Database 2021: Financial inclusion, digital payments, and resilience in the age of COVID-19*. World Bank Publications. <https://www.worldbank.org/en/publication/globalindex>
- Dianati Deilami, Z. (2019). *Quantitative and Qualitative Research Methods in Accounting*, Tehran, Adalat. [in Persian]
- Famarzi, A., Worm, S., & Ulaga, W. (2024). Service strategy's effect on firm performance: A meta-analysis of the servitization literature. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 52(4), 1018-1044. doi: [10.1007/s11747-023-00971-1](https://doi.org/10.1007/s11747-023-00971-1)

- Fliess, S., & Lexutt, E. (2019). How to be successful with servitization—Guidelines for research and management. *Industrial Marketing Management*, 78, 58-75. doi: [10.1016/j.indmarman.2017.11.012](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2017.11.012)
- Grandinetti, R., Vincenzo Ciasullo, M., Paiola, M., Schiavone, F. (2020). Fourth industrial revolution, digital servitization and relationship quality in Italian B2B manufacturing firms. An exploratory study. *The TQM Journal*, 32 (4), 647–671. doi: [10.1108/TQM-01-2020-0006](https://doi.org/10.1108/TQM-01-2020-0006)
- Han, J. (2023). Servitization Process Analysis: A Case Study of Automotive Headrest Manufacturing. *Sustainability*, 15(20), 15005. doi: [10.3390/su152015005](https://doi.org/10.3390/su152015005)
- Heirati, N., Leischnig, A., & Henneberg, S. C. (2024). Organization architecture configurations for successful servitization. *Journal of Service Research*, 27(3), 307-326. doi: [10.1177/10946705231180368](https://doi.org/10.1177/10946705231180368)
- Hsu, C.-H., Wang, F.-K., & Tzeng, G.-H. (2012). The best vendor selection for conducting the recycled material based on a hybrid MCDM model combining DANP with VIKOR. *Resources, Conservation and Recycling*, 66, 95–111. doi: [10.1016/j.resconrec.2012.05.015](https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2012.05.015)
- Huikkola, T., Rabetino, R., Kohtamäki, M., & Gebauer, H. (2020). Firm boundaries in servitization: Interplay and repositioning practices. *Industrial Marketing Management*, 90, 90-105. doi: [10.1016/j.indmarman.2020.06.014](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2020.06.014)
- Jafarinia, S., Kheirandish, M., hasanpour, A., & Seidaei, S. R. (2021). The naturalistic model of human capital in the service industry with a qualitative approach. *Innovation Management in Defensive Organizations*, 4(3), 25-46. <https://doi.org/10.22034/qjimdo.2021.295868.1432> [In Persian]
- Jalil, R., Asgharizadeh, E., & Kazemi, A. (2021). A service supply chain synchronization model. *Journal of Strategic Management Studies*, 12(47), 63-78. doi: [20.1001.1.22286853.1400.12.47.7.5](https://doi.org/20.1001.1.22286853.1400.12.47.7.5) [In Persian]
- Jia, Y., Cui, L., Su, J., Wu, L., Akter, S., & Kumar, A. (2024). Digital servitization in digital enterprise: Leveraging digital platform capabilities to unlock data value. *International Journal of Production Economics*, 278, 109434. doi: [10.1016/j.ijpe.2024.109434](https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2024.109434)
- Kastalli, V., & Van Looy, B. (2013). Servitization: Disentangling the Impact of Service Business Model Innovation on Manufacturing Firm Performance. *Journal of Operations Management* 31(4): 169-180. [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2407380](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2407380)
- Kowalkowski, C., Gebauer, H., Kamp, B., & Parry, B. (2017). Servitization and deservitization: overview, concepts, and definitions. *Industrial Marketing Management*. 60. doi: [10.1016/j.indmarman.2016.12.007](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2016.12.007)
- Kohtamäki, M., Einola, S., & Rabetino, R. (2020). Exploring servitization through the paradox lens: Coping practices in servitization. *International Journal of Production Economics*, 226, 107619. doi: [10.1016/j.ijpe.2020.107619](https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2020.107619)
- Li, H., Bing Lu, L., & Yang, S. (2024). Servitization level, digital transformation, and enterprise performance of sporting goods manufacturing enterprises in China. *Heliyon*, 10(13). doi: [10.1016/j.heliyon.2024.e33520](https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e33520)
- Lightfoot, H., Clegg, B., MacBryde, J., Dey, P., Baines, T., Smart, P. (2013). The servitization of manufacturing: A systematic literature review of interdependent trends. *International Journal of Operations & Production Management*. 33 (11-12): 1408–1434. doi: [10.1108/IJOPM-07-2010-0196](https://doi.org/10.1108/IJOPM-07-2010-0196)
- Marcon, A., Luis Duarte Ribeiro, J., Maria Dangelico, R., Fleith de Medeiros, J., Marcon, E. (2022). Exploring green product attributes and their effect on consumer behaviour: A systematic review. *Sustainable Production and Consumption*, 32, 76-91. doi: [10.1016/j.spc.2022.04.012](https://doi.org/10.1016/j.spc.2022.04.012)
- Martín-Peña, M. L., Sánchez-López, J. M., Kamp, B., & Giménez-Fernández, E. M. (2023). The innovation antecedents behind the servitization–performance relationship. *R&D Management*, 53(3), 459-480. doi: [10.1111/radm.12586](https://doi.org/10.1111/radm.12586)

- Minaya, P. E., Avella, L., & Trespalacios, J. A. (2023). The effects of digital servitization on business competitiveness: A case study of Spanish manufacturers. *Journal of International Entrepreneurship*, 21(2), 180-213. doi: [10.1007/s10843-023-00333-6](https://doi.org/10.1007/s10843-023-00333-6)
- Mirzahosseini, M., Tadayin, M., & Haqqani, A., (2016), Studying the impact of knowledge management maturity on innovation strategy in services in sports and youth departments of Kerman province. *First National Conference on Sports Science Developments in the Field of Health, Prevention and Championship*, Qazvin. <https://civilica.com/doc/556321> [in Persian]
- Moghanni, H., Nasehifar, V., Nategh, T. (2019). How the expansion of financial technologies affects the improvement of financial services performance. *Financial Economics*, 13(49), 183-212. doi: [20.1001.1.25383833.1398.13.49.6.3](https://doi.org/20.1001.1.25383833.1398.13.49.6.3) [In Persian]
- Mohaghar, A, Saghafi, F., Mokhtarzade, N. & Azadegan-Mehr, M. (2019). Anticipating technological transition path in Iran's financial sector based on multilevel perspective. *Journal of Science and Technology Policy*, 12(4), 77-98. doi: [jstp.2020.11.4.1066](https://doi.org/10.1007/978-3-319-91066-1_4) [In Persian]
- Mohagheghnejad, M., Nasiripour, A. A., Zaboli, R., & Damghanian, H. (2022). model of factors affecting hospital services supply chain. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 28(6), 959-969. [https://jsums.medsab.ac.ir/article\\_1358.html](https://jsums.medsab.ac.ir/article_1358.html) [In Persian]
- Momeni, K., Raddats, C., & Martinsuo, M. (2023). Mechanisms for developing operational capabilities in digital servitization. *International Journal of Operations & Production Management*, 43(13), 101-127. doi: [10.1108/IJOPM-04-2022-0259](https://doi.org/10.1108/IJOPM-04-2022-0259)
- Moradi, M., Aminzadegan, S., & Marandi, Z. (2018). The role of individual and behavioral characteristics on demand for financial services. *Journal of Investment Knowledge*, 7(25), 149-164. <https://srb.sanad.iau.ir/fa/Article/844099?FullText=FullText> [In Persian]
- Münch, C., Marx, E., Benz, L., Hartmann, E., & Matzner, M.(2022). Capabilities of digital servitization: Evidence from the socio-technical systems theory. *Technological Forecasting and Social Change*, 176, 121361. doi: [10.1016/j.techfore.2021.121361](https://doi.org/10.1016/j.techfore.2021.121361)
- Noti Zahi, A., Bagheri, M., & Mohebi, S. (2021). Designing a compensation system model for municipal employees and managers (case study: Zahedan Municipality). *Islamic lifestyle with a focus on health*, 5(12), 298-311. [https://www.islamiilife.com/article\\_188009.html](https://www.islamiilife.com/article_188009.html) [In Persian]
- Paiola, M., Agostini, L., Grandinetti, R., & Nosella, A. (2022). The process of business model innovation driven by IoT: Exploring the case of incumbent SMEs. *Industrial Marketing Management*, 103, 30-46. doi: [10.1016/j.indmarman.2022.03.006](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2022.03.006)
- Opresnik, D., Taisch, M, (2015). The value of Big Data in servitization, *International Journal of Production Economics*.165(C), 174-184. doi: [10.1016/j.ijpe.2014.12.036](https://doi.org/10.1016/j.ijpe.2014.12.036)
- Pal, R. (2016). Extended responsibility through servitization in PSS: An exploratory study of used-clothing sector. *Journal of Fashion Marketing and Management*. 20 (4): 453–470. doi: [10.1108/JFMM-12-2015-0100](https://doi.org/10.1108/JFMM-12-2015-0100)
- Palo, T., Åkesson, M., Löfberg, N. (2019). Servitization as business model contestation: A practice approach, *Journal of Business Research*, 104, 486-496. doi: [10.1016/j.jbusres.2018.10.037](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.10.037).
- Pirhayati, A.R., Vazifedust, H., JAFARI, P., & Seyfe, A. (2020). Providing a Social Marketing Model for Social Health Services. *Journal of Healthcare Management (Journal of Health System)*, 10(4), 67-77. <https://sanad.iau.ir/Journal/jhm/Article/806333/FullText> [In Persian]
- Raddats, C., Kowalkowski, C., Benedettini, O., Burton, J., & Gebauer, H. (2019). Servitization: A contemporary thematic review of four major research streams. *Industrial Marketing Management*, 83, 207-223. doi: [10.1016/j.indmarman.2019.03.015](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2019.03.015)
- Raja, J. Z., Neufang, I. F., Frandsen, T., & Gölgeci, I. (2024). Working through frame incongruences: A process perspective on(re) framing for digital servitization. *Technovation*, 129, 102891. doi: [10.1016/j.technovation.2023.102891](https://doi.org/10.1016/j.technovation.2023.102891)







- Ruiz-Alba, J. L., Soares, A., & Rodríguez-Molina, M. A. (2023). The moderating effect of supply chain collaboration on servitization. *Journal of Business & Industrial Marketing*, 39(4), 822-831. doi: [10.1108/JBIM-07-2022-0335](https://doi.org/10.1108/JBIM-07-2022-0335)
- Ruiz-Zafra, A., Pigueiras-del-Real, J., Noguera, M., Chung, L., Barres, D. G., & Benghazi, K. (2023). Servitization of Customized 3D Assets and Performance Comparison of Services and Microservices Implementations. *IEEE Transactions on Services Computing*, 17(1), 194-208. doi: [10.1109/TSC.2023.3339991](https://doi.org/10.1109/TSC.2023.3339991)
- Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings. *Research in Nursing & Health*, 30(1), 99-111. doi: [10.1002/nur.20176](https://doi.org/10.1002/nur.20176)
- Shi, V., Baines, T., Baldwin, J., Ridgway, K., Petridis, P., Ziaee Bigdeli, A., Uren, V., Andrews, D. (2017). Using gamification to transform the adoption of servitization, *Industrial Marketing Management*, 63, 82-91. doi: [10.1016/j.indmarman.2016.12.005](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2016.12.005).
- Sklyar, A., Kowalkowski, C., Tronvoll, B., & Sörhammar, D. (2019). Organizing for digital servitization: A service ecosystem perspective. *Journal of business research*, 104, 450-460. doi: [10.1016/j.jbusres.2019.02.012](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.02.012)
- Soleymanian, M., & Banitalebi Dehkordi, B.(2022). The role of digital innovation in financial markets from the perspective of knowledge and presentation of the proposed model. *Advances in Finance and Investment*, 4(1), 55-82. doi: [10.30495/afi.2023.1976962.1185](https://doi.org/10.30495/afi.2023.1976962.1185) [in Persian]
- Spring, M., Araujo, L. (2017). Product biographies in servitization and the circular economy, *Industrial Marketing Management*, 60, 126-137. doi: [10.1016/j.indmarman.2016.07.001](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2016.07.001)
- Stegehuis, X., von Raesfeld, A., & Nieuwenhuis, L. (2023). Inter-organizational tensions in servitization: A dialectic process model. *Industrial Marketing Management*, 109, 204-220. doi: [j.indmarman.2023.01.004](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2023.01.004)
- Tian, J., Coreynen, W., Matthyssens, P., & Shen, L. (2022). Platform-based servitization and business model adaptation by established manufacturers. *Technovation*, 118, 102222. doi: [10.1016/j.technovation.2021.102222](https://doi.org/10.1016/j.technovation.2021.102222)
- Viljakainen, A., Toivonen, M. (2014). The futures of magazine publishing: Servitization and co creation of customer value, *Futures*, 64, 19-28. doi: [10.1016/j.futures.2014.10.004](https://doi.org/10.1016/j.futures.2014.10.004)
- Thakur, N. (2020). The differences between Data Science, Artificial Intelligence, Machine Learning, and Deep Learning. *Artificial Intelligence in Plain English*. <https://medium.com/ai-in-plain-english/data-science-vs-artificial-intelligence-vs-machine-learning-vs-deep-learning-50d3718d51e5>.
- Vendrell-Herrero, F., Bustinza, O., Parry, G., Georgantzis, N. (2017). Servitization, digitization and supply chain interdependency, *Industrial Marketing Management*, Volume 60, Pages 69-81. doi: [10.1016/j.indmarman.2016.06.013](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2016.06.013)
- Vargo, S.L. and Lusch, R.F. (2016) Institutions and Axioms: An extension and update of service-dominant logic. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 44, 5-23. doi: [10.1007/s11747-015-0456-3](https://doi.org/10.1007/s11747-015-0456-3)
- Wang, H., Guo, Q., & Kuang, X. (2023). Effects of manufacturing input servitization on labor income share and income distribution. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1-12. doi:[10.1057/s41599-023-02101-2](https://doi.org/10.1057/s41599-023-02101-2)
- Zahoor, N., Christofi, M., & Nwoba, A. C. (2023). International servitization of SMEs in emerging markets: antecedents and boundary conditions. *International Marketing Review*, 40(4), 693-717. doi: [10.1108/IMR-10-2021-0319](https://doi.org/10.1108/IMR-10-2021-0319)
- Zighan, S., Bamford, D., Reid, I., & El-Qasem, A. (2023). The quality of servitization in project-oriented organizations. *International Journal of Quality & Reliability Management*, 40(9), 2144-2165. doi: [10.1108/IJQRM-02-2022-0055](https://doi.org/10.1108/IJQRM-02-2022-0055)



---

### Table of Contents

---

<input type="checkbox"/> The moderating role of company life cycle on the relationship between readability of audit reports and readability of financial statements Ali Sardar Antiquechi, Alireza Mehrazeen, Amir Shams & Zahra Noori Tupkanloo		1-23
<input type="checkbox"/> The role of environmental, social, and governance indicators in sustainable profitability growth Yones Amjadian & Seyed Abbas Borhani		24-48
<input type="checkbox"/> Developing a causal model of barriers to the advancement of sustainability accounting and financial reporting: a thematic analysis and DEMATEL approach Mona Talaei, Abbasali Pour Aghajan & Rasool Masoumi		49-76
<input type="checkbox"/> Investigating the impact of professional skepticism and mental exhaustion on the judgment of auditors working in audit firms in Iraq Susan Miri Mahlol, Rahman Saedi, Adel Sobhi Abdulqader & Meysam Arabzadeh		77-95
<input type="checkbox"/> Investigating the relationship between CEOs narcissism and the occurrence of ESG misconduct, considering the impact of managerial power and environmental uncertainty resulting from industry dynamics Anahita Zandi		96-125
<input type="checkbox"/> Identifying and ranking key factors affecting the provision of financial services Reza Shamgani & Bahareh Banitalebi Dehkordi		126-155

---

# *In the name of God*



Islamic Azad University  
Safashahr Branch

*Journal of Accounting & Financial Transparency*  
*Issue 2, Vol 3, Summer 2025*



**Publisher:** Islamic Azad University, Safashahr Branch  
**Director-in-Charge:** Mehdi Sarikhani (Ph.D.)  
**Editor-in-Chief:** Rezvan Hejazi (Ph.D.)  
**Executive Manager:** Rouhollah Nozari (Ph.D.)  
**Executive Director:** Fatemeh Karimi

## **Editorial Board:**

### **Seyed Hossein Abtahi**

Professor of Management, Safashahr Branch, Islamic Azad University

### **Daruosh Foroughi**

Professor of Accounting, University of Isfahan

### **Zohreh Hajiha**

Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University

### **Seyed Abbas Hashemi**

Associate Professor of Accounting, University of Isfahan

### **Saeid Homayoun**

Department of Accounting, Associate Professor, University of Gävle, Sweden

### **Mehdi Kheirandish**

Professor of Management, Shahid Sattari Air University

### **Mohammad Hossein Setayesh**

Professor of Accounting, Shiraz University

### **Rini Rini**

Department of Accounting, UIN Syarif Hidayatullah Jakarta, Indonesia

### **Ali Saeedi**

Associate Professor of Accounting, University of Minnesota, USA

### **Hashem Valipour**

Associate Professor of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University

### **GholamReza Zandi**

Associate Professor of Accounting, University of Kuala Lumpur (UniKL), Malaysia

Address: Vahdat Blvd., Safashahr, Fars, Iran. Postal Code:7396166561

Phone: +98 (71) 44451936

Fax: +98 (71) 44451939

Website: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/aft>



Islamic Azad University  
Safashahr Branch

Journal

of

# Accounting & Financial Transparency

e-ISSN: 2981-2453

Volume 3/ Issue 2/ Summer 2025/ Serial Number 8

- The moderating role of company life cycle on the relationship between readability of audit reports and readability of financial statements 1-23  
Ali Sardar Antiquechi, Alireza Mehrazeen, Amir Shams & Zahra Noori Tupkanloo
- The role of environmental, social, and governance indicators in sustainable profitability growth 24-48  
Yones Amjadian & Seyed Abbas Borhani
- Developing a causal model of barriers to the advancement of sustainability accounting and financial reporting: a thematic analysis and DEMATEL approach 49-76  
Mona Talaei, Abbasali Pour Aghajan & Rasool Masoumi
- Investigating the impact of professional skepticism and mental exhaustion on the judgment of auditors working in audit firms in Iraq 77-95  
Susan Miri Mahlol, Rahman Saedi, Adel Sobhi Abdulqader & Meysam Arabzadeh
- Investigating the relationship between CEOs narcissism and the occurrence of ESG misconduct, considering the impact of managerial power and environmental uncertainty resulting from industry dynamics 96-125  
Anahita Zandi
- Identifying and ranking key factors affecting the provision of financial services 126-155  
Reza Shamgani & Bahareh Banitalebi Dehkordi

